

خود آموز ترکی استانبولی بفارسی

ترجمه معصومه صفرعلی زاده



انتشارات ذاکری

نام کتاب	: خودآموز ترکی استانبولی
مترجم	: معصومه صفرعلی زاده
حروفچینی	: مشیری
لیتوگرافی	: تصویر
چاپ	: گلشن
چاپ دوم	: زمستان ۱۳۷۰
تیراز	: ۳۰۰۰ جلد
ناشر	: انتشارات ذاکری - خیابان امام
	: ارومیه - تلفن ۳۶۰۰۷ - ۲۷۵۶۵۲

حق چاپ محفوظ

فهرست

صفحه	
۶	مقدمه
۷	الفبای ترکی
۱۸	درس اول - خواندن و نوشتن مکالمات
۲۴	درس دوم - رستوران - مکالمات
۳۰	درس سوم گردش در شهر و مکالمات
۳۶	درس چهارم در خرید فروش، کلمه و سیلاب و جمع و مفرد کلمات - تمرینات
	درس پنجم - ترکی یاد می‌گیرم - اعداد - مکالمات - کلمه و سیلاب - حروف
۴۲	صدا دار و بی صدا تمرینات
۴۹	درس ششم - علاقه وطن - مکالمات - حروف با صدا و بی صدا - هماهنگی صداها
۵۵	درس هفتم - برای تحصیل - مکالمات - فعل - علامت مصدر - تمرینات
۶۰	درس هشتم - کره زمین - مکالمات - جمله - تمرینات
۶۴	درس نهم - آب و هوا - مکالمات - تمرینات جمله - همصدائی - علامت مصدر
	درس دهم یک صبح - اعداد - مکالمات - مفهوم زمان و تقسیم‌بندی زمانها

- ۷۰ – توضیح زمان گذشته ساده – تمرینات
درس یازدهم – خانواده – بحث در مورد کلمه Her و جمع بندی فعلها
- ۷۶ صرف زمان حال ساده – تمرینات
- ۸۲ درس دوازدهم – هیچ – مکالمات – توضیح ماضی نقلی – تمرینات
درس سیزدهم ساعت چند است – مکالمات – اسم – مضاف – مضاف الیه –
تمرینات
- ۸۹ درس چهاردهم کلاس ما – مکالمات – ترکیبات وضعی – ترکیبات اصلی –
تمرینات
- ۹۵ درس پانزدهم – اهل کجا هستید – مکالمات – توضیح پیوند (i) (j) تمرینات
- ۱۰۱ درس شانزدهم – پول ترک – مکالمات – توضیح حروف بی صدا – تمرینات
- ۱۰۷ درس هفدهم – سر انسان – مکالمات – توضیح فعل – تمرینات
- ۱۱۴ درس هیجدهم بدن انسان – مکالمات – صرف افعال – تمرینات
- ۱۲۲ درس نوزدهم – یک خاطره – مکالمات – ترکیبات اضافی – تمرینات
- ۱۳۰ درس بیستم – بیست و چهار ساعت – مکالمات – مصدر – تمرینات
- ۱۳۶ درس بیست و یکم – سال – مکالمات – مترادف – متضاد – توضیح مضارع اخباری
تمرینات
- ۱۴۲ درس بیست و دوم – نوشیدن – مکالمات – طرز به وجود آوردن فعل از مصدر تمرینات
- ۱۴۸ درس بیست و سوم – پوشیدنی هایمان – مکالمات – پسوند di –
زمان گذشته ساده – تمرینات
- ۱۵۴ درس بیست و چهارم – بازگشایی دانشگاه – مکالمات – وجه اجبار – تمرینات
درس بیست و پنجم – روش یاد گرفتن آسان – مکالمات – ریشه کلمات و پسوندها
منفی کردن – تمرینات
- ۱۶۱ درس بیست و ششم – ملانصرالدین – مکالمات – پسوند mis – ماضی نقلی
تمرینات
- ۱۶۷ درس بیست و هفتم – مسجدها – مکالمات – مقایسه زمان گذشته ساده – ماضی نقلی
زمان حال ساده – تمرینات
- ۱۷۶ درس بیست و هشتم پاستور I ویرگول و وظیفه آن – تمرینات
- ۱۹۴ درس بیست و نهم – پاستور II – مکالمات – علامت سؤال – تمرینات
- ۱۹۸ درس سی ام – پاستور III – مکالمات – پسوندهای کوچک کردن – تمرینات
- ۲۰۳ درس سی و یکم – علم – مکالمات – جمله – تمرینات
- ۲۱۰

۲۱۶	درس سی و دوم - شهر بورسا - مکالمات - توضیح صفت
۲۲۴	درس سی و سوم آتاتورک I - مکالمات - فعلهای پسوند - تمرینات
۲۳۲	درس سی و چهارم - آتاتورک II - مکالمات - فعل پسوند - تمرینات
۲۴۳	درس سی و پنجم - آتاتورک III - مکالمات - زمان فعلهای مرکب تمرینات
۲۵۳	درس سی و ششم - ابن سینا - مکالمات - توضیح در مورد حرف که - تمرینات
۲۶۳	درس سی و هفتم - زبان - مکالمات - مفهوم پسوند (diR) - تمرینات
۲۷۲	درس سی و هشتم - مسجد آيا سوفيا - مکالمات - پسوند EN - تمرینات
	درس سی و نهم - موزه ها - مکالمات - حذف بعضی کلمه ها در جمله بدون
۲۷۹	تغییر مفهوم - تمرینات
۲۸۹	درس چهل و تنگه بسفر - مکالمات - متناسب بودن فعل با فاعل - تمرینات
۲۹۵	درس چهل و یکم - بانکوک - مکالمات - تمرینات - فعلهای مثبت و منفی
۳۰۱	درس چهل و دوم - خدمت - مکالمات - صفت ها - تمرینات
۳۰۸	درس چهل و سوم - حکایت یک چشمه - مکالمات - گذاشتن نقطه - تمرینات
۳۱۸	درس چهل و چهارم - سؤال - مکالمات - تمرینات
	درس چهل و پنجم - خروس با مروارید - مکالمات - نارسائی مفهوم در فعلها -
۳۲۳	مضارع اخباری - تمرینات
۳۲۹	درس چهل و ششم - جاذبه زمین - پسوند فعلها مساوی در یک جمله - مکالمات - تمرینات
	درس چهل و هفتم - سینان بزرگ - مکالمات - کلمات ساده - کلمات به وجود
۳۳۶	آمده و کلمه های مرکب - مفعول - تمرینات
	درس چهل و هشتم - زندگی در بیابان I - مکالمات - صفت ها - ترکیبات وصفی
۳۴۶	پسوند (iyOR) تمرینات
۳۵۸	درس چهل و نهم - زندگی در بیابان II - مکالمات - فعلهای پسوند - تمرینات
۳۶۷	درس پنجاهم - سانفرانسیسکو - مکالمات - افعال معلوم - مجهول - تمرینات
۳۷۶	درس پنجاه و یکم - آتاتورک می گوید - مکالمات - زمان فعل در ترکی - تمرینات
۳۸۵	درس پنجاه و دوم - حکایت هایی از تاریخ مان - مکالمات - اصطلاحات - تمرینات
۳۹۲	رنگها
۳۹۴	اعداد
۳۹۶	اسامی ماهها
۳۹۷	اسامی روزهای هفته
۳۹۸	خلاصه دستور زبان ترکی

بنام خدا

مقدمه

خوانندگان گرامی امروزه دانستن زبان هرملتی امتیازی است که انسان را با فرهنگ و پیشرفتهای اقتصادی، سیاسی، علمی و تمدن ملت‌ها آشنا می‌سازد کتابی را که به شما علاقمندان تقدیم میدارم مجموعه‌ایست از دستور کامل زبان ترکی استانبولی و مطالب درسی که به سبک نوین تدوین شده و برای اولین بار در ایران بچاه رسیده در این کتاب کلیه نکات گرامری به‌طرز ساده و روشن ارائه شده که معنی قدامی لفظ نشده و درنوشتن جمله‌ها از کلمات بسیار ساده و قابل درک استفاده شده است. در کتاب تا آنجائی که امکان داشته مطالب اصلی و فرعی که در تنظیم تمرین و درسهای کتاب از آنها استفاده می‌شود شرح داده شده تا بدینوسیله آن دسته از علاقمندان عزیز که دسترسی به معلم و استاد ندارند بتوانند با آسانی از مطالب این کتاب استفاده نمایند لذا احتمال دارد که مطالب کتاب خالی از اشتباه نباشد بدین سبب لازم می‌داند قبلاً " در این مورد پژوهش بخواهد و هرگونه تذکر مورد تشکر مترجم و مولف است .

مهندس معصومه - صفر علیزاده

الفبای جدید ترکی

الفبای جدید ترکی که به موجب قانون شماره ۱۳۵۳ ترکیه در تاریخ اول نوامبر ۱۹۲۸ تصویب شده شامل ۲۹ حرف می باشد که شماره ترتیب و شکل هر یک بقرار ذیل می باشد :

Yeni Türk Alfabesi

I.XI.1928 günlü Ve 1353 Sayılı Kanun ile Kabul edilmiş Olan Türk alfabesindeki 29 harfin adları Sıraları, Kitap yazısı örnekleri büyük ve küçük şekilleri aşağıda gösterilmiştir.

الفبای ترکی

Harfin Sırası	Harfin adı	Kitap Yazısı		Farsça Karşılığı
		Büyük	Küçük	
1	a	A	a	آ و ع
2	be	B	b	ب
3	ce	C	c	ج
4	çe	Ç	ç	چ
5	de	D	d	د
6	e	E	e	ا - ا - ع ابر
7	fe	F	f	ف
8	ge	G	g	گ
9	yumuşakge	Ğ	ğ	گ ملایم
10	he	H	h	ح و ه
11	ı	I	ı	ای ضخیم یا بی نقطه

Harfın Sırası	Harfın adı	Kitap Yazısı		Farsça Karşılığı
		Büyük	Küçük	
12	İ	İ	i	ای ملایم یا نقطه‌دار
13	je	J	j	ژ
14	ke	K	k	ک، ق
15	le	L	l	ل
16	me	M	m	م
17	ne	N	n	ن
18	o	O	o	و، ضمه، او
19	ö	Ö	ö	و، اونقطه‌دار، ضمه ملایم
20	pe	P	P	پ
21	re	R	ر	ر
22	se	S	s	ث، س، ص

Harfın Sırası	Harfın adı	Kitap Yazısı		Farsça Karşılığı
		Büyük	Küçük	
23	şe	Ş	ş	ش
24	te	T	t	ط، ت
25	u	U	u	او
26	ü	Ü	ü	او نقطه‌دار
27	ve	V	v	و
28	ye	Y	y	ی
29	Ze	Z	z	ز، ض، ظ، ذ

α - (ğ) و یا (yumuşakge) هیچوقت در زبان ترکی در اول کلمات ترکی بکار برده نمی شود فقط در آخر کلمات یک هجائی استعمال می شود .

مثال (Bağ) و (Dağ)

ضمنا "اگر پیش از حروف ı و İ و ا بیاید صدای (غ) می دهد مثال :

(سنگین) تلفظ ، آغئر)

اگر پیش از حروف ü و İ و ö بیاید صدای (ی) می دهد مثال :

(ارزش) تلفظ (دَیِر)

- توضیح : چون مقابل حروف ö و ü و I در الفبای فارسی وجود ندارد لذا در

مورد حروف بالا توضیح مختصری داده می شود :

۱- حرف ö : تلفظ آنرا می توان از کلمه آذری (SÖZ) سوز یاد گرفته که در موقع تلفظ

کردن دهان در قسمت جلو گرد می شود . (SÖZ) بمعنی حرف است .

۲- حرف ü : تلفظ آنرا می توان از کلمه آذری (üzüüm) اوزوم یاد گرفته و تلفظ کرد








(üzüüm) بمعنی انگور است .




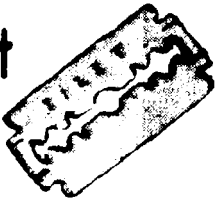

۳- حروف İ و I بدو شکل در ترکی می باشد که یکی با نقطه به این صورت تلفظ می شود








که ای کی (iki) بمعنی دو است .






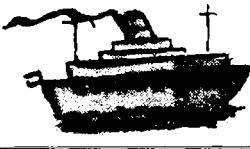

دیگری که تلفظ آن را از کلمه آذری بمعنی رعد و برق در زبان ترکی آذری می توان

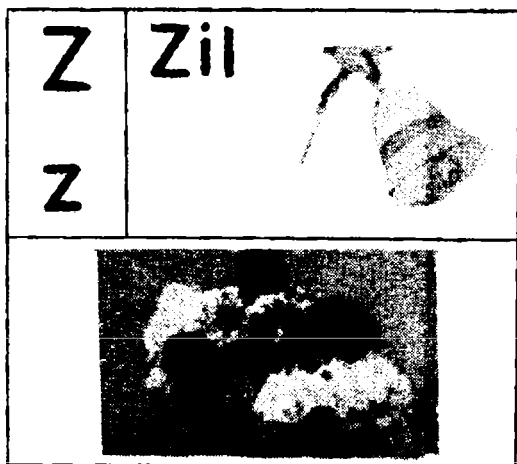
یاد گرفت .

لغت	تلفظ	معنی
A a	Araba 	آر ابا گاری - اتومبیل
B b	Bebek 	ب ب ک عروسک
C c	Civciv 	چو چیو جوجه
Ç ç	Çiçek 	چی چک گل
D d	Dede 	د د پدر بزرگ
E e	Ekmek 	اک مک نان
F f	Fare 	فاره موش

معنی	تلفظ	لغت
کلاغ	قافا	G g Gaga 
باران	یاغمور	Ğ ğ Yoğmur 
خروس	هَرَز	H h Horoz 
نور - روشنائی	اشعک	ı i Işık 
دو	ای کی	İ i İki 2
تیغ	ژی ل ت	J j Jilet 
جلیقه - پیراهن	کاراک	K k Kazak 

معنی	تلفظ	لغت
لاله	لاله	L Lâle 
میمون	مایمون	M m Maymun 
ننه	نین	N n Nine 
اتوبوس	اتوبوس	O o Otobüs 
اردک	آردک	Ö ö Ördek 
طوطی	پاپاغان	P p Papağan 
راديو	راديو	R r Radyo 

معنی	تلفظ	لغت
گلدان سفالی	ساک سی	Saksı 
شیشه	شی شه	Şişe 
تخته	تاحتا	Tahta 
بادبادک	اوچورتما	Uçurtma 
انگور	اوزوم	Üzüm 
کشتی	وایور	Vapur 
کمان	یای	Yay 



زیل

زنگ

معنی	تلفظ	لغت
خواندن	اُکوماک	Okumak
نوشتن	یازماک	Yazmak
جلو	اُن	Ön
یک	بیر	Bir
خیلی	چُک	Çok
دو	ایکی	İki
دفتر	دفتر	Defter
مداد پاک‌کن	لاستیک	Lastik
کتاب	کیتاپ	Kitap
کاغذ	کاغذت	Kağıt
این	بو	Bu
ظریف - باریک	این‌جه	Ince
است - می‌باشد	دیر	dir
نیست	دییل	Değil
خشن - کلفت	کالئن	Kalın
سه	اُچ	Üç
عدد - دانه	تانه	Tane
صد	یوز	Yüz
برگ	یاپراک	Yaprak
صفحه	سای‌فا	Sayfa
یکی - شخصی	بیری سی	Birisi
خودنویس	دلماکالم	Dolma Kalem
خودکار	توکن‌مَزکالم	Tükenmez Kalem
مداد سیاه	کورشون	Kurşun
خواستن	ای‌س تمک	Istemek
آبی	ماوی	Mavi
قرمز	کثرمئزی	Kırmızı
صورتی	پم‌به	Pembe

OKUYORUM YAZIYORUM

می خوانم ، می نویسم

Önümde birçok şey var: در مقابل من چیزهای زیادی وجود دارد .

İki defter, bir lastik, Kitaplar, Kalemler, birkaç da Kağıt.

دو دفتر، یک مداد پاک کن، کتابها، قلمها مقداری هم کاغذ .

Bu Kalem incedir, Kalın değildir. این قلم باریک است و کلفت نیست .

Ince Kalemle Yazıyorum. باقلم باریک می نویسم .

Kitaplar üç tanedir. کتابها سه عدد هستند .

Onları okuyacağım آنها (کتابهارا) خواهم خواند .

Defter yüz yapraklıdır, iki yüz sayfalıdır.

دفتر صد برگی است . دویست صفحه دارد .

Her Kitap yaprağı iki sayfadır. هر برگ کتاب دو صفحه دارد .

Kalemlerin birisi dolma kalemdir. یکی از قلمها خودنویس است .

Birisi tükenmezdir. یکی دیگر از قلمها خودکار است .

Üçü de kurşun kalemdir. سه تا نیز مداد سیاه می باشد .

Bu kalemin ucu incedir. نوک این قلم باریک است .

Ince uçlu kalemle yazmak isterim. می خواهم باقلم نوک باریک بنویسم .

Dolma Kalem mavi yazar. خودنویس آبی می نویسد .

Tükenmez kırmızı yazar. خودکار قرمز می نویسد .

Kağıtların rengi pembedir. رنگ کاغذها صورتی می باشد .

KONUŞTURMALAR:

مکالمات :

- Önünüzde neler var? درمقابل شماچه چیزها وجود دارد؟
- Önümde iki defter, bir lastik, kalemler, درمقابل من دو دفتر، یک مداد پاک کن، قلمها
kitaplar, birkaç tane de kağıt var. کتابها و مقداری هم کاغذ وجود دارد.
- Kalemler kaç tanedir? قلمها چند عدد می باشند؟
- Kalemler.....tanedir. قلمها.....عدد می باشند.
- Kaçı dolma kalemdir? چند تا از قلمها خودنویس است؟
- Biri..... یکی.....
- Tükenmez kalem nasıl yazar? خودکار چطور می نویسد (خودکار چهرنگی می نویسد)؟
-Kırmızı..... قرمز.....
- Bu kalem ince midir? آیا این قلم باریک است؟
- Evet, bu kalem incedir. بلی، این قلم باریک می باشد.
- Bu kalem kalın mıdır? آیا این قلم کلفت است؟
- Hayır, bu kalem kalın değildir, incedir. نه خیر، این قلم کلفت نیست و باریک می باشد.
- Her kitap yaprağı kaç Sayfadır? هر برگ کتاب چند صفحه دارد؟
-iki.....
- Yüz yirmi sayfayı kaç günde okursunuz? صد و بیست صفحه را در چند روز مطالعه می کنید؟
- Yüz yirmi Sayfayı....günde okurum. صد و بیست صفحه را.....روز مطالعه می کنم.
- Defteriniz (sizin defteriniz) kaç Sayfalıdır? Kaç yaprak eder? دفترتان چند برگگی است، چند برگ می شود؟
- Defterim (benim defterim).....Sayfadır....yaprak eder. دفتر من.....صفحه دارد.
-yaprak eder.برگ دارد (می کند)

-Yüz altmış Sayfalı defter kaç yaprak eder?

هفتاد و شصت صفحه‌ای چند برگ (ورق) می‌شود؟

-.....Seksen..... هشتاد.....

-Sizin kaç kaleminiz var? شما چند قلم دارید؟

-Benim...kalemim var. من...قلم دارم.

-Kaleminiz(Sizin Kaleminiz)nasıldır? قلم شما چگونه است؟

Ince midir,kalın mıdır? آیا کلفت است یا باریک؟

-Kalemin(benim Kalemim)kalın değil;inedir.

قلم من کلفت نیست و باریک می‌باشد.

-Kaleminiz nasıl yazar? Kırımızı mı?

قلم شما چگونه می‌نویسد، آیا قرمز؟

Mavi mi?

آیا آبی

-Kalemim mavi yazar. قلم من آبی می‌نویسد.

-Kırımızı kaleminiz yok mu? آیا قلم قرمز ندارید؟

-Kırımızı kalemim evde kaldı. قلم قرمز من در خانه ماند.

-Kalem neye yarar? قلم به چه درد می‌خورد؟

-.....yazmaya yarar.برای نوشتن بدرد می‌خورد.

-Kitap neye yarar. کتاب برای چیست.

-....okumaya yarar.برای مطالعه می‌باشد.

-Defterinizi kaç(kaç kuruşa)aldınız?

دفترتان را چند (کروش) خریدید؟

-Defterimi...kuruşa aldım. دفترم.....کروش خریدم.

-Önünüzdeki kâğıtların rengi mavi midir?

آیا رنگ کاغذهای مقابل شما آبی می‌باشد؟

-Hayır,önümdeki kâğıtların rengi pembedir.

نه خیر. رنگ کاغذهای مقابل من... صورتی می‌باشد.

-Lastik neye yarar? مداد پاک‌کن به چه درد می‌خورد.

-.....yazıyı silmeye yarar.

.....برای پاک کردن نوشته بدرد می‌خورد.

- Bu dershanenin kaç pencersi var? این کلاس چند پنجره دارد؟
- Bu dershanenin....penceresi var? این کلاس.....پنجره دارد؟
- Şu pencerede kaç Cam var? در این پنجره چند شیشه وجود دارد؟
- Şu pencerede....Cam var. در این پنجره.....شیشه وجود دارد.
- Pencere neye yarar? پنجره به چه درد می خورد؟
- Odaya ısıyı,havanın girmesine yarar?
پنجره برای ورود هوا ونور به داخل اطاق به درد می خورد؟
- O köşede ne var? در آن گوشه چه چیز وجود دارد؟
- O köşede bir Şey yok(yoktur). در آن گوشه هیچ چیز وجود ندارد.
- Dershanenin kapısı açık mıdır? آیا در کلاس باز می باشد؟
- Evet,.....açıktır. بلی.....باز می باشد (است)
- Hayır.....açık değildir,kapalıdır.
خیر.....باز نیست ، بسته است.
- İlk(birinci)derste hangi kelimeleri öğrendiniz.
کدام کلمات را در درس اول یاد گرفتید.
- İlk derste.....öğrendik,(öğrendim).
در درس اول.....یاد گرفتیم (یاد گرفتم)

معنی	تلفظ	لغت
رستوران	لوکان تا	Lokanta
صندل	ساندال'ی	Sandalye
میز	ماسا	Masa
روپوش - سرپوش	اورتو	Örtü
نان	اکمک	Ekmek
بشقاب	تاباک	Tabak
لیوان	بارداک	Bardak
قاشق	کاسئک	Kaşık
چنگال	چاتال	Çatal
چاقو	بی چاک	Biçak
دستمال سفره	پچت	Peçete
لشیشه آب	سوشی ش'سی	Suşişeşi
غذا	ی مک	Yemek
سفید	ب یاز	beyaz
تمیز	ت' میز	temiz
راست	ساغ	Sağ
چهار	د'رت	dört
جوان	گنچ	genç
نشستن	اتورماک	Oturmak
یواش	یاواش	Yavaş
صدا	س'س	Ses
صحبت کردن	ک'وشماک	Konuşmak
خندیدن	گول مک	gülmek
چپ	سل	So1
خالی	بوش	boş
دیگر	ابور	Öbür
گارسون	گارسون	Garson
سوپ	چوربا	Çorba

معنی	تلفظ	لغت
نمک	توز	tuz
کمی	بیرآز	Biraz
نان	اکمک	ekmek
خیلی	پک	pek
لذیذ	لزتلی	Lezzetli
لیست	لیست	Liste
کباب برگ	شیشک باپ	Şişkebab
برابر - باهم	بیرلی کت	birlikte
علامت دادن	ای شارات مک	işaret etmek
سالاد	سالاتا	Salaça
پلو	پی لائو	Pilav
سیر شدن	دی ماک	doymak
صدا کردن	چاغثر ماک	çağırmaq
میوه	می و	Meyve
زیبا	گوزل	güzel
حساب	حساب	hesap
قرض	بورچ	Borç
پرداختن	آدمک	Ödemek
گذاشتن	کوی ماک	Koymak
خود - خودش	ک ن دی	Kendi
هم - نیز	دا	da
حتی - هم - نیز	بیله	Bile
پسندیدن	بَ ی ن مک	Beğenmek
بلی	اوت	Evet
خیر	هایئر	Hayır
ارزان	اوجوز	Ucuz
وعده	ایون	Öğün
اکثرا	داهاجوک	daha çok

در رستوران LOKANTADA

- Acıkmıştım. Aç durulmaz. گرسنه شده بودم ،گرسنه نمی شود ماند .
- Yemek için lokantaya girdim. برای خوردن غذا به رستوران رفتم .
- Bir sandalyeye oturdum. در یک صندلی نشستم
- Önümde bir masa var. درمقابلم یک میز وجود دارد .
- Masanın örtüsü beyazdır, temizdir. رومیزی سفید و تمیز است .
- Sağımdeki masada dört genç oturuyor. درمیز سمت راست من چهار جوان می نشینند .
- Yavaş sesle konuşuyorlar, gülüyorlar, yemek yiyorlar. با صدای آرام صحبت می کنند و می خندند و غذا می خورند .
- Solumdaki masa boştu. میز طرف چپ من خالی بود .
- Öbür masalarda müşteriler vardı. مشتری ها در میزهای دیگر بودند .
- Yemek yiyorlardı. غذای می خوردند .
- Garson geldi. گارسون آمد .
- Ekmek, tabak, bardak, kaşık, çatal, bıçak, peçete getirdi, گارسون نان و بشقاب – لیوان ، قاشق و چنگال و کارد و دستمال سفره را آورد – لیست غذا را داد .
- Listeyi verdi. یک سوپ برایم بیاورید . گفتم .
- Bana bir çorba getiriniz, dedim. سوپ را آورد .
- Çorbayı getirdi. یک قاشق خوردم .
- Bir kaşık içtim. نمکش کم بود .
- Tuzu azca idi. نمکدان را برداشتم .
- Tuzluğ u aldım. کمی نمک اضافه کردم .
- Biraz tuz ekdim. خیلی لذید شد .
- Pek lezzetli oldu.

Çorbayı içtikten Sonra listeye bir daha baktım.

بعد از خوردن سوپ دوباره به لیست غذا نگاه کردم .

Garsona:

به گارسون !

-Bir şiş kebapı,bir de su,dedim. یک کباب برگ ،یکی هم آب .گفتم

Kebapla birlikte bir şişe su getirdi.

گارسون با کباب یک شیشه آب آورد .

Şişe kapalı idi.Açtım.

در شیشه آب بسته بود . باز کردم .

Soğuk suyu bardağa boşalttım.

آب خنک را در لیوان خالی کردم .

İçtim.İşaret ettim garson geldi. نوشیدم . اشاره کردم گارسون آمد .

Salata istedim.Getirdi

سالاد خواستم ،آورد .

Kebap bitince bir de pilav istedim.

باتمام شدن کباب نیز پلو خواستم .

Yedim,doydum.Garsonu Çağurdım. خوردم ،سیرشدم ،گارسون را صدا زدم .

-Meyvelerinizin hangisi güzeldir?dedim.

کدامیک از میوه هایتان خوردنی است ،گفتم .

-Üzüm,dedi.

گفت ،انگور .

-Getir,dedim.

بیاور - گفتم

Getirdi.Yedim.

آورد - خوردم

-Hesabı veriniz,dedim.

گفتم صورتحساب را بدهید .

Hesap kağıdını önüme koydu.

صورتحساب را به مقابلم گذاشت .

Borcumu ödedim.

قرضم را پرداختم .

Garsona birkaç kuruş da bahşiş verdim.

چند کوروش هم به گارسون بخش کردم (انعام دادم) .

Lokantadan Çıktım.

از رستوران بیرون آمدم .

KONUŞTURMALAR:

مکالمات :

- Lokantaya niçin girdiniz? چرا به رستوران رفتید؟
 -.....yemek yemek için girdim. برای خوردن غذا رفتم .
- Nereye oturdunuz? در کجا نشستید؟
 -Bir Sandalyeye oturdum. در یک صندلی نشستم .
- Sa ğınızdaki masada kimler vardı?Ne yapıyorlardı?
 در میز سمت راست شما چه کسانی بودند؟ چه کار میکردند؟
- Sa ğımdaki masada dört genç vardı.
 ۴ جوان در میز سمت راست من بود .
- Konuşuyor,gülüyor,yemek yıyorlardı .
 صحبت میکردند ، می خندیدند ، غذا می خوردند ؟
- Solunuzda?... در سمت چپتان
- Solumdaki masada kimse yoktu. هیچکس در میز سمت چپ من نبود .
- Öbür masalarda kimler oturuyorlardı .
 در میزهای دیگر چه کسانی نشسته بودند .
-müşteriler oturuyorlardı . مشتریها نشسته بودند .
- Önünüzde ne vardı? چه چیز در مقابل شما وجود داشت ؟
 در مقابلم
- Önümde.....
- Masanın örtüsü nasıldı? رو میزی چطوری بود ؟
- Masanın örtüsü beyazdı ve temizdi. رومیزی تمیز و سفید بود .
- Garson ilkin(önce,evvela)neler getirdi?
 ابتدا گارسون چه چیزها آورد ؟
- İlk yemek ne idi? اولین غذا چه بود ؟
-Çorba.....سوپ.....
- Çorba çatalla mı yenir? آیا سوپ با چنگال خورده می شود ؟
- Hayır,Çorba kaşıkla içilir. نه خیر ، سوپ با قاشق خورده می شود .
- Kebap ne ile kesilir? کباب با چه چیز بریده می شود ؟

-biçak ile(biçakla)kesilir. با کارد بریده می شود .
- Kebap kaşıkla mı yenir? کباب باقاشق خورده می شود؟
- Hayır,kebab çatala.... نه خیر، کباب باچنگال
- Pilavi ne ile yediniz? پلورا باچه چیز خوردید؟
-yedim. خوردم
- Kaç kuruş ödediniz? چندکوروش پرداختید؟
-ödedim. پرداختم
- Türk yemeklerini beğendiniz mi? آیاغذاهای ترک را پسندیدید؟
- Evet,Türk yemeklerini beğendim. بلی ، غذاهای ترک را پسندیدم .
- Hayır,Türk yemeklerini beğenmedim. نه خیر – غذاهای ترک را نپسندیدم .
- Türkiye'de lokantalar ucuz mudur? آیا رستورانها در ترکیه ارزان می باشد؟
-ucuzdur. بلی ارزان می باشد .
- Hayır,.....ucuz değildir. نه خیر ارزان نیست .
- Sabahları kahvaltı eder misiniz? آیا صبحها صبحانه صرف می کنید؟
- Evet,.....ederim. بلی صبحانه صرف می کنم .
- Günde kaç öğün yemek yersiniz? در روز چند وعده غذا می خورید؟
- Günde iki öğün.....yerim. در روز دو وعده می خورم .
- Yemeklerinizi lokantalarda mı yersiniz? آیاغذاهای خود را در رستورانها می خورید؟
- Evet,yemeklerimi lokantalarda yerim. بلی – در رستورانها غذا می خوردم (در رستورانها غذاهای خود را می خورم) .
- Hayır,yemeklerimi,daha çok, evde yerim. نه خیر – غذاهایم را اکثرا " در خانه می خورم .
- Yemeklerinizi evde kim hazırlar? چه کسی غذاهایتان را در خانه تهیه می کند؟
- Yemeklerimi.....annem hazırlar. غذاهایم را مادرم تهیه می کند.
- Yemeklerimi...kendim hazırlarım. غذاهایم را خودم حاضر می کنم .

معنی	تلفظ	لغت
سیاحت در شهر	ش هیر دگ <u>زین تی</u>	Şehirde gezinti
خارجی	یابان چی	Yabancı
ایستگاه	دوراک	Durak
منتظر شدن	ب کال مک	beklemek
سوار شدن	بین مک	Binmek
بلیط فروش	بی ل ت چی	Biletçi
کوروش	کوروش	Kuruş
گفتن	دمک	demek
اپرا	اپرا	opera
دانستن	بیل مک	Bilmek
- دیگری	باشکا	Başka
نشان دادن	گس ترمک	göstermek
سئوال کردن	سُرماک	Sormak
مقابل	کارشی	Karşı
بزرگ	بویوک	büyük
ساختمان	بینا	bina
تشکر کردن	ت ش کورات مک	Teşekkür etmek
چیزی نیست (خواهش می کنم)	بیرشی دئیل	Birşey değil
سلام	سلام	Selam
جدا شدن	آی رلُ ماک	ayrılmak
تقسیم کردن	دغ رو	doğru
پیاده رفتن	بیورومک	yürümek
صف	کوی روک	Kuyruk
گیشه	گیشه	gişe
خیابان	جاده	Cadde
قهوه	کاهو	Kahve

معنی	تلفظ	لغت
گردش کردن	گ زمک	gezmek
دفعه	دفا	defa
پشت	آرکا	arka
پشت سرهم	آرد آردا	ardarda
ثبت نام	کای ئت	Kayıt
کارت دانشجویی	شَبَک	Şebeke

گردش در شهر ŞEHİRDE GEZINTI

- Bir Yabancı genç anlatıyor. . یک جوان خارجی شرح می دهد .
- Taksim'e gitmek istiyorum. . می خواهم به تقسیم (اسم میدان) بروم .
- Durakta bekliyorum. . در ایستگاه منتظر می باشم .
- Birçok da bekleyenler var. . کسان زیادی نیز در ایستگاه منتظر می باشند .
- Otobüs geldi.Bindim Biletçiye: ، به بلیط فروش: .
- Taksim'e bir bilet veriniz.Kaç kuruş?dedim. .
- به تقسیم یک بلیط بدهید . چند کوروش؟گفتم .
- 100 Kuruş,dedi . . گفت - صد کوروش .
- Parayı verdim.Bileti aldım. . پول را دادم ، بلیط را گرفتم .
- Biletçi her durağı yüksek sesle Söylüyordu. .
- بلیط فروش هر ایستگاه را با صدای بلند می گفت .
- Taksim! . تقسیم .
- dedi.Indim.Operayı görmek istiyordum.Birisine: .
- گفت ، پیاده شدم ، می خواهم اپرا را ببینم . به یکی
- Opera neresi?Gösterir misiniz?dedim. .
- کجاست اپرا؟آیا نشان می دهید - گفتم ،
- Bilmiyorum. . نمی دانم .
- dedi.O da yabancı imiş.Başka birisine sordum. .
- گفت ، آن شخص هم خارجی بود . از یکی دیگر پرسیدم .
- Bana lütfen Opera binasını gösterir misiniz?
- آیا ساختمان اپرا را بمن نشان می دهید ؟
- dedim. . گفتم
- Karşıdaki büyük bina,dedi. . گفت - ساختمان بزرگ روبرو
- Teşekkür ederim,dedim. . تشکر می کنم ، گفتم .
- Bir şey değil,dedi. . گفت خوادس می کنم .

Selamladım, ayrıldım. خداحافظی کردم . رفتم .
 Opera binasına doğru yürüdün. İçeri girdim. به طرف ساختمان اپرا رفتم ، داخل شدم .
 Herkes kuyruğa girmiş, gişeden, bilet alıyordu. هرکس در صف بارعایت نوبت بلیط میگرفت .
 Ben bu güzel, yeni binanın içini gezdim. من داخل این ساختمان جدید و زیبا را گشتم .
 Sonra yürüyerek durağa döndüm. بعد پیاده به ایستگاه برگشتم .
 Akşama daha çok zaman vardı. تا شب خیلی وقت بود .
 (Beyoğlu'nun) kalabalık caddesinde biraz gezindim. کمی خیابان شلوغ (بی اوغلو) را گشتم .
 Bir kahveye girdim. Garson geldi. به یک تریارفتم ، گارسون آمد .
 -Bir orta Şekerli kahve. dedim. گفتم ، یک قهوه معمولی (با شکر متوسط)
 Getirdi. İçtim. Biraz sonra kahveden çıktım. آورد ، نوشیدم ، کمی بعد از تریا بیرون آمدم .
 Bir lokantada yemek yedim. و در یک رستوران غذا خوردم .
 Saat yirmiye gelmişti. ساعت ۲۰ شده بود .
 Dura-ğı sordum. Gösterdiler. Otobüse bindim, döndüm. ایستگاه را پرسیدم ، نشان دادند ، سوار اتوبوس شدم ، برگشتم .

KONUŞTURMALAR:

مکالمات :

- از چه کسی بلیط گرفته می شود (خریده می شود) ؟
 -Bilet kimden alınır?
 از بلیط فروش
 -.....biletçiden.....
 -Operada alınan biletler neye, yarar?
 بلیط های خریده شده در اپرا به چه درد می خورد؟

-.....oyun salonuna girmeye yarar.

برای رفتن به سالن رقص بدرد می خورد

-Kuyruğa girmek ne demektir? وارد شدن در نوبت چه مفهومی دارد؟

-Sonradan gelenlerin,Sıralarını beklemek için art arda

dizilmeleri demektir.

کسانی که بعداً " می آیند پشت سرهم درصفاها منتظر می شوند .

-Beyazit'tan Taksim'e gitmek için kaç kuruşluk bilet

برای رفتن به بیازیت به تقسیم چند کوروش بلیط خریده می شود؟

-Öğrenci Şebekesi Olanlar.kaç kuruşluk bilet alırlar?

کسانی که کارت دانشجویی دارند چند کوروش برای گرفتن بلیط می پردازند؟

-Sizin şebekeniz yok mu? آیا شما کارت دانشجویی ندارید؟

-Ben henüz şebeke alamadım? من هنوز کارت دانشجویی نگرفتم .

-Niçin? چرا؟

-Çünkü öğrenci kaydım daha tamamlanmadı.

بخاطراینکه (زیرا) هنوز کارهای ثبت نام تمام نشده بود .

-Kaydınız ne vakit tamamlanacak? کی کار ثبت نام شما تمام خواهد شد؟؟

-Birkaç gün içinde..... در عرض چند روز

-Siz de Taksim'e gittiniz mi?Kaç defa?

آیا شما هم به تقسیم (اسم میدان) رفتید؟ .چند دفعه؟

-Evet,ben....iki defa gittim. - بلی، من..... دو مرتبه رفتم .

-Hayır ben....gitmedim. - خیر - من..... نرفتم .

-Sinemayı mı seversiniz,tiyatroyu mu?

آیا سینما را دوست دارید یا تریارا؟

-Ben sinemayı daha çok severim. من سینما را بیشتر دوست میدارم .

-Ben tiyatroyu..... من تاتر را.....

معنی	تلفظ	لغت
خرید و فروش	آلش و ریش	alışveriş
دوست	آرکاداش	Arkadaş
مغازه میوه فروشی	ماناودوکانی	manav dükkani
مختلف	چش تلیسی	Çeşitli
استقبال کردن	کارشی لاماک	Karşılama
بفرمائید	بویورون	Buyurun
تازه	تازه	taze
همه‌اش	ح پ سی	hepisi
کجا	ن ره	nere
سیب	ال ما	elma
آبدار	سولو	Sulu
بو	ککو	Koku
دومین - دومی	ای کین جی	ikinci
روی - بالا	اوست	üst
کیسه	ک س	Kese
وزن کردن	تارت ماک	Tartmak
گلابی	آزموت	Armut
فروختن	سات ماک	Satmak
هندوانه	کارپوز	Karpuz
رسیده	ال گون	Olgun
شیرین	تاتلی	tatlı
نیم	بوچوک	büyük
پرتقال	پرتاکال	Portakal
ترش	اکشی	Ekşi
جواب	چوآپ	Cevap
وقت	واکسیت	Vakit

معنی	تلفظ	لغت
دادن - بخشیدن	ورمک	Vermek
گرفتن	آل ماک	almak
پول	پارا	Para
بیرون آمدن	چئک ماک	Çıkmak
خدا حافظی کردن	آل احایس مارلاماک	Allaha ismarlamak
بسلامت	گول گول	güle güle
دوباره	مِی	Gene
مشتری	موش تری	müşteri
مسافر	یل جو	Yolcu
مشایعت کردن مسافر	یول جوراتمک	Yolcu etmek
بقال	باکال	Bakal
گذشته	گِچن	geçen
روز	گون	gün
پنیر	پِری نِی	Peynir
شکر	شکر	Şeker
توت	دوت	Dut
فصل	م و سی م	mevsim
رسیدن	ی تی ش مک	yetişmek
بهار	ایل کبهار	ilkbahar
برنج	پی رینچ	Pirinç
لوبیا	فاسولیه	fasulye
روغن	یاغ	yağ
خشک	کورو	Kuru
مثل	گی بی	gibi
گیلاس	کی راس	Kiras
قرمز	کثرمئزی	Kırmızı
زردآلو	کای سی	Kayısı

معنی	تلفظ	لغت
تابستان	یاز	yaz
رنگ	رنگ	Renk
به	آی وا	Ayva
انار	نار	Nar
پائیز	سن باهار	Sonbahar
گران	پاهالی	Pahalı
قیمت	فی یات	fiyat
خربوزه	کاون	Kavun
فقط - ولی	فاکات	fakat
زبان	دیل	Dil
دانش	بیلگی	Bilgi

ALIŞVERİŞTE

در خرید و فروش

İki arkadaş idiler. دو دوست بودند .

Meyve almak istiyorlardı. می خواستند میوه بخرند .

Bir manav dükkânı önünde durdular.

درمقابل یک مغازه میوه فروشی توقف کردند .

Dükkada çeşitli meyveler vardı. در دکان میوه‌های مختلفی بود .

Manav karşıladı: میوه‌فروشی استقبال کرد .

-Buyurun, dedi, meyvelerimizi tazedir, güzeldir.

بفرمائیدگفت ، میوه‌هایمان تازه و خوب هستند .

Hangisinden istiyorsunuz? از کدامیکی می‌خواهید .

Arkadaşlardan biri sordu: یکی از دوستان سؤال کرد .

-Bu, nere elmasıdır? این سیب کجاست ؟

-Amasya elması. Çok sulu ve güzel kokuludur.

سیب آماسیا ، خیلی آبدار و خوش بوست .

İkinci arkadaş sordu: دوست دومی سؤال کرد .

-Kilosu kaç? کیلوئی چند است ؟

-Üstünde yazılı. İki yüz elli kuruş, iki buçuk lira.

قیمت‌اش رویش نوشته شده ، دو بیست و پنجاه کوروش (دو و نیم لیره) .

-Bir kilo veriniz. یک کیلو بدهید .

Manav, elmaları kese kağıdına koydu, tarttı.

میوه فروش‌ها سیب‌ها را داخل پاکت گذاشت وزن کرد .

-Armudu da iki yüz elli mi satıyorsunuz?

گلابی را هم به دو بیست و پنجاه کوروش می‌فروشید ؟

-Evet. بلی .

Birinci arkadaş sordu: دوست اولی سؤال کرد :

-Karpuzlar nasıl? Tatlı mı? هندوانه‌ها چطوری است؟ آیا شیرین است ؟

- هندوانه‌ها خیلی رسیده و شیرین می‌باشد .
 -Pek olgun ve tatlıdır.
- چطور می‌فروشید؟
 -Nasıl satıyorsunuz?
- قیمت هر کیلوی آن صد و هشتاد کوروش میباشد .
 -Kilosu yüz seksen kuruş.
- یکی وزن کنید .
 -Bir tane tartınız.
- میوه‌فروش وزن کرد .
 Manav tarttı.
- هندوانه سه و نیم کیلوست که قیمت آن شش صد و سی کوروش می‌شود .
 -Üç buçuk kilo. Altı yüz otuz kuruş eder.
- پرتقالها چطوری می‌باشند؟
 -Portakallar nasıl?
- کمی ترش است؟ یکماه بعد شیرین می‌شود .
 -Biraz ekşidir. Bir ay sonra tatlanır.
- ماهم آن وقت (یکماه بعد) می‌خریم .
 -Bir de o vakit alırız.
- دوست دومی سؤال کرد .
 İkinci arkadaş sordu:
- قرض‌مان؟ همه‌اش چند لیره می‌شود؟
 -Borcumuz? Hepsi kaç lira ediyor?
- میوه‌فروش جواب داد :
 Manav cevap verdi:
- پنج لیره و سی کوروش .
 -Beş lira otuz kuruş.
- پول را پرداختند ، از مغازه بیرون آمدند :
 Parayı verdiler, dükkandan çıkıyorlardı:
- خدا حافظ ،
 -Allaha ismarladık.
- گفتند : میوه‌فروش :
 dediler. Manav:
- بسلامت ، تشکر می‌کنم ، دوباره تشریف بیاورید .
 -Güle güle. Teşekkür ederim. Gene buyurunuz.
- مشتری‌ها را بدرقه کرد .
 diyerek müşterilerini yolcu etti.

KONUŞTURMALAR:

مکالمات:

-Manav dükkânında neler satılır?

در مغازه میوه فروشی چه چیزها فروخته می شود؟

-.....meyveler satılır. میوهها فروخته می شود.

-Bakkaî dükkânında neler satılır? در مغازه بقال چه چیزها فروخته می شود؟

-.....pirinç, fasulye, peynir, şeker, yağ,برنج، لوبیا، پنیر، شکر، روغن، و چیزهایی مثل کشمش فروخته می شود.

kuru üzüm gibi şeyler satılır. کشمش فروخته می شود.

-Bakkaldan bir şey aldınız mı? آیا چیزی از بقال خریدید؟

-Evet, geçen gün bakkaldan biraz peynirle bir kilo şeker aldım. بلی - روز گذشته کمی پنیر با یک کیلو شکر از بقال خریدم.

-Hayır, bakkaldan bir şey almadım. نه خیر، از بقال چیزی نخریدم.

-Meyvelerden hangisini daha çok seversiniz?

از میوهها بیشتر کدام را دوست میدارید؟

-.....severim. دوست میدارم.

-Dut hangi mevsimde yetişir? در کدام فصل توت می رسد؟

-Dut ilkbaharda..... توت در بهار.....

-Kayısı hangi mevsimde yetişir? Rengi nasıldır?

در کدام فصل زردآلو می رسد؟ چه رنگی است؟

-Kayısı yaz başında yetişir. Rengi sarıdır.

- زردآلو در اول تابستان می رسد و رنگ آن زرد است.

-Ayva ile nar sonbarda yetişir. به با انار در پاییز می رسد.

-Nerelisiniz? Memleketinizde hangi meyveler yetişir?

اهل کجاستید؟ در مملکت شما کدام میوهها پرورش می یابد؟

-.....Memleketimde.....meyveler yetişir.

..... در مملکت من میوه می رسند.

-Memleketinizde meyvelerin fiyatları nasıldır?

قیمت میوه‌ها در وطن شما چطوری است؟

-.....pahalıdır. .گران می‌باشد.

-Türkiye'de kavun yediniz mi? آیا در ترکیه خربوزه خوردید؟

-Evet,.....yedim. .بلی .خوردم.

DILBİLGİSİ:

دستور زبان

I.Kelime,hece:

.کلمه ، سیلاب ،

Kelime anlamlı(manalı)sözdür.

.کلمه حرف معنی دار است .

Her kelime ayrı yazılır.

.هرکلمه جدا نوشته می‌شود .

Türkçede kelimelerin çoğu bir hecelidir:

.بسیاری از کلمات در ترکی یک سیلابی هستند .

İlk ders, üç yol, dört, beş el, yaz, kış, on ev.....

.درس اول ، سه راه ، چهار ، پنج دست ، تابستان ، زمستان ، ده خانه . . .

İki heceli kelimeler: İki, yedi, dokuz, sekiz, adam,

کلمات دو سیلابی ، دو ، هفت ، نه ، هشت ، انسان ، دفتر ، بچه

defter, çocuk. "Günaydın"

دفتر ، بچه

"Günaydın" üç hecelidir.

.صبح بخیر سه سیلابی می‌باشد .

Kitaplar, kalemler, çocuklar, üçer hecelidir.

.کتابها ، قلمها ، بچه‌ها هر یک سه سیلابی می‌باشند .

II. Tekil (müfret), çoğul (Cemi): مفرد و جمع :

Tekil: Defter, Kitap, Kalem, Çocuk....

مفرد: دفتر، کتاب، قلم، بچه.....

Çoğul: Defterler, Kitaplar, kalemler, çocuklar...

جمع: دفترها، کتابها، قلمها، بچهها.....

ALİŞTIRMALAR:

-Bu, su, o, ev... kelimeleri kaç hecelidir?

-"Sokak" kelimesi kaç hecelidir?

-"Arkadaş" kelimesi kaç hecelidir?

Bir heceli uç kelime yazınız:.....

İki heceli dört kelime yazınız:.....

Üç heceli iki kelime yazınız:.....

معنی	تلفظ	لغت
ترکی	تورکچہ	Türkçe
معلم - استاد زبان	اُکوت مان	Okutman
شروع کردن	باش لاماک	başlamak
آسان	کولای	Kolay
دانشگاه	اونی ورسی ته	üniversite
پزشکی	ت پ	Top
وارد شدن	گیرمک	girmek
داروسازی	اج زاجی لئک	Eczacılık
بلند - بالا	یوک سک	yüksek
خارجی	یابان جی	yabancı
سخت	زر	Zor
دانشکده	فاکولت	Fakülte
خواستن	ایسن ت مک	istemek
داروساز	اج زاجی	Eczacı
تحصیل	ارنیم	öğrenim
لازم	لازم	Lazım
کبیر - با شخصیت	کی بار	Kibar
احترام	سای قی	Saygı
بزرگ	بویوک	Büyük
استاد	هجا	Hoca
دیگر	باش کا	Başka
نشان دادن	گ س ترمک	Göstermek
گفتن	دمک	Demek
کامل	تام	Tam
چه کسی	کیم	Kim
به چه کسی	کی م	Kime

TÜRKÇE ÖĞRENIYORUM

ترکی یاد می گیرم :

- Okutman geldi. استاد ^{استاد} آمد.
- Derse başladık. به درس شروع کردیم .
- Türkçe öğreniyoruz. ترکی یاد می گیریم .
- Türkçe kolay bir dildir. ترکی یک زبان آسان است .
- Türk dilini(Türkçeyi)öğrendikten sonra üniversiteye بعد از یادگیری زبان ترک به دانشگاه وارد خواهیم شد .
- Ben,Tıbb(Tıp Fakültesine)girmek istiyorum. من می خواهم در دانشکده پزشکی تحصیل کنم .
- Sen,Diş Hekimliği Fakültesine mi gireceksin? آیا شما در دانشکده دندانپزشکی تحصیل خواهید کرد؟
- Dişçi mi olacaksınız?...? آیا دندانپزشک خواهی شد؟
- O,Eczacılık Fakültesine girecek.. او به دانشکده داروسازی خواهد رفت..
- Eczacı Olmak istiyor. می خواهد دارو ساز شود .
- Yüksek öğrenim(tahsil)için yabancı bir dil öğrenmek برای تحصیلات عالی یاد گرفتن یک زبان خارجی ضروری است .
- Her yabancı öğrenci Türkçe öğrenmek zorundadır. هر دانشجوی خارجی مجبور در یاد گرفتن ترکی می باشد .
- Türkçe ince bir dildir. ترکی یک زبان ظریف است !
- Kibar insanlar başkalarına saygı(hürmet)gösterirler. انسانها با شخصیت به دیگران احترام قائل هستند .
- Büyüklerle sen demezler,siz derler. به بزرگان تو نمی گویند شما می گویند.
- ogrenciler,profesörlere,okutmanlara: دانشجویان ,استادان ,
- Hocam,derler. دانش آموزان به پروفسورها و معلم ها استاد می گویند .

SAYILAR(rakamlar).

sıfır,bir,iki,üç,dört,beş,altı,yedi,sekiz,dokuz,on,

0 1 2 3 4 5 6 7 8 9 10

onbir,oniki,onüç,ondört,onbeş,onaltı,onyedı,onsekiz,

11 12 13 14 15 16 17 18

ondokuz,yirmi....

19 20

Bir adam	یک انسان
Üç kitap	سه کتاب
İki defter	دو دفتر
Dört Kalem	چهار قلم
Beş parmak	پنج انگشت
Yedi sıra	هفت نیمکت
Altı sayfa	شش صفحه
Dokuz arkadaş	نه دوست
Sekiz çocuk	هشت بچه
ON ev...	ده خانه

KONUŞTURMALAR:

مکالمهها:

(Her cevap tam bir cümle olmalıdır.)

هر جواب بایستی یک جمله کامل باشد .

-Niçin Türkçe öğreniyorsunuz?

چرا، ترکی یاد می گیرید؟

-Üniversiteye girmek için.

برای ورود به دانشگاه

-Hangi fakülteye gireceksiniz?

به کدام دانشکده وارد می شوید؟

-Arkadaşınız hangi fakülteye girmek istiyor?

دوستانتان می خواهند به کدام دانشکده وارد شوند .

-Eczacılık Fakültesine kimler girmek istiyor?

چه کسانی می خواهند به دانشکده داروسازی وارد شوند؟

-Başka fakültelere girmek isteyenler var mıdır?

آیا به دانشکده های دیگر کسانی هستند که می خواهند وارد بشوند؟

-Fen fakültesine girmek isteyen on beş arkadaş var.

۱۵ دوست می خواهند به دانشکده فن وارد بشوند .

-Kimlere Hocam diyeceksiniz?

به چه کسانی استام خواهید گفت؟

Şu rakamları okuyunuz:

این رقم ها را بخوانید:

9,7,12,3,14,2,8,13,16,5,17,6,15,19,4,18,11...

DILBİLGİSİ:

دستور زبان

I. Kelime, hece:

کلمه، هجاء (سیلاب)

Kelime anlamlı (manalı) sözdür.

کلمه حرف معنی دار است .

Her Kelime ayrı yazılır. هر کلمه جدا نوشته می شود .

Türkçede Kelimelerin çoğu bir hecelidir:

در ترکی بسیاری از کلمه‌ها یک سیلابی هستند .

İlk ders, Üç yol, dört, beş el, yaz, kış, onev...

دو درس - سه راه - چهار، پنج دست، تابستان - زمستان - ده خانه ...

İki heceli Kelimeler:

کلمه‌های دو سیلابی

İki, yedi, dokuz, sekiz, adam, defter, çocuk...

دو، هفت، نه، هشت، انسان، دفتر، بچه ...

"Günaydın" üç hecelidir.

صبح بخیر سه سیلابی است .

Kitaplar, Kalemler, çocuklar, üçer hecelidir.

کتابها، قلمها، بچه‌ها، هر کدام سه سیلابی هستند .

II. Tekil (müfret), Çoğul (cemi):

مفرد، جمع

Tekil: Defter, kitap, kalem, çocuk...

مفرد: دفتر، کتاب و قلم، بچه

Çoğul: Defterler, kitaplar, kalemler, çocuklar.

جمع: دفترها، کتابها، قلمها، بچه‌ها،

III. Sesli harfler:

حرفهای صدا دار:

"okutman" kelimesi üç hecelidir: 0-kut-man.

کلمه استاد سه سیلابی است .

Her hecesinde bir sesli harf vardır: o, u, a

در هر سیلاب یک حرف با صدا (صدا دار) وجود دارد .

"Türkçe" kelimesi iki hecelidir.

کلمه "ترکی" دو سیلابی است .

İki seslisi vardır: ü, e

دو با صدا (صدا دار) وجود دارد و

"Öğretir" kelimesi üç hecelidir. کلمه "یاد می‌دهد" سه سیلابی است .

Üç seslisi vardır: ö, e, i

سه صدا دار وجود دارد و و

Türkçede sekiz sesli harf vardır: a, e, i, î, o, ö, u, ü,

در ترکی هشت حرف صدا دار وجود دارد .

Her hecede bir sesli harf bulunur.

در هر سیلاب یک حرف صدا دار پیدا می شود .

Sesli harf olmadan sessiz harfler okunmaz:

بدون حرف صدا دار، حرفهای بی صدا خوانده نمی شود.

مثال: drs, bşldk, ktmn, trkç...

IV. Şahıslar: شخصها:

Dil bakımından bütün varlıklar üç şahsa ayrılır:

از نظر زبان تمام هستیها به سه شخص تقسیم می شود.

1) Birinci Şahıs: BEN : Ben geldim. ^{دیم}

من آمدم من اول شخص

2) İkinci Şahıs: SEN : Sen geldin. ^{دین}

تو آمدی تو دوم شخص

3) Üçüncü Şahıs: O : O geldi. ^{دی}

او سوم شخص او آمد

Çoğulları: جمع هایشان

Birinci Şahıs: BİZ: Biz geldik. ^{دیتیم}

ما آمدم ما اول شخص

İkinci Şahıs: SİZ: Siz geldiniz. ^{دیتین}

شما آمدید شما دوم شخص

Üçüncü Şahıs: ONLAR: onlar geldiler. ^{دیتلر}

آنها آمدند آنها - ایشان سوم شخص

ALİŞTIRMALAR:

تمرینات

"Başladık" kelimesi kaç hecelidir?

Birinci hece kaç harflidir?

Kaçı sessiz, kaçı sesli harftir?

İkinci hecenin hangi harfi sessizdir, hangisi seslidir?

"Öğreniyoruz" kelimesi kaç hecelidir?

Bu kelimedede kaç sesli var?

Hangileri?

Şu cümlelerde eksik bırakılan fiilleri yazınız:

Ben başladım.

Sen. başladı

O başladı.

Biz. başladık

Siz.. başlarız

Onlar. başladılar

başladılar

2

معنی	تلفظ	لغت
دوست داشتن	سِ وُمک	Sevmek
نامه	مک توپ	Mektup
مادر	آن نه	Anne
پدر	بابا	Baba
دوست	آرکاداش	Arkadaş
بخاطر آوردن - دلتنگی کشیدن	اَزَل مَک	Özlemek
فعالیت کردن - تلاش کردن	چالئش ماک	Çalışmak
عالی - فوق العاده	اوش تون	Üstün
بخاطر - راه - مقصد	اوغور	Uğur
دادن - بخشیدن	وَر مَک	Vermek
جوان	گَن چ	genç
سن	یاش	yaş
سرباز	آس ک ر	asker
خدمت	هیزمت	hizmet
شاعر	شائی ر	Şair
اینطور	شوی له	Şöyle
گفتن	دِمک	demek
پرچم	بای راک	Bayrak
خون	کان	Kan
خاک	توپیراک	Toprak
مردن	اَل مَک	Ölmek
وطن	واتان	Vatan
شماره - عدد	سایبی	Sayı
دانستن	بیل مَک	bilmek
هماهنگ	اویوم	Uyum

Memleketten mektup geldi. از مملکت نامه آمد

Babam yazmış. پدرم نوشته است .

Annemi, kardeşlerimi, arkadaşlarımı, memleketimi pek özledim.

دلم برای مادرم ، خواهرم و برادرانم ، دوستانم و مملکتتم تنگ شد .

Yarın cevap yazacağım. فردا جواب خواهم نوشت .

Her insan memleketini (vatanını=yurdunu) sever.

هر انسان مملکتش را دوست میدارد .

Hepimiz vatanımızın yükselmesi için çalışıyoruz.

همه مان بخاطر پیشرفت وطن مان فعالیت می کند

Yurt sevgisi her şeyden üstündür.

علاقهء وطن از همه چیز بالاتر است .

Insanlar yurtları uğruna mallarını, kanlarını, canlarını

verirler. انسانها در راه وطن شان ثروتشان و خونشان و وجودشان را می بخشند .

Her genç, yirmi yaşında asker olur.

هر جوان در بیست سالگی سرباز می شود .

Yurt hizmetini yapar.

خدمت نظام و وظیفه را انجام می دهد .

Bir Türk şairi şöyle diyor:

یك شاعر ترك اينطور می گوید :

Bayrakları bayrak yapan Üstündeki kandır, Toprak, eğer

uğruna ölen varsa, vatandır. vatanların yükselmesinde en

büyük hizmeti bilginler (alimler), fen adamları, sanatçılar

(sanatkarlar) yapar. بزرگترین خدمت را دانشمندان و انسانهای اهل فن و

هنرمندان در ترقی وطنها (مملکتها) انجام می دهند .

Biz de bu şerefli hizmetleri yapanlardan olmağa çalışalım.

ما هم بایستی سعی بکنیم جزو کسانی باشیم که خدمت با ارزش انجام داده اند .

SAYILAR: شمارهها:

Yirmi,yirmi bir,yirmi iki,yirmi üç,yirmi dört,yirmi beş,

20 21 22 23 24 25

yirmi altı,yirmi yedi,yirmi sekiz,yirmi dokuz...

26 27 28 29

KONUŞTURMALAR: مکالمهها:

(cevaplar birer tam cümle olmalıdır.)

جوابها هر کدام بایستی یک جملهء کامل باشد .

-Memleketten ne geldi?

از مملکت چه چیز آمد؟

-Memleketten mektup geldi.

از مملکت نامه آمد .

-Mektubu kim yazmış?

نامه را چه کسی نوشته؟

-.....

-Kimleri özlediniz?

به چه کسانی دلتنگ شدید؟

-Annemi,kardeşlerimi,arkadaşlarımı özledim.

به مادرم ،خواهرانمان و برادرانم ،دوستانم ،دلتنگ شدم .

-Ne vakit cevap yazacaksınız?

کی جواب خواهید نوشت؟

-.....

-Her insan vatanını sever mi?

آیا هر انسان وطنش را دوست می دارد؟

-Evet,her insan vatanını sever.

بلی - هر انسان وطنش را دوست می دارد .

-Vatanlarına en şerefli hizmetleri kimler yapar?

چه کسانی بیشترین خدمت با ارزش را به وطنشان انجام می دهند؟

-.....

-Her genç kaç yaşında asker olur?

هر جوان در چند سالگی سرباز می شود؟

-.....

- آیا علی ترکی می‌داند؟
 -Ali Türkçe biliyor mu?
 بلی - علی ترکی میدانند.
 -Evet, Ali Türkçe biliyor.
 نه خیر، علی ترکی نمیدانند.
 -Hayır Ali Türkçe bilmiyor.
 کی به وطن خواهید رفت؟
 -Memlekete ne vakit gideceksiniz?
 -.....

دستور زبان

DILBİLGİSİ:

- هماهنگی صدا.
 I. Ses uyumu:
 Türkçede sekiz sesli harf vardır: a, e, ı, i, ö, o, u, ü,
 در ترکی هشت حرف صدادار وجود دارد.
 Dördükalin seslidir: a, ı, o, u,
 چهار تایش صدای کلفت دارد.
 Dördü ince seslidir: e, i, ö, ü,
 چهار تایش صدای ظریف دارد.
 Türkçe kelimelerde kalın seslilerden sonra kalın sesliler
 در کلمات ترکی بعد از صداهای کلفت صداهای کلفت می‌آید.
 gelir.
 Türkçe kelimelerde ince seslilerden sonra ince sesliler
 در کلمات ترکی بعد از صداهای ظریف، صداهای ظریف می‌آید.
 gelir.
 Adamlar, çocuklar, arkadaşlar, Araplar, odalar.
 انسانها، بچه‌ها، دوستان، عربها، اتاقها.
 Geceler, çiçekler, defterler, Türkler, gençler...
 شبها، گلها، دفترها، ترکها، جوانها،
 II. Şahıs zamirleri şöyle kullanılır:
 ضمیرهای شخص اینطور استعمال می‌شود.
 a) Benim babam, senin kardeşin, onun annesi...
 پدر من، خواهر (برادر) تو، مادر او
 Bizim evimiz, sizin anneniz, onların arkadaşları...
 خانه ما - مادر شما. دوستان آنها،

b) Ben geldim, sen geldin, o geldi...

او آمد تو آمدی من آمدم

Biz geldik, siz geldiniz, onlar geldiler...

آنها آمدند شما آمدید ما آمديم

ALİŞTIRMALAR:

1) "Memleket, anne, asker, vatan, genç, insan" kelimelerinin çoğullarını yazınız.

2) Şu rakamların nasıl okuduklarını yazınız:

9, 16, 23, 7, 14, 21, 29, 6, 4, 25, 12, 26, 19.

3) Aşağıdaki yanlışları düzeltiniz:

a) Kitaplar, arkadaşlar, defterler, kalemler, askerler, gençlar..

b) Benim annemiz, bizim memleketim, sizin babası, onun kitabım senin defteriniz.

c) Ben yazdı, sen çalışıyoruz, o geldim, Biz yazdım, siz sever-sin, onlar gideceğim.

C) Sekiz on, yedi, dört yirmi, üç on, yirmi yedi, yirmi dokuz,

18

7

24

13

25

18

iki...

معنی	تلفظ	لغت
ثبت نام کردن	یازیل ماک	Yazılmak
حقوق	هوکوک	Hukuk
ادبیات	ادبیات	Edebiyat
ترکی شناسی	تورکولوژی	Türkoloji
تاریخ	تاریخ	Tarih
باستان شناسی	آرکیولوژی	Arkeoloji
جغرافیا	جغرافیا	Coğrafya
فلسفه	فلّ س ف	Felsefe
زبان شناسی	فیلولوژی	Filoloji
اقتصاد	ایکتیصات	iktisat
فن	فَن	Fen
جنگل	آرمان	Orman
دندانپزشکی	ریش هکیم لی بی	Diş Hekimliği
تعلیم و تربیت	ایبی تیم	Eğitim
داروسازی	اجزاجی لئک	Eczacılık
شیمی	کیم یا	Kimya
ریاضیات	ماتِ ماتیک	Matematik
فیزیک	فیزیک	Fizik
زیست شناسی	بیولوژی	Bioloji
رشته	بُولوم	Bölüm
سخت	زُر	Zor
باید - اجبار	کَرک	Gerek
جدا شدن	آی رئل ماک	Ayrılmak
هنوز - دیگر	داها	Daha
دبیرستان	لی س	Lise
سی	آنوز	Otuz

معنی	تلفظ	لغت
چهل	کترک	Kırk
پنجاه	الی	Elli
کدام	هان گی	Hangi
سبب	سبپ	Sebep
پایه - اساس	تمل	Temel
فعل	فییل	Fiil
کار	ایش	Iş
اطلاع دادن - فهماندن	بیل دیرمک	Bildirmek
مصدر	ماصتار	mastar
آمدن	گل مک	gelmek
دانستن	بیل مک	bilmek
موفق شدن	باشار ماک	Başarmak

Türkiye'ye Türk dilini (Türkçeyi) öğrenmek için geldim.

به ترکیه بخاطر یادگرفتن زبان ترکی آمدم .

Hepimiz İstanbul'la okumak için geldik.

همه ما به خاطر تحصیل (خواندن) به استانبول آمديم .

Türkçe öğrendikten sonra Üniversiteye yazılmak istiyoruz.

می خواهيم بعد از یادگرفتن ترکی در دانشگاه ثبت نام بکنيم .

Ben Tıp Fakültesine gireceğim. . من به دانشکده پزشکی وارد خواهم شد .

Siz Hukuk Fakültesine mi gireceksiniz?

آيا شما به دانشکدهٔ حقوقی وارد خواهيد شد؟

Edebiyat Fakültesinde Türkoloji, Tarih, Arkeoloji, coğrafya,

در دانشکده ادبیات رشته های ترکی شناسی و تاریخ، باستان شناسی

Felsefe, Filoloji bölümleri vardır.

جغرافیا، فلسفه، زبان شناسی وجود دارد .

İstanbul Üniversitesi'ne bağlı oniki fakülte daha var:

دوازده دانشکدهٔ دیگر وابسته به دانشگاه استانبول وجود دارد .

1) Edebiyat Fakültesi,

۱- دانشکدهٔ ادبیات

2) Fen Fakültesi,

۲- دانشکدهٔ فن

3) Hukuk Fakültesi,

۳- دانشکدهٔ حقوق

4) Orman Fakültesi,

۴- دانشکده جنگلبانی

5) Diş Hekimliği Fakültesi,

۵- دانشکده دندانپزشکی

6) Eğitim Fakültesi,

۶- دانشکده تعلیم و تربیت

7) Eczacılık Fakültesi,

۷- دانشکده داروسازی

8) Kimya Fakültesi,

۸- دانشکدهٔ شیمی

9) İktisat Fakültesi

۹- دانشکده اقتصاد

10) İşletme Fakültesi

۱۰- دانشکده مدیریت

11) İstanbul (Çapa) Tıp Fakültesi

۱۱- دانشکده پزشکی استانبول

۱۲- دانشکده پزشکی جراح پاشا Cerrahpaşa Tıp Fakültesi
Fen Fakültesi Matematik, Fizik, Biyoloji bölümlerine ayrılı
دانشکده فنی به رشته‌های، ریاضی، فیزیک، زیست شناسی تقسیم می‌شود.
Üniversite öğrenimi kolay değildir, zordur.

تحصیل دانشگاه آسان نیست سخت است.

Başarmak için pek çok çalışmak gerektir (Lazımdır).
برای موفق شدن فعالیت خیلی زیاد ضروری است.

SAYILAR:

otuz, kırk, elli, otuz bir, kırk iki, elli üç, otuz dört,

30 40 50 31 42 53 34

kırk beş, elli altı, otuz yedi, kırk sekiz, elli dokuz..

45 56 37 48 59

KONUŞTURMALAR:

-Hangi lisede okudunuz? در کدام دبیرستان تحصیل کردید؟

-Sizde lise öğrenimi (taahsili) kaç yıl sürer?

در مملکت شما تحصیل دبیرستان چند سال طول می‌کشد؟

-Türkiye'ye niçin geldiniz?

چرا به ترکیه آمدید؟

-Üniversiteye niçin girmek istiyorsunuz?

چرا می‌خواهید به دانشگاه بروید؟

-Hangi fakülteye yazılacaksınız?

به کدام دانشکده ثبت نام خواهید کرد.

-Bu Fakülteyi istemenizin sebebi nedir?

-Eczacılık Fakültesinde okuyanlar ne olur?

کسانی که در دانشکده داروسازی تحصیل می‌کنند چه چیز نامیده می‌شوند؟

-Istanbul üniversitesinde kaç fakülte vardır?

در دانشگاه استانبول چند دانشکده وجود دارد .

DILBİLGİSİ:

دستور زبان

فعل اساس جمله می باشد . فعل اساس جمله می باشد .
Fiil,iş bildiren kelimelerdir! کلمه‌ای که کار را مشخص می کند فعل است!
Her fiilin bir mastarı var. هر فعل یک مصدر دارد .

Türkçe mastarların eki-mek'tir.

در ترکی پسوند مصدرها (مک می باشد) .

Bu ek,kalın sesli kelimelerde-mak olur.

این پسوند در کلمه‌های صدادار کلفت (ماک) می شود .

öğrenmek,gelmek,girmek,bilmek...

یاد گرفتن ،آمدن ،وارد شدن ،دانستن

Başarmak,okumak,yazmak,çıkılmak...

موفق شدن ،خواندن ،نوشتن ،خارج شدن ،

ALİŞTİRMALAR:

1)Şu rakamları okuyup yazınız:

32,44,53,24,15,36,45,53,18,39,57,48...

2)Şu fiillerin mastarlarını yazınız:

Geldik,istiyoruz,ayrılır,yazmış,özledim,sever,çalışıyoruz,
verirler,yapar...

3)Aşağıdaki yanlışları düzeltiniz:

a)öğrenciler,girmek,başarmak,dişçiler,eczacılar,okumak...

b)on altı,yirmi sekiz,kırk altı,otuz beş,elli yedi,

37

15

24

17

35

on dört,dört elli,yedi otuz,iki kırk,dört on,beş elli...

26

54

37

42

14

55

معنی	تلفظ	لغت
دنیا	ی ریوزو	Yeryüzü
گرد – مدور	یووارلاک	Yuvarlak
آفتاب	گونش	Güneş
اطراف	چوره	Çevre
برگشتن	دُن مک	Dönmek
سیاره	ک زگن	Gezegen
مدار – مسیر	یورونگ	Yörüngen
دوره	دویر	Devir
سال	ئیل	Yıl
سال	سن	Sene
تمام کردن	بیتیرمک	Bitirmek
محور	اگسن	Eksen
ساعت	ساعات	Saat
ادامه یافتن	سورمک	Sürmek
شب	گجه	Gece
روز	گون دوز	Gündüz
میدان	میدان	Meydan
روشنائی	ااشک	Işık
روشنائی	زیبا	Ziya
وضعیت	بی چیم	Biçim
عوض شدن	دیش مک	Değişmek
وضعیت	دوروم	Durum
نتیجه	سونوچ	Sonuç
زائیدن – بوجود آوردن	دغ ماک	Doğmak
آب و هوا	ایکلیم	İklim
ماه	آی	Ay

معنی	تلفظ	لغت
قمر	اوی دو	Uydu
شصت	آل ت مش	Altmış
است	دیر	Dir
روشن کردن - توضیح دادن	آی دئن لات ماک	Aydınlatmak
چرا - برای چی	ندن	Neden
جمله	جومله	Cümle
طرز فکر	دوشون جه	Düşünce
تقاضا - خواهش - آرزو	ایس تک	Istek
حادثه - واقعه	الای	Olay
حکم	هوکوم	Hüküm
فهماندن	آن لات ماک	Anlatmak
حرف	سز	Söz
سری - ردیف	دی زی	Dizi
فاعل	ازن	Özne
دیگر - آن دیگری	آبور	Öbür
پایه - اساس	ک مل	Temel
طرز تشکیل	کورولوش	Kuruluş
طرز نوشته	یازئلش	Yazılış
علم	بی لیم	Bilim
علم	ای لیم	İlim
گذارده شدن - مهمان شدن	کن ماک	Konmak
گذاشتن	کی ماک	Koymak
متغیر	دی شن	Değişen

Dünyamız yuvarlıktır. . دنیای ما کروی است .
 Dünyamız, Güneşin Çevresinde (etrafında) dönen bir gezegendir
 (seyyaredir). . دنیای ما یک سیاره چرخان در اطراف خورشید می باشد .
 Yörüngesindeki devrini bir yılda (senede) bitirir.
 دورهٔ گردش به مدارش را در یک سال تمام می کند .
 Dünyamızın kendi ekseni (mihveri) etrafında dönüşü de yirmi
 dört saat sürer.

دنیای ما چرخش به مدار اطراف خود را در ۲۴ ساعت طی می کند .
 Bu dönüş gece ile gündüzü meydana getirir.
 این چرخش شب و روز را بوجود می آورد .

Dünyamız ışıǵı (zıyaǵı), ısıyı (hararetı) Güneşten alır.
 دنیای ما نور، حرارت را از خورشید می گیرد .

Yörünge nin biçiminden, Dünyamızın deǵışen durumundan ve
 dönüşünden şu sonuçlar (neticeler) doğmuştur.

از وضعیت مدار و از چرخش و وضعیت متغیر دنیای ما این نتیجه ها بوجود آمده است .

- 1) Gece ile gündüzün oluşu, ۱- پیدایش شب و روز
 - 2) Mevsimler, ۲- فصلها
 - 3) İklimler, ۳- آب و هوا
- Ay da Dünyanın etrafında döner. . ماه هم در اطراف دنیا چرخش می کند .
 Ay, Dünyanın uydusudur. (peykidir). . ماه قمر دنیا می باشد .

SAYILAR:

Altmış, yetmiş, seksen, doksan, altmış bir, yetmiş üç, seksen iki,
 60 70 80 90 61 73 82
 doksan dört, altmış beş, doksan altı, seksen yedi, yetmiş sekiz
 94 65 96 87 78

KONUŞTURMALAR:

(Cevapların birer tam cümle olmasına dikkat ediniz)

دقت کنید که جوابها یک جملهء کامل باشد .

-Dünyamız ne biçimdedir? دنیای ما در چه وضعی است؟

-Dünyamız neyin çevresinde döner?

دنیای ما در اطراف چه چیز گردش می کند .

-Yıldızlar iki türdür:Gezegenler(seyareler)durağanlar

(sabitler). ستارهها دو نوع هستند . ۱- سیارهها ۲- ثابتها .

Dünyamız gezegen midir,durağan mıdır?

آیا دنیای ما یک سیاره است یا یک ستاره ثابت؟

-Güneş gezegen bir yıldız mıdır,durağan bir yıldız mıdır?

آیا آفتاب یک ستاره سیار است یا یک ستاره ثابت؟

-Geceler niçin karanlık olur? شبها چرا تاریک می شود؟

-Dünyamızı aydınlatan nedir? چه چیز دنیای ما را نورانی می کند؟

-Ay,Dünyanın nesidir? ماه چه چیز دنیا است؟

-Ay da Dünyayı aydınlatır mı?Işığı neden alır?

آیا ماه نیز دنیا را روشن می کند؟نور را از چه می گیرد .

DILBILGISI:

Cümle:-"Dünyamız yuvarlaktır"Sözü iki kelimeli bir

cümledir. جمله:حرف دنیای ما گرد است یک جملهء دو کلمه ایست .

Birinci kelime"özne",ikinci kelime"yüklem"dir.

کلمه اولی فاعل،کلمه دومی فعل است .

Cümle bir düşünceyi,bir isteği,bir olayı,bir hükümü tam

olarak anlatan söz dizisidir.

جمله،یک طرز فکر و یک خواسته،یک حادثه و یک منظوری را بطور کامل بیان می کند .

Her cümlede iki, üç, dört, beş ve daha çok kelime bulunur.

در هر جمله دو و سه و ۴ و ۵ و بسیار زیادی کلمه پیدامی شود.

Özne ile yüklem cümlelerin temelidir (esasidir).

فعل و فاعل اساس جمله است.

Öbür kelimeler bunların tamlayıcılarıdır.

کلمه های دیگر تمام کننده اینها هستند.

Cümlelerin kuruluşu.-Bilim (ilim) dilinde yüklem, Cümlelerin sonunda bulunur.

طرز تشکیل جمله - در زبان علم فعل در آخر جمله ظاهر می شود.

Cümlelerin yazılışı.-cümle büyük harfle başlar, sonuna nokta konur.

طرز نوشتن جمله - جمله با حروف بزرگ شروع می شود و به آخرش نقطه گذاشته می شود.

ALİŞTIRMALAR:

1) "Ali çalışıyor". cümlesinde hangi kelime yüklemdir?

Hangisi öznedir?

"Küçük Ali odada çalışıyor". cümlesinde özne ile yüklemden başka kelimeler neye yarıyor?

2) Şu rakamları okuyup yazınız:

78, 17, 25, 99, 86, 51, 44, 27, 19, 38, 63...

3) Aşağıdaki yanlışları düzelterek yazınız:

a) Dünya düzdür. Dünya kendi eksenini etrafında 24 günde dönür.

Dünya, Güneşin çevresindeki dönüşünü altı ayda bitirir.

b) Yedi otuz, altı kırk, iki altmış, bir doksan, üç seksen.

معنی	تلفظ	لغت
گرما	اِئسی	Isı
روشنائی	اِئشئک	Işık
عمود	دی کی	Dikey
منتشر شدن	یائیل ماک	Yayılmak
قانون	کانون	Kanun
منطقه	بیل گ	Bölge
وضعیت	دوروم	Durum
گرمسیر	ترمهیکال	Tropical
مناطق - کمربندها - مدارات	کوشاکلار	Kuşaklar
وسط	آراسی	arası
گرم	سئجاک	Sıcak
معادل	کارشی لئک	Karşılık
شمال	کوزی	Kuzey
قطب	کوتوپ	Kutup
کم	آز	Az
پوشیده	آرتولو	Örtülü
اگر چه - درحالیکه	ای س	İse
نزدیک	یاکنن	Yakın
ناهمواری	آن گب	Engebe
کوه	داغ	Dağ
بلند	یوک سک	Yüksek
خنک	سربین	Serin
دریا	دنیز	Deniz
سطح	سوی	Seviye
ولرم	اِئلئک	Ilık
شرق	دغو	Doğu

Dünyamıza ısı ve ışık Güneşten gelir.

به دنیای ما نور و حرارت از خورشید می آید .

Isı, dikey (amut) olarak yayılır (intişar eder).

گرما بصورت عمود منتشر می شود .

Bu bir fizik kanunudur.

این یک قانون فیزیک است .

Dünyamız yörüngeinde dönerken aynı durumda kalmaz, değişir.

دنیای ما در موقع گردش به مدار در همان وضعیت باقی نمی ماند تغییر می کند .

Bu sebepten dünyanın çeşitli bölgelerine ışık ve ısı değişik biçimde gelir.

به همین علت به نقاط مختلف دنیا حرارت و روشنایی در وضعیت مختلف وارد می شود .

Isıyı daima dikey alan orta kuşak (ekvator) ve ekvatorun alt ve üstündeki tropikal kuşakların arası çok sıcak olur.

دائماً " در استوا و بالا و پائین استوا و میان مناطق حاره گرما خیلی زیاد می باشد .

Buna karşılık, kutup bölgeleri az ısı aldıkları için buzlar altındadır buzullarla (cumudiyelerle) örtülüdür.

معادل این - مناطق قطبی بخاطر دریافت گرمای کم در زیر یخ ها است و بایخ ها پوشیده می باشد

Kutuplarla tropikal kuşaklar arasında kalan bölgelerde ise iklimler değişiktir.

مناطقى كه بین قطبها و نواحى گرمسیر هستند آب و هواها را نیز تغییر می دهند .

Buzlu bölgelere yakın yerlerde ısı azdır.

در جاهای نزدیک به مناطق یخی گرما کم است .

Tropikal bölgelere yakın yerler sıcak olur.

مناطق نزدیک به حاره خیلی گرم می شود .

Yeryüzünün engebeleri(arızaları)de iklimi az çok değiştirir:
 ناهمواری‌های کره زمین نیز آب‌هوا را کم و بیش تغییر می‌دهد .

Yüksek dağ başları serin,soğuk ve buzlu olur.

ارتفاعات خنک و سرد بایخ پوشیده می‌شود .

Deniz seviyesine yakın yerler ılık ve sıcak olur.

مناطق نزدیک به سطح دریا ولرم و گرم می‌شود (می‌باشد) .

SAYILAR:

yüz,yüz beş,yüz on,yüz on yedi,yüz yirmi dokuz,

100 105 110 117 129

yüz otuz sekiz,yüz elli iki,yüz kırk yedi,yüz yetmiş bir,

138 152 147 171

yüz altmış üç,yüz doksan dört,yüz seksen dokuz...

163 194 189

KONUŞTURMALAR:

مکالمه‌ها

(cevaplar birer tam cümle olsun)

جواب‌ها هر کدام یک جمله کامل باشد .

-Isı nasıl yayılır?

گرما چطور منتشر می‌شود؟

-Dünyanın kaç kutbu vardır?

دنیا چند قطب دارد .

-Kutuplar nasıldır?Niçin?

قطبها چطور هستند؟چرا؟

-Kuzey ve güney kutuplarından eşit uzaklıkta bulunan kuşağa ne denir?

بمداری که با فاصله مساوی از قطب‌های شمال و جنوب وجود داشته چه گفته می‌شود؟

- Tropikal bölge neresidir? منطقه حاره چه چیز است؟ (چیست)؟
- Sizin memleketiniz Türkiye'nin ne tarafındadır? میهن شما در کدام طرف ترکیه است.
- Memleketiniz tropikal bölgeye mi, kuzey kutbuna mi yakındır? آیا مملکت شما به منطقه حاره و یا به قطب شمال نزدیک است؟
- Engbeler de iklimi değiştirir mi? Nasıl? آیا ناهمواریها نیز آب و هوارا تغییر می دهد. چگونه؟
- Memleketiniz, deniz seviyesinden ne kadar yüksektir? مملکت شما چقدر از سطح دریا (ارتفاع) دارد.
- Memleketinizin iklimini anlatınız. آب و هوای وطنتان را شرح دهید.

DILBİLGİSİ:

- Yukarıdaki metinde (dersin başlangıcındaki metinde) kaç cümle vardır? در متن بالا چند جمله وجود دارد؟
- Cümleler küçük harfle mi başlıyor? آیا جمله با حرف کوچک شروع می شود؟
- Her Cümle'nin sonuna ne konmuştur? در آخر هر جمله چه چیز گذاشته می شود؟
- Bu metinde beş fiilin altlarını çiziniz. در این متن زیر پنج فعل خط بکشید
- Mastarlarını yazınız. و مصدرهایشان را بنویسید.
- Mastarların hangileri ince seslidir ve eki-mek'tir? کدام یک از مصدرها با صدای ظریف است و پسوندش مک می باشد؟
- Hangileri kalın seslidir ve eki-mak'tir? کدام هایشان با صدای کلفت است و پسوندش ماک می باشد؟

ALİŞTIRMALAR:

1)Şu rakamları okuyup yazınız:

92,86,125,182,179,167,144,156,138,164,193...

2)Şu Sayılardaki yanlışları düzeltip yazınız

Beş yirmi yüz,kırk dokuz yüz,dört altmış yüz,

125

149

164

yetmiş iki yüz,altı doksan yüz,beş otuz yüz,

172

196

135

seksen sekiz yüz,yüz üç altmış,elli yüz dokuz

188

163

188

3)Şu cümlelerdeki yanlışları düzelterek yeniden yazınız:

Gelir ısı Güneşten,Isı yayılır dikey olarak.Kutuplar örtülüdür buzlarla,Istanbul yakındır deniz seviyesine.Ekvator buzullarla örtülüdür.

معنی	تلفظ	لغت
صبح	ساباه	Sabah
زود	ارکن	Erken
بیدار شدن	اویان ماک	Uyanmak
پنجره	پنجره	Pencere
صاف	بولوت سوز	Bulutsuz
براق	براک	Berrak
پائیز	گوز	Güz
هنوز - دیگر - بسیار	داها	Daha
سپیده دم	تان	Tan
سفید کردن	آغارت ماک	Ağartmak
شکافتن	سک مک	Sökmek
اولاً	ایل کین	İlkin
افق	اوقوک	Ufuk
سفیدی	بیازلئک	Beyazlık
روشن شدن - مشخص شدن	بلیر مک	Belirmek
بعد	سن را	Sonra
کمی	بیرآز	Biraz
کم - یواش	یاواش	Yavaş
سرخ شدن	کثرمئزی لاش ماک	Kırmızılaşmak
شروع شدن	باشلاماک	Başlamak
انار	نار	Nar
گل	چی چک	Çiçek
مثل - مانند	گئی بی	Gibi
طلا	کئزئل	Kızıl
برگشتن	دن مک	Dönmek
زیبا	گوزل	Güzel

معنی	تلفظ	لغت
نگاه کردن	باک ماک	Bakmak
ساکن	دورگون	Durgun
برعکس - تصویر	آک سی	Aksi
آب	سو	Su
علامت شرط (بمفهوم اگر)	سا - سه	Sa/se
پنجره	پنجره	Pencere
کار	ایش	Iş
خواستن	ایس تمک	Istemek
اصلاح کردن	تتراش آل ماک	Tıraş olmak
حمام کردن	یئکان ماک	Yıkanmak
شانه کردن	تاران ماک	Taranmak
صبحانه خوردن	کاه والتی ات مک	Kahvaltı etmek
رسیدن	یتیش مک	Yetişmek
کوچه	سکاک	Sokak
براق	پارلاک	Parlak
صرف کردن افعال -	چکیم ل مک	Çekimlemek
گذشته	گچمیش	Geçmiş
حالا	شیمدی	Şimdi
آینده	گل جک	Gelecek
خشن	سرت	Sert

Erken uyandım. زود بیدار شدم .
 Pencereyi açtım. پنجره را باز کردم .
 Bulutsuz,berrak bir güz(sonbahar)sabahı....
 یک صبح پاییزی شفاف ، صاف

Daha tan yeri ağartmamıştı(şafak sökmemişti).
 هنوز سپیده دم زمین را روشن نکرده بود .

İlkin(evvela)doğuşark)ufukunda bir beyazlık
 belirdi. ابتداء در افق شرق یک سفیدی روشن شد .
 Biraz sonra sarardı. کمی بعد زرد شد (کمی بعد به زردی گرائید)
 Yavaş yavaş kırmızılaşmaya başladı.
 کم کم به قرمز شدن شروع کرد .

Nar çiçeği gibi kırmızı oldu. مثل گل انار قرمز شد .
 Sonra kızıla döndü. بعد به طلائی برگشت .
 Deniz durgundu. دریا ساکت بود .

Bu kızılılığın durgun sudaki aksi pek güzeldi.
 تصویر این طلائی در آب ساکت خیلی زیبا بود .

Baktım,baktım... نگاه کردم ، نگاه کردم .
 Vaktim olsaydı daha çok bakacaktım.
 اگر وقت داشتم بیشتر نگاه میکردم .

Pencereyi istemeye istemeye kapadım. پنجره را نخواسته بستم .
 İşlerime döndüm. به کارهایم برگشتم .

Tıraş oldum,yıkandım,tarandım,kahvaltı ettim.
 اصلاح کردم ، حمام کردم ، شانه کردم و صبحانه خوردم .

Derse yetişmek üzere sokağa çıktım.

برای رسیدن به درس به کوچه رفتم .

Parlak sabah güneşi her yeri aydınlatıyordu.

آفتاب شفاف صبح همه جا را روشن کرده بود .

SAYILAR:

شماره‌ها :

Bin, bin altı, bin yirmi dört, bin yüz altmış,

1000 1006 1024 1160

iki bin üç, dört bin yedi yüz dokuz,

2003 4709

üç bin sekiz yüz kırk bir, yedi bin on üç,

3841 7013

on bin dört yüz, otuz sekiz bin iki yüz elli bir,

10400 38251

doksan üç bin bir...

93001

KONUŞTURMALAR:

-Sabahları saat kaçta uyanırsınız?

صبح‌ها ساعت چند بیدار می‌شوید؟

-Her sabah pencereyi açar mısınız??

هر صبح پنجره را باز می‌کنید؟ چرا؟

-O sabah hava nasıldı? آن صبح هوا چطور بود؟

-Deniz nasıldı? دریا چطور بود؟

-Pencereyi istiyerek mı kapadınız?

آیا پنجره را باخواست خود بستید؟

-Her sabah yataktan kalkınca neler yaparsınız?

هر صبح موقع بلند شدن از رختخواب چه کار انجام می دهید؟

-Kahvaltıda neler yer,neler içersiniz?

در صبحانه چه چیزها می خورید و می نوشید؟

-Bulutlu,yağmurlu havaları sever misiniz?

آیا هواهای ابری و بارانی را دوست میدارید؟

-Memleketinizin sonbaharları yağmurlu mu geçer?

آیا پاییزهای میهن شما بارانی میگردد؟

-Güz aylarında ısı kaç derece etrafında olur?

در ماههای پاییز درجه حرارت چقدر می شود .

-Memleketinizde ısı hangi ayda düşük olur?

در میهن شما حرارت در کدام ماه تنزل می کند؟

Kaç düşer?

به چند درجه میرسد؟

DILBİLGİSİ:

دستور زبان

Her fiilde bir zaman anlamı bulunur.

در هر فعل یک مفهوم زمان وجود دارد .

Zaman üçe ayrılır:

زمان به سه دسته تقسیم می شود .

1)Geçmiş zaman,

۱- زمان گذشته

2)Şimdiki zaman,

۲- زمان حال

3)Gelecek zaman.

۳- زمان آینده

Bir de her zaman anlamlı"geniş zaman"fiili vardır.

یکی هم به مفهوم همیشه فعل "زمان حال ساده" وجود دارد .

"Erken uyandım"

زود بیدار شدم .

-Ne vakit?

چه وقت؟

-Bu yazıyı yazmadan önce,geçmiş zamanda.

در زمان گذشته . قبل از اینکه این نوشته را بنویسم .

"...bir beyazlık belirdi".

..... یک سفیدی ظاهر شد .

-Ne vakit? چه وقت؟

-Bu yazıyı yazmadan önce,geçmişte.

در زمان گذشته، قبل از گذشتن این موضوع.

"Sokağa çıktım".-Ne vakit? به کوچه رفتم - چه وقت؟

-Anlatmadan önce,geçmişte. قبل از فهماندن. در گذشته.

-di ekiyle yapılan fiillere"-di'li geçmiş zaman kipi"denir.

فعل‌هایی که با پسوند -di درست می‌شود زمان گذشته گفته می‌شود.

1)-di eki kelimenin sesli harfine uyar:

پسوند di با حرفهای صدادار کلمه‌ها هماهنگ می‌شود.

Belirdi, ظاهر شد

Sarırdı, زرد شد

oldu, شد -

döndü. برگشت

2)Kelimenin sonu sert harf ise-di eki-ti olur:

اگر آخر کلمه حرف خشن باشد پسوند di به ti تبدیل می‌شود.

Açtı,baktı,etti...

Sert harfler sekiz tanedir:ç f h k p ş s t.

حرفهای خشن هشت عدد می‌باشد.

-di'li geçmiş zaman kipi şahıslara göre söyle çekimlenir:

زمان گذشته با (di) نسبت به شخص‌ها اینطور صرف میشود:

TEKİL

COGUL

1.Şahıs Ben uyandım

biz uyandık

2. " Sen uyandın

siz uyandınız

3. " O uyandı

onlar uyandılar

Bır fiil daha çekimliyelim:

TEKİL

ÇOĞUL

1.Şahıs Geldim

geldik

2. " geldin geldiniz
3. " geldi geldiler

ALİŞTIRMALAR:

1)"Döndü"fiilin şahıslara göre çekimleyerek yazınız.

"Okumak"mastarının -di'li geçmiş kipini şahıslara göre çekimleyerek yazınız.

2)Şu fiillerdeki yanlışları düzelterek yazınız:

sen baktım,ben yıkandım,o tarandık,onlar başladınız,
deniz durgundular.

3)Şu rakamları okuyarak yazınız:

816,1964,3647,7001,94318,82019,60007,99999...

4)Şu sayılardaki yanlışları düzelterek yazınız:

Altı elli üç yüz beşbin,sekiz yüz dört yirmi bin doksan,

5356

90824

yetmiş iki bin yedi doksan üç yüz,dört elli sekiz yüz beş-

72397

5854

bin

معنی	تلفظ	لغت
خانواده	آایله	Aile
مادر	آننه	Anne
پدر	بابا	Baba
خواهر - برادر	کاردش	Kardeş
تمام	بوتون	Bütün
فامیل	آکراپا	Akraba
دوست داشتن	سومک	Sevmek
بچه	چوچوک	Çocuk
برادرزاده - خواهرزاده	یین	Yeğen
مرد	ارکک	Erkek
دائی	دایی	Dayı
دختر	کئز	Kız
خاله	تئزه	Teyze
عمه	هالا	Halı
عمو	آمجا	Amca
شمرده شدن	سائیل ماک	Sayılmak
بدین ترتیب	بیلجه	Böylece
اصل و نسب	سی	Soy
دسته جمعی - اجتماعی	تپ لولوک	Topluluk
کانون - مرکز	اچاک	Ocak
هم وطن	واتان داش	Vatandaş
جنگ	ساواش	Savaş
بلند شدن - برخاستن	کال ک ماک	Kalkmak
بهشت	جنت	Cennet

Her insan annesini, babasını, kardeşlerini, bütün akrabalarını sever.

هر انسان مادرش، پدرش، خواهر و برادرانش و تمامی فامیل‌هایش را دوست می‌دارد.
Kardeş çocuklarına "yeğen" denir.

به بچه‌های برادر (خواهر) برادرزاده گفته می‌شود.

Babamızın erkek kardeşi amcamız olur.

برادر پدرمان عمویمان می‌باشد.

Babanın kız kardeşine Türkler "hala" derler.

ترکها به خواهر پدر عمه می‌گویند.

Annenin erkek kardeşine "dayı" denir.

به برادر مادر داعی گفته می‌شود.

Annenin kız kardeşi teyzedir.

خاله خواهر مادر می‌باشد.

Halaların, teyzelerin, dayıların, amcaların çocukları da aileden sayılır.

بچه‌های عمه‌ها، خاله‌ها، داعی‌ها و عموها از فامیل نیز شمرده می‌شوند.

Böylece aile, bir soydan olanların topluluğudur.

بدین ترتیب فامیل از اجتماع کسانی هستند که از یک اصل نسب می‌باشند.

Her memleket bir aile ocağı gibidir.

هر مملکت مثل کانون یک خانواده می‌باشد.

Vatandaşlar (yurttaşlar) da birbirlerinin kardeşi gibidirler.

هموطن‌ها هم مثل برادر همدیگر می‌باشند.

Bütün insanlar birbirini kardeş sayar,

تمامی انسانها همدیگر را برادر می‌شمارد.

kardeş gibi severse milletler dost olur;

اگر انسانها بصورت برادر همدیگر را دوست بدانند ملت‌ها هم با هم دوست می‌شوند.

savaşlar(harpler)kalkar.

حربها از بین میرود

Savaşlar kalkınca dünya cennete döner.

پا برخاستن جنگلها دنیا به بهشت تبدیل میشود!

KONUŞTURMALAR:

مکالمهها

(Cevaplar birer tam cümle olmalıdır.)

جوابها بایستی یک جمله کامل باشد.

-Kimleri seversiniz?

چه کسانی را دوست می دارید؟

-Aile topluluğunda kimler bulunur?

در اجتماع خانواده چه کسانی پیدامی شوند؟

-Kaç kardeşiniz var?Kaçı kız,kaçı erkek?

چند برادر (خواهر) دارید؟ چند تایش دختر، چند تایش پسر؟

-Kaç amcanız var?

چند عمو دارید؟

-Amcalarınızın çocukları var mıdır? آیا عموهای شما بچه دارند؟

-Teyzenizi mi,halanızı mı çok seversiniz?

آیا خالهیتان را، عمهیتان را بیشتر دوست می دارید؟

-Dayılarınız hangi şehirlerde oturur?Size sık sık gelirler

mi? دائی هایتان در کدام شهر زندگی می کنند؟ آیا به خانه شما مداوم می آیند؟

-Aileniz içinde yüksek öğrenim(tahsil)görmüş olanlar var

mi? آیا در خانواده شما کسانی هستند که تحصیلات عالی داشته باشند؟

-Nereelerde,hangi üniversitelerde okumuşlardır?

در کجاها؟ در کدام دانشگاهها خوانده اند؟

Şu rakamları okuyup yazınız:

این شمارهها را خوانده بنویسید.

9,73,482,1999,48639,346,492,816,754,42,894579

DILBİLGİSİ:

دستور زبان

"Her"kelimesinin belirttiği isimler çoğul eki almaz:

اسمهایی که با کلمهٔ هر مشخص شده پسوند جمع نمی‌گیرد .

Her insan,her memleket,her öğrenci,her kitap,her çocuk...

هر انسان، هر مملکت، هر دانش‌آموز هر کتاب – هر بچه

"Her evler yanlıştır".Doğrusu"her ev"dir.

هر خانه‌ها غلط است – درستش هر خانه است .

Türkçe kelimeler sayı bakımından iki türdür:

کلمه‌های ترکی از نظر شمارهٔ دونه‌ی می‌باشد .

1)Tekil(müfret):Anne, baba, aile, memleket,

2)Çoğul(cemi): Anneler,babalar,aileler,memleketler,

sever...

مفرد

severler...

جمع

"Sever"Kelimesi fiildir.Geniş zaman kipidir.

کلمه دوست‌میدارد فعل است زمان حال ساده می‌باشد .

Şahıslara göre söyle çekimlenir:

نسبت به شخص‌ها اینطور صرف می‌شود .

1.Şahıs:(ben)severim (biz)severiz.

2.Şahıs:(sen)seversin(siz)seversiniz.

3.Şahıs:(o) sever (onlar)severler.

ALİŞTIRMALAR:

1)Bu fiillere birer kelime katarak cümle halinde çekimleyelim:

Ben kardeşimi severim.Biz vatanımızı severiz.

sen teyzeni sever misin? Siz milletinizi seversiniz.
Ali kitapları sever. Bazi insanlar parayı severler.
Siz, ikinci kelimeleri deęiřtirerek yeniden çekimleyiniz.
2) Ařaęıdaki boş bırakılan yerlere uygyn kelimeler yazınız:
Amcam, babamın.....kardeřidir.
Halam.....kız kardeřidir.
Dayım.....kardeřidir.
Annemin kız.....teyzemdir.
Aęabeyimin oęlu benim.....dir.
Ablanızın kızını sizin.....dir.

معنی	تلفظ	لغت
قاضی	کادی	Kadı
قاضی	یارگنچ	Yargıç
دادگاه	ماه کمه	Mahkeme
نفر	کی شی	Kişi
دیگری	آنکی	Öteki
شاکی	داواجی	Davacı
فورا"	همن	Hemen
حرف	سز	Söz
ده	کی	Köy
آمدن	گل مک	Gelmek
دیدن	گرمک	Görmek
راه	میل	Yol
ایستادن	دورماک	Durmak
طرف - سمت - پهلو	یان	Yan
بار	یوک	Yük
هیزم	آدون	Odun
التماس کردن	یال وارماک	Yalvarmak
دامنه - پشت	سثرت	Sırt
هیچ	هیچ	Hiç
قصبه	کاسابا	Kasaba
فروختن	ساتماک	Satmak
اجرت	اوجرت	Ücret
در حالیکه	هال بوکی	Halbuki
وعده دادن	وادهات مک	Vadetmek
حق	حاک	Hakk
قرض	برچ	Borç

معنی	تلفظ	لغت
فکر کردن	دوشون مک	Düşünmek
پرداختن	ادمک	Ödemek
گوش دادن	دین ل مک	Dinlemek
قالی	هالی	Halı
گوشه	کش	Köşe
استاد ، ملا .	هجا	Hoca
پرسیدن	سُرماک	Sormak
حکم	حوکوم	Hüküm
صادر کردن - مشخص کردن	بیل دیر مک	Bildirmek
ناحق	هاک سئز	Haksız
ابداع کننده	پاراتی لئش لی	Yaratıcılık
پسوند - اضافه	اک	Ek
وقت	واکیت	Vakit
گذشته	اس کی	Eski
شک	شوپ حه	Şüphesiz

هیچ! HIÇ!

Nasrettin Hoca, kadı (hakim=yargıç) iken mahkemeye iki kişi gelmiş. موقعیکه ملا نصرالدین قاضی بود به دادگاه دونفر آمده بود .

Biri ötekinden davacı. یکی از دیگری شاکی

Hemen söze başlamış: فوراً "شروع به صحبت کرده

Köyden geliyordum. از ده می آمدم .

Bu adamı gördüm. این را دیدم .

Yol ortasında duruyordu. در وسط راه ایستاده بود .

Yanında bir yük odun vardı. درپیش او بارهیزم بود .

Bana yalvardı: به من التماس کرد .

"-Şu yükü sırtıma kaldır." این بار را به پشتم بلند کن .

"-Ne verirsin, dedim." چه می دهی ، گفتم .

"-Hiç!" dedi. گفت (هیچ) .

Yükü kaldırdım. بار را بلند کردم .

Kasabaya geldik. به قصبه برگشتم .

Odunu sattı. هیزم را فروخت .

Ücretimi istedim.vermedi. مزدم را خواستم ، نداد .

Halbuki banabir"hiç"vereceğini vadetmişti. درحالیکه بمن وعده یک هیچ را داده بود .

Ben hakkımı isterim. من حقم را می خواهم .

Bana bir"hiç"borçludur. بمن هیچ مقروض است .

Borcunu ödesin. قرض اش را پرداخت بکند .

Nasrettin Hoca,davayı dikkatle dinlemiş,bir hayli düşünmüş sonra davacıya dönmüş:

ملا نصرالدین شاکی را با دقت گوش داده . خیلی فکر کرده بعد به شاکی برگشته

-Sen haklısın! توحق داری .

demiş ve yerdeki halıyı göstererek:

گفته قالی روی زمین را نشان داده .

-Kaldır şu halının köşesini,demiş. گوشه این قالی را بلند کن گفته .

Davacı,halının köşesini kaldırınca Hoca sormuş:

شاکی گوشه قالی را

-Ne var orda?

در آنجا چه چیز است؟

-Hiç!bir şey yok,demiş.

هیچ چیز نیست، گفته .

Nasrettin Hoca gülerək hükmünü bildirmiş:

ملانصرالدین خندان حکمش را صادر کرده .

-İşte istediğin"hiç"orada.Hemen al,git!

بفرمائید،هیچی که شما می خواستید در آنجا است، فوراً " بگیر، برو .

Haksız davacıya böylece güzel bir ders vermiş.

بدین ترتیب یک درس خوب به شاکی ناحق داده بود .

SAYILAR:

Yüz bin, iki yüz bin kırk sekiz,

100000 200048

beş yüz yirmi dört bin dokuz

524009

yedi yüz altmış dokuz bin sekiz yüz doksan altı

769896

bir milyon üç yüz bin.

1300000

KONUŞTURMALAR:

مکالمه‌ها

-Yargıçlar ne yaparlar?

قاضی‌ها چه کار انجام می دهند؟

-Nasrettin Hoca,yargıç iken mahkemeye kaç kişi gelmiş?

موقعیکه ملانصرالدین قاضی بودبه دادگاه چند نفر آمده؟

- Hangisi söze başlamış? کدام یکی شروع به صحبت کرده؟
- Davacı ne istiyor? شاکی چه می خواهد؟
- Davacının istediği verilebilir mi? آیا می توان خواسته شاکی را داد؟
- Nasrettin Hoca önce ne yapmış? اول ملانصرالدین چه کار انجام داده است؟
- Davacıya ne yaptırmış? به شاکی دستور انجام چه چیز را داده است؟
- Davacı,halının altında ne bulmuş? شاکی زیر قالی چه چیز پیدا کرده است؟
- Nasrettin Hoca ne demiş? ملانصرالدین چه گفته است؟
- Bu sözler davacıya iyi bir ders olmuş mu? آیا این حرفها برای شاکی یک درس خوب (لبمرت) شده است؟
- Sizin memleketinizde de Nasrettin Hocaya benzer filozof yaratılışını kimseler var mıdır? آیا در مملکت شما فیلسوف ابداع کننده که شبیه به ملانصرالدین باشد وجود دارد؟

دستور زبان

DİLBİLGİSİ:

- Mahkemeye iki kişi gelmiş. به دادگاه دونفر آمده است؟
- Ne vakit? کی؟
- Eski zamanlarda,geçmiş zamanda. در زمان قدیم، در زمان گذشته.
- "-miş"ekli fiiller de geçmiş zaman kipidir. پسوند"miş"(میش) پسوند فعل زمان گذشته است.
- Geçmiş zaman kipleri ikidir. فعل زمان گذشته دوتاست.
- 1)-di'li geçmiş zaman kipi, (زمان گذشته ساده (گذشته با)
- Geldi,yazdı,okudu. آمد،نوشت،خواند،
- 2)-miş'li geçmiş zaman kipi, (زمان ماضی نقلی (گذشته بامیش)
- Gelmiş,yazmış,okumuş. آمده،نوشته،خوانده،

Bu iki kip, anlatım bakımından farklıdır:

این دو زمان از نظر مفهوم فرق دارند .

"iki kişi mahkemeye geldi". Ben gördüm. Bu olayda şüphe yok

وونفر به دادگاه آمد . من دیدم ، دراین حادثه شک نیست .

"İki kişi mahkemeye gelmiş". Ben görmedim, işittim. Şüpheli

وونفر به دادگاه آمد . من ندیدم ، شنیدم می تواند شک دار باشد .

olabilir.

Buna göre:

نسبت به این :

1)-di'li geçmiş kipi, gözle görülen veya şüphesiz olan olayları anlatmak için kullanılır.

زمان گذشته ساده برای فهماندن حوادثی که با چشم دیده شده و بدون تردید است استفاده می شود.

2)-miş'li geçmiş kipi, görülmemiş, yalnız ışıtılmış olayları anlatmaya yarar.

ماضی نقلی برای فهماندن حوادثی که دیده نشده فقط شنیده شده بدرد می خورد .

Bu kip kesin anlamlı değildir. این زمان مفهوم قطعی ندارد .

-mis'li geçmiş kipinin şahıslara göre çekimi:

TEKİL

ÇOĞUL

1.Şahıs ben bilmişim

biz bilmişiz

2.Şahıs sen aramışsın

siz aramışsınız

3.Şahıs o görmüş

onlar görmüşler

ALİŞTIRMALAR:

1)Şu rakamları okuyup yazınız:

400000,325412,798643,923606,807040...

2)"Davacı hemen söze başlamış" cümlesinin yüklemine (fiilini) şahıslara göre çekimleyerek yazınız.

3)"Dinlemiş, düşünmüş, kaldırmış, sormuş" fiillerinde-miş eki

kaç şekle girmiştir?Niçin?

4)Şu fiillerdeki yanlışları düzelterek yazınız.

okumış,yazmuş,görmüş,vermiş...

معنی	تلفظ	لغت
چند	کاچ	Kaç
زمان	زaman	Zaman
اندازه گرفتن - مقایسه کردن	اَل چمک	Ölçmek
ایجاد	ای جات	icat
زمان	چاغ	Cağ
ساعت آبی	سوسااتی	Su saati
شن	کوم	Kum
آفتاب	گونش	Güneş
استفاده کردن - استعمال کردن	کولان ماک	Kullanmak
آسانی	کلای لئک	Kolaylık
برج	کوله	Kule
دیوار	دووار	Duvar
میز	ماسا	Masa
جیب	جپ	Cep
ساعت مچی	کل سااتی	Kolsaati
مداوم	سئک سئک	Sıksık
اینطور	شی له	Şöyle
نیم	یارئم	Yarım
گذشتن	گچ مک	Geçmek
یک چهارم - ربع	چی رک	Ceyrek
نیم	بوچوک	Buçuk
نوع - جور	تورلو	Türlü
ظهر	ای له	Öğle
مساحت - فرودگاه - میدان	آلان	Alan
هستی - دارائی	وارلئک	Varlık
اسم	ای سیم	Isim

معنی	تلفظ	لغت
اسم	آد	Ad(Adı)
اگر لازم باشد	گرکیرس	Gerekirse
ترکیب اضافی	تام لاما	Tamlama
ترکیب اضافی	ای سیم تاکی می	Isim takımı
مضاف الیه	تام لایان	Tamlayan
مضاف	تام لانان	Tamlanan
پالتو	پالتو	Palto
طلا	آل تنن	Altın
پشم	یون	Yün
باغچه	باه چ	Bahçe
آهن	دمیر	Demir
در	کاپی	Kapı
مربوط - بستگی	آیت	Ait
وصل شدن - متصل شدن	اک لن مک	Eklenmek

ساعت چند است؟ SAAT KAÇ?

Insanlar,zamanı ölçmek için saati icat etmişlerdir.

انسانها برای اندازه گیری زمان ساعت را بوجود آورده اند .

Eski çağlarda su saatları,kum saatları,güneş saatları da kullanılmıştı.

در زمانهای قدیم از ساعت های آب و شن و آفتابی هم استفاده نیز شده بود .

Çağımızda kolaylıkla kullanılan çeşitli saatler var:

kule saatları,duvar saatları,masa saatları,cep saatları, kol saatları...

در زمان ما انواع ساعت هایی که با سانی مورد استفاده قرار می گیرد وجود دارد ! ساعت های

برج – ساعت های دیواری ، ساعت های رومیزی ، ساعت های جیبی . ساعت های مچی

Sık sık şöyle sorulur: بطور مداوم اینطور پرسیده می شود؟

-Saat kaç(tır)? ساعت چند است؟

-(Saat)yarım=0,30 ساعت نیم است .

Yarımdan sonra şöyle söylenir: بعد از نصف اینطور گفته می شود .

-1,05=(saat)biri beş(dakika)geçiyor. ساعت یک و پنج دقیقه می گذرد .

-1,15=(saat)biri çeyrek geçiyor.

Çeyrek=1/4 ساعت یک و پانزده دقیقه می گذرد .

-1,20,1,25=Biri yirmi,biri yirmi beş geçiyor.

یک و بیست ، یک و بیست و پنج دقیقه می گذرد .

-1,30=(saat)bir buçuk.Buçuk=1/2 ساعت یک و نیم است .

Buçuğu geçtikten sonra iki türlü söylenir:

موقعی که از نیم گذشته دونوع گفته می شود .

-1,35=(saat)bir buçuğu beş geçiyor,ikiye yirmi beş var.

یک و نیم پنج دقیقه می گذرد به دو بیست و پنج دقیقه هست .

-1,40=(saat)ikiye yirmi var biri kırk geçiyor.

به دو ۲۰ دقیقه می ماند (یک و چهل دقیقه می گذرد)

-1,45=(saat)biri kırk beş geçiyor,ikiye çeyrek var.

یک و چهل و پنج دقیقه می گذرد (به دو یک ربع می ماند)

-1,50=1,55=(saat)ikiye on var.ikiye beş var.

به دو ده دقیقه می ماند (به دو پنج دقیقه می ماند) .

Şöyle de söylenir ve yazılır: اینطور هم گفته و نوشته می شود .

Uçak saat biri ellide,biri elli beşte alana indi.

هواپیما در ساعت یک و پنجاه دقیقه یک و پنجاه پنج دقیقه در فرودگاه نشست .

Saat 12 öğle saatıdır. ساعت دوازده ساعت ظهر است .

ondan sonra gelenler şöyle söylenmektedir.

ساعت‌هایی که بعد از دوازده می آیند اینطور گفته می شوند .

12+1=Saat on üç. ساعت ۱۳ .

2=Saat ondört.5=Saat onyedı.9=Saat yirmi bir.

ساعت ۲۱-۹ ساعت ۱۷-۵ ساعت ۱۴-۲

11=yirmi üç.12=saat yirmi dört.

ساعت ۲۳ ساعت ۲۴

saat 12'ye ekleniyorsa buçuklardan sonrakiler,daha çok,

bir türlü söylenir:

اگر به ساعت ۱۲ اضافه شود و آن‌هایی که بعد از نیم می آیند اکثراً " یک نوع گفته می شود .

6,35=(saat)on sekizi otuz beş geçiyor.

ساعت هیجده سی و پنج دقیقه می گذرد .

7,40=on dokuzu kırk.geçe kalkan uçakla gidecek.

با پرواز ساعت نوزده و ۴۵ (چهل و پنج) دقیقه خواهد رفت .

8,45=(saat)yirmi kırk beş. ساعت بیست و چهل و پنج دقیقه .

11,55=(saat)yirmi üçü elli beş geçe...

ساعت بیست و سه و پنجاه و پنج گذشته .

12=(saat)yirmi dört.

ساعت ۲۴ است .

KONUŞTURMALAR:

مکالمه‌ها:

- Bir saat kaç dakikadır? یک ساعت چند دقیقه است؟
 -Bir dakika kaç saniyedir? یک ساعت چند ثانیه است؟
 -Bir saniye kaç salisedir? یک ساعت چند ثلثه است؟
 -Saatınız bu ölçülerden hangilerini gösterir?

ساعت شما از این مقیاس‌ها کدام را نشان می‌دهد؟

- Saniye salise ölçüleri hangi işlerde kullanılır?
 مقیاس ثانیه و ثلثه از کدام کارها استفاده می‌شود؟
 -Saatınızın markasını söyleyiniz. مارک ساعت خود را بگوئید.
 -Saatınız altın mıdır? Nedir? آیا ساعت شما طلاست؟ چه چیز است؟
 -En çok saat yapan memleket neresidir?

بیشترین ساعت را کدام مملکت درست می‌کند؟

- Sizin memleketinizde de saat fabrikaları var mıdır?
 در مملکت شما هم کارخانه‌های ساعت وجود دارد؟

Şu rakamları saat olarak okuyunuz.

اعداد زیر را به وقت ساعت بخوانید.

Öğleden önce (evvel):

قبل از ظهر:

1,30, 2,45, 3,12, 5,48, 5,55, 6,45, 10,31, 9,30, 8,15,
 7,15, 7,14, 3,45, 6,05, 9,59, 8,05...

Öğleden sonra:

بعد از ظهر:

1,05, 2,07, 3,14, 4,15, 5,20, 6,30...

DILBİLGİSİ:

"Saat" bir varlığın adıdır.

ساعت اسم یک هستی است.

Bir varlığa ad olan kelimeye ISIM denir.

اسم کلمه‌ای است که نام یک هستی را مشخص می‌کند.

Isimlerin anlamları-gerekirse-başka kelimelerle tamlanır.

اگر لازم باشد مفهوم اسمها با کلمه‌های دیگر کامل می‌شود.

Buna TAMLAMA denir. (مضاف و مضاف‌الیه).

اسمها را اسمها کامل می‌کند. Isimleri isimler tamlar:

1) Alinin saati, arkadaşın saati, öğrencinin çantası

کیف دانش‌آموز ساعت دوست ساعت علی

2) Su saati, kum saati, öğrenci çantası

کیف دانش‌آموز ساعت شنی ساعت آبی

3) Altın saat, gümüş saat, deri çanta

کیف چرم ساعت نقره ساعت طلا

Bu kelime gruplarına isim takımı denir.

به گروه این کلمه‌ها ترکیب اضافی گفته می‌شود

Birinci kelimeler tamlayan, ikinci kelimeler tamlanan'dır.

کلمه‌های اولی مضاف‌الیه، کلمه‌های دومی مضاف می‌باشد.

Yukarıdaki isim takımları ek alışlarına göre üç çeşittir:

ترکیبات اضافی بالائی نسبت به گرفتن پسوند سه نوع می‌باشند.

1) Kelimelerin ikisi de, yani tamlayan da tamlanan da ek

almıştır. دو تا از کلمه‌ها یعنی هم مضاف‌الیه و هم مضاف نیز پسوند گرفته است.

Ali+nin Saat+I=Alının malı olan, Aliye ait olan saat.

ساعت علی - ساعتی که مال علی است.

2) Takımı kuran kelimelerden yalnız biri, yani tamlanan ek

almıştır: یکی از کلمه‌هایی فقط مضاف پسوند گرفته است.

Masa saat+ı=Masalara konmaya mahsus saat. - ساعت مخصوص رومیزی.

Kol saat+ı=kol'a takılmaya mahsus saat.

ساعتی که مخصوص دست (مچ) است.

3) Kelimelerin ikisi de ek almamıştır:

دو تا از کلمه‌ها هم پسوند نگرفته است:

Altın saat=Altından yapılmış saat.

ساعتی که از طلا ساخته شده است . ساعت طلا

Gümüş saat=Gümüştten yapılmış saat.

ساعتی که از نقره ساخته شده است . ساعت نقره

ALİŞTIRMALAR:

1)Çocuğun paltosu,

Çocuk paltosu,

Yün palto.

takımlarından hangisi belli bir çocuğa ait demektir?

Sahibi belli olmayan hangisidir?

Hangi takım,paltonun neden yapıldığını gösteriyor?

2)Bahçenin kapısı,

Bahçe kapısı,

Demir kapı.

takımlarının anlam ayırtılarını(farklarını)anlatınız.

3)Şu cümlelerde rakamla gösterilen saatları yazıya çeviriniz ve noktalarla boş bırakılan yerlere yazınız:

Tren 11,40.....kalkacaktır.

Ada vapuru 10,25.....kalkar.

Uçak 17,45.....havalanacak.

Ben her gece 21,50.....yatağıma girerim.

Sabahları.....6.....uyanırım.

معنی	تلفظ	لغت
کلاس	درس‌هان	Dershane
بزرگ	بویوک	Büyük
چطور	نی ته	Nite
وسیع	گنیش	Geniş
بسته	کاپالی	Kapalı
باز	آچئک	Açık
هوا	هاوا	Hava
روشنائی - آگاهی	آی دئن لئک	Aydınlık
بال - لنگه	کانات	Kanat
شیشه	جام	Cam
شفاف	سای دام	Saydam
جلو	آن	Ön
تخته سیاه	کاراتاها	Karatahta
گچ	تیشیر	Tebeşir
ردیف - نیمکت	سئرا	Sıra
نشستن	اتورماک	Oturmak
رنگ	بیا	Boya
کثیف کردن	کی رلت مک	Kirlletmek
کرسی - تریبون	کورسو	Kursu
معلم	اکوتمان	Okutman
صفت	سئفات	Sıfat
ترکیب وصفی	سئفات تاکئمی	Sıfttakımı

کلاس ما بزرگ است
Dershanemiz büyüktür.
(nasıl oldukları) (کیفیت مشاهدات در کلاس بزرگ):
Büyük dershanede görülenlerin nitelikleri
Pencere. Yüksek pencere, geniş pencere, kapalı pencere, açık pencere, bu pencere.
پنجره، پنجره بلند، پنجره وسیع، پنجره بسته، پنجره باز، این پنجره
این پنجره بلند است!
Bu pencere yüksektir.
آن پنجره وسیع است.
O pencere geniştir.
این پنجره باز بود.
Şu pencere açıktı (açık idi).
پنجره بسته بود – بسته است.
Pencere kapalı idi, kapalıdır.
از پنجره‌ها به اطراف نور و هوا وارد می‌شود.
Pencere‌lerden odalara hava girer, aydınlık girer.
برای دیدن بیرون از پنجره نگاه می‌شود.
Dışarıyı görmek için pencereden bakılır.
لنگه پنجره باز می‌شود.
Pencerenin kanadı açılır.
شیشه پنجره شفاف می‌شود.
Pencere Camı saydam (şeffaf) olur.
در مقابل ما تخته سیاه است.
Önümüzde kara tahta var.
تخته سیاه، سیاه است و برنگ سیاه می‌باشد.
Tahta karadır, siyah boyalıdır.
گچ سفید – گچ سفید است.
Beyaz tebeşir. Tebeşir beyazdır.
گچ من سفید است.
Benim tebeşirim beyazdır.
به تخته سیاه با گچ رنگی می‌نویسم.
Kara tahtaya renkli tebeşirle yazıyorum.
yazdım, yazacağım, her gün yazarım.
نوشتم. خواهم نوشت، هر روز می‌نویسم.

Herkes yazar. هرکس می نویسد .

Bu sıralar oturmak içindir. این نیمکت ها برای نشستن می باشد .

Sıralar tahtadan yapılmıştır. نیمکت ها از تخته سیاه ساخته شده است .

Tahtalar boyalıdır. تخته ها رنگ شده می باشد .

Kirletmeyelim, çünkü derse giren öğrenciler

کثیف نکنیم – زیرا شاگردانی که وارد کلاس می شوند .

bu sıralara oturur. در این نیمکت ها می نشینند .

Kursude de hocalar (profesörler, okutmanlar) oturur.

در تریبون هم استادها (پروفسورها – معلم ها) می نشینند .

KONUŞTURMALAR :

-Oturduğunuz odanın kaç penceresi var?

در اتاقی که می نشیند چند پنجره وجود دارد .

-Odanız kaçınca kattadır?

اتاقتان در طبقه چندم است .

-Odanızda neler var?

در اتاقتان چه چیزها وجود دارد ؟

-Odanızın boyu kaç metredir? Eni kaç metre? Kaç metre kare

eder? طول اتاق شما چند متر است ؟ عرض چند متر ؟ چند متر مربع می شود ؟

-Pencere neye yarar?

پنجره به چه درد می خورد ؟

-Odanızın kapısı nasıldır?

در اتاق شما چگونه است ؟

-Kara tahta neye yarar?

تخته سیاه به چه درد می خورد ؟

-Tebeşirin rengi nasıldır?

رنگ گچ چگونه است .

-Başka renkte tebeşir var mıdır? آیا در رنگ دیگر گچ وجود دارد ؟

-Derse giren öğrenciler nerelerde otururlar?

دانش آموزانی که وارد کلاس درس می شوند در کجاها می نشینند .

-Kursude kimler otururlar?

در تریبون چه کسانی می نشینند .

دستور زبان

DILBİLGİSİ:

Pencere, hava, aydınlık, kanat, cam, tahta, tebeşir, sıra, kursu, oda, kapı...

هریک از کلمات پنجره، هوا، روشنایی، لنگه، شیشه، تخته، کج، نیمکت، تریبون، اطاق، در، اسم یک هستی است.

kelimeleri birer varlığın adıdır.

0 varlıkları tanıtmaya yarıyorlar: ISIM dirler.

برای شناساندن آن هستی‌ها بدردمی خوردند اسم نامیده می‌شوند.

Yüksek, geniş, kapalı, açık, kara, beyaz, bu... kelimeleri de varlıkları nitelermeye veya belirtmeye yarıyorlar: SIFAT tırlar. کلمه‌های بالا، وسیع، بسته، باز، سیاه، سفید، این... برای مشخص کردن هستی‌ها بدردمی خوردند صفت می‌باشند.

Yüksek pencere, bu pencere, açık pencere, kara tahta, beyaz tebeşir... sözleri ikişer kelimedir.

حرفهای پنجره‌بالا، این پنجره، پنجره باز، تخته سیاه، کج سفید هر یک دو کلمه می‌باشند.

İkinci kelimeler ISIMdir, Birinciler onları tamlıyor.

کلمه‌های دومی اسم می‌باشد کلمه‌های اولی آنها را کامل می‌کند.

Böylece bir sıfatla bir isimden kurulmuş takımlara SIFAT TAKIMLARI denir.

بدین ترتیب بدستهائی که بایک صفت و بایک اسم تشکیل شده ترکیبات وصفی گفته می‌شود

Tamlayıcı kelimeler- yani birinci kelimeler- isim veya zami olsaydı ISIM TAKIMI olurdu:

کلمات تمام کننده یعنی کلمات اولی اگر اسم یا ضمیر شوند ترکیبات اضافی گفته می‌شد.

odanın penceresi, pencerenin kanadı, benim tebeşirim...

پنجره - اطاق - لنگه پنجره - کج من

Halbuki:

در حالیکه

Geniş pencere, kara tahta, genç arkadaş,

پنجره وسیع و تخته سیاه، دوست جوان،

Suriyeli Hasan...birer sıfat takımıdır.

حسن اهل سوریه هریک ترکیب وصفی می باشد .

Çünkü birinci kelimeler-yani tamlayıcı kelimeler sıfattır.

زیراکلمه های اولی (کلمه های تمام کننده) صفت می باشند .

Fakat: ولی :

Pencere geniştir.Tahta karadır.Arkadaş gençtir.

حرفهای پنجره، وسیع است، تخته سیاه است، دوست جوان است،

Hasan Suriyelidir. حسن اهل سوریه است .

Sözleri birer takım değil,birer cümledir.

هریک یک دسته نیست یک جمله است .

Her biri bir düşüncüyü,bir hükmü tam olarak anlatmaktadır.

هریک طرز فکر و حکم را بطور کامل بیان می کند .

Bazı sıfatlar isim görevinde de kullanılırlar:

بعضی صفت ها در حکم، اسم نیز بکار برده می شوند .

Genç,güzel,tatlı,büyük,yaşlı...kelimeleri:

کلمه های: جوان، زیبا، شیرین - بزرگ - پیر

Genç arkadaş,güzel şehir,tatlı elma,büyük insan,yaşlı

adam...takımlarında sıfattır. دسته (گروه های) دوست جوان، شهر زیبا،

سیب شیرین، انسان بزرگ، آدم پیر، ترکیبات وصفی می باشد .

Fakat şu takımlarda ve cümlede varlıklara ad olmuşlardır,

isim görevindedirler:

ولی در این جمله ها و ترکیبات به هستی ها به مفهوم اسم شده و بمنظور اسم می باشند .

Türk genci,gençlerin vazifeleri,dünyagüzeli, elmanın

tatlısı...Büyüklere,yaşlılara saygı göstermeliyiz.

جوان ترک، وظیفه جوانها - زیبای دنیا - شیرینی سیب باید به بزرگان، مسنها احترام

بگذاریم .

ALİŞTIRMALAR:

1) Yanlıřları düzelterek yazınız:

Kapalı pencere, bir cümledir.

Pencere kapalıdır, bir takımdır.

Alinin kitabı, sıfat takımıdır.

Pahalı kitap, isim takımıdır.

Kitap pahalıdır, bir takımdır.

2) Yüksek sıra, uzun kalem, açık kapı, faydalı kitap, alçak sıra sıfat takımlarını hüküm anlatan birer cümle haline getiriniz.

3) Adam, gece, memleket, oda, çiçek isimlerini aşağıdaki sıfatların uygunlarıyla niteleyiniz (tamlayınız):

Kırmızı, yaşlı, zengin, karanlık, dördüncü.

4) Aşağıdaki atasözlerinde italik harflerle dizilmiş kelimeler sıfat mıdır, isim görevinde mi kullanılmışlardır:

Dost acı söyler.

Bir kötünün yedi mahalleye zararı dokunur.

Su uyur, düşman uyumaz.

Keskin sirkenin zararı küpünedir.

Ağlamayan çocuğa meme vermezler.

معنی	تلفظ	لغت
اهل کجا	نرلی	Nereli
زراعت	زیرآت	Ziraat
دامپروری	حایوان جئلئک	Hayvancılık
مشغول شدن	اوغراش ماک	Uğraşmak
شلوغ	کالابالئک	Kalabalık
مردم	هال ک	Halk
تجارت	تی جارت	Ticaret
کارخانه	فابریکا	Fabrika
مغازه	ماغازا	Mağaza
ثروتمند	زن گین	Zengin
کار	ایش	İş
جمع شدن	تپ لان ماک	Toplanmak
پایتخت	باش کنت	Başkent
حکومت	حوکومت	Hükümet
نشستن - زندگی کردن	اتورماک	Oturmak
ظاہر شدن - بوجود آمدن	تورمک	Türemek
عینک	گزلوک	Gözlük
اهمیت	آنم	Önem
باد	روزگار	Rüzgar
ناراحتی - دلتنگی	اوزون تو	Üzüntü
شهر	کنت	Kent

NERELİSİNİZ?

اهل کجا هستيد ؟

-Nerelisiniz?

اهل کجا هستيد ؟

-(Ben)Tebrizliyim.

(تبريزی هستم) من اهل تبريز هستم .

(Ben)Bağdatlıyım.

من اهل بغداد هستم .

(Ben)Beyrutluyum.

من اهل بیرون هستم .

(Ben)Ürdünlüyüm.

من اهل اردن هستم .

(Sen)Şamlısın, kerküklüsün, kahırelısın Musullusun.

تو اهل شام هستی ، تو اهل کرکوک هستی ، تو اهل قاهره هستی ، اهل موصل هستی ،

Alı İranlıdır. Ahmet Haleplidir, Hasan Tunusludur.

علی اهل ایران است ، احمد اهل حلب است ، حسن اهل تونس است .

Biz suriyeliyiz, siz Iraklisiniz, onlar Amerikalidir.

ما اهل سوریه هستیم ، شما اهل عراق هستيد ، آنها اهل آمریکا هستند .

Her insanın bir memleketi bir vatani vardır.

هر انسان یک وطن (یک مملکت) دارد .

Her memlekette köyler, kasabalar, şehirler bulunur.

در هر مملکت دهات - بخشها و شهرها وجود دارد .

Köylüler, daha çok, ziraatla, hayvancılıkla uğraşırlar.

دهاتیها اکثرا " باکشاورزی و دامپروری مشغول اند .

Kasabalar daha kalabalık olur.

بخشها بیشتر شلوغ می باشد .

Halkın bir kısmı ziraatla, bir kısmı da ticaretle uğraşır.

قسمتی از مردم باکشاورزی و قسمت دیگر با تجارت مشغول هستند .

Fabrikalar, büyük mağazalar, zengin iş adamları şehirlerde toplanır.

کارخانهها فروشگاهها و بازرگانان در شهرها جمع می شود .

Her memleketin bir başkenti vardır.

هر مملکت یک پایتخت دارد .

Başkentler de büyük şehirlerdir.

پایتختها هم شهرهای بزرگ می باشند .

Devlet başkanı, hükümet büyükleri başkentte otururlar.

رئیس جمهور، بزرگان حکومت در پایتخت زندگی می کنند.

KONUŞTURMALAR:

- آیا شما در ترکیه مقیم هستید؟
-Siz Türkiye'de Yerli misiniz?
- در کدام مملکت مقیم هستید؟
-Hangi memlekette yerlisiniz?
- به کسی که مقیم نیست چه گفته می شود؟
-Yerli olmıyana ne denir?
- آیا در مملکت خودتان شهرنشین هستید؟
-Memleketinizde şehirli misiniz?
- آیا اهل بخش هستید؟ آیا اهل ده هستید؟
Kasabalı mısınız? Köylü müsünüz?
- دهاتی های شما اکثرا "با کدام کارها مشغول هستید؟
-Köylüleriniz, daha çok, hangi işle uğraşırlar?
- دهاتی های شما که با کشاورزی مشغولند بیشتر چه چیزها می کارند؟
-Ziraatla uğraşan köylüleriniz, daha çok, neler ekerler?
- آیا دامپروری پیشرفت کرده است؟
-Hayvancılık ilerlemiş midir?
- کدام حیوان ها پرورش داده می شود؟
Hangi hayvanlar beslenir?
- اروپائی ها از کدام نژاد هستند؟
-Avrupalılar hangi ırktandır.
- شما از کدام نژاد هستید؟
-Siz hangi ırktasınız?
- پایتخت شما کجاست؟ جمعیت اش چقدر است؟
-Başkentiniz neresidir? Nüfusu ne kadardır?
- آیا پایتخت شما به دریا نزدیک است؟
-Başkentiniz denize yakın mıdır?
- پایتخت شما به چه چیز اش مشهور است؟
-Başkentiniz nesiyle ünlüdür (meşhurdur)?
- آیا پایتخت کشورهای دیگر را دیده اید؟
-Başka bir devletin başkentini gördünüz mü?

DİLBİLGİSİ:

Bu derste birçok kelimelerin "-li" ekiyle türediğini
 gördünüz: شما در این درس کلمه‌هایی که با پسوند اظهار شده‌اند دیدید :
 Tebrizli, şamlı, Beyrutlu, ürdünlü... تبریزی، شامی، بیروتی، اردنی،
 Türkiyeşi-li eki, kelimelerin son hecelerine göre değişmektedir.
 طرز بوجود آمدنش - پسوند - نسبت به سیلاب آخر کلمات تغییر می‌کند.
 Medinelı, Basralı, şikagolu, kudüslü...
 اهل قدس و اهل شیکاگو و اهل بصره و اهل مدینه

مفهوم آن : Anlamı:

1) Yer adlarının Sonlarına gelince oralı olduğunu anlatır:
 ۱- با آمدن به آخر کلمات (مکان) اهل آنجا بودن را می‌رسانده.

Berlinli, Mısırlı, Trabzonlu, köylü, şehirli, başkenli.

2) Akıllı adam, meyveli ağaç, buzlu su, gözlüklü arkadaş, üç
 pencereci oda... آدم با عقل، درخت با (میوه) - آب خنک، دوست عینکی،
 اتاق سه پنجره‌ای.....

takımlarında-li eki, kelimelere varlık (var olan, bulunan, olan...) anlamı katmaktadır.

پسوند Li - به کلمه‌های بالائی مفهوم دارائی را داده است.

Bu anlamın aksi "-siz" ekiyle türetilir:

مفهوم عکس آن با پسوند (بدون) ظاهر می‌شود:

Düşüncesiz adam, meyvesiz ağaç, kasketsiz genç, gözlüksüz...

آدم ناهم، درخت بدون میوه، جوان بدون کلاه، بدون عینک.....

Düşüncesiz = Düşüncesi yok, düşüncesi az. Meyvesiz = Meyvesi yok

بدون فکر - کم فکر بدون میوه

Türkçede türetme eklerle olur, ekler:

در ترکی ظاهر شدن کلمه‌ها با پسوندها می‌شود. پسوندها:

a) Kelimelerin sonlarına gelir. به آخر کلمه‌ها می‌آید.

b) Kelimelerin son hecelerine uyar.

با آخرین سیلاب کلمه‌ها هماهنگ می‌شود.

ALİŞTIRMALAR:

1) Mekke, paris, Roma, Sanfransisko, Tokyo, Kerkük, Istanbul, kasaba...

Kelimelerine-li ekleyiniz:

a) Eklerin nasıl değıştiklerini gösteriniz.

b) Anlamalarını söyleyiniz.

2) Palto, Kapı, su, sût, taş, gömlek, üzüm...

Kelimelerine:

a) -li ekleyiniz.

b) Yazılışlarına dikkat ediniz.

c) Birer cümlede kullanınız.

C) -li ekiyle türettiğiniz bu kelimelerden her birinin aksini (tersini, karşıtlı anlamlısını) söyleyiniz.

d) Bunlar hangi ekle türemiştir?

3) para, çiçek, tuz, önem, şeker, rüzgar, güneş, üzüntü kelimelerine:

a) -siz ekleyiniz.

b) Yazılışlarına dikkat ediniz.

c) Birer cümlede kullanınız.

C) Bunları olumlularıyla değıştiriniz.

معنی	تلفظ	لغت
پول	پارا	Para
تعویض	دیشم	Değişme
اصول	اوسول	Usul
تخم مرغ	یومورتا	Yumurta
پوشیدنی	گی یجک	Giyecek
میوه	میوه	Meyve
شکار	آو	Av
واسطه	آراج	Araç
سختی	زُزلوک	Zorluk
آزمایش	دِنِ مه	Deneme
پیدا شدن	بولون ماک	Bulunmak
فلز - معدن	مادَن	Maden
کاغذ	کاغثت	Kağıt
چاپ کردن	باس تئرماک	Bastırmak
قسمت	پارچا	Parça
ارزش	دیر	Değer
بریدن	بیچمک	Biçmek
هرکدام	هَرهان گی	Herhangi
سبب - علت	سَبپ	SebeP
برداشتن	کال دئرماک	Kaldırmak
تنزل کردن - افتادن	دوش مک	Düşmek
کوروش (واحد پول ترک)	کوروش	Kuruş
اکثراً	مُجغو	Çoğu
ستاره	ئیل دئز	Yıldız
نقاشی	رسیم	Resim
دیگر	آبور	Öbür

معنی	تلفظ	لغت
صد – صورت	یوز	Yüz
ارزش	دیر	Değer
خراب کردن – تعویض کردن	بُزماک	Bozmak
بانک	بان کا	Banka
کوچک	اوفاک	Ufak
کارت دانشجویی	شَکِه	Şebeke
وسائط نقلیه	تاشنت	Taşıt
بی صدا	سَسیر	Sessiz
پیشاهنگ	ایزجی	Izci
مالیات	ورگی	Vergi
کارگر	ایش چی	Işçi
برش کار	بیک چی	Bikçi

TÜRK PARASI پول ترک

Çok eski çağlarda (devirlerde) insanlar, değişme (mubadele) usulüyle alışveriş ederlerdi:

در زمانهای بسیار قدیم انسانها با وصول مبادله داد و ستد میکردند .

Yumurta verir, ekmeğ alır, koyun verir, giyecek alır, topladıkları meyveleri av araçlarıyla (vasıtalarıyla) değiştirirlerdi. تخم مرغ می دادند نان می گرفتند، گوسفند می دادند پوشاک می گرفتند میوه های جمع کرده را با واسطه های شکار تعویض میکردند .

Değişme usulunun zorluğu yüzünden insanlar, daha kolay alışveriş yolları aradılar.

از برای سختی اصول مبادله، انسانها روش های داد و ستد آسان را جستجو کردند .

Bir çok denemelerden (tecrübelerden) sonra para ile alışveriş usulu bulundu.

بعد از آزمایشات بسیار زیاد اصول داد و ستد با پول پیدا شد .

Büyük her devlet, madenden veya kağıttan paralar bastırır, bastırmaktadır.

امروزه هر حکومت پولها را از کاغذ یا از فلز (معدن) چاپ کرده و در حال چاپ کردن می باشد .

Devletler, bu maden ve kağıt parçalarına birer değer (kiymet) biçmişlerdir.

حکومت ها به این تکه های کاغذ و فلز یک ارزش تعیین کردند .

Her para, devletin biçtiği değerle geçer.

پولها با ارزشی که حکومت مشخص کرده معامله می شود .

Devlet, herhangi bir sebeple, biçtiği değeri kaldırır, para değersiz olur, sıfıra düşer.

حکومت ارزشی را که به هر دلیل به پول داده است اگر از میان ببرد، پول بی ارزش شده و به صفر تنزل میکند .

واحد پول ترک "کوروş" است . Türk parasının birimi "kuruş"tur.

Beş kuruş,on kuruş,yirmi beş kuruş madenden yapılmıştır.

۵ کوروş، ۱۰ کوروş، ۲۵ کوروş، از معدن درست شده‌اند .

Bir lira yüz kuruştur,Liralar da madendir.

یک لیره صد کوروş می‌باشد لیره‌ها از فلز می‌باشند .

İki buçuk liralardan da çoğu madendir.

بیشتر دو نیم لیره‌ها از فلز می‌باشند .

Beş liralardan kağıttır.

پنج لیره‌ها از کاغذ ساخته شده‌اند .

On liralardan bir kısmı madendir.

یک قسمتی از ده لیره‌ها از فلز می‌باشند .

On liralardan sonraki büyük paralar kağıttır:

پولهای بزرگ بعد از ده لیره از کاغذ می‌باشند .

Büyük kağıt paralar şunlardır:

پولهای بزرگی که از کاغذ می‌باشد اینها هستند .

Yirmi lira,elli lira,yüz lira,beş yüz lira,bin lira.

بیست لیره، پنجاه لیره، صد لیره، پانصد لیره، هزار لیره .

En büyük Türk parası on bin liradır.

بزرگترین پول ترک ده هزار لیر است (می‌باشد) .

Ufak paraların bir yüzünde ay yıldız var.

در یک طرف پولهای کوچک ماه و ستاره وجود دارد (می‌باشد) .

Etrafında "Türkiye cumhuriyeti" yazılıdır.

در اطراف پولها "جمهوری ترکیه" نوشته شده است .

Liraların ve liradan büyük paraların birer yüzünde

Atatürkün resimleri vardır.

در روی هر یک از لیره‌ها و روی اسکناس‌های کاغذی تصویرهای آتاتورک وجود دارد .

Öbür yüzlerinde değerleri yazılıdır.

در طرف دیگر ارزش اسکناس‌ها نوشته شده است .

Yabancı paraları bankalar değiştirir.

پولهای خارجی را بانکها تعویض می‌کنند .

Büyük paraları bozmak için de bankalara gidilir.

برای تعویض پولهای بزرگ به بانکها رفته می شود .

KONUŞTURMALAR :

-Çok eski çağlarda alışveriş hangi üsulle yapılırdı?

در زمانهای قدیم خرید و فروش با کدام اصول انجام می شد .

-Bu değişme usullu kolay mıdır? آیا این روش مبادله آسان است ؟

-Bugün alışveriş nelerle yapılıyor?

امروزه خرید و فروش با چه چیزها انجام می شود ؟

-Türk parasının birimi nedir? واحد پول ترک چیست ؟

-Sizin memleketinizde para birimi nedir?

در مملکت شما واحد پول چیست ؟

-Memleketinizin ufak paralarını yazınız.

پولهای کوچک مملکت خود را بنویسید .

-Bir Türk lirası kaç kuruştur? یک لیره ترک چند کوروش است ؟

-Dört tane yirmi beş kuruş ne eder?

۴ تاییست و پنج کوروش چقدر می شود ؟

-En büyük madeni Türk parası kaç liralıktır.

بزرگترین پول فلزی ترک چند لیره است ؟

kaç kuruştur?

چند کوروش است ؟

-En küçük kağıt para kaç kuruşluktur?

کوچکترین پول کاغذی چند کوروش است ؟

-Memleketinizden getirdiğiniz paraları Türk parasıyla nasıl değiştiriyorsunuz?

پولهای که از مملکت تان آوردید چگونه به پول ترک تبدیل می کنید .

-Otobüslerde öğrenci biletleri farklı mıdır?

آیا در اتوبوسها بلیط دانش آموزان متفاوت است ؟

- Sizin de şebekeniz var mıdır? آیا شما هم کارت دانشجویی دارید؟
- Şebekeniz olmasa kaç kuruş ödersiniz?
اگر کارت دانشجویی نداشته باشید چند کوروش پرداخت می‌کنید؟
- Türkiyede bir kilo şeker kaç kuruştur?
یک کیلو شکر در ترکیه چند کوروش است؟
- Memleketinizde şeker daha ucuz mudur?
آیا شکر در مملکت شما خیلی ارزان است (می‌باشد)؟
- Taşıtlar sizinkilere göre ucuz mudur, pahalı mıdır?
آیا وسائط نقلیه در ترکیه نسبت به وسائط نقلیه مملکت شما ارزان یا گران است؟
- Nerede oturuyorsunuz? Ayda kaç lira veriyorsunuz?
در کجا زندگی می‌کنید؟ در ماه چند لیره می‌پردازید؟

DILBİLGİSİ:

دستور زبان:

Türkçenin sessiz harfleri yirmi bir tanedir.

b c ç d f g ğ h j k l m n p r ş s t v y z.

حرفهای بی‌صدا در ترکی بیست یک تا می‌باشند.

Bunların dördü (b c d g) süreksiz yumuşaktır.

از اینها چهار تان نرم و کوتاه تلفظ می‌شوند.

Bu dört harf iki yerde bulunmaz:

این چهار حرف در دو جا پیدانمی‌شود.

1) Kelime sonlarında

۱- در آخر کلمه

2) Sert harflerden sonra

۲- بعد از حرفهای خشن

Sert harfler şunlardır: ç f h k p s ş t.

حرفهای خشن اینها هستند (اینها حرفهای خشن می‌باشند)

Bunlardan sonra gelen eklerin başlarındaki ç-c olur,

پسوندهائی که بعد از حرفهای خشن می‌آیند حرفهای g و d g-k olur, d-t olur:

و c را تغییر می‌دهند. پس حروف c=ç g=k d=t تبدیل می‌شود.

izci, evden, orada, vergi, koyundur, paradır...

پول است گوسفند است مالیات در آنجا از خانه پیشاهنگ

işçi, etten, ağaçta, biçki, kuruştur, kağıttır...

کاغذ است کوروش است برشکار در درخت از گوشت کارگر

ALİŞTIRMALAR:

1) Aşağıdaki kelimelerin sonlarına "-ci" eki getiriniz ve yazınız.

Sebze, bilet, ekmek, karpuz, simit, göz, kahve, yol, kuş...

2) Şu kelimelere "-de" ekini getiriniz, birer cümlede kullanınız:

Ev, sokak, fakülte, ders, otobüs, arkadaş, okul, vatan, memleket...

3) Aşağıdaki kelimelerde birer harf yanlıştır.

Doğrularını yazınız:

Portakalıcı, kavuncu, Ankaratan, kûdusden, çalışgan, kapıcı,
boyacı, dersden, kitapçı

معنی	تلفظ	لغت
سر	باش	Baş
تنه - ساقه	گُوده	Gövde
دست	کُل	Kol
پا	باجاک	Bacak
بالا	اوست	Üst
استخوان	کَمیک	Kemik
کاسه سر	کافاتاسی	Kafatası
مغز	بیین	Beyin
حرکت - رفتار	هارکت	Hareket
کنترل کردن	ایداره اتمک	Idare etmek
حس	دویو	Duyu
احساس	دویگو	Duygu
طرز فکر	دوشون حه	Düşünce
بینائی	گرمه	Görme
چشم	گُز	göz
عضو	اُرگان	Organ
پلکها	گُرکاپاکلاری	Göz kapakları
مژگان - مژه	کیرپیک	Kirpik
ابرو	کاش	Kaş
شنوائی	ای شیت مه	Işitme
گوش	کولاک	Kulak
بینی	بورون	Burun
بویائی	گُگلاما	Koklama
چشائی	تات ما	Tama
زبان	دیل	Dil
بساوایی	دُکون ما	Dokunma

معنی	تلفظ	لغت
سختی	سرت لیک	Sertlik
نرمی	یوموشاک لئک	Yumuşaklık
سردی	سُغوک لوک	Soğukluk
گرمی	سئجاک لئک	Sıcaklık
انگشت	پارماک	Parmak
نوک	اوج	Üç
دیگر	باشکا	Başka
مو	ساج	Saç
گونه	یاناک	Yanak
شقیقه	شاکاک	Şakak
دهان	آغئر	Ağız
لب	دوداک	Dudak
دندان	دیش	Diş
لثه‌ها	دیشات لری	Dişetleri
زبانک	کووچووک دیل	Küçükdil
چانه	چن	Çene
مو	کئل	Kıl
عمل	کئلئش	Kılış
انجام	ألوش	Oluş
ریشه - کف	تابان	Taban
متناسبها	یاکئشان لار	Yakışanlar

Insan vücudu üç kısımdır: بدن انسان سه قسم است .

1)Baş سر

2)Gövde تنه

3)Kollar ve bacaklar. دستها و پاها

Başın üst kısmındaki yuvarlak kemiğe "kafatası" denir.

به استخوان گرد بالای سر "کاسه" گفته می شود .

Kafatasının içinde "beyin" var. در داخل کاسه سر مغز وجود دارد .

Varlığını, varlığımızın bütün hareketlerini beyin idare

eder. هستی مان را و تمامی حرکت های هستی مان را مغز کنترل می کند .

Beyin duyu, duyu ve düşüncelerimizin de merkezidir.

مغز مرکز حس و احساس و طرز فکرهای ما می باشد .

Varlıkları duyumlarımızla anlarız.

چیزهای موجود را با احساس های خود درک می کنیم .

Duyularımız beş türdür. حواس ما پنج نوع است .

Her birinin ayrı organı vardır: هر کدام عضو دیگری است .

1)Görme duyusunun organı gözlerdir.

چشم ها عضو حس بینائی می باشند .

Göz kapakları, kirpikler, kaşlar, gözlerin, korunmasına

yararlar. پلکها، مژگان، ابروها برای محافظت چشم بدرد می خورند .

2)İşitme duyusunun organı kulaklardır.

گوشها عضو حس شنوائی می باشد .

3)Koklama duyusunun organı burundur.

بینی عضو حس بویائی است .

4)Tatma duyusunun organları dille damaktır.

کام دهان با زبان عضوهای حس چشائی می باشند .

5) Dokunma duyusu ile varlıkların sertliğini, yumuşaklığını, soğukluğunu, sıcaklığını anlarız.

باحس لامسه سختی، نرمی، سردی، گرمی، هستی‌ها را درک می‌کنیم.

Vücudumuzun her noktası bu işe az çok yarar.

هر نقطه از بدن ما کم و بیش برای حس لامسه بدردیخور می‌باشد.

Dokunma duyusunun en kuvvetli olduğu yer, ellerimizin parmak uçlarıdır.

نوک‌های انگشت دست‌مان قوی‌ترین جای حس لامسه می‌باشد.

Sayılan bu organlardan başka, başta şunlar da vardır:

علاوه بر عضوهای ذکر شده در سر انسان اینها نیز وجود دارد:

Saçlar, yanaklar, şakaklar, موها، گونه‌ها، شقیقه‌ها

ağız, dudaklar, dişler, dişetleri, küçük dil, çene

دهان، لبها، دندانها، لثه‌ها، زبانک، چانه

Bunların her birinin ayrı ayrı görevleri vardır.

هر کدام از اینها (عضوها) وظیفه‌های جداگانه‌ای دارند.

KONUŞTURMALAR:

مکالمه‌ها:

-Baş, gövdenin neresindedir? سر در کجای تنه می‌باشد؟

-Beyin nerededir? Neye yarar? مغز در کجاست؟ بچه درد می‌خورد؟

-Her insanın kaç gözü vardır? هر انسان چند چشم دارد؟

-Gözlerin birisine "sağ göz" denir. Öbürüne ne denir?

به یکی از چشمها "چشم راست" گفته می‌شود به دیگری چه می‌گویند.

-Göz kapakları neye yarar? پلکها بچه درد می‌خورند؟

-Göz kapaklarının önlerinde uzanan kıllara ne denir?

Neye yarar?

موهائی که در مقابل پلکها قرار دارد چه گفته می‌شود؟ این موها بچه درد می‌خورد؟

-Sağ kaş hangi gözün üstündedir? آبروی راست بالای کدام چشم است؟

- چشم چپ زیر کدام ابرو قرار دارد؟
 -Sol göz hangi kaşın altındadır?
 زبان چه وظیفه دارد؟ شرح دهید؟
 -Dilin kaç görevi vardır?Anlatınız.
 هر انسان چند لب دارد؟ لبها به چه درد می‌خورند؟
 -Her insanın kaç dudağı vardır?Dudaklar neye yarar?
 موهای روی صورت مردها چه گفته میشود؟
 -Erkeklerin yüzlerindeki kıllara ne denir?
 اسم موهای لب بالائی چیست؟
 -Üst dudaktaki kılların adı nedir?
 اصلاح کردن، بچه‌چیز گفته می‌شود؟
 -Tıraş olmak,ne demektir?
 گوش‌ها چند عدد می‌باشد بچه درد می‌خورند؟
 -Kulaklar kaç tanedir?Neye yarar?

DILBİLGİSİ:

دستور زبان

öğrenciler çalışıyorlar. Cümlesinde "çalışıyorlar" fiildir.
 در جملهء دانش‌آموزان فعالیت می‌کنند "فعالیت می‌کنند" (öğrenciler) özne'dir?
 یک فعل است و فاعل آن دانش‌آموزان است؟

Her fiilde

در هر فعل

- 1) İş, oluş, kılış (=eylem) anlamı, ۱- مفهوم، کار، عمل، حالت
 - 2) Zaman anlamı, ۲- مفهوم زمان
 - 3) Şahıs anlamı bulunur: ۳- مفهوم شخص وجود دارد.
- Çalışıyorlar = çalış + ıyor + lar
 iş + kip(zaman) + III. şahıs çoğul.
 فعالیت می‌کنند.

Anladım = anla + dı + m

oluş + Kip(zaman) + I. Şahıs tekil.

فهمیدم.

Yaparsınız=yap + ar + sınız

İş + kip(zaman)+ II.Şahıs çoğul eki.

انجام می‌دهید.

Öğrenmeliyiz=öğren + meli + yiz

iş + kip + I.Şahıs çoğul eki.

بایستی یادگیریم.

KURAL:

قاعده:

Türkçe fiillerde önce taban(kök,gövde),Sonra kip(zaman), daha sonra şahıs ekleri gelir.

در فعلهای زبان ترکی اول ریشه فعل بعد زمان فعل و بعد پسوندهای شخصی می‌آید.

ALİŞTIRMALAR:

I.Aşağıda boş bırakılan yerlere şu kelimelerden yakışanları yazınız:

"İki,otuz iki,önüñdedir,ayaklar,kulaklardır".

Hayvanların başları gövdelerinin.....

Her insanın.....gözü vardır.

.....yurumemize yarar.

olgun insanlarda.....diş bulunur.

II."İnsan konuşan hayvandır"sözüyle"İnsan düşünen hayvandır"sözünden hangisini daha doğru buluyorsunuz?Niçin?

III.Aşağıdaki fiillerin:

1)kip eklerinin altlarını çiziniz:

öğrendik,okuyacaksınız,yazmalıyım,dinlenmişler,arar,
görmüyor,istersek,oturalım...

2)Bu kip eklerinden hangileri zaman anlamlıdır?

IV.Şu fiillerin:

1)Şahıs eklerinin altlarını çiziniz.

2)Kaçıncı şahsa ait olduklarını rakamla altlarına yazınız:

Aldınız,yiyorum,atacaksınız,söylemişsin....

Tiyatroya gidecek misin?Ben gitmeyeceğim.

Ali gidecek,orhan ödevini(vazifesini)yaptı.

Herkes ödevini yapmalı...

V.Fiillerde hangi şahıslara ait ek yoktur.

Yukarıdaki örnekleri inceleyerek söyleyiniz.

معنی	تلفظ	لغت
وصل شدن - ترکیب شدن	بیرکش تیرمک	Birleştirmek
گردن	بُیون	Boyun
گلو - تنگه	بُغاز	Boğaz
لوله	بُرو	Boru
داخل	ایچ	iç
نای	سلوک بروسو	Soluk borusu
دستگاه - جهاز	آی گئت	Aygıt
مهم	اَنم لی	Önemli
شش	آک جییر	Akciğer
کشیف شدن	کیرلن مک	Kirlenmek
بیرون	دئش	Dış
خارج شدن	چئک ماک	Çıkmak
مری	پیمک بُروسو	Yemek borusu
ماده	ماده	Madde
معدّه	می ده	Mide
معدّه	کورساک	Kursak
سینه - آغوش - پستان	گئوس	Göğüs
خالی	بشلوک	Boşluk
دنده	کابورگا	Kaburğa
اطراف	چوره	Çevre
پشت	سرت	Sırt
بالا	یوکاری	Yukarı
پائین	آشاغی	Aşağı
ردیف - سری	دی زی	Dizi
پائین رفتن - سوار شدن	این مک	Inmek
ستون فقرات	امورگا	Omurğa

معنی	تلفظ	لغت
وصل کردن	باغ لاماک	Bağlamak
ارتباط - مربوط	ایلگی	İlgili
نخاع شوکی	أمورای لیک	Omurilik
مغز حرام	موردار، ای لیک	Murdar, ilik
عضو - ارگان	آرکن	Örgen
دستگاه تنفسی	سلونوم آی گشتی	Solunumaygıtı
حنجره	گئرت لاک	Gırtlak
دستگاه گوارش	سیندیریم آی گشتی	Sindirim aygıtı
دوازده - روده اثناعشر	ان ای کی پارماک باغرساگی	Onikiparmak bağırsağı
روده باریک	این جه باغرساک	İnce bağırsak
روده بزرگ	کالئن باغرساک	Kalın bağırsak
روده	باغتر ساک	Bağırsak
مخلوط شدن	یغروول ماک	Yoğrulmak
خون	کان	Kan
مخلوط شدن - داخل شد کارئش ماک		Karışmak
صفرا	سافرا	Safra
کیسه	کسه	Kese
طحال	دالاک	Dalak
عصاره	آزسو	Özsu
شانه	آموز	Omuz
آرنج	دیرسک	Dirsek
مچ دست	بیلک	Bilek
کف دست	آل آیاسی	Elayası
انگشت ابهام	باش پارماک	Baş Parmak
انگشت شهادت	ایشارت پارماک	İşartparmak
انگشت میانه	آرتا پارماک	Ortaparmak

معنی	تلفظ	لغت
انگشت بنصر	یوزوک پارماک	Yüzükparmak
انگشت خنصر	سرچه پارماک	Serçeparmak
بند	بغوم	Boğum
ناخن	تیرناک	Tırnak
بالای ران - تهیگاه	کال چا	Kalça
زانو	دیز	Diz
کاسهء سرزانو	دیزکاپاغی	Dizkapağı
پاشنه پا	تیوک	Topuk
کف	تابان	Taban
سقف	تاوان	Tavan
مثل - مانند	آی نی	Aynı
قلب	یورک	Yürek
قلب	کالپ	Kalp
شکم	کارئن	Karın
بطن	کارئن جنک	Karınçık
دهلیز	کولاکچنک	Kulakçık
دهلیز	کولاجنک	Kulacık
کبد - جگر سیاه	کاراجییر	Karaciğer
سیاهرگ	آتاردآمار	Atardamar
سرخرگ	تپلاردآمار	Toplardamar
مویرگ	کنل جال دامار	Kılcaldamar
رگ	دآمار	Damar

Başımızla gövdemizi birleştiren kısmın adı boyundur.

قسمتی که سر را به تنه ما وصل می کند گردن نامیده میشود .

Boyunun on tarafına boğaz denir.

به قسمت جلو گردن را گلو گفته می شود .

Gövdemizde dış örgenlerden(uzuvlardan)başka bir de iç örgenler var.

در بدن ما علاوه بر اعضاء خارجی عضوهای داخلی نیز وجود دارد .

Boğazın içinde iki boru bulunmaktadır:

در داخل گلو دولوله وجود دارد .

1)Soluk(nefes)borusu.

۱-نای

Solunum aygıtının(teneffus cihazının)önemli bir kısmıdır.

نای یکی از مهمترین قسمت دستگاه تنفسی است .

Ağız ve burun yoluyla aldığımız temiz hava bu yoldan akciğerlere gider.

هوای تمیز گرفته شده از راه زبان و بینی از طریق نای به ششها می رود .

Kirlenmiş hava oradan dışarıya çıkar.

هوای کثیف شده از طریق نای به بیرون می رود .

2)Yemek borusu.

۲- مری

Yediğimiz ve içtiğimiz maddeler bu yoldan midemize iner.

مواد خوردنی و نوشیدنی از راه مری به معده می رود .

Göğüs boşluğunu kaburga kemikleri çevreler.

قفس سینه را استخوانهای دنده احاطه می کند .

Kaburga kemikleri,sırtımızda yukarıdan aşağıya dizi

در پشت ما استخوانهای

دنده بحالت سری از بالا به پائین به استخوانهای ستون فقرات متصل می شود .

Omurga kemiklerinin içinde, beyinle ilgili omurilik bulunur.

در ارتباط با مغز در داخل استخوانهای ستون فقرات نخاع شوکی وجود دارد.

به این (نخاع شوکی) مردم مغز حرام می‌گویند. . .
Buna halk murdar ilik der. . .
Gövde-mizde her biri birkaç örgenin birleşmesinden meydana gelen iki aygıt (cihaz) var,

در بدن ما که از ترکیب چند عضو می‌باشد دو دستگاه وجود دارد .

1) Solunum aygıtı: burun, boğaz, küçük dil, gırtlak, soluk borusu, akciğerler.

۱- دستگاه تنفس، شامل - بینی، گلو، زبانک، حنجره، نای، شش‌ها.

2) Sindirim aygıtı (hazım cihazı):
Dudaklar, dişler, dil, yemek borusu, mide (kursak), onikiparmak bağırsağı, ince bağırsak, kalın bağırsak. . .

شامل: لبها، دندانها، زبان، مری، معده روده دوازده، روده باریک، روده کلفت. . .

Yediklerimiz, içtiklerimiz bu örgenlerde ezilir, yoğrulur, sindirilir, kana karışır.

خوردنیها و نوشیدنی‌های ما در این اعضا خرد مخلوط هضم می‌شود بخون مخلوط می‌گردد.

Karaciğerdeki safra kesesinden gelen safra ile dalaktan gelen özsu (usare) sindirim işlemini kolaylaştırır.

صفرائی که از کیسه صفرا در کبد آمده با عصاره طحال مخلوط و کار هضم را آسان می‌کند.

Gövdenin üst kısmına omuz denir.

به قسمت بالای بدن (تنه) شانه گفته می‌شود.

Kollar omuzlarla gövdeye bağlanmıştır.

دسته‌ها بوسیله شانه‌ها به تنه متصل می‌باشند.

Kolların iki kısmi dirseklerle birbirine bağlanır.

دو قسمت دست‌ها بوسیله آرنج‌ها به یکدیگر متصل می‌باشند.

Elleri kollara bağlayan mafsalin (eklemin) adı bilektir.

مفصلی که ساق دست را به دست‌ها وصل می‌کند مچ دست نامیده می‌شود.

Elin iç ortasına el ayası denir. Elin iç وسط داخل دست کف دست گفته می‌شود.

Her elde beş parmak vardır: در هر دست ۵ انگشت وجود دارد .

Başparmak, işaretparmağı (şehadet parmağı), ortaparmak, انگشت ابهام، انگشت شهادت، انگشت میانه، انگشت بیصر، انگشت خنصر انگشت خنصر (انگشت کوچک)

Her parmak üç boğumludur. هر انگشت سه بند دارد .

Yalnız başparmakların ikişer boğumu vardır.

فقط انگشتان ابهام دو بند دارند .

Parmakların arka uçlarında tırnaklar bulunur.

در پشت نوک انگشتان ناخن‌ها وجود دارند .

Bacaklar gövdeye kalçalarla bağlıdır.

پاهای تنه به وسیله تهیگاه (لگن خاصره) متصل می‌باشد .

Bacakların kısımlarını bağlayan ekleme diz denir.

مفصلی که قسمت‌های پارا به همدیگر متصل می‌کند زانو نامیده می‌شود .

Dizlerin önlerindeki değirmi kemiğin adı dizkapağıdır.

به استخوان گرد جلو زانو کاسه سر زانو گفته می‌شود .

Ayakların bacaklara bağlandığı mafsalda (ayak bileklerinde en belirgin örgenler topuk kemikleridir.

مشخص‌ترین عضوی که مفصل پارا به ساق پا وصل می‌کند استخوانهای پاشنه پامی باشد .

Her ayakta tabanla parmaklar vardır.

در هر پا کف پا و انگشتان پا وجود دارد .

KONUŞTURMALAR:

-Baş, gövdeye hangi örgenle bağlıdır?

سر به تنه با کدام عضو متصل است .

-Boğaz mı öndedir. boyun mu?

آیا گلو در جلو است یا گردن؟

-Göğüs boşluğunu hangi kemikler çevreler?

کدام استخوانها قفس سینه را احاطه می‌کند

- Kaburga kemiklerinin hepsi aynı uzunlukta mıdır?
آیا طول استخوانهای دنده بیک اندازه می باشد؟
- Kaç çift kaburga kemiğimiz var? چند جفت استخوان دنده دارید؟
- Göğüs boşluğunda hangi örnenler bulunur?
کدام اعضا در قفس سینه وجود دارد؟
- Akciğerlerin görevi nedir?Bu görevi nasıl yapar?
وظیفه ششها چیست؟ این وظیفه را چگونه انجام می دهد.
- Yürek(kalp)göğüs boşluğunun ne tarafındadır?Görevi nedir
قلب در هر کدام از قفس سینه است؟ کارش چیست؟
- Yürede dört küçük boşluk var:Alttakilerine karıncık üsttekilerine kulakcık yahut kulacık denir.Bunlar neye yarar?
در قلب چهار جای کوچک خالی وجود دارد.
به قسمت های پائین قلب بطن و به قسمت های بالای آن دهلیز گفته می شود.
بطن ها و دهلیزها به چه درد می خورند؟
- Kan dolaşımı hangi örnenlerle olur?Nasıl olur?
گردش خون با کدام اعضا انجام می شود و چگونه؟
- Karaciğerin görevi nedir? کار کبد چیست؟
- Göğüs boşluğunu karın boşluğundan ne ayırır?
چه چیز قفس سینه را از قسمت شکم جدا می کند؟
- Mide neye benzer?Görevi nedir? معده شبیه چیست؟ کارش چیست؟
- Midede toplanan besin(gıda)maddeleri hangi yoldan nereye iner?
مواد غذایی جمع شده در معده از کدام راه و به کجا وارد میشود.
- Sindirimi(hazmi)kolaylaştırmak için bu maddelere neler برای آسان کردن کار هضم به این مواد چه چیزها مخلوط می شود؟
کاریشیر?
- Dalak nerededir?طحال در کجاست؟
- ince ve kalın bağırsakların uzunluğu hakkında bilginiz var mı?
آیا در مورد طول روده بزرگ و کوچک اطلاعاتی دارید؟
- Kollar gövdeye nerelerden bağlanmıştır?
دستها به تنه چگونه وصل شده اند.

- Kalça nereye denir? تهیگاه (لگن خاصره) بچه چیز گفته می شود؟
- Dizkapakları önde midir,arkada mıdır? آیا کاسه سر زانو در جلو است یا در عقب؟
- Bacakların sonunda neler bulunur? در انتهای پاها چه چیزها قرار دارند؟
- Damarlar iki türdür:Atardamar,toplardamar,Bunların görevleri nedir. رگها دو نوع هستند، سرخرگها، سیاهرگها، کار اینها چیست؟

DILBILGISI:

Fiillerde çekim(tasrif): صرف افعال

He tam fiilde üç anlam vardır:

در هر فعل بطور کلی سه مفهوم وجود دارد.

- 1)Göv veya kök anlamı, ۱- مفهوم ریشه
- 2)Kip veya zaman anlamı, ۲- مفهوم زمان
- 3)Şahıs anlamı. ۳- مفهوم شخص

Bunları açıklayalım: اینهارا باز گو کنیم:

1)Türkçede kelimelerin kökleri değişmez.

۱- در ترکی ریشه کلمهها تغییر نمی کند.

Türetme ve çekim eklerle olur.

صرف و ظاهر شدن کلمهها با پسوندها می باشد.

Ekler kelimelerin sonlarına gelir.

پسوندها به آخر کلمهها افزوده می شود.

Onun için bunlara sonek denir.

به این سبب به اینها (پسوند) پسوند آخر گفته می شود.

2)Fiillerde kökten sonra kip veya zaman anlamlı ekler

gelir: ۲- در فعلها بعد از ریشه فعل زمان فعل و یا پسوندهائی که مفهوم زمان را می رسانند در فعلها نوشته می شود:

Gel + di	:geçmiş zaman kipi,	زمان گذشته ساده
Yaz + ıyor	:şimdiki zaman kipi,	زمان حال ساده
Gör + ecek	:gelecek zaman kipi,	زمان آینده
Bil + ir	:geniş zaman kipi,	زمان مضارع اخباری
Git +meli	:gerekli kipi...	وجه اجباری

3)Çekim.-Fiillerin şahıs anlamlı ekleri kip eklerinden sonra gelir.

۳- صرف افعال - پسوندهای که مفهوم شخص را میدهند بعد از پسوندهای زمان می آیند.

Fiillerin şahıs eklerine göre aldığı değişik şekle çekim denir:

افعالی که شکل مختلفی از پسوندهای اشخاص را می گیرند صرف افعال نامیده میشود :

Bir fiili şahıslara göre çekimleyelim:

یک فعل را نسبت به شخصها صرف کنیم :

TEKİL	ÇOĞUL
1.Şahıs(ben)bilir+im	(biz) bilir+iz
2. " (sen)bilir+sin	(siz) bilir+siniz
3. " (o) bilir	(onlar)bilir+ler.

ALİŞTIRMALAR:

1)yazıyor fiilini şahıslara göre çekimleyiniz:

1.şahıs yazıyor+um	yazıyor+uz
2. "
3. "

2)öğrenmeli fiilini şahıslara göre çekimleyiniz:

1.Şahıs öğrenmeli+yim	öğrenmeli+yiz
2. "
3. "

3)Geldi fiilini şahıslara göre çekimleyiniz.Şahıs ekleri
öbür fiillerin eklerine benziyor mu?

Farkları gösteriniz?

- | | |
|-----------------|---------|
| 1.şahıs geldi+m | geldi+k |
| 2. " | |
| 3. " | |

معنی	تلفظ	لغت
خاطره	آنی	ANI
هوایما	اوچاک	Uçak
کرایه کردن	کی رالاماک	Kiralamak
لباس	ال بی س	Elbise
بیکار	بش	Boş
مسجد	جامی	Cami
امام زاده	تورب	Türbe
مرزه	موزه	Müze
آب دادن در راه رضای خدا	سبیل	Sebil
پارک	پارک	Park
بازار قدیمی (بازار سرپوشیده)	کاپالی چارشی	Kapalı Çarşı
دریا	دینیز	Deniz
پلاژ	پلاژ	Plaj
جزیره	آدا	Ada
تنگه بسفر (داخل تنگه)	بغازای چی	Boğaziçi
خسته شدن	یورولماک	Yorulmak
فورا	چابوک	Çabuk
جلو	آن	ön
دور شدن	چکیل مک	Çekilmek
شب	آک شام	Akşam
منظره	مان زارا	Manzara
یک بیک	بیرار بیرار	Birer Birer
دل تنگ شدن	آزلمک	özlemek

BİR ANI (Hatıra) یک خاطره

Bir öğrencinin anı (hatıra) defterinden:
 Bir öğrencinin anı (hatıra) defterinden:
 İstanbul'a uçakla (tayyare ile) geldim. .
 Arkadaşlarımın kiraladığı bir odaya yerleştim.

در اطاقی که دوستانم اجاره کرده بودند جای گرفتم .

Hemen anneme, babama mektup yazdım. .
 Ertesi günü yeni elbiselerimi giydim.

روز دیگر لباسهای تازه‌ام را پوشیدم :

Üniversiteye gittim.
 به دانشگاه رفتم :

Yabancı Diller okuluna girdim. (وارد شدم)
 Türkçe derslerinin günlerini, saatlarını öğrendim.

روزها و ساعت‌های درسهای ترکی را یاد گرفتم .

Boş saatlarımı değerlendirmek istiyordum.

می‌خواستم از زمانهای بیکاری‌ام استفاده بیشتری بکنم .

Bir yıldan beri İstanbul'da bulunan bir hemşerimle
 Şehri gezmeye çıktık.

برای گردش شهر با همشهری که نزدیک بیست سال در استانبول بوده بیرون رفتیم .

Istanbul'da gezilecek, görülecek yerler pek çoktur.

در استانبول جاهای دیدنی، گشتنی خیلی زیادی وجود دارد .

Camiler, türbeler, müzeler, sebiller, parklar, kapalı çarşılar,
 deniz, plajlar, Adalar, Boğaziçi

که عبارتند از: مسجدها، امامزاده‌ها، موزه‌ها، سیل‌ها، پارک‌ها، بازار قدیمی (بازار بسته)

دریا، پلاژها، جزیره‌ها، تنگه بسفر،

yürüyerek Beyoğlu'na çıktık.
 پیاده به بی اوغلی رفتیم .

Pek kalabalıktı.

خیلی شلوغ بود .

Yorulmuştum.Otobüse bindik.odama döndüm.

خسته بودم ، به اتوبوس سوار شدم ، به اطاقم برگشتم .

Yorgunluğum çabuk geçti.

خستگی ام فوری برطرف شد .

Karar Verdim:

برنامه گذاشتم . (قراردادم)

Her gün İstanbul'un bir semtini gezecek,gördüklerimi
defferime yazacağım.

هرروز یک طرف استانبول را گشته دیدنی هایم را در دفترم خواهم نوشت .

Defterim önümde...Yazmak için konular arıyorum.

دفترم در مقابلم . . . برای نوشتن موضوعها جستجو می کنم (موضوعها برای نوشتن جستجو
می کنم)

Düşünüyorum.düşünüyorum.

فکر می کنم ، فکر می کنم .

Güneş çekiliyor,akşam oluyor,etraf kararıyor.

آفتاب غروب می کند ، کم کم شب می شود ، همه جا تاریک می شود .

Gözlerimin önünde memleketimin manzaraları birer birer
canlandı .

مناظر وطنم در مقابل چشمانم یک بیک زنده شد .

Annemi ,babamı ,kardeşlerimi ,arkadaşlarımı ,herkesi ,her
yeri özlüyorum.

دلم به مادرم ، پدرم ، خواهرانم (برادرانم) دوستانم و هرکس .

همه جا تنگ می شود .

KONUŞTURMALAR:

مکالمه ها :

-Siz de günlük anılarınızı bir deftere yazıyor musunuz?

آیا شما هم خاطره های روزانه خود را در یک دفتر می نویسید ؟

-Günlük anıları yazmanın faydası var mı?

آیا نوشتن خاطره های روزانه فایده ای دارد ؟

-İstanbul'a ne ile geldiniz?

به استانبول با چه چیز آمدید ؟

-Hangi semtte yerleştiniz?

در کدام سمت مقیم شدید ؟

-Eviniz,odanız güzel mi,rahat mı?

آیا اتاق و خانه‌تان زیبا و راحت است؟

-Kaç gün sonra üniversiteye geldiniz?

چند روز بعد به دانشگاه آمدید؟

-İlk kayıt işleminiz(muameleniz)nerede yapıldı?

در کجا کار ثبت نام اولیه‌تان انجام شد؟

-Yurdunuzu(Vatanınızı)özlüyor musunuz?

آیا مملکتان را بخاطر می‌آورید؟

-Özlediğiniz kimseler de var mı?

آیا اشخاص دیگر که دلتنگ می‌شود هستند؟

-İstanbul'da nereleri gezdiniz?

کجاها (جماهایی) را در استانبول گردش کردید؟

-Gördüklerinizden birisini anlatınız.

یکی از دیدنی‌هایتان را شرح دهید.

DİLBİLGİSİ:

Türkçede-gerektikçe-bir isim,başka bir ismin anlamını
tamamlar. اگر لازم باشد در ترکی یک اسم، کامل کننده مفهوم اسم دیگری باشد.

Buna"işim tamlaması"denir."İsim takımı"da derler.

به این تعریف ترکیبات اضافی گفته می‌شود.

İsim takımları ek alışlarına göre üç türdür:

ترکیبات اضافی نسبت به پسوندی که می‌گیرند سه نوع می‌باشند.

I.هر دو کلمه پسوند نمی‌گیرند. I.kelimelerin ikisi de ek alır:

Öğrencinin çantası,çocuğun paltosu....

II.مضاف‌الیه پسوند نمی‌گیرد. II.Tamlıyan ek almaz:

Öğrenci Çantası, Çocuk paltosu...

III.هر دو کلمه نیز پسوند نمی‌گیرند. III.Kelimelerin ikisi de ek almaz:

Deri Çanta, Yün palto...

Birinci türlü isim takımları (Kelimelerinin ikisi de ek alan takımlar) Şahıslara göre şöyle çekimlenir:

نسبت به شخصها اولین نوع ترکیبات اضافی اینطور صرف می شود .

1.Şahıs:Benim defterim-bizim defterlerimiz(defterimiz)

۱- اول شخص: دفتر من - دفترهای ما (دفتر ما)

2.Şahıs:Senin defterin-Sizin defteriniz(defterleriniz)

۲- دوم شخص: دفتر تو - دفتر شما

3.Şahıs:Onun defteri-onların defterleri(defteri)

۳- سوم شخص: دفتر او - دفتر آنها

Şahıs Zamirleri çok kere düşer:

بسیاری از مواقع (دفعهها) ضمیرهای شخصی استعمال نمی شود .

(Benim)evim Uzaktır.

خانهء من دور است .

(Sizin)kitaplarınız nerededir?

کتابهایتان در کجاست ؟

Ana yurdum(memleketin,vatanın)neresidir?

وطن شما کجاست ؟

Ali'yi gördüm,babası gelmiş.

علی را دیدم پدرش آمده بود .

Amcaları da gelecek.

عمویشان نیز خواهد آمد .

ALİŞTIRMALAR:

1)Öğrencinin defteri sözûyle.

Öğrenci defteri sözû arasında fark var mıdır?

Hangisi"belli bir öğrencinin"demektir?

Hangisi"öğrencilere mahusu"demektir?

Çocuğun elbisesi,odanın kapısı,dağın tepesi...

Çocuk elbisesi,oda kapısı,dağ tepesi...

Hangileri belirtili,hangileri belirtisiz tamlamadır.

2)Kuş kanadı,oda kirası,sinema perdesi,mahalle bekçisi

takımlarını belirtili yapınız.

3) Kalem, defter, palto, para, gözkelimelerini birer isimle tamlayınız.

4) Aşağıdaki isimleri birinci tekil şahıs zamiriyle tamlayınız:

Kardeş, para, akıl, parmak, amcalar, gömlek...

Örnek: Benim Kardeşim...

5) Aşağıdaki isimleri birinci çoğul şahıs zamiriyle tamlayınız:

Arkadaş, elbise, düşünce, tırnak, dayılar...

Örnek: Bizim arkadaşımız...

6) Aşağıdaki isimleri ikinci tekil şahıs zamiriyle tamlayınız:

Ev, oda, duygu, kulak, teyzeler, ablalar...

Örnek: Senin evin...

7) Şu isimleri de ikinci çoğul şahıs zamiriyle tamlayınız
Yazı, yanak, hatıralar, gözler, yeğen...

Örnek: Sizin yazınız...

8) Şu tamlamalarda yanlış harfler var, doğrularını altlarına yazınız:

Üniversite profesöri, dekan katipi, Yabancı Diller okuli, arkadaşın gözi, yolın ortasi, hastanın ateşi...

9) Şu tamlamalardaki yanlışları düzeltiniz:

Sizin arkadaşı, Senin anne, bizim bayrağım, benim elbisemiz

	تلفظ	معنی
Gün	گون	روز
Doğmak	دغماک	زائیدن — بوجود آوردن
Gazete	گازته	روزنامه
Öğle	ایل	ظهر
Yemek	یمک	غذا
Dinlenme	دین لَنَم	استراحت
Sonra	سُن را	بعد
Uyku	اوی کو	خواب
Tiyatro	تی یاترو	تاتر
Sinema	سینما	سینما
Akıllıca	آکئلی جا	عاقلانه
Bilgin	بیل گین	دانشمند
Eğlence	ای لَنَج	تفریح
Yaklaşmak	یاک لاش ماک	نزدیک شدن
Sınıf	سئنئف	کلاس — صف
ilerlemek	ای لر لمک	پیشرفت کردن
Gençlikte	گن چ لیک ت	در جوانی

Her Sabah gün doğmadan kalkarım.

هر صبح قبل از طلوع آفتاب بلند می شوم .

Tıraş olmak,yıkanmak,taranmak,kahvaltı etmek için bir saatım geçer.

یک ساعت برای اصلاح کردن ، حمام کردن ، شانه کردن و صبحانه خوردن صرف می شود .

Biraz gazete,kitap okurum. کمی روزنامه و کمی کتاب می خوانم .

Sonra giyinirim,Sokağa çıkarım.

بعد لباس می پوشم و به کوچه می روم .

Öğleye kadar derslerime giderim. تاظهر به درسهایم می روم .

Saat 12 ile 14 arası yemek,dinlenme(istirahat)zamanıdır.

زمان استراحت ، خوردن بین ساعت ۱۲ الی ۱۴ می باشد .

Öğleden sonra gene ders...

بعد از ظهر دوباره به درس (مدرسه یا دانشگاه) ...

Akşam yemeğinden sonra da biraz dinleniyor,

بعد از شام کمی نیز استراحت می کنم .

derslerimi,vazifelerimi(ödevlerimi)hazırlıyorum,

درسها و تمریناتم را حاضر می کنم .

Sonra uyuku...Bazı akşamlar,daha çok. بعداً " خواب ،

Cumartesi akşamları tiyatroya,sinemaya,gidiyorum.

اکثراً " شبهای روز شنبه به تئاتر و سینما می روم .

Akıllıca yaşamının yollarını gösteren bilginler,günü üçe ayırıyorlarmış:

دانشمندی که راههای زیستن عاقلانه را نشان می دهند روز را به سه قسمت تقسیم می کنند

Sekiz saat çalışma,sekiz saat dinlenme ve eğlence,

۸ ساعت فعالیت ۸ ساعت استراحت،تفریح،۸ ساعت هم خواب..sekiz saat da uyku.

Uykum birçok geceler dokuz saata yaklaşıyor.

بیشتر شبها خوابم نزدیک به ۹ ساعت می باشد.

Çalışmamın da on saata yükseldiği günler var.

بعضی روزها فعالیتم به ۱۰ ساعت نیز افزایش دارد.

Sağlığım(sihhatım)için gerekli(lazım)olan dinlenme müddetini değiştirmiyorum.

مدت استراحت ضروری را برای حفظ سلامتی خود تغییر نمی دهم.

Sınıflar ilerledikçe, imtihan günleri yaklaştıkça

Çalışma saatlarını artırmak zorundayım.

لازم می دانم موقعی که کلاسها زیاد می شود و روزهای امتحان نزدیک می شود ساعت های مطالعه

Böylece eğlence saatlerim azalmış oluyor.

(فعالیت) را افزایش بدهم. بدین ترتیب ساعت های تفریح من کم می شود.

Ne yapalım, gençlikte çalışmak lazım.

چه بکنیم، در جوانی فعالیت لازم است.

Gençlikte çalışmayanın yaşlanınca istirahate hakkı olmaz.

کسی که در جوانی تلاش نمی کند در موقع پیری حق استراحت ندارد.

KONUŞTURMALAR:

مکالمه ها:

-Sabahları saat kaçta kalkarsınız?

صبحها در ساعت چند بیدار می شوید؟

-İlkin neler yaparsınız?

اول چه کارها انجام می دهید؟

-Sokağa çıkıncaya kadar nelerle uğraşırsınız?

با چه چیز تا موقع رفتن به کوچه مشغول می شوید؟

-İyi bir öğrenci, öğleye kadar neler yapar?

یک دانشجوی خوب تا ظهر چه کارها انجام می دهد؟

-öğle saatlerini nasıl geçirirsiniz?

چگونه (چطور) ساعت های ظهر (زمان ظهر) را می گذرانید؟

-Öğleden sonra neler yaparsınız?

بعد از ظهر چه کارها انجام می دهید؟

-Bilginler bir günün kaç ayrılmasını isterler?

دانشمندان یک روز را به چند قسمت تقسیم می کنند؟

-Sizin günleriniz de böyle mi geçer?

آیا روزهای شما اینطور می گذرد؟

-Saat kaçta yatarsınız?

در ساعت چند می خوابید؟

-Uykunuz kaç saat sürer?

چند ساعت خوابتان طول می کشد؟

-Çalışma Saatlarınız ne kadardır? ساعت های فعالیت شما چقدر است؟

-Dinlenme ve eğlenceye kaç saat ayırıyor sunuz?

چند ساعت را به تفریح و استراحت اختصاص می دهید؟

-Dinlenme ve eğlence saatlarınızın azlığından mı Şikayetçisiniz,Çokluğundan mı? Niçin?

آیا از کم یا زیاد بودن ساعت های تفریح و استراحت شکایت دارید؟ چرا؟

DILBİLGİSİ:

دستور زبان

Her dilde fiiller mastarlardan türelerler.

فعل مادر هر زبان از مصدرها بوجود می آیند .

Türkçede mastarlar-mek ekiyle biten eylem anlamlı kelimelerdir.-mek eki,kalın sesli kelimelerde-mak olur:

در ترکی مصدرها که با پسوند mek (مک) تشکیل می یابند کلماتی هستند که مفهوم عمل را می رسانند . پسوند mek در کلمات با صدای کلفت mak می شود :

Girmek , istemek , etmek , vermek , yazmak , olmak , taramak , çalışmak

شدن و نوشتن و دادن و کردن و خواستن و وارد شدن و فعالیت کردن و شانه کردن و جستجو کردن .

"Kalkarım" fiili "Kalkmak" mastarından. "dinlenme" ismi de "dinlenmek" mastarından türemiştir.

فعل بلند می شوم از مصدر بلند شدن و اسم گوش دادن (شنیدن) از مصدر شنیدن ظاهر شده است .

ALİŞTIRMALAR:

1) Okurum, giyinirim, çıkarım, hazırlıyorum, giriyorum, ayırıyorlarmış, değiştirmiyorum....

fiillerinin mastarlarını yazınız.

Bu mastarlardan hangileri ince, hangileri kalın hecelidir?

2) Bunlardan başka beş mastar yazınız.

3) Sizin anadilinizde mastara ne denir?

Dilinizdeki bütün mastarlar bu kadar kolay öğrenilebilir mi? Niçin?

	تلفظ	معنی
Yıl	ییل	سال
Ay	آی	ماه
İlkbahar	ایلک باهار	بهار
Yaz	یاز	تابستان
Sonbahar(guz)	سن باهار	پائیز
Kış	کئش	زمستان
Çiçek	چی چک	گل
Menekşe	منکش	بنفشه
Hanımelleri	هانئم الری	نوعی پیچکها
Gül	گول	گل
Isınmak	ائسنن ماک	گرم شدن
Kır	کئر	صحرا
Olgunlaşmak	أل گون لاش ماک	کامل شدن - رسیدن
Ceviz	جوویز	گردو
Ayva	آی وا	به
Portakal	پرتاکال	پرتقال
Mandalina	ماندالیئا	نارنگی
Fındık	فئن دئک	فندق
Yağmur	یاغمور	باران
Yağmak	یاغ ماک	باریدن
Beklemek	بک لمک	منتظر شدن
İmtihan	ایم تی هان	امتحان
Anlamdaş(Eşanlamlı)	آن لام داش	مترادف
Karşıt	کارشئت	متضاد

YIL (SENE) سال

Bir sene üç yüz altmış beş (365) gün, altı saat, dokuz dakika, dokuz buçuk saniyedir.

یکسال ۳۶۵ روز، ۶ ساعت، ۹ دقیقه، ۹/۵ ثانیه می باشد.

Bir yıl on iki aya ayrılır. یکسال به دوازده ماه تقسیم می شود.

Ayların adları: ocak, şubat, mart, nisan, mayıs, haziran, temmuz, ağustos, eylül, ekim, kasım, aralık.

اسامی ماهها: اجاق - شوبات - مارت، نی سان، مائیس - حازیران - تموز - آغوستوس
ایلول، اکیم، کاسثم، آرالئک.

Bir yıl (Sene) dört mevsime ayrılır:

یکسال به چهار فصل تقسیم می شود.

ilk bahar, yaz, Sonbahar (güz), kış, İlk bahar çiçek mevsimidir.
بهار، تابستان، پاییز، زمستان. بهار فصل گل می باشد.

Menekşeler, hanımelleri, laleler, güller ve daha bir çok çiçek ilkbaharda açılır, bahçeleri süsler.

در بهار، بنفشه ها، پیچک ها، لاله ها، گلها، بسیاری از گلها باز می شوند.

Her insan, çiçeği sever. هر انسان گل را دوست می دارد.

Yaz Sıcak mevsimdir. تابستان فصل گرم است.

Havlar ısınır, ısı derecesi yükselir.

در تابستان هوا گرم می شود و درجه حرارت افزایش می یابد.

Sıcaktan bunalanlar kırlara, yazlıklara çıkarlar.

تعدادی مردم از گرمای خفه کننده به صحراها و ویلاهای تابستانی می روند.

Pek çok insan deniz kenarlarına, plajlara gider,

خیلی زیادی از مردم به کناره های دریا و پلاژها می روند.

denizde yıkanır, kumda güneşlenir.

در دریا شنا می کنند، در شن حمام آفتاب می گیرند.

Bir çok meyveler sonbaharda olgunlaşır:

بسیاری از میوه‌ها در پاییز بطور کامل می‌رسند .

Ceviz, nar, ayva, Portakal, mandalina, fındık...

گردو، انار، به، پرتقال، نارنگی، فندق .

Istanbul'un sonbaharı uzun sürer, güzel olur.

پاییز استانبول زیبا و طولانی می‌شود .

Kış aylarında hava soğur.

در ماه‌های زمستان هوا سرد می‌شود .

Soğuk günlerde yağmur yağar, kar yağar...

در روزهای سرد برف و باران می‌بارد .

Soba başında oturur, ilkbaharı bekleriz.

در پیش بخاری می‌نشینیم، منتظر بهار می‌شویم .

Üniversite, her yıl sonbaharda açılır.

دانشگاه هر سال در پاییز باز می‌شود .

Ertesi yılın yaz başlarında imtihanlar başlar.

امتحانها در اوایل تابستان سال بعد شروع می‌شود .

KONUŞTURMALAR:

مکالمه‌ها:

-Bir yıl kaç gün, kaç saat, kaç dakika, kaç saniyedir?

هر سال چند روز، چند ساعت، چند دقیقه، چند ثانیه می‌باشد .

-Yıl 366 gün de olur mu? Kaç yılda bir?

آیا سال ۳۶۶ روز هم می‌شود؟ چند سال یکی؟

-Bir yıl kaç aya ayrılır?

یک سال به چند ماه تقسیم می‌شود؟

-Hangi aylar otuz gündür?

کدام ماه‌ها سی روز می‌باشند؟

-Hangi aylar otuz bir gündür?

کدام ماه‌ها ۳۱ روز می‌باشد؟

-Şubat ayı kaç gündür? Hangi yıllarda bir gün artar? Niçin

ماه شوبات چند روز است؟ در کدام سالها یک روز اضافه می‌شود؟ چرا؟

-Bir yıl kaç mevsime ayrılmıştır? فصل تقسیم می‌شود؟

- Memleketinizde mevsimler nasıl geçer?
در وطن شما فصل‌ها چطوری می‌گذرد؟
- Yazın ısı kaç dereceye kadar yükselir?
در تابستان درجه حرارت به چند درجه افزایش می‌یابد؟
- Memleketinizin Sonbaharı nasıl geçer?
پائیز وطن شما چطوری می‌گذرد؟
- Hangi meyveler yetişir?
کدام میوه‌ها می‌رسند؟
- Memleketinizde kışın kar yağar mı?
آیا زمستانها در مملکت شما برف می‌بارد؟
- Çok Soğuk olur mu? Derece kaç düşer?
زمستان آیا زیاد سرد می‌شود؟ درجه حرارت چقدر پایین می‌آید.
- Memleketinizde Kışın evler nelerle ısıtılır?
در مملکت شما خانه‌ها در زمستان با چه چیزها گرم می‌شود؟
- Hangi mevsimi seversiniz?
کدام فصل را دوست می‌دارید؟

DİLBİLGİSİ :

دستور زبان

I-a) Anlamdaşlar = eş anlamlılar (müteradifler):

مترادف‌ها

Sonbahar=güz, ısı=hararet, ışık=ziya, birlikte=beraber...

پائیز حرارت روشنائی برابر

b) karşıt anlamlılar:

متضادها

Soğuk-sıcak, ısınmak-serinlemek, soğumak, üşümek,

سرد شدن سرد شدن و سرد شدن گرم شدن گرم سرد

yükselir-düşer, ilkbahar-sonbahar, yaz-kış, uzun-kısa....

کوتاه - بلند زمستان-تابستان پائیز بهار و تنزل می‌کند ترقی می‌کند

II-b) Yukarıdaki yazıda bir çok fiil var.

در نوشته بالا فعل زیادی وجود دارد.

Mastarları Şunlardır: مصدرشان اینها هستند .

Açılmak, başlamak, süslemek, sevmek, ısınmak, yükselmek,

گرم شدن، دوست داشتن، آرایش کردن شروع کردن باز شدن

gitmek, yıkanmak, güneşlenmek, olgunlaşmak, soğumak,

سرد شدن بالغ شدن، در معرض آفتاب قرار گرفتن، حمام کردم رفتن،

yağmak, beklemek... باریدن، منتظر شدن

SORU: Hangi mastarların ekleri-mek, hangi mastarların ekleri-mak'tir? Niçin?

پرسش: کدام یک از پسوندها مصدر مک و کدامیک از پسوندها ماک میباشد؟ چرا؟

b) Mastarlardan türemiş fiillere "ne zaman, ne vakit?"

به فعل‌هایی که از مصدر ظاهر شده علامت سئوالی لاکی، Sorularını katalım: چه وقت؟ (اضافه بکنیم .

Açılır.-Ne zaman?-Her yıl, her zaman.

باز می‌شود - کی؟ - هر سال، هر زمان .

Başlar.-Ne zaman?-Her ilkbahar, her zaman.

شروع می‌شود - کی؟ - در بهار، هر زمان -

Süsler.-Ne zaman?-Her ilkbahar, her zaman.

آرایش می‌کند - کی؟ - هر بهار و همیشه .

Havalar ısınır.-Ne zaman?-Her yaz...

هوایا گرم می‌شود - کی؟ - هر تابستان

Bu fiillerin sonlarında-r vardır.

در آخر این فعل‌ها حرف r - می‌باشد .

r ekiyle türemiş fiillere "geniş zaman kipi, geniş zaman fiili" denir.

• به فعل‌هایی که با پسوند r بوجود آمده زمان حال ساده گفته میشود .

ALİŞTİRMALAR:

1)Aşağıdaki kelimelerin anlamdaşlarını karşılarına yazınız:

Mektep=....,vücut=.... beyin=.... gıda=....

2)Şu kelimelerin de karşıt anlamlılarını karşılarına yazınız

Karanlık-...,korkak-...,çalışkan-...,almak-...,

Uyumuş-...,gündüz-...

3)Aşağıdaki anlamdaşlar arasındaki kullanım farklarını belirtiniz:

Görmek-bakmak,dinlemek-işitmek,yaramaz-haylaz

4)Boş bırakılan yerlere uygun kelimeler yazınız:

Ekim ayı...gündür,Aralık....gündür.

Üniversite derslere....başlar.

Kışın....yağar ve havalar...olur.

İlkbahar.....mevsimidir.

Yazın.....uzun olur.

Kışın.....kısa olur.

معنی	تلفظ	لغت
نوشیدن - کشیدن	ای چمک	Içmek
قهوه	کاهو	Kahve
شیر	سوت	Süt
خستگی	ییزگون لوک	Yorgunluk
دو نوع	آیران	Ayran
شربت	شربت	Şerbet
یخچال	بوزدلاپ	Buzdolap
خفه شدن	بونال ماک	Bunalmak
آلبالو	ویش نه	Vişne
شربت آبلیمو	لی مناتا	Limonata
شراب	شاراپ	Şarap
آبجو	بی را	Bira
استعمال کردن - مصرف کردن	کولان ماک	Kullanmak
سیگار	سی گارا	Sigara
پیپ	پی پو	Pipo
غلیان	نارگیل	Nargile
لغت	سزجوک	Sözcük
قسم خوردن	یمین اتمک	Yemin etmek
قسم خوردن	آنت ای چمک	Ant içmek
دیگر	آرتتک	Artık
فعل - عمل	ای لم	Eylem

نوشتن - کشیدن IÇMEK

چه چیزها می نوشیم ؟ -Neler içeriz?

-Susadıkça su içeriz.Sabahları kahvaltı ederken çay
içiyorum. هنگامی که تشنه می شویم آب می نوشیم .
صبح ها موقع صبحانه چائی می نوشم .

Süt veya sütlü kahve de içerim. . صبح ها شیر یا شیرکاکائو هم می نوشم .
Yorgunluğu gidermek için kahve içilir. برای رفع خستگی قهوه نوشیده می شود .

Sıcak günlerde Soğuk ayran içenler serinler.

افرادی که در روزهای گرم دونوع سرد می خورند خنک می شوند .

Eskiden serinlemek isteyenler buzlu şerbet içerlerdi.

از قدیم شربت یخی (بایخ) برای خنک نوشیده می شد .

Şimdi buz dolaplarında soğumuş şerbetler içiliyor.

حالا شربت های سرد شده در یخچال ها نوشیده می شود .

Sıcak havalarda soğuk meyve suları içmeyi de deneyiniz.

آب میوه های سرد را در هواهای گرم هم آزمایش کنید .

Temmuzun Sıcak günleri.... (ماه تابستان)....

Bir genç,arkadaşına anlatıyor: : یک جوان به دوست خود شرح می دهد :
"-Dün öğleye doğru dedem sıcaktan bunalmıştı.

دیروز نزدیک ظهر پدرم از گرما ناراحت شده بود .

Bir soğuk gazoz içti,rahatladı.

یک نوشابه گازز (اسم نوشابه) نوشید ، حالش بجا آمد .

Amcam da portakal suyu içmiş. عموم نیز آب پرتقال نوشیده است .

Şimdi ben de pek susadım.

حالا من نیز خیلی تشنه شدم (من نیز احساس تشنگی کردم)

Geliniz vişne şurubu içelim.

بیایید شربت آلبالو بنوشیم .

- آب لیمو هم می توانیم بنوشیم .
 قبل از غذاها سوپ می خورم .
 Limonata da içebiliriz."
 Yemeklerde önce çorba içerim.
 Şarap,bira gibi içki kullananlar da var.
 کسانی هم هستند که از نوشابه مثل آبجو، شراب استفاده می کنند .
 چه چیزها باید برای گرم شدن نوشید؟
 آب دریا نوشیده نمی شود.
 Isınmak için neler içmeli?
 Deniz Suyu içilmez.
 من سیگار نمی کشم .
 Ben Sigara(cıgara)içmem.
 کسانی که پیپ و غلیان می کشند کم هستند .
 ترکها بجای لغت yemin etmek از کلمه Sözcüğü(kelimesi)yerine ant içmek de
 derler: (که هر دو بمعنی: قسم خوردن است استفاده می کنند) (می گویند) .
 -Ant içtim, artık nargile içmiyeceğim.
 قسم خوردم که دیگر غلیان نخواهم کشید .
 Pipo,nargile içenler azdır.

KONUŞTURMALAR:

مکالمه ها :

- Memleketinizde güzel sular var mıdır?
 آیا در مملکت شما آبهای خوب وجود دارد?
 -Kahvaltıda neler içersiniz?
 چه چیزها در صبحانه می نوشید?
 -Sütlü kahve nasıl yapılır?
 شیر با قهوه چطور تهیه می شود?
 -Kahve hangi memleketlerde yetişir?
 در کدام ممالک قهوه تولید می شود?
 -Kahve içmeyi sever misiniz?
 آیا نوشیدن قهوه را دوست دارید?
 Şekerli mi, az şekerli mi, sade mı?
 آیا شیرین، متوسط، یا ساده؟ (کدام را دوست دارید؟)
 -Sıcak günlerde en çok neler içilir?
 بیشتر در روزهای گرم چه چیزها نوشیده می شود?
 -Ayran neden yapılır?
 دوغ از چه چیز درست می شود?

- Hangi şerbet hoşunuza gider? کدام شربت را دوست می‌دارید؟
- Limonata nasıl yapılır? چگونه آب لیمو تهیه می‌شود؟
- Memleketinizde Serinlemek için neler içilir? چه چیزها برای خنک شدن در مملکت شما نوشیده می‌شود؟
- Alkollü içkilerin zararları nelerdir? مضرات نوشابه‌های الکلی چیست؟
- Sigara içer misiniz? آیا سیگار می‌کشید؟
- Nargile içenleri gördünüz mü? شما کسانی را که غلیان می‌کشند دیدید؟

DİLBİLGİSİ:

Türkçede fiiller mastarlardan türer ve şahıslara göre Çekimlenir.

در ترکی فعل‌ها از مصدرها بوجود آمده نسبت به شخص‌ها صرف می‌شود.

Her fiilde üç anlam birleşir: Eylem, zaman, şahıs.

در هر فعل به مفهوم وجود دارد، فعل، زمان، شخص.

Eylem.-Fiillerin kök veya gövdelerindeki iş, oluş, kılış, hüküm anlamlarına verilmiş bir terimdir.

فعل (عمل) یک اصطلاحی است که به ریشه فعل مفهوم، حالت کار، انجام حکم را می‌دهد.

Zaman.-Eylemin yapılaşısıyla anlatılışı bakımından

زمان از نظر طرز فهماندن، طرز عمل فعل

Zamanı üçe ayırırlar:

به سه دسته تقسیم می‌شود:

1) Geçmiş zaman: Eylem öncedir, anlatış sonradır.

در زمان گذشته، اول عمل بعداً "طرز فهم می‌باشد."

2) Şimdiki zaman: Eylemle anlatış bir aradadır, iş yapılır-ken söylenir.

در زمان حال، عمل و طرز فهماندن در یکجا می‌باشد موقع انجام کار گفته می‌شود.

3) Gelecek zaman: Anlatış önce, eylem sonradır.

در زمان آئنده اول طرز فهماندن و بعداً "عمل می آید".

Şahıs.-Dil bakımından varlıklar üç şahsa ayrılır:

از نظر زبان به سه شخص تقسیم می شود.

Birinci Şahıs	:Sözü söyleyen,	اول شخص
İkinci Şahıs	:Kendisine söylenen,	دوم شخص
Üçüncü Şahıs	:Kendisinden bahsolunan	سوم شخص

ALİŞTIRMALAR:

Yukarıdaki yazıda "içmek" mastarından çekimlenmiş fiillerle isimlerin altlarını çiziniz.

1) Altlarını çizdiğiniz fiillerin zamanlarını inceleyelim

"Dedem gazoz içti":

-Ne vakit?

-Geçmiş zamanda, ben gördüm.

"Amcam portakal suyu içmiş":

-Ne zaman?

-O zaman, eskiden, geçmiş zamanda, ben görmedim, başkalarından işittim.

"Şimdi soğuk serbetler içiliyor":

-Ne vakit?

-Şimdi.

Bir de "her zaman" anlamına gelen fiiller vardır:

"susadıkça Su içeriz":

-Ne zaman?

-Her zaman.

2) Bir kaç fiilin de Şahıslarını inceliyelim:

"Çay içiyorum":

-kim(içiyor)?

-Ben.Birinci şahıs fiili.

"Meyve Suları içmeyi deneyiniz":

-Kim(denesin)?

-Siz(deneyiniz).İkinci şahıs fiili.

"Eskiden serinlemek isteyenler buzlu serbet içerlerdi"

-Kimler(içerlerdi)?

-Onlar,eski çağ adamları,Üçüncü şahıs fiili.

Öbür fiillerin de zamanlarını ve şahıslarını inceleyerek yazınız.

معنی	تلفظ	لغت
پوشیدن	گی بین مک	Giymek
سبک	هافیف	Hafif
ژاکت	جکت	Ceket
کلاه	شاپ کا	Şapka
کلاه فرم نظامی	کاس کت	Kasket
شلوار	پان تن	Pantolon
زن	کادئن	Kadın
جوراب	چراپ	Çorap
یقه	یاکا	Yaka
پیراهن	گم لک	Gömlek
کراوات	بیون باغی	Boyunbağ
زدن - بستن	تاک ماک	Takmak
دستکش	ال دیون	Eldiven
جیب	چپ	Cep
کائوچو	کا اوچوک	Kauçuk
فصلی	موسیم لیک	Mevisimlik
سنگین -	آغثر	Ağır
اعتماد کردن	گوون مک	Güvenmek
رگبار - باران شدید	ساغاناک	Sağanak
سخت	یامان	Yaman
چتر	شم سبی	Şemsiye
بارانی	یاغمرلوک	Yağmurluk
مداوم	سئک سئک	Sık sık
خیس شدن	ائسلان ماک	Islanmak

Kış geldi. زمستان آمد .

Soğuktan Korunmak için çok giyinmek lazım.

باید برای محافظت از سرما خیلی پوشید .

Yazın elbiselerimiz daha hafifti.

در تابستان لباسهایمان بسیار سبک بود .

Ceket giymeden sokağa çıkanlar vardır.

اشخاصی هستند که بدون پوشیدن کت به بیرون از خانه نیز می‌روند .

Hemen herkes şapkasızdı,kasketsizdi.

در واقع همه بدون کلاه و کلاه فرم نظامی بود .

Çocuklar kısa pantolon giyyordu. بچه‌ها شلوارک می‌پوشیدند .

Kızların,kadınların çoğu çorapsızdı.

اکثر آنها ، دختران بدون جوراب بودند .

Ayakkabılar çok ince ve hafif şeylerdi.

کفشها خیلی ظریف و از چیزهای سبک بود .

Yazın,gençlerle erkeklerin birçoğu açık yakalı gömlek giyer,boyunbağı(kravat)takmaz.

در تابستان ، بسیاری از جوانان مردها پیراهن یقه‌باز می‌پوشند و کراوات نمی‌زنند .

Kışın,daha kalın,daha ağır kumaşlı elbiseler giyilir.

در زمستان لباسها از پارچه‌های بسیار کلفت پوشیده می‌شود .

Erkekler sokakta palto,kadınlar manto giyerler.

در کوچه مردان ، پالتو ، زنان مانتو می‌پوشند .

Eldivensiz Sokağa Çıkanın elleri üsür.

هرکسی بدون دستکش بکوچه برود دستهایش سرد می‌شود .

Eldiveni olmayanlar,üsüyeni ellerini ceplerine Sokarlar.

اشخاصی که از دستکش استفاده نمی‌کنند دست‌های سرد شده خود را در جیب‌شان می‌گذارند .

Kışın ayakkabılar da daha kalındır.

کفشها در زمستان بسیار کلفت میباشند .

Istanbul'da kışın kauçuk altlı ayakkabılar giyenler çok olur.

کسانی که کفشهای زیر کائوچوشی در زمستان در استانبول می پوشند خیلی میباشند .

İlkbaharla Sonbaharda mevsimlik elbiseler giyilir.

لباسهای فصلی در بهار و پاییز پوشیده می شود .

Bunlar, ne kış giyimleri kadar kalın, ağır, nede yaz

giyimleri gibi ince ve hafiftir. لباسهای فصلی، نه مثل لباسهای

زمستانی کلفت میباشند و نه مثل لباسهای تابستانی ظریف و سبک میباشند .

İlkbaharın birinci, ikinci aylarıyla Sonbaharın ikinci,

üçüncü aylarında İstanbul'un havasına pek güvenilmez.

به هوای استانبول در ماههای اول و دوم و بهار و ماههای دوم سوم پاییز اطمینان نمی شود

Pek çabuk değişir. هوا خیلی فوری تغییر می کند .

Birden hava bozar, yağmur boşanır.

یکدفعه هوا خراب می شود و باران تند می بارد .

Bu mevsimlerin sağanakları da yaman olur.

تگرگ (رگبار) های این فصل تنها سخت می باشد .

Onun için şemsiye ve yağmurluk almadan sokağa çıkanlar

sık sık ıslanırlar.

به همین خاطر کسانی که بدون چتر و بارانی به کوچه می روند زود خیس می شوند .

KONUŞTURMALAR :

مکالمهها :

-Hayvanlar da giyinirler mi? آیا حیوانات هم لباس می پوشند؟

-Hayvanlarda giyim eşyasi yerini neler tutar?

حیوانها بجای لباس خود را با چه چیز می پوشانند؟

- Çok eski çağlarda insanların giyim eşyası var mı idi?
آیا انسانها در زمان قدیم وسائل پوشیدنی داشتند؟
- İlk insanlar önceleri neler giymişlerdir?
در قبلها انسانهای اولیه چه چیز میپوشیدند؟
- İlk insanların giyinişleri korunmak için midir,Süslenmek için mi?
آیا لباسهای انسانهای اولیه برای محافظت شدن می باشد و یا برای آرایش کردن؟
- Her mevsimde aynı şeyleri mi giyeriz?
آیا در هر فصل همان لباسها را می پوشیم؟
- Yazın nasıl giyiniyorduk? در تابستان چگونه لباس می پوشیدیم؟
- Ceketsiz sokağa çıkanlar var mıydı?
آیا اشخاصی هستند که بدون کت به کوچه می روند؟
- Böyle ceketsiz çıkanlar daha çok kimlerdi?
کسانی که اینطور (بدون ژاکت) به کوچه می روند اکثرا "چه کسانی بودند؟
- Kışın ceketsiz Sokağa çıkılır mı?Ne olur?
آیا در زمستان بدون کت بکوچه رفته می شود؟ چه اتفاقی می افتد؟
- Yazın Şapka giyenler çok muy du?
آیا اشخاصی که در تابستان کلاه می پوشند خیلی بودند؟
- Kışın Şapka giyenler çoğalıyor mu?
آیا در زمستان کسانی که کلاه می پوشند زیاد می شوند؟
- Boyunbağı takanlar yazın mı,kışın mı çok olur?
استفاده از کراوات در تابستان بیشتر است یا در زمستان؟
- Palto hangi mevsimde giyilir? پالتو در کدام فصل پوشیده می شود؟
- Eldiven neye yarar? دستکش به چه درد می خورد؟
- Hangi mevsimde giyilir? در کدام فصل دستکش پوشیده می شود؟
- İlkbaharla Sonbaharda nasıl elbiseler giyilir?
چه نوع لباسهایی در بهار و پاییز پوشیده می شود؟
- Hangi aylarda İstanbul'un havasına güven olmaz?
در کدام ماهها به هوای استانبول اطمینان نمی شود؟

-Şemsiye ve yağmurluk, daha çok hangi aylarda lüzumlu olur?
چتر و بارانی اکثراً در کدام ماهها ضروری می باشد؟

DİLBİLGİSİ:

دستور زبان

1)-di ekiyle biten yüklem "geçmiş zaman" anlamlıdır:

۱- فعلهائی که پسوند (-di) دارند مفهوم زمان گذشته را می دهند؟

a)-di eki, fiil kök ve gövdelerine gelince "-di'li geçmiş" kipi olur: kış geldi.

(a) - پسوند (-di) با آمدن به ریشه فعل آنرا گذشته می سازد. زمستان آمد.

b) İsim Soylu kelimelere gelen -di'lerin asıl "idi" dir.

(b) - اصل که به آخر کلمه هائی که ریشه اسمی دارند آمده "idi" dir "می باشد.

Ek-fiildir: Hafifti, vardı, şapkasızdı, çorapsızdı.

فعل پسوندی است، خفیف بود - بود، بدون کلاه بود، بدون جوراب بود.

c) Fiillerin Sonuna gelince zamanlarını ikileştirir.

(c) - فعل پسوند با آمدن به آخر فعلها زمان آنها را مرکب می سازد.

"Bileşik Zamanlı fiil" olur: Giyyordu.

فعل مرکب می شود - می پوشید.

2) "Eldivensiz Sokağa çıkanın elleri üşür".

۲- کسانی که بدون دستکش به بیرون (کوچه میروند) دستهایش سردی می شود

-Ne vakit üşür? کی سرد می شود؟

-Her kış günü her Soğuk gün. هر روز زمستان، هر روز سرد.

"Balık Suda yaşar". ماهی در آب زندگی می کند.

-Ne vakit? کی؟

-Her zaman. همیشه.

KURAL:-()r ekiyle türemiş fiiller, her zaman anlamlıdır.

قاعده: فعلهای ظاهر شده با پسوند (r) - مفهوم همیشه را می دهند

Onlara "geniş zaman" kipi denir:

به این فعل‌ها زمان حال ساده گفته می‌شود. (زمان حال ساده مضارع اخباری)

"Elbise giyilir. Hava bozar. Yağmur boşanır.

لباس پوشیده می‌شود. هوا خراب می‌شود. باران تند می‌بارد.

Sağanaklar pek yaman olur. sık sık islanırlar":

رگبارها خیلی سخت می‌شود فوراً "خیس می‌شوند.

Cümlelerinin Son kelimeleri geniş zaman kipi'dir.

(fiilidir). کلمه‌های آخر جمله زمان حال ساده می‌باشد.

ALİŞTIRMALAR:

1) "Gelme, yazmak, okumak, görmek, içmek, atmak, kosmak, küsmek" fiillerinden birer-di'li geçmiş kipi türetiniz ve birer cümlede kullanınız. Ek, hangi fiillerde-ti oluyor.

2) "öğrenci, genç, zengin, fakir, hasta"

Kelimelerine de-ei (idi) ekleyiniz.

3) -de (idi) ek-fiilini "okuyor, anlamış, gezer, oturacak" fiillerinin Sonlarına ekleyiniz.

Bu bileşik zamanlı fiillerle de birer cümle kurunuz.

4) "Göstermek, almak, düşmek, durmak"

mastarlarından birer geniş zaman kipi türetiniz, Şahıslara göre Çekimleyiniz.

معنی	تلفظ	لغت
بازگشائی	آچی لیش	Açılış
مراسم - جشن	سُورَن	Tören
رئیس دانشگاه	رِگ‌تور	Rektör
رئیس دانشکده	دِکان	Dekan
استادیار	دچنت	Doçent
دستیار	آسیستان	Asistan
استادان	أریتماوی لری	Öğretim üyeleri
پر	دُلو	Do lu
سفید	بِیاز	Beyaz
لباس سفید مراسم	بِیازجوب	Beyaz Cúbbe
نطق	نوطق	nutk
تعریف کردن	اومک	Övmek
جاهل	بیلگی سیز	bilgisiz
ملت	اولوس	ulus
تاریکی	کاران لئک	Karanlık
سرعت	هئز	hız
پیشرفت کردن	ایلرلمک	ilerlemek
پرورش یافتن - رسیدن	یتیشمک	yetişmek
عقب	گری	geri
نصیحت	أیوت	öğüt
غیرت کردن	قای رتات مک	gayret etmek
پیشرفت کردن	یوکسلمک	yükselmek
مدنیت	اوی قارلئک	uygarlık
دانش	بیلگی	Bilgi
فقط	آن جاک	ancak
خدمت	هیزمَت	Hizmet

معنی	تلفظ	لغت
با ارزش	یارارلی	Yararlı
انسانیت	این سان لئک	İnsanlık
فایده	فای دا	Fayda
روشن کردن - توضیح دادن	آی دین لات ماک	Aydınlatmak
آرزو	اول کو	ülkü
ادامه داشتن	مُسورمک	Sürmek
پراکنده شدن	داغئل ماک	Dağılmak
نطق	سوی لَو	Söylev
اجباری	گررک لیک	Gereklilik
غلط	یان لئش	Yanlış
درست	دغرو	Doğru
چسبیده	سی تی شیک	Bitişik

بازگشائی دانشگاه ÜNİVERSİTENİN AÇILIŞI

Istanbul Üniversitesi dün törenle açıldı.

دیروز دانشگاه استانبول با مراسم گشایش یافت .

Açılış törenine Rektör,dekanlar,profesörler,doçentler,

رئیس دانشگاه ، رئیس دانشکده ، پروفیسورها ،
asistanlar gelmişlerdi. اسنادیاریها ، کمک استادها به مراسم بازگشائی آمده بودند .

Büyük öğretim üyeleri(hocalar)tören elbisesi giymişlerdi.

اعضای هیئت علمی لباس مراسم پوشیده بودند .

Büyük salon öğrencilerle dolu idi. .

Beyaz cübbeli Rektör kürsüye çıktı.

رئیس دانشگاه بالباس سفید مراسم به تریبون رفت .

Açılış nutkunu Söyledi.

نطق بازگشائی را گفت .

Bilimi(ilmi)övdü.

علم را تعریف کرد .

"Bilgisiz insanlar,uluslar(milletler)karanlıkta kalmış

gibidir. ملت های انسانهای بی سواد مثل اینست که در تاریکی مانده اند .

Dünya ulusları hızla ilerliyorlar.

ملت های دنیا با سرعت پیشرفت می کنند .

Biz de çalışıp onlara yetişmeliyiz.

ما هم باید فعالیت کرده و به آنها برسیم .

Onlardan geri kalmamalıyız.

نباید از آنها عقب بمانیم .

Bunun için çok,pek çok çalışmalısınız.

بخاطر این بایستی خیلی زیاد فعالیت

Her yurttaş(vatandaş)çalışmalıdır..."dedi.

گفت : هر هم میهن بایستی فعالیت بکند .

Sonra gençlere öğütler verdi:

بعده جوانها نصیحت های داد :

"Gayret ediniz.Yükselmek,uygarlık(medeniyet)yolunda ilerlemek ancak bilimle(ilimle)olur. غیرت بکنید .

برای رسیدن به تمدن و پیشرفت منحصرأ با علم می باشد .

Insan,ailesine,ulusuna,yurduna bilgi ile hizmet eder.

انسان با علم به مملکت ،وطن ،خانواده اش خدمت می کند .

Bilgisiz(cahil)insan kendisine de,ailesine de,başkalarına da yararlı olmaz.

انسان بی سواد به خودش و نیز به خانواده اش و به دیگران هم مفید نمی باشد .

Yurdu da,insanlık da ondan büyük faydalar görmez..."

از انسان بی سواد وطن و انسانیت هم فایده نمی بیند .

Bir genç de konuştu:"uygarlık yolunda hızla ilerleyeceğiz

یک جوان صحبت کرد . با سرعت برای رسیدن به تمدن پیشرفت خواهیم کرد .

Bilim güneşiyile ruhlarımızı aydınlatıyoruz.

با نور علم روح مان را آگاه می کنیم .

Ulusumuza,insanlığa hizmet etmek ülkümüzdür..."

خدمت کردن به ملت و به انسانیت آرزوی ماست .

Tören iki buçuk Saat Sürdü,sonra dağıldı.

مراسم دو نیم ساعت طول کشید بعد خاتمه یافت .

KONUŞTURMALAR :

-Istanbul üniversitesi hangi ayda,hangi gün açıldı?

در کدام ماه و کدام روز دانشگاه استانبول باز شد ؟

-Açılış törenine kimler gelmişti?

چه کسانی به مراسم بازگشائی آمده بودند ؟

-Kimler tören elbisesi giymişti?

چه کسانی لباسهای مراسم پوشیده بودند ؟

-Törende öğrenciler de var mıydı? آیا در مراسم شاگردان هم بودند ؟

- Törene ne kadar öğrenci katılmıştı?
چه مقدار دانش آموز در مراسم شرکت کرده بودند؟
- İlk açış Söylevini(nutkunu)Kim Söyledi?
چه کسی اولین نطق بازگشائی را گفت؟
- Neyi övdü?
چه چیز را تعریف کرد؟
- Siz de bilimin üstünlüğüne inanıyor musunuz?
آیا شما هم برتری هم را باور می کنید؟
- Yurdunuzda büyük bilginler(alimler)var mıdır?
آیا در مملکت شما دانشمندان بزرگی وجود دارد؟
- Üç,beş bilgin'in adlarını yazınız?
اسم سه و پنج دانشمند را بنویسید .
- Bunlar hangi bilimlerle uğraşırlar?
اینها با کدام علمها مشغول می باشند؟
- Rektör,Söylevinde gençlere öğüteri verdi mi?
آیا رئیس دانشگاه در نطق خود به جوانها نصیحتها داد؟
- Neler Söyledi?
چه چیزها گفت؟
- Siz de bu öğütleri tutacak mısınız?
شما هم این اندرزها را یاد خواهید گرفت؟
- Neler yapacaksınız?
چه کارها انجام خواهید داد؟
- Memleketinizde hangi törenlere katıldınız?
در کدام مراسم در مملکت خود شرکت کردید؟
- Sizde en büyük tören hangi ayda yapılır?
در کدام ماه در مملکت شما بزرگترین مراسم انجام می شود .
- Nasıl yapılır?
چطور برگزار می شود؟

DILBİLGİSİ :

دستور زبان

Yetişmeliyiz=yetişmemiz lazımdır,gerekli dir. . بایستی برسیم .

Çalışmalısınız=çalışmanız lazımdır,gereklidir.

بایستی فعالیت بکنید .

Çalışmalı=çalışması lazımdır,gereklidir. .

بایستی فعالیت کرد .

Bu fiiller-meli ekiyle şekillenmiştir.

این فعلها با پسوند meli شکل گرفته است .

Kalınlarda ek-malı oluyor. .

در حروف باصدای کلفت پسوندالمی شود .

-meli ekiyle şekillenmiş fiillere-anlamı göz önünde

tutularak-gereklik kipi denir.ve söyle çekimlenir:

مفهوم فعلهائی که با پسوند meli شکل می گیرند فعل اجبار گفته می شود و اینطور صرف

می شود .

Şahıslar

TEKİL

ÇOĞUL

I.(ben)

Çalışmalıyım

(biz) çalışmalısınız

II.(sen)

Çalışmalısınız

(siz) çalışmalısınız

III.(O)

Çalışmalı

(onlar)çalışmalılar.

"Söylemek,vermek,açmak"masterlarından gereklik Kiplerini türetiniz.Ve şahıslara göre çekimleyiniz,yazınız.

ALİŞTİRMALAR:

Şu cümlelerde yanlışlar var.Düzeltiliniz.doğrularını yazınız:

Ben çalışmalısınız.Sen söylemelisiniz.

Onlar ilerlemeliyim.Siz görmeli. Biz nutuk dinlemeli.

Kapıyı aç yorum. Biz İstanbul'a geldim.

Ben dün yabancı Diller okuluna yazılıyım.

Siz bir ay önce İstanbula geldik.

Yarın babama mektup yazdım.

معنی	تلفظ	لغت
آسان	کولای	Kolay
یادگیری	اُرن مه	Öğrenme
روشن‌ها - راه‌ها	یول‌لار	Yollar
گوش دادن	دین ل مک	Dinlemek
گوش دادن	ای شیت مک	İşitmek
خداوند	تان‌ری	Tanrı
گوش	کولاک	Kulak
بهر دو	ای کی شر	İkişer
دقت	دی کات	Dikkat
خواندن	اُکوماک	Okumak
چشم	گُز	Göz
دریا	دنی‌ز	Deniz
مثل - مانند	گی بی	Gibi
نوشتن	یازماک	Yazmak
دست	اَل	El
انگشت	پاوماک	Parmak
شاخه	دال	Dal
همه‌اش	هپسی	Hepsi
این‌طور	بُی له	Böyle
مفهوم - معنی	کاورام	Kavram
جای گرفتن	یرگش مک	Yerleşmek
بخوبی	ای بی ج	İyice
تازه	ینی	Yeni
مفهوم	آن لام	Anlam
فورا "	همن	Hemen
چند دفعه	بیر کاچ دفا	Bir kaç defa

معنی	تلفظ	لغت
تکرار	تکرار	Tekrar
ارگان - عضو	آرگن	Örgen
برابر - با هم	بیرلیکت	Birlikte
ذهن	زی حین	Zihin
مهیا کردن	ساغ لاماک	Sağlamak
پاک شده	سیلیک	Silik
ردپا - اثر	ای ز	Iz
نیرو گرفتن - شدید شدن	کووت لن مک	Kuvvetlenmek
سختی	گوچ لوک	Güçlük
متخصص	اوزمان	Uzman
متفاوت - متنوع	دی شیک	Değişik
قاعده	کورال	Kural
مسئله	پروبلم	Problem
نظریه	کورام	Kuram
فرضیه	واریساییم	Varsayım
غیر ضروری	لوزوم سوز	Lüzumsuz
بی فایده	فایداسئز	Faydasız
جستجو کردن - پرسیدن	یک لاماک	Yoklamak
باتکیه تلفظ کردن	ورگو	Vurgu
تحقیق و بررسی	آراماتاراما	Aramatarama
مو	ساچ	Saç
شانه	تاراک	Tarak
همسایه	کم شو	Komşu
تعطیل	تاتیل	Tatil
نزدیک شدن	یاک لاش ماک	Yaklaşmak

KOLAY ÖĞRENME YOLLARI روش یادگرفتن آسان

Kolay öğrenmenin üç yolu vardır:

یادگرفتن (یادگیری) آسان سه راه دارد .

1) Dinlemek. İşitmek için Tanrı, insanlara ikişer kulak vermiştir. شنیدن: خداوند برای شنیدن به هر یک از انسانها دو گوش داده است. Öğretmen, okutman, hoca, profesör ders verirken öğrenciler dikkatle dinlemelidir. استاد زبان آموزگار، معلم، پروفیسور، در حالیکه تدریس می کند، دانش آموزان بایستی بدقت گوش کنند .

Dikkatle dinlemeyenler derslerden faydalana mazlar.

کسانی که با دقت درس را گوش نمی دهند از درس فایده نمی برند .

2) Okumak. Okumak için Tanrı, insanlara ikişer göz vermiştir خواندن: خداوند برای خواندن به هر یک از انسانها دو چشم داده است. Okumayan insan çok şey öğrenemez.

انسانی که مطالعه نمی کند چیز زیادی یاد نمی گیرد .

Okumak, pek çok şey okumak lazımdır.

برای دانستن، چیزهای زیادی باید مطالعه کرد (خواند)

"İlim denizler gibi sonsuzdur" derler.

می گویند علم مثل دریایی کران است .

Çok okumayanlar bu denizin ancak kıyılarını görürler.

کسانی که زیاد مطالعه نمی کنند فقط اطراف (این دریای بی کران علم) را می بینند .

3) Yazmak. Yazmak için de Tanrı, insanlara ellerle parmaklar vermiştir.

نوشتن: خداوند برای نوشتن به انسانها دستها با انگشتان داده است .

Bu üç duyu yolundan zihne giden, anlamı da iyice kavranan bilgiler yerleşir.

از این سه راه حسی مفهوم دانشها که بخوبی درک شده در ذهن جای می گیرد .

Bilim(ilim)dallarının hepsinde böyle olduğu gibi,daha çok,yabancı dil öğreniminde bu üç yoldan faydalanmak lazımdır. در تمام شاخه‌های علم ، نظیر اینها ،اکثرا " در یادگیری زبانهای خارجی استفاده کردن از این سه روش ضروری است .

Yeni bir kelime,bir cümle duyunca-anlamını öğrendikten
Sonra-onu hemen yazınız ve yüksek Sesle okuyunuz.

با شنیدن یک جمله و یک کلمه جدید .

بعد از یاد گرفتن ،فورا " آنرا بنویسید و با صدای بلند بخوانید .

Yazma ve yüksek sesle okuma birkaç defa tekrarlanırsa
öğrenmeye yarayan üç örgen(uzuv)birden çalışır.

اگر چندین بار نوشته و خواندن با صدای بلند تکرار شود سه عضو که برای یادگیری بدرد می خورد یکدفعه فعالیت می کند .

Bu birlikte çalışma,bilginin zihinde yerleşmesini Sağlar.
این فعالیت یکدفعه (سه عضو) جای گزینی اطلاعات را در ذهن برقرار می کند .

Başkalarından duyulan(işitilen)kelimeler,cümleler,zihinde
Silik bir iz bırakır.

کلمه‌ها و جمله‌های شنیده شده از دیگران در ذهن یک اثر پاک شده می گذارد .

Yazılınca bu iz biraz daha kuvvetlenir.

Yalnız duyulup yazılmakla öğrenilen kelimeleri,cümleleri
kullanmak kolay olmaz.

استعمال کردن کلمه‌ها و جمله‌هایی که فقط با شنیدن و نوشتن یاد گرفته شده آسان نمی باشد .

Kelimeler,cümleler birkaç defa yüksek sesle okunmalı,
Söylenmelidir.

بایستی کلمه‌ها و جمله‌ها چندین دفعه با صدای بلند خوانده و گفته شود .

Böyle yapılınca konuşmada güçlük çekilmez.

با اینطور عمل کردن در صحبت کردن سختی نمی شود .

Bir İngiliz dil uzmanı(mutehassisi)Söyle diyor:

یک متخصص زبان انگلیسی اینطور می گوید .

"Yeni öğrenilen her yabancı kelimenin iyice öğrenilmiş olması için değişik zamanlarda, çeşitli Cümleler içinde 16 defa tekrarlanması gerekir..."

تکرار کردن هر کلمه خارجی جدید تازه یاد گرفته، برای خوب یاد گرفتن در زمانها و جمله‌های متفاوت ۱۶ دفعه لازم می‌باشد.

Dinlemek, işitmek, yazmak, okumak yollarıyla elde edilen kelimenin, cümlelerin, yeni bir bilim kuralının, bir problemin, bir kuramın (nazariyenin), bir varsayımın (faraziyenin) anlamını tam olarak öğrenmek Sarttır.

یادگیری مفهوم کامل یک فرضیه و یک نظریه و یک مسئله، یک قانون علمی جدید، جمله و کلمه از راههای خواندن و شنیدن گوش دادن - نوشتن بدست آمده شرط است.

Anlamı iyice öğrenilmeyen kelimeler, cümleler, kurallar, kuramlar, varsayımlar zihin için lüzumsuz ve faydasız birer yük olmaktan başka bir işe yaramaz.

برای ذهن مفهوم کلمه‌ها، جمله‌ها، قانونها، نظریه‌ها، فرضیه‌هایی که بخوبی یاد گرفته نشده، چیزی جز بار اضافی بی‌فایده، بدرد نمی‌خورد.

KONUŞTURMALAR:

مکالمات:

-Varlıkları, varlıkların yaptıklarını, dünyada olup bitenleri duyularımızla anlarız. Kaç duyumuz var?

هستی‌ها، انجام شدن هستی‌ها، چیزهایی که در دنیا اتفاق افتاده و خاتمه یافته با حواسمان درک می‌کنیم. چند حس داریم؟

-Beş duyumuz vardır: Görme, işitme, koklama, tatma, dokunma.

پنج حس داریم: بینائی، شنوائی، بویائی، چشائی. حس بساوا بی (لامسه)

-Görme vazifesini hangi örğenler yapar?

کدام اعضا عمل بینائی را انجام می‌دهد؟

Kimler göremezler?

چه کسانی نمی‌بینند؟

-Işitme örğenleri nelerdir?Işıtemeyenlere ne denir?

عضوهای شنوائی کدامند؟ به کسانی که نمی شنوند چه گفته می شود؟

-Koklama görevini(vazifesini)yapan örğenin adı nedir.

عضوی که وظیفه بویایی را انجام می دهد چیست؟

-Yediğimiz Şeylerin tadını,lezzetini hangi örğenlerle

tadarız? با کدام اعضا مزه و لذت چیزهای خوردنی را می چشیم؟

-Bir Şeyin biçimini(Şeklını)Sertlik,yumuşaklık,Soğukluk, sıcaklık gibi niteliklerini hangi örğenlerle yoklayarak

anlarız? با کدام ارگانها چگونه مانند گرمی، نرمی، سردی، سختی و شکل یک چیز را بررسی کرده و درک می کنیم.

Bu duyuların örğenleri,zihnimizin dış aleme açılmış pençereleri gibidir.

اعضای این حواس مثل اینست که رابطه ذهن با عالم خارج را برقرار می سازد.

DILBİLGİSİ :

دستور زبان

Beş duyumuzun adları olan "görme,işitme,koklama,dokunma" kelimeleri sırasıyle "görmek,Işitmek,Koklamak,dokunmak" mastarlarından türemişlerdir.

اسامی احساسهای پنجگانه به ترتیب از کلمه های بینائی، شنوائی، بویائی، بساواایی از مصدرهای دیدن، شنیدن، بوئیدن - لمس کردن ظاهر شده اند.

MASTAR,sonunda-mek eki bulunan eylem anlamlı kelimedir:

مصدر کلمه ای که با گرفتن پسوند mek در آخر مفهوم عمل (فعل) را میرساند.

Görmek,Okumak,anlamak,gezmek,içmek,yürümek...

Bu kelimeler ikişer parçaya bölünür.

این کلمه ها به دو قسمت تقسیم می شود.

1)Kökler:gör,oku,anla,gez,iç,yürü....

۱-ریشه ها:

2)Ekler :-mek,-mak.

۲-پسوندها: (mak,mek)

KURAL: Fiil köklerine-me eki gelince eylem adı (ismi) olur:

قاعده: با آمدن پسوند me به ریشه فعل آنرا اسم میکند.

Görme, işitme, okuma, gezme, yürüme, dokunma...

1) "yazmak, bilmek, yatmak, dinlemek, bakmak..."

mastarlarınsan birer eylem ismi türetiniz.

یک فعل که اسم باشد از مصدرهای نوشتن، دانستن، خوابیدن، گوش دادن، نگاه کردن بنویسید.

Hangi kelimelerde ek-ma oluyor? در کدام کلمه‌ها پسوند ma می‌شود.

2) "okuma kitabı, yazma eserler, dinleme cihazı"

با ترکیبات، کتاب خوانی، اثرهای نوشته شده،

دستگاه شنوایی.

"Bu şiiri okuma! o kelimeyi yazma!"

این شعر را بخوان، آن کلمه را ننویس

Kimseyi dinleme!". هیچ کس را گوش نده.

Cümlelerinde, yazılışları birbirine benzeyen kelimelerden birinciler isim ve sıfat olarak kullanılmıştır.

که در جمله‌های بالا که طرز نوشتن آنها به همدیگر شباهت داشته کلمه‌های اولی بصورت اسم و صفت استعمال شده است.

İkinciler olumsuz fiildir. دومی‌ها فعل منفی می‌باشد.

Bunların yazılışları bir, fakat okunuşları, söylenişleri ayrıdır.

طرز نوشتن هر دو اینها یکی فقط طرز خواندن و گفتن آنها باهم فرق دارند.

Birincilerde-me'ler vurguludur. در اولی‌ها me با آهنگ می‌باشد.

İkincilerde, yani olumsuzlarda vurgu-me'lerden önceki hecede kalmıştır.

در دومی‌ها یعنی در منفی‌ها آهنگ صدا در سیلاب قبل از me مانده است.

VURGU.-Kelimeler, bir çırpıda (bir tonda)

تعریف Vurgu: کلمه‌ها در یک آهنگ (تن) گفته

Söylenmez, okunmaz. و خوانده نمی‌شود.

Bazı heceler,öbûrlerinden daha dik ve daha baskılı Söylenir,okunur.

بعضی سیلاب‌ها بطور زیاد از دیگری‌ها با فشار گفته و خواننده می‌شود .

Bu dik veya baskılı Söylenise Vurgu denir.

به این طرز گفته با فشار و محکم "ورگو" گفته می‌شود .

Öbûr hecelerden daha baskılı Söylenen,okunan hecelere de "Vurgulu hece"denir.

به سیلاب‌هایی که از دیگر سیلاب‌ها با فشار گفته

و خواننده شود "سیلاب تکیه با تلفظ" گفته میشود .

ALİŞTIRMALAR:

Vurguyu öğrendikten Sonra Şu cümlelerdeki-me'li kelimeleri güzel okumaya,güzel söylemeye.

Çalışınız ve Vurgulu hecelerin altlarını çiziniz:

Dün gece polis,şehirde arama tarama yapmış.

Kaybolan tarağını arama.Büğün de Saçlarını tarama.

Çalışma zamanıdır,boş durma!Dinle nme tatili yaklaşıyor.

Gülme Komşuna,gelir başına.(Atalar Sözü)

معنی	تلفظ	لغت
زیبا	گوزل	Güzel
مزرعه	تارلا	Tarla
صحرا	کئر	Kır
کاملاً "سبز (سرسبز)	یم یشیل	Yemyeşil
بابونه	پاپات یا	Papatya
پیچیک	گلین جیک	Gelincik
جلگه	اوا	Ova
خر	اشک	Eşek
سوار شدن	بین مک	Binmek
پسر (فرزند)	اغول	Oğul
بازار	پازار	Pazar
شیرین شیرین	تاتلی تاتلی	Tatlı tatlı
ویراژ - پیچ	دُن مچ	Dönemeç
زن	کادئن	Kadın
استقبال کردن	کارشی لاشماک	Karşılaşmak
بررسی کردن - آبکش کردن	سوزمک	Süzmeç
بزرگ - شوهر	کجا	Koca
انسان	آدام	Adam
بچه کوچک (طفل)	کریجیک	Körpeçik
بچه	چچوک	Çocuk
رحمت	مرحامت	Merhamet
فرزند	اولات	Evlat
علاقه	سوگی	Sevgi
تاسف باشد	یازئک لارا لسون	Yazıklar olsun
تصدیق کردن	هاکلی بولماک	Haklı bulmak
دوباره	گنه	Gene

معنی	تلفظ	لغت
مقابل	آن	Ön
سن	یاشلی	Yaşlı
قوی – نیرومند	گوربوز	Gürbüz
نوجوان	دلی کانلی	Delikanlı
سفید	آک	Ak
ریش	ساکال	Sakal
تربیت	تربیییه	Terbiye
خسته	یُرگون	Yorgun
مسافر	یُلجو	Yolcu
طولانی	اوزون اوزون	Uzun uzun
بی عقل	آکلئل سئز	Akılsız
بدست گرفتن	توت تورماک	Tutturmak
دفعه	سَفر	Sefer
کشاورز	چیفِت چی	Çiftçi
خیلی کوچک	کوچوچوک	Küçücük
عمامه	سارنک	Sarık
مردن	آلمک	Ölmek
مورد پسند واقع شدن	کینیل مک	Beğenilmek
چاره	چاره	Çare
سالم	ساغلام	Sağlam
بریدن	کس مک	Kesmek
بستن	باغ لاماک	Bağlamak
با قهقهه	کاتئلا کاتئلا	Katıla katıla
سرانجام	نی هایت	Nihayet
شروع دادن – بحث کردن	آچئک لاماک	Açıklamak
مملکت	اول که	Ülke

معنی	تلفظ	لغت
خنده آور - مضحک	گول دوروجوو	Güldürücü
حدس زده شدن	سزیل مک	Sezilmek
حکایت	ماسال	Masal
قدیم - کهنه قدیمی	اسکی	Eski
عبرت آموز	درس وری جی	Ders verici
فیلسوف	فیلوزف	Filozof
ضرب المثل - حکایت کوچک	فئکه را	Fıkra
مردم	هالک	Halk
ورد زبانها می باشد	دیل کن دیل دولاشئر	dilden dile dolaşır
شلوغ	کالابالئک	Kalabalık

Nasrettin Hoca pazar yolunda... ملانصرالدین در راه بازار .
 Güzel bir ilkbahar sabahı... در یک صبح زیبای بهاری .
 Güneş yeni doğmuş. آفتاب تازه طلوع کرده .
 Tarlalar,kırlar yemyeşil... مرزعه‌ها و صحراها کاملاً " سرسبز .
 Papatyalar,gelincikler,bin bir kır çiçeği ovayı Süslüyor
 بابونه‌ها و لاله‌ها و هزار یک گل صحرا دشت را آرایش می‌دهد
 Nasrettin Hoca,eşeğine binerek yola çıkmış.
 ملانصرالدین سوار خرش شده و به راه افتاده .
 Yanında genç oğlu... در نزدش پسر جوانش
 Kasabaya,Pazara gidiyorlar mış. به قصبه و بازار می‌رفتند .
 Baba,oğul tarlalardan,ekinlerin güzelliğinden,pazardan
 alacaklar şeylerden Söz açıyor,tatlı tatlı konuşuyorlar-
 mış.
 پدر و پسر از مزرعه‌ها، و از زیبایی‌های زراعت و از چیزهایی که از بازار خواهند خرید بحث
 می‌کرده شیرین شیرین صحبت می‌کردند .
 Yolun dönemecinde yaşlı bir kadınla karşılaşmışlar.
 در ویراژ جاده بایک زن پیر و روبرو شده بودند .
 Kadın,bunları iyice Süzdükten Sonra:
 زن پس از یک نگاه از سرتاپائین کامل .
 -Vah Vah... demiş,koca adam,eşeğe binmiş de körpecik
 çocuk yürüyor.
 واه، واه گفته، آدم بزرگ سوار خر شده بچهء کوچک نیز پیاده می‌رود .
 Dünyada merhamet,evlat sevgisi kalmamış...
 در دنیا رحمت و علاقه فرزند باقی نمانده
 Yazıklar olsun!
 جای تاسف باشد !

Nasrettin Hoca, kadının sözlerini haklı bulmuş, utanmış, hemen eşekten inerek oğlunu bindirmiş.

ملانصرالدین حرفهای زن را تصدیق کرده، خجالت کشیده، فوراً " از خر پیاده شده و بعد پسرش را سوار کرده .

Gene konuşa konuşa gidiyorlarmış. . . دوباره صحبت کنان می رفتند .

Önlerine yaşlı bir adam çıkmış. . . با آدم مسن روبرو شدند .

Söylenmeye başlamış: . . . به صحبت کردن شروع کرده .

-Yazıklar olsun!... demiş, koca gürbüz delikanlı, eşeğe binmiş de ak sakallı babası yerde yürüyor.

گفته، جای تاسف باشد! . . . نوجوان قوی بزرگ سوار خر شده پدرش سفیدش پیاده راه می رود .

Dünyada terbiye kalmamış, babalara, yaşlılara, büyüklere Saygı kalmamış...

در دنیا به پدر و پیرها و بزرگ ادب احترام باقی نمانده

Nasrettin Hoca, bu sözü de haklı bulmuş, oğlunu da indir-miş.

ملانصرالدین این حرفها را هم تصدیق کرده، پسرش را هم پیاده کرده .

Eşekleri önlerinde konuşa konuşa gidiyorlarmış.

خرشان در جلوشان صحبت کنان می رفتند .

Önlerine yorgun bir yolcu çıkmış. بایک مسافر خسته روبرو شدند .

Yolcu bunlara uzun uzun baktıktan sonra:

مسافر پس از یک نگاه طولانی به اینها :

-Dünyada ne akılsız adamlar var!

در دنیا چه آدمهای بی عقل وجود دارد .

Önlerinde eşek boş gidiyor da binmiyorlar, yürüyorlar.

در مقابلشان خر خالی می رود سوار نمی شوند پیاده می روند .

Hoca, bunu da haklı bulmuş. ملا این را هم تصدیق کرده .

Eşeği tutturmuş. Baba, oğul ikisi beraber binmişler.

خر را بدست گرفته، پدر و پسر هر دو با هم سوار شده اند .

Gidiyorlarmış. می رفتند .

Bu Sefer de önlerine bir çiftçi çıkmış.

این دفعه هم بایک کشاورز روبرو شدند .

Çiftçi bunları hiddetle süzdükten Sonra:

کشاورز پس از یک نگاه شدید به اینها :

-Vay,Vay,Vayyy!Yazıklar olsun! . وای وای وای! جای تاسف باشد .

İki kocaman adam bir küçücük eşeğe binmişler.

دو آدم بزرگ سوار یک خر کوچک شده .

Birisi de Sarıklı hoca! یکی هم ملا با عمامه !

Hayvan ölecek.vah,vah,vah... . واه، واه، واه، حیوان خواهد مرد .

Hoca,bunu hepsinden daha haklı bulmuş.

ملا این را از همه بیشتر تصدیق کرده .

Hemen inmişler.Hoca,oğluna: فوراً "پیاده شدند، ملا به پسرش:

-Yavrum,demiş,ne yapsak beğenilmiyor.

فرزندم گفت، هرکاری انجام بدهیم مورد پسند واقع نمی شود .

Bir tek çare kaldı:Şu ormana gir. . یک چاره مانده، به این جنگل برو .

Kalın,Sağlam,Uzun iki sıruk kes,getir. . دو چوب سالم و کلفت .

Sırıklar gelmiş. چوبها آمده .

Hoca,sırıkların birini eşeğin göğsünün altına,iyice

bağlamış,uçlardan birini sağ omuzuna öbürünü de sol

omuzuna yerleştirdikten sonra oğluna bağirmiş:

ملا، یکی از چوبها را به زیر سینه خر بخوبی بسته پس از جای دادن یکی از نوکها را بشانه

راست و دیگری را به شانه چپ،

-Sen de benim gibi yap! . پسرش، تو هم مثل من عمل کن .

Sırıklar omuzlarında,eşek sırıkların üzerinde,Hoca ile

oğlu,kasabanın pazarına gelmişler.

چوبها در شانه هایشان، خرروی چوبها، استاد با پسرش به بازار قصبه آمده اند .

Görenler katıla katıla gülüyor...

کسانی که می دیدند با قهقهه می خندیدند .

Isini bırakan Satıcılar etraflarına toplanmışlar.

فروشندگان کارشان را ول کرده و در اطرافشان جمع شده بودند .

Herkes soruyormuş: هرکس می پرسیده :

-Hoca efendi, bu ne hal? آقای ملا، این چه وضعی است ؟

Nihayet Nasrettin hoca, yüksek sesle söze başlamış:

سرانجام ، ملا نصرالدین با صدای بلند شروع به سخن کرده :

-Ey ahali!... Beni dinleyin!... Kendi aklını bırakıp

başkalarının akıllarına uyanlar işte böyle bizim gibi

gülünç olurlar! diyerek eşiği indirmiş.

ای اهالی : مرا گوش دهید . . کسانی که متکی به عقل خود نیستند به اندیشه دیگران گوش

می دهند . کارشان مثل کار ما خنده آور می شود در حال گفتن خر را پائین می آورد .

AÇIKLAMALAR:

توضیحات :

Nasrettin Hoca, eski bir halk filozofudur.

ملا نصرالدین یک فیلسوف قدیم و مردی است .

Fikraları dilden dile dolaşır. حکایتهايش ورد زبانهاست .

Yabancı Ülkelerde Söylenir. در ممالک خارجی گفته می شود .

Bunlar hem güldürücü, hem de ders verici güzel şeylerdir.

اینها هم خنده آور و هم عبرت آمیز می باشد .

KONUŞTURMALAR:

مکالمات :

-Bu yazıda kim anlatılıyor? در این نوشته از چه کسی شرح داده می شود ؟

-Nasrettin Hoca nereye gidiyormuş? ملا نصرالدین به کجا می رفته است ؟

-Hava nasıl olmuş? Kırlar nasıl olmuş?

هوا چطور بوده ؟ صحرا چطور بوده ؟

- İlkin önlerine kim çıkmış, ne demiş?
اول با چه کسی روبرو شده چه گفته بوده؟
- Kadın haklı mı? Hoca ne yapmış?
آیا زن حق داشته، ملا چکار انجام داده.
- Kasabaya kadar böyle gidebilmişler mi?
آیا بدین ترتیب تا قصبه توانستند بروند؟
- Ne olmuş? Ne yapmışlar?
چه اتفاقی افتاده؟ چه کار کردند.
- Yorgun yolcu neyi beğenmemiş?
مسافر خسته چه چیز را نپسندیده است؟
- Çiftçi onları ne durumda görmüş? Beğenmiş mi?
کشاورز آنها را در چه وضعی دیده، آیا پسندیده.
- Sonra ne yapmışlar?
بعداً "چکار انجام داده‌اند؟
- Pazar yerindeki kalabalık, ne yapmış?
در شلوغی بازار چه اتفاق افتاده؟
- Hocaya neler sormuşlar?
چه چیزها از ملا پرسیده‌اند؟
- Hoca ne cevap vermiş?
ملا چه جواب داده است؟
- Hocanın bu sözlerini doğru buluyor musunuz?
آیا حرفهای ملا را حقیقت می‌دانید؟
- Hocanın bu sözlerinden bir ibret dersi aldınız mı?
آیا یک درس عبرت از حرفهای ملا گرفتید؟
- Bir iş yaparken daha çok kimin aklına uymalısınız?
موقعی که یک کار انجام می‌دهید اکثراً "بایستی به اندیشه چه کسی گوش بدهید؟
- Sizin memleketinizde Nasrettin Hocaya benzer kimse var mıdır.
آیا در مملکت شما کسانی شبیه به ملانصرالدین وجود دارد؟
- fıkresini anlatabilir misiniz?
آیا حکایتهای او را می‌توانید شرح دهید؟

دستور زبان

DILBİLGİSİ:

Bu yazıdaki cümlelerin fiilleri hangi kip ekiyle şekillenmiştir? فعلهای جمله‌های این نوشته با کدام زمان درست شده است؟

Yazar bu olayı görseydi fiiller nasıl olurdu?

اگر نویسنده این حوادث را می‌دید فعل، چطور می‌شد؟

Kendinizi, bu fıkrayı yazanın yerine koyarak Şu Sorulara cevap veriniz:

خودتان را نویسنده این داستان فرض کرده به سئوالات جواب دهید:

a) "Nasrettin Hoca yola çıkmış". Gördünüz mu, işittiniz mi?

"ملا نصرالدین به راه افتاده" آیا دیدید؟ آیا شنیدید؟

b) "Nasrettin Hoca yola çıktı". Gördünüz mu, işittiniz mi?

ملا نصرالدین به راه افتاد، آیا دیدید؟ آیا شنیدید؟

Bu iki cümleden hangisinde şüphe seziliyor?

در کدامیک از دو جمله شک احساس می‌شود؟

KURULLAR:

قواعد:

1) -miş ekiyle şekillenmiş fiillere -miş'li geçmiş kipi denir. ۱- به فعل‌هایی که باmiş شکل گرفتند زمان ماضی نقلی گفته می‌شود.

2) -miş eki kelimelerin son hecelerine uyarak:

۲- پسوند میش با آخرین سیلاب کلمات هماهنگ می‌شوند و به

-miş, -mış, -muş, -müŝ olur: -muş, -müŝ, -mıŝ, -miş,

تبدیل می‌شوند.

Gelmiş, çıkmış, yorulmuş, görmüş...

آمده، رفته، خسته شده، دیده

3)-miş'li geçmiş kipi,işitme ile öğrenilmiş olayları anlatmaya yarar.

۳- زمان ماضی نقلی برای فهماندن حوادثی که با شنیدن یادگرفته شده بدرد می خورد.

4)Daha çok masallara,masal gibi anlatılan konulara yakışıır.

۴- اگر در داستانها و موضوعاتی که مثل داستان فهمانده.

می شود متناسب می باشد .

5)Farkında olmaksızın yapılanlar da bukiye anlatılır:

کارهایی که بدون اراده انجام می شود با این زمان شرح داده می شود :

Dün akşam eve yorgun döndüm. دیشب خسته به خانه برگشتم .

Yemekten sonra otururken uyumuş,kal mışım.

بعد از خوردن غذا موقت نشستن خوابیده ، مانده ام .

UYUMAK mastarının-miş'li gecmiş kipini şahıslara göre çekimleyelim.

ماضی نقلی را از مصدر خوابیدن نسبت به شخصها صرف کنیم .

(ben)Uyumuşum (biz)Uyumuşuz

(sen)Uyumuşsun (siz)Uyumuşsunuz

(o) Uyumuş (onlar)Uyumuşlar

ALİŞTIRMALAR:

Italik harflerle dizilen şu sözleri siz başka kelimelerle anlatınız:

Yabancı Ülkelere söylenir.Yaşlı bir kadın,Tatlı tatlı konuşuyorlarmış.kadının Sözlerini haklı bulmuş,utanmış.

Yaşlılara saygı kalmamış.

Akılsız adam.çiftçi bunları hiddetle süzmüş.

Yavrum.pazar yerine gelmişler.

معنی	تلفظ	لغت
مسجد	جامی	Cami
زمان بیکاری	بُش زامان	Boş zaman
فراوان	بِلْبِل	Bolbol
گذشته	گِچِن	Geçen
آتش سوزی - حریق	یان گئن	Yangın
دیدن	گُزوک مک	Gözükmek
همه جا	هرتاراف	Her taraf
مناره	مناره	Minare
طاق	کوبه	Kubbe
نظیر - همسر	اَش	Eş
معماری	میماری	Mimarı
گل دسته	شرفه	Şerefe
حیات - محوطه	آولو	Avlu
آنطور	أی له	Öyle
ظریف	زاریف	Zarif
سنگ	تاش	Taş
صدسال (یک قرن)	یوزئیل	Yüzyıl
طرز ساختنش	یایی لئش	Yapılış
ادامه یافتن	سوورمک	Sürmek
معبد	مآبت	Mabet
حیرانی	حای رائلئک	Hayranlık
سرتاسر	باش تان باشا	Baştan başa
کاشی	چی نی	Çini
هنرهای زیبا	مُتئیف	Motif
خیره کننده	گزالئجی	Göz alıcı
ساحل	لی مان	Liman

معنی	تلفظ	لغت
تپه	تپه	Tepe
اسکودار (نقطه آسیائی استانبول)	اوسکودار	Üsküdar
معبد	تاپی ناک	Tapınak
سرازیر شدن	آکماک	Akmak
مثل اینکه	سان کی	Sanki
آسمان	گگ یوزو	Gökyüzü
آویزان شدن	آسئل ماک	Asılmak
حس	حیس	His
با اهمیت	انملی	Önemli
دل	گنول	Gönül
شادی	فرا حلتک	Ferahlık
شاهانه	هوون کار	Hünkar
سنگین	آغئر	Ağır
بزرگ	ایری	Iri
جادو کردن	بویولمک	Büyülemek
باشکوه	هی بتلی	Heybetli
صنعت - هنر	سانات	Sanat
اثر	اثر	Eser
مداوم	سئک سئک	Sık sık
سرزدن	اوغراماک	Uğramak
نگاه کردن	سیرت مک	Seyretmek
نقاشی - تصویر	رسیم	Resim
کشیدن - گرفتن	چک مک	Çekmek
کلسیون	کل لکسیون	Koleksiyon
انجام دادن	یاپ ماک	Yapmak

CAMILER مسجدها

Birkaç aydır İstanbul'dayım. . چند ماه است که در استانبول می باشم .
Boş zamanlarımda bol bol geziyorum.

در زمانهای بیکاریم خیلی گردش می کنم .
Her gezi bana birçok şeyler öğretiyor.

هر گردش بمن چیزهای زیادی یاد می دهد .

Geçen gün Üniversite bahçesinde Yangın Kulesine Çıktık.

روز گذشته در محوطه دانشگاه به برج یان گین (اسم) رفتیم .

İstanbul'un hemen her tarafı gözüküyor.

در واقع همه جای استانبول دیده می شود .

Ne kadar çok minare ve kubbe var! ! چقدر مبارزه و برج وجود دارد !

İstanbul'a "minareler ve kubbeler şehri" deyeceğim gel-

dim. خواهم گفت که استانبول شهر مناره ها و طاقهاست ، آمدم

Sonra sordum ve öğrendim: بعداً " پرسیدم و یاد گرفتم

Dünyada camisi(camii)ve minaresi en çok olan şehir

شهری که در دنیا بیشترین مناره و مسجد را دارد استانبول بوده .

Bu Camilerin içinde dünyada eşi olmayanlar pek Çoktur.

چیزهایی خیلی زیادی که در دنیا نظیرش وجود ندارد در داخل مسجدها زیاد است .

Birçoğu mimarı bakımından eşsiz...

بسیارش از نظر معماری بی همتاست

Gezip görmeye karar verdim: برای گردش و دیدن تصمیم گرفتم :

Dün sultanahmet camisine(camiine)gittim.

دیروز به مسجد سلطان احمد رفتم .

Dünyada altı minaresi,on altı şerefesi olan tek cami!...

تنها مسجدی که در دنیا شش مناره و شانزده گل دسته دارد .

در دو طرفش محوطه و پارکها Iki yanı meydanlar ve parklar...

Meydan kadar bir avlunun içinde... به اندازه میدان در داخل محوطه.
Öyle zarif, öyle güzel ki!... آنطور ظریف، آنطور زیبا که!
Taştan yapılmış demeye insanın dili varmıyor.

از سنگ ساخته شده زبان انسان از گفتنش عاجز می باشد.

Ne taraftan baksanız aynı güzellikle karşılaşırsınız.

از هر طرف نگاه کنید باهمان زیبایی روبرو می شوید.

On yedinci yüzyılda (asırda) Osmanlı Padisahı birinci
Sultan Ahmet'in emriyle yapılmış.

در قرن هفدهم به امر سلطان احمد اول پادشاه عثمانی ساخته شده است.

Mimarı da bir Türk: Sedefkar Mehmet Ağa.

معمارش یک ترک است آقای محمد صدف کار:

Yapılışı altı yıl (sene) sürmüştür (devam etmiş).

ساختش شش سال طول کشیده است.

Mabedin kapısından girince insanın hayranlığı bir kat

daha artıyor. با وارد شدن از در معبد حیرت انسان چندین برابر افزایش می یابد.

Meydan kadar geniş bir saha... به اندازه میدان یک مساحت وسیع.

Bütün duvarlar baştan başa Türk çinilerinin en güzeller-

iyile süslü... تمامی دیوارها سرتاسر از زیباترین کاشی های ترک آرایش یافته.

Beyaz çiniler, yeşil ve mavi motiflerin zenginliği ve

renklerinin güzelliğiyle göz alıcıdır.

کاشی های سفید، غنی بودن هنرهای زیبای آبی و سبز با زیبایی رنگهای چشم را خیره میکند.

Pencerelelerinden İstanbul limanı, Boğazici, çamlıca tepesi,

Üsküdar... her yer görünüyor.

از پنجره هایش اسکله استانبول، تنگه سفر، تپه جاملجا، اسکودار (منطقه آسیایی

استانبول) همه جا دیده می شود.

Dünyada hiç bir tapınak (mabet) Sultanahmet kadar aydınlık

değildir. در دنیا، هیچ معبد (مسجد) به اندازه سلطان احمد در روشنائی نیست.

260 Penceresinden içeriye ışık akar.

از "۲۶۰" پنجره اش به داخل نور می تابد.

Orta kubbenin ve yan kubbelerle küçük kubbelerin alt kuşakları birer sıra ince, uzun pencerelerle çevrilidir.

طاق وسط و طاقهای پهلوئی و زیر منطقه طاقهای کوچک هر پنجره‌های ظریف و طویل احاطه شده است .

Böylece kubbeler, Sanki gökyüzünde asılı duruyor hissini vermektedir. بدین ترتیب احساس می‌شود که طاقها در آسمان آویزان میباشد. Sultanahmetteki çiniler, sayıları ve çeşitleri bakımından da çok önemlidir.

کاشی‌های سلطان احمد از نظر تعداد و تنوع نیز خیلی مهم می‌باشد .

Topkapı Sarayından başka hiçbir binada bu Sayıda ve bu değerde çini yoktur.

به غیر از کاخ توپ کایی در هیچ ساختمان به این تعداد و ارزش کاشی وجود ندارد .

Çinilerden taşan parlak mavi ve yeşil renk, mabede gönül açan bir ferahlık veriyor.

رنگهای آبی و سبز متضاد شده از کاشی‌ها در معبد یک شادی روح افزا می‌دهد .

Mihrabi, mimberi, hunkar mahfili birer şaheser.

محراب ، منبر ، محفل شاهانه اش هر یک یک شاهکار

Saatlar geçiyor, ayrılmak istemiyorum.

ساعتها می‌گذرد . نمی‌خواهم برگردم .

Çıktıktan sonra dış güzelliğine bir daha uzun uzun baktım. بعد از خروج از مسجد به زیبایی بیرونی آن بمدت طولانی نگاه کردم .

Meydanın bir tarafında Ayasofya var.

در یک طرف میدان مسجد آيا سوفيا وجود دارد .

Onun iri, ağır ve heybetli görünüşü karşısında Sultanahmet'in inceliği, canlılığı gönülleri büyülüyor.

در مقابل بزرگی و سنگینی و نمایای باشکوه (آيا سوفيا) ظرافت و موجودیت سلطان احمد دلها را جادو می‌کند .

Bir sanat eserinin insanı nasıl büyülediğini görmek

isteyenler, Sultanahmet caminin içinde ve dışında, benim

gibi,saatlar geçirmelidirler.

کسانی که می خواهند بدانند که یک اثر هنری چطور انسان را جادو می کند مثل من بایستی در داخل و خارج مسجد سلطان احمد ساعتها وقت بگذرانند .

Sık sık uğrayacak,parka oturup seyredecek,günün çeşitli (muhtelif)saatlarında resimlerini çekecek,koleksiyon yapacağım.

بطور مداوم به سلطان احمد سرخواهم زد و در پارک نشسته و نگاه خواهم کرد و در ساعتهاى مختلف روز عکس خواهم گرفت و از آنها کلسیون درست خواهم نمود .

KONUŞTURMALAR:

-Bu yazı kimin ağzından yazılmıştır?

این نوشته از زبان چه کسی نوشته شده است .

-Istanbul nereden seyredilmiş.Siz de oraya çıktınız mı?

استانبول از کجا دیده شده . شما هم به آنجا رفتید ؟

-Bu yazıda en çok neden bahsediliyor?

در این نوشته بیشتر از چه چیز بحث می شود ؟

Sizde gördünüz mü?

شما هم دیدید ؟

-Bir sanat eserini seyretmenin ne faydası var?

نگاه کردن یک اثر هنری چه فایده ای دارد ؟

-Memleketinizdeki mabetlerden en güzelini tanıtınız?

در مملکت خود زیباترین معبدها را معرفی کنید ؟

-Başka yerlerde de güzel mimari eserleri gördünüz mü?

Nerede . آیا اثرهای معماری زیبا را در جاهای دیگر دیدید ؟ در کجا ؟

-Bir şehrin güzelliği neleriyle orantılıdır (mütenasiptir)?
زیبایی یک شهر با چه چیزها متناسب میباشد .

-Sizce bir şehrin caddelerinin genişliği,binalarının

yeniliği,yüksekliği güzel sayılmasına yeter mi?

از نظر شما برای زیبا شمردن یک شهر وسیع بودن جاده‌ها و تازگی بناها و بلندی آنها کافی می‌باشد؟

-Bir şehrin güzelliğinde iklimin,havanın,manzaranın, anıtların(abidelerin)payı büyüktür.

در زیبایی یک شهر آب و هوا و هوا، مناظر، بناهای یادگاری سهم بیشتری دارد.

Siz bunlardan hangisini daha üstün sayarsınız?

شما کدامیک را بیشتر با ارزش می‌شمارید؟

-Bu bakımlardan İstanbul'u nasıl bulursunuz?

استانبول را از این نظر چطور می‌دانید؟

Istanbul'un daha güzel bir şehir olması için nelerin yapılmasını lüzumlu buluyorsunuz?

برای اینکه استانبول یک شهر زیبا باشد ساخته شدن چه چیزها را ضروری می‌دانید؟

DİLBİLGİSİ:

1)"Yangın kulesine çıktık". به برج یان‌گین رفتیم.

-Ne zaman?-Geçen gün(geçmiş zaman kipi). کی - روز گذشته.

-Kim çıktı?-Biz(birinci şahıs zamiri,çoğul.). چه کسی بالا رفت.

Şahıslara göre çekimleyelim: نسبت به اشخاص صرف بکنیم:

(ben) çıktım (biz) çıktık

(sen) çıktın (siz) çıktınız

(o) çıktı (onlar) çıktılar

"Öğrendim" fiilini de siz çekimleyip yazınız.

فعل "یاد گرفتم" را صرف کرده بنویسید.

2)"Yapılışı altı yıl sürmüştü".

طرز ساختنش شش سال طول کشیده است.

-Ne zaman?-On yedinci yüzyılda(geçmiş zaman kipi).

کی؟ در قرن هفدهم (زمان گذشته)

-Yazar,altı yıl sürdüğünü görmüş mü,işitmiş mi?

آیا نویسنده شش سال طول کشیدن ساخت آن را دیده یا شنیده است؟

-Altı yıl sürdüğünü görseydi.

اگر ادامه ساخت آن را در مدت شش سال دیده بود.

"altı yıl sürmüş"der mi idi?Nasıl Söylendi?

آیا می گفت؟ "شش سال طول کشید؟" چطور می گفت؟

-Yapılışı altı yıl sürdü derdi.

می گفت که طرز ساختش شش سال طول کشید.

KURAL.-Türkçede geçmiş zaman kipi ikidir.

قانون: در ترکی دو نوع زمان گذشته وجود دارد.

a)-di'li geçmiş kipi:Ali geldi.(geldiğini ben gördüm).

— زمان گذشته ساده یا ماضی مطلق

b)-miş'li geçmiş kipi:Ali gelmiş(geldiğini ben görmedim,

işittim). — ماضی نقلی

3)"Öyle zarif,öyle güzel ki taştan yapılmış demeye insa-
nin dili varmıyor."

از سنگ آنقدر ظریف و آنقدر زیبا ساخته شده که زبان از گفتن آن عاجز می باشد.

-Ne zaman?-Sultanahmet'i Seyrederken

کی؟ موقع دیدن مسجد سلطان احمد

زمان حال ساده.

(Şimdiki Zaman kipi).

"...insanın hayranlığı bir kat daha artıyor."

حیرت انسان چندین برابر می شود.

-Ne zaman?-Mabedin kapısından girilince

(Şimdiki zaman kipi).

زمان حال ساده.

"Saatlar geçiyor.Ayrılmak istemiyorum".

ساعتها می گذرد نمی خواهم برگردم.

-Ne zaman?-Sultanahmet'i Seyrederken

کی؟ موقع دیدن مسجد سلطان احمد ،

(Şimdiki zaman kipi).

زمان حال ساده .

KURAL.-Bir işin,bir hareketin,bir olusun yapılıırken

anlatılmasına yarayan fiile

"Şimdiki zaman kipi" denir:

قاعده: موقعی که یک کار و یک حرکت عملی انجام می شود فعلی که برای فهماندن آنها

بدرد می خورد "زمان حال ساده" گفته می شود :

-Ellerinizi kaldırınız.Ellerinizi kaldırırken yaptığınız

hareketi söyleyiniz.

دستهایتان را بلند کنید . موقعی که دستهایتان را بلند می کنید کاری که انجام می دهید بگوئید .

-Ellerimi kaldırıyorum.

دستهایم را بلند می کنم .

-Kitaplarınızı kapayıp açınız.Açarken yaptığınız işi

anlatınız.

کتابهایتان را بسته و باز کنید . زمان انجام کار را شرح دهید .

-.....

"İstemiyorum" fiili olumsuzdur.Olumlusu"istiyorum".

فعل نمی خواهم منفی می باشد . مثبت آن می خواهم می باشد .

Çekimleyiniz:

صرف بکنید :

(ben) istiyorum

(biz) istiyoruz

(sen) istiyorsun

(siz) istiyorsunuz

(o) istiyor

(onlar)istiyorlar

4)"Koleksiyon yapacağım."

کلیسیون خواهم ساخت .

-Ne zaman?-Bundan Sonra,gelecekte(gelecek zaman kipi).

کی؟ بعد از این در آینده زمان آینده .

Çekimi:

صرف آن :

(ben)yapacağım

(biz) yapacağız

(sen)yapacaksın

(siz) yapacaksınız

(o) yapacak (onlar)yapacaklar

5)"Ne taraftan baksanız aynı güzellikle karşılaşırsınız!"

از هر طرف نگاه کنید با همان زیبایی روبرو می شوید .

-Ne zaman?-Her zaman(geniş zaman kipi).

کی؟ همیشه؟

Çekimi:

صرف آن

(ben)karşılaştırım

(biz) karşılaştırdık

(sen)karşılaşırsın

(siz) karşılaşırdınız

(o) karşılaştı

(onlar)karşılaştırdılar

ALİŞTIRMALAR:

I.Şu cümlelerin yüklemelerini(fiillerini)şahıs bakımından öznelerine uydurunuz:

Biz birkaç aydır İstanbul'dayım.

Sen boş zamanlarında bol bol geziyorum.

Onlar geçen gün Yangın kulesine çıktık.

O gezip görmeye karar verdim.

II.a)"Dün Sultanahmet camisine gittim."

Cümlesinin öznesi"siz"olsaydı fiil nasıl olurdu?

b)"Boş zamanlarda bol bol geziyorum."

Cümlesinin öznesi"onlar"olsaydı fiil nasıl olurdu?

c)Yukarıdaki metinde,en son cümlelerin öznesi"sen"olsun, fiiller nasıl olur?

معنی	تلفظ	لغت
فرانسوی	فرانسئز	Fransız
دانشمند	بیل‌گین	bilgin
لابراتوار	لابوراتوار	Laboratuvar
آزمایش کردن	دِنَمک	Denemek
شب و روز	گِج گوندوز	Gece gündüz
هاری	کودوز	Kuduz
بیماری	هاستالئک	Hastalık
وحشتناک	گُرکونچ	Korkunç
پیدا شدن	بولون‌ماک	Bulunmak
هار شدن	کودور‌ماک	Kudurmak
فکر کردن	دوشون‌مک	Düşünmek
میکروب	میکروپ	Mikrop
ویروس	ویروس	Virus
اول - ابتدا	اُن‌جه	Önce
تحقیق	آراما	Arama
سالها	ئیل‌لارچا	Yıllarca
موفقیت	باشاری	Başarı
کسب کردن	کازان‌ماک	Kazanmak
نیست	دئیل	Değil
واکسن	آشی	Aşı
دوری کردن	چکین‌مک	Çekinmek
مساوی	اشیت	Eşit
عنصر	ایه	Öğe
کشیدن	چیز‌مک	Çizmek
گذاشتن	گی‌ماک	Koymak

- پاستور چه کسی است؟
 -Pastör kimdir?
 در کدام قرن میزیسته است؟
 -Kaçıncı yüzyılda(asırda)yaşamıştır?
 پاستور در کجا فعالیت میکرد، و چه کارهایی انجام می داد.
 -Pastör nerede çalışır,neler yapardı?
 هاری چه جور بیماری می باشد؟
 -Kuduz nasıl bir hastalıktır?
 آیا تا آمدن پاستور هاری درمان داشت؟
 -Pastör'e gelinceye kadar kuduzun ilacı var mıydı?
 کسانی که از طرف هارها گاز گرفته می شدند چه اتفاقی برایشان می شد؟
 -Kuduzlar tarafından ısırılanlar ne oluyordu?
 چه چیزها پاستور فکر کرد.
 -Pastör neler düşündü?
 چه چیزها کشف کرد.
 -Neler buldu?
 ابتدا به چه چیزها واکسن تزریق کرد، آیا موفقیت بدست آورد؟
 -Önceleri neleri aşıladı?Başarı kazandı mı?
 چرا از تزریق واکسن به انسانها دوری میکرد؟
 -Niçin insanlara aşı yapmaktan çekiniyordu?

DİLBİLGİSİ:

(,)Virgölün çeşitli görevleri(vazifeleri)vardır:

ویرگول وظیفه های مختلف دارد .

1)Eşit öğeleri ayırır: (جمله را به اعضای مساوی تقسیم می کند .

"Binlerce insan,yüz binlerce hayvan oluyordu."

"هزاران انسان ،صدها هزار حیوان می مرد"

"...virusu de,aşısı da bulundu." "ویروس هم واکسن راهم کشف کرد"

"Günler,haftalar,aylar,yıllar geçer,küçükler büyür,
gençler yaşlanır."

"روزها ،هفته ها ، سالها می گذرد ،کوچکها بزرگ می شود ،وجوانها پیر می شود"

2)Eşit cümleleri bağlarken önceki cümlelerin fiilleri

Çekim eki almazsa Son fiilin eklerini ve benzeri ekleri almış sayılır:

۲) در ربط جمله‌ها با افعال مساوی اگر فعلهای قبلی پسوند صرف نگیرند پسوند فعل آخر و یا پسوند فعل شبیه را می‌گیرند،

"Gece gündüz çalışır(dı), çeşitli denemeler yapardı.

شب و روز فعالیت می‌کرد آزمایشات انجام می‌داد.

"Yazın memlekete gidecek, annemi görecek, Sonbaharda İstanbul'a döneceğim."

۲) تابستان به مملکت خواهم رفت، مادرم را خواهم دید، و در پاییز به استانبول بر خواهم گشت.

ALİŞTİRMALAR:

1) Şu cümlelerde gereken yerlere virgüller koyunuz:

Her insan doğar yaşar ölür.

Aileme yurduma insanlığa hizmet edeceğim.

2) Aşağıdaki cümlelerin yüklemelerinde hangi ekleri fazla buluyorsunuz? Çiziniz:

Altı ay önce İstanbul'a gelmiştim, Üniversiteye yazılmıştım.

Birlikte gezmeye gidecekmisiz, eğlenecekmisiz.

Saatlardır ödevlerimi (vazifelerimi) hazırlıyordum, derslerime çalışıyordum.

معنی	تلفظ	لغت
مدرسه	اُکول	Okul
سگ	کُپک	Köpek
گاز گرفتن	ای سی رماک	Isırmak
دکتر - پزشک	دُکتر	Doktor
بردن	گُتورمک	Götürmek
بیچاره	زاوالی	Zavallı
گریه کردن	آغلاماک	Ağlamak
التماس کردن	یال وارماک	Yalvarmak
فرزند	یاورو	Yavru
نجات داده شدن	کورتاری لماک	Kurtarılmak
محافظت کردن	کُورکماک	Korkmak
دلتنگی کردن	اوزولمک	Üzülme
منت	مینت	Minnet
بدون توقف	دورمادان	Durmadan
صدها	یوزلرچ	Yüzlerce
سئوال	سرو	Soru
اضافه - پسوند	اِک	Ek
بخاطر - برای	ای چین	İçin
در داخل	ای چین ده	İçinde
فردا	یارئن	Yarın

PASTÖR

II

Bir Sabah okula giden Kúçúk Meister'i kuduz bir köpek ısırmişti.

یک سگ‌هار میتر کوچک را موقع رفتن به مدرسه دریک صبح گاز گرفته بود .

Annesi onu doktorlara götürdü. . مادرش اورا به دکتورها برد .

Ne yazık ki hiç bir çare bulunamıyordu.

افسوس که هیچ چاره پیدا نمی شد .

Bir doktor,zavallı kadını pastör'e gönderdi.

یک دکتر، زن بیچاره را پیش پاستور فرستاد .

Kadın ağlayarak yalvarıyor,yavrusunun kurtarılmasını

istiyordu. . زن در حال گریه التماس می کرد نجات فرزندش را تقاضا می نمود .

Büyük bilgin,aşı yapmaktan hem koruyor,

دانشمند بزرگ هم از تزریق واکسن می ترسید .

hem de güzel yavrunun kudurup öleceğini düşündükçe

üzülüyordu. . وهم زمانیکه مردن فرزند زیبای هار شده را فکر میکرد ناراحت می شد .

Kadının ağlamalarına,çocuğun haline dayanamadı,aşığı

yaptı.çocuk kurtuldu.

پاستور گریه‌های زن و وضع بچه را تحمل نکرد واکسن را تزریق کرد . بچه نجات یافت .

Ondan Sonra durmadan aşı yapılıyor,

بعد از آن بدون وقفه واکسن تزریق می شد .

Yüzlerce insan ölümden kurtarılıyordu.

هزاران انسان از مرگ نجات می یافتند .

KONUŞTURMALAR:

مکالمات :

- چه وجه کسی را گاز گرفته بود؟
-Ne,kimi ısırmişti?
- چرا مادرش او را به دکتر فرستاد؟
-Annesi onu niçin doktora götürdü?
- آیا چاره پیدا شد؟
-Çare bulundu mu?
- چرا نمی توانستند چاره بیابند؟
-Niçin çare bulamıyorlardı?
- چه کسی کی را به چه کسی فرستاد؟
-Kim,kimi kime gönderdi?
- مادر چه کار می کرد؟ چرا؟
-Anne ne yapıyordu?Niçin?
- چرا پاستور از تزریق واکسن دوری میکرد؟
-Pastör,aşı yapmaktan niçin çekiniyordu?
- در کدام قرن پاستور واکسن را پیدا کرد؟
-Pastör hangi yüzyılda aşiyı bulmuştu?

DILBİLGİSİ :

دستور زبان

Soru(Sual).-Bilmediğimiz,iyice anlayamadığımız şeyleri sorar,öğreniriz.

سؤال : چیزهایی را که بخوبی نفهمیده را نمیدانیم سؤال می کنیم یا میگیریم .

Açıklarmasını istediğimiz Şeyler için de Sorulardan

برای روشن شدن چیزهای ندانسته نیز از سئوالات استفاده می کنیم .

Yukarıdaki konuşurma cümlelerinin her birine Soru

anlamını :

مفهوم سوال جملهها در مکالمات بالائی :

a)Kelimeler,

(کلمهها

b)Veya bir ek(soru eki:"mi?")katmaktadır.

(یا یک پسوند (پسوند سئوالی) اضافه می شود .

Türkçe Soru Kelimeleri şunlardır:

کلمات سئوالی در ترکی عبارتند از :

Kim,hangi,ne,nasıl,niçin,nerede,kaç?... .

KURALLAR:

قواعد:

1) Soru eki(mi?): پسوند سئوالی؟

a) Kendisinden önce gelen kelimelere bitişmez, ayrı yazılır. باکلماتی که قبل از خودش می‌آید وصل نمی‌شود جدا نوشته می‌شود.

b) "mi?"den sonra gelen ekler kendisine bitişir:

پسوندهائی که بعد از mi می‌آیند با mi ترکیب می‌شود.

c) "mi?"eki, Sesliler uyumuna göre değişerek mi, mü, mu de olur. پسوند mi نسبت به همصدائی تغییر کرده و به mi, mü, mu تبدیل می‌شود.

Bildiniz mi? Anlaşıyor mu? Yorgun musunuz?

آیا دانستید؟ آیا درک می‌شود؟ آیا خسته هستید؟

Her hastalığın bir virüsü var mıdır?

آیا هر بیماری یک ویروس دارد؟

Kuduz aşısı, önceleri biliniyor muydu?...

آیا قبل‌ها واکسن‌های دانسته می‌شد؟

2) İçinde Soru eki Veya Soru kelimelerinden biri bulunan cümlelerin sonlarına, nokta yerine soru işareti(?) konur:

۲- در جمله‌هائی که در آنها پسوند سئوالی و یا کلمه سئوالی وجود دارد در آخر آنها

بجای نقطه علامت سئوالی گذاشته می‌شود.

Kuduz nasıl bir hastalıktır? Aşısını kim buldu?

بیماری هاری چگونه بیماری است؟ چه کسی واکسن آنرا پیدا کرد؟

Kaçıncı yüzyılda?...

در کدام قرن؟

Pastör hangi memlekette yaşıyordu?

پاستور در کدام مملکت زندگی میکرد؟

Bunları öğrenmenin ne faydası var?...

یادگیری اینها چه فایده دارد؟

Zengin olmak mı, insanlara yararlı şeyler bulmak mi daha şerefli dir?...

آیا، روتمند بودن، با ارزش است، و یا پیدا کردن چیزهای با ارزش بسیار با شرف است؟

ALİŞTIRMALAR:

1)Şu cümlelere birer soru kelimesi katınız:

"Arkadaşlar geldi.Size bunları söyledi.

Yarın Bağdat'a gidecek.Derslerinizi hazırlarsınız...

2)Şu cümleyi dört defa yazınız.Her cümlede ayrı bir kelimeye soru eki takınız:

"kadın çocuğun kurtarılmasını istiyordu.

معنی	تلفظ	لغت
بی نهایت	سُن سوز	Sonsuz
بهم رسیدن	کاوش ماک	Kavuşmak
خبیر	حایر	Haber
پخش شدن	یایل ماک	Yayılmak
شهرت	اون	Ün
اضافه شدن	آرت ماک	Artmak
حسودی کردن	کسئکان ماک	Kıskanmak
نیز - هم	بیله	Bile
قبول کردن	کابول ات مک	Kabul etmek
بیچاره دختر (دخترک)	کئز جاغئز	Kızcağız
آوردن	گ تیر مک	Getirmek
هیر ماندن	گ چ کال ماک	Geçkalmak
نجات	کورتول ما	Kurtulma
تشکر کردن	تَشکُورِ اتمک	Teşekkür etmek
احتمال	ایحتمال	Ihtimal
راه حل - کشف	بولوش	Buluş
پایین آوردن	این دیر مک	İndirmek
دلسوزی کردن	آجی ماک	Acımak
خطر	تَهلیکه	Tehlike
اهمیت	انم	Önem
اما	آما	Ama
پهلو - نزد	یان	Yan
خیس - اشک	یاش	Yaş
سرازیر شدن	آک ماک	Akmak
فقط - ولی	فاکات	Fakat
تمام - همه	بوتون	Bütün
بمناسبت - سبب	دلایی	Dolayı

PASTÖR

III

İnsanlığa hizmet edenler ölmezliğe Kavuşur,gönüllerde yaşarlar.

Kسانی که به انسانیت خدمت می کنند جاویدان مانده و درد لها زندگی می کنند .
Kuduz aşısının bulunduğu haberi dünyaya.

خبر کشف بیماری هاری در دنیا منتشر می شد .
Yayılıyor,Pastör'un ünü(Şöhreti)artıyordu.

شهرت پاستور افزایش می یافت .
Kıskananlar bile onun başarısını Kabul etmişlerdi.

انتقاد کننده ها (حسودها) نیز موفقیت او را قبول کرده بودند .
Bir gün gene on yaşlarında bir kızcağz getirdiler.

یک روز دوباره یک دختر در حدود ۱۰ ساله را آوردند .
Otuz beş gün önce ısırılmıştı.

۳۵ روز قبل گاز گرفته شده یود .
Geç kalmışlardı.

دیر مانده بودند .
Kuduz hastalığı kendini göstermeye başlamıştı.

بیماری هاری برای نشان دادن خودش شروع کرده بود .
Kurtulma ihtimalı yoktu.

احتمال نجات نبود .
Aşı yapıldıktan sonra çocuk ölürse bütün kıskançlar,bu büyük buluşu hiçe indirmeye çalışacaklardı.

زمانی اگر بعد از تزریق واکسن کودک بمیرد تمامی حسودها تلاش خواهند کرد که این کشف بزرگ را بی ارزش بشمارند .
Pastör,Çocuğa da çok acıyordu.

پاستور به بچه خیلی دلسوزی میکرد .
Tehlikeye önem vermeden aşuya başladı.

واکسن را بدون اهمیت دادن به خطر شروع کرد .

-Kızın ölümü Pastör'un başarısını hiçe indirebildi mi?

آیا مرگ دختر توانست موفقیت پاستور را بی ارزش کند؟ چرا؟
Niçin?

-"Meister"ölseydi durum ne olurdu?

اگر میستر می مرد چه اتفاقی می افتاد؟

-Bilginler insanlığa neler kazandırıyorlar?

دانشمندان چه چیزها به بشریت کسب می کنند؟

-Bu büyük adamlara borcumuzu nasıl öderiz?

چطور قرض خود را به انسانهای بزرگ می پردازیم؟

-Pastör bu başarıyı nasıl kazandı?

چطور پاستور این موفقیت را بدست آورد؟

-Çok zengin bir adam mı, insanlığa büyük yararı (faydası)

dokunan bir bilgin mi olmak istersiniz?

آیا می خواهید یک آدم ثروتمند و یک دانشمندانی که به انسانیت مفید است باشید؟

-Her genç büyük adam olmak için ne yapmalıdır?

هر جوان برای اینکه یک انسان با ارزش بشود چکار بایستی انجام دهد؟

DILBİLGİSİ:

دستور زبان:

Küçültmeler.-Türkçede isimlere, Sıfatlara küçültme anlamı

کوچک شمردن ها: Şöyle katılır:

در ترکی به اسمها و صفتها مفهوم کوچک کردن اینطور اضافه می شود یعنی

1) Kelimelerle?

۱- با کلمات:

"Küçük kız, ufak oda, minimini yavrular..."

بیچه کوچک، اتاق کوچک، فرزندان کوچک.

2) -Cik, -Ceğiz ekleriyle:

۲- با پسوندهای

"odacık, yavrucuk (yavrucak), kız çağız..."

اتاقک، فرزند کوچک - دخترک.

Yapılışı:

طرز تشکیل

-Cik eki, Sonuna geldiği kelimenin son hecesine Uyar, dört şekle girer: -cik, -cık, -cuk, -cük.

پسوند CİK— با آخرین سیلاب کلمه هماهنگ شده و به -cık, -cuk, -cük. تبدیل می‌شود.

a) -Cik eki birkaç kelimedede -cek, -cak olur: Yavrucak

— در چند کلمه پسوند CİK به Cak و Cek تبدیل می‌شود.

b) Kelimenin Sonunda K harfi varsa düşer:

— اگر در آخر کلمه حرف K باشد حذف می‌شود.

Küçük-Küçücük, ufak-ufacık, büyük-büyücek...

c) Bazı Kelimelere de -Cağız, -ceğiz gelir:

در بعضی کلمات Cağız, Ceğiz می‌شود.

Kızcağız, Kuşacağız...

بیچاره دختر، بیچاره پرنده...

d) Kelimelerin Son harfi sertse eklerin başlarındaki Ç'ler c olur.

۵— اگر آخر کلمات حرف خشن باشد پسوند آنها یعنی C به Ç تبدیل می‌شود.

Anlam:

مفهوم:

1) Ekin birinci anlamı küçültmedir: odacık, kalemcik...

۱— مفهوم اولی پسوند کوچک کردن است.

2) Küçültme ekleri isimlere: — پسوندهای کوچک کردن به اسمها:

a) Sevgi anlamı katar: Babacığım, anneciğim, Mehmetcik...

(مفهوم علاقه را میرساند، پدر عزیزم، مادر عزیزم، محمد عزیز.

b) Acıma anlamı katar: Kızcağız, yavrucak, kadıncağız...

(مفهوم دلسوزی میدهد، بیچاره دختر، بیچاره فرزند، بیچاره زن.

ALİŞTIRMALAR:

- a)Şu kelimelere birer küçültme eki takınız:
Bahçe,tarla,defter,ince,hediye,dede,teyze, ihtiyar,
kutu,kuş,kitap,ağaç,körpe...
- b)Bunları birer cümlede kullanınız.
- c)Anlamalarını belirtiniz.

معنی	تلفظ	لغت
علم	ای لیم	İlim
شاهت داشتن	بِن زَمک	Benzemek
مدرسه ابتدائی	ایلک اکول	İlkokul
دبیرستان	لی سه	Lise
تلاش کردن	چالشش ماک	Çalışmak
ضروری	گرگ	Gerek
هوس	هوس	Heves
زمین	یر	Yer
گهواره	بشیک	Beşik
از گهواره	بشیکتن	Beşikten
قبر	مزار	Mezar
سلامتی	ساغلیک	Sağlık
جمله بی قاعده	دوریک جومل	Devrik cümle
ثروت	مال	Mal
(وجود) جان	جان	Can
شرف	شرف	Şeref
حامی - مدافع	کروویوجو	Koruyucu
تاریخ	تاریخ	Tarih
عبرت	ایبرت	İbret
کسب	کازانچ	Kazanç
علم تجارت (اقتصاد)	تی جاری بیلیم	Ticarı bilim
اجتماعی - دسته جمعی	تپ لوم سال	Toplumsal
نظم - ترتیب	دوزن	Düzen
علوم اجتماعی	س سیال بیلیم	Sosyal bilim
انتخاب کردن	س چمک	Seçmek
حدود - مرز	سئیر	Sınır

معنی	تلفظ	لغت
احساس	دویگو	duygu
جملهء باقاعده	کورالی جومله	Kurallı cümle

ILIM علم

علم شبیه نور است . Ilim güneşe benzer .

علم بهر جا که وارد می شود روشنائی می بخشد . Girdiği yer aydınlanır .
Insan oğlunun çok öğrenmesi lazımdır .

یادگیری فرزند انسان ضروری است .

İlkokullar, liseler, üniversiteler bunun için açılmıştır .

دانشگاهها ، دبیرستانها ، مدارس برای یادگرفتن علم باز شده است .

Yüksek Öğrenimden Sonra da çalışmak gerek .

بایستی بعد از تحصیلات عالیہ نیز فعالیت کرد .

علم انتها ندارد (علم پایان ندارد) . Bilginin Sonu yoktur .

Insan öğrendikçe öğrenme hevesi artar .

موقعیکه انسان یاد می گیرد هوس یادگیری افزایش می یابد .

یادگیری زمان و مکان ندارد . Öğrenmenin yeri ve zamanı yoktur .

Beşikten mezara kadar öğrenmek de az geliyor .

یاد گرفتن از گهواره تا گور نیز کم می باشد .

طب سلامتی مان را حفظ می کند . Tıp, sağlığımızı korur .

Hukuk, mal, can, şeref koruyucusudur .

حقوق حفظکننده جان و مال و شرف انسان می باشد .

Tarih, geçmişleri öğretir, ibret dersi verir .

تاریخ گذشته ها را یاد می دهد درس عبرت می دهد .

Kazanç yollarını iktisadi ve ticarî bilimler gösterir .

علم تجارت و اقتصاد راههای بدست آوردن (کسب) را نشان می دهد .

Toplumsal düzeni de Sosyal bilimlerden öğreniriz .

از علوم اجتماعی نیز نظم و ترتیب دسته جمعی را یاد می گیریم .

Her genç, seçtiği bilim dalında ilerlemeye çalışmalıdır .

هر جوان در رشته از علمی که انتخاب کرده برای پیشرفت بایستی فعالیت بکند .

KONUŞTURMALAR:

مکالمات:

- Bilim neye benzer?Niçin? علم شبیه چیست؟چرا؟
- Siz kime benzersiniz? شما شبیه کی هستید؟
- Öğretim kurulları hangileridir? موسسات تحصیل کدامها هستند؟
- En yüksek bilim kurulu hangisidir?? بالاترین موسسه علمی کدامست؟
- Üniversite bitince öğrenme ihtiyacı da biter mi? موقعیکه دانشگاه خاتمه می یابد آیا یادگیری هم تمام می شود؟
- Tıbbın faydası nedir? پزشکی چه فایده های دارد؟
- Kazanç yollarını hangi bilimler öğretir? کدام علمهاراههای کسب را یاد می دهد؟
- Öğrenmenin sınırı var mıdır?Niçin? آیا یادگیری حدودی دارد؟چرا؟
- Geçmişleri öğrenmenin ne faydası vardır? یادگیری علم گذشته چه فایده های دارد؟
- Mal,can ve şerefın koruyucusu hangi bilimdir? کدام علم محافظ جان و مال و شرف انسان است؟

DİL BİLGİSİ:

دستور زبان:

- Cümle.-Bir düşüncęyi,bir duyguyu,bir isteęi,bir olayı,
bir hükmü anlatmaya yarayan söz dizisidir.
جمله ردیف حرفهائی است که یک طرز فکر و احساس و خواسته و حکم و حادثه را بامفهوم
بدرد بخور میرساند .
- İlim güneşe benzer. علم شبیه نور است .
- Öğrenmenin yeri ve zamanı yoktur. یادگیری زمان و مکان ندارد .
- Dün memlekettten bir arka-daşım geldi. دیروز یک دوستم از وطن

Annemi, babamı, kardeşlerimi pek çok özledim.

دلم برای پدر و مادر و خواهر (برادرانم) خیلی تنگ شد .

Onları görmek istiyorum.

میخواهم آنها را ملاقات بکنم .

Yüklem.-Her cümlede anlatıma, hukme temel olan fiile ve fiil görevli kelimeye yüklem denir.

فعل - در هر جمله اساس رساندن حکم ، مفهوم و کلمه‌ای که در وظیفه فعل (عمل) می‌باشد فعل گفته می‌شود .

Bu cümlelerde "benzer, yoktur, geldi, özledim, istiyorum" kelimeleri, buldukları cümlelerin yüklemidir.

در این جمله‌ها "شبهه می‌باشد ، نیست ، آمد ، دلتنگ شدم ، می‌خواهم" کلمه‌ها افعال جمله‌ها می‌باشند .

Dizilişlerine göre cümleler iki türdür:

جمله‌ها نسبت به طرز ردیف شدنشان دو نوع می‌باشد .

1) Kurallı Cümle.-Yüklemi Sonda bulunan.

جمله با قاعده . فعل در آخر می‌باشد .

Cümle.

جمله

Bilim dilinin cümleleri kurallı olur.

جمله‌های زبان علمی با قاعده می‌باشد .

2) Devrik cümle.-Yüklemi Sonda bulunmayan cümle.

جمله بی قاعده . فعل در آخر جمله نمی‌باشد .

Gelişigüzel konuşmalarda cümlelerin çoğu devrik olur (gelecek bahislerde açıklanacaktır).

جمله‌هایی که طرز گفتن آنها زیباست اکثرش جمله بی قاعده می‌باشد .

ALİŞTIRMALAR:

- Bu yazıda kaç cümle vardır?
- Yüklemler cümlelerin neresindedir?
- Yüklemlerin çoğu hangi kiptendir?Niçin?
- Yüklemler hangi cins kelimedir?
- Yüklemler kaçınıcı şahsa aittir?
- Son cümlenin yüklemine şahıslara göre çekimleyiniz:
- Beşinci cümlenin kelimelerindeki sesliler bir birlerine uyuyor mu?
- Üçüncü cümlede,seslileri birbirine uymayan bir kelime var,hangisi?Niçin?
- Beşinci cümlenin ikinci kelimesini anlamdaşıyle değiştiriniz.
- Günlük hayatınızdan üç cümle yazınız.
- Yukarıdaki cümleler-dizilişleri bakımından-kurallı midir,devrik midir?

معنی	تلفظ	لغت
آب	سو	Su
هزاران	بین لرجه	Binlerce
نفر	کی شی	Kişi
حمام	بان یو	Banyo
فراوان	میل	bol
دفعه	کزه	Kere
سبزی	سبزه	Sebze
میوه	می وه	Meyve
هلو	شف تالی	Şeftali
مربوط	آیت	Ait
تشدید دادن	پکیش تیرمک	Pekiştirmek
وضعیت	بی چیم	Biçim
مدت	مودت	Müddet
فتح کردن	فتح ات مک	Feth etmek
پایتخت	باش کنت	Başkent
اول	ای لک	İlk
دوره	دویر	Devir
مسجد سبز	یشیل جامی	Yeşilcami
مسجد بزرگ	اولو جامی	Ulu Cami
بزرگ	اولو	Ulu
خیلی (علامت صفت تفضیلی)	آن	en
سمت	سمت	Semt
با گوگرد (گوگردی)	کوکورت لو	Kükürtlü
مشتقات آهن که مقدار کمی کربن دارد	چلیک	Çelik
گرم	سی جاک	Sıcak
بزرگ	بویوک	Büyük

معنی	تلفظ	لغت
یکی - شخصی	بی‌ری	Biri
سرزمین	یر	Yer
آب معدنی گرم	کاپلی جا	Kaplıca
طبیعی	دغال	Doğal
خیلی	پک	Pek
بلندی	یوک‌سک‌لیک	Yükseklik
شمال غربی	باتی‌کوزی	Batı kuzey
دامن - دامنه کوه	آتک	Etek
ساناتوریم - آسایشگاه مسلولین	ساناتوریم	Sanatoryum
هتل	اتل	Otel
موتوری	موترو	Motörlü
وسائط نقلیه	ناشت	Taşıt
اطاقچه هوائی از روی سیم کابل هوائی حرکت در آن‌های اسکی‌بازی و دغال		
سنگ بکار می‌روند	تلفریک	Telefrik
تمیز	تمیز	Temiz
برف	کار	Kar
ورزش	سپر	Spor
علاقه - اشتیاق - نگرانی	مراک	Merak
توریست	توریست	Turist
ابریشم	ای پک	Ipek
کرم ابریشم	ای پک بجبی	Ipek böceği
حشره	بجک	Böcek
پارچه	کوماش	Kumaş
بافتن	دکوماک	Dokumak
قبل - ابتدا	آن‌جه	Önce

BURSA (اسم شهر) بورسا

Türkiye'nin büyük şehirlerinden biri olan Bursa'nin nüfusu 150,000'in üstündedir.

بورسا یکی از بزرگترین شهرهای ترکیه که جمعیت آن بیش از ۱۵۰/۰۰۰ نفر می باشد. Bursa, yeri, tarihi, anıtları (abideleri), kaplıcaları ve doğal (tabii) güzellikleriyle pek ünlüdür (meşhurdur). بورسا با سرزمین، تاریخ، بناهای یادگاری، آبهای گرم معدنی و زیبایی های طبیعی مشهور است.

Bursa, 2543 metre yüksekliğinde bulunan Uludağ'ın batı kuzey eteğindedir.

بورسا به ارتفاع ۲۵۴۳ متر در دامنه شمال غربی کوه اولوداغ است. Uludağ'ın tepesinde, çam ormanları içinde sanatoryumla oteller vardır.

در تپه اولوداغ در داخل جنگلهای کاج هتلها با آسایشگاه مخصوص بیماران وجود دارد. Tepeye môtôrlü, taşıtlarla, teleferikle çıkılır. به تپه با وسایل موتوری و تله کابین رفته می شود.

Yazın temiz hava almak isteyenler, kışın da kar sporuna meraklı olanlar, turistler Uludağ'a akın ederler. سیاحان و کسانی که می خواهند از هوای تمیز تابستان استفاده کرده به ورزش زمستان علاقه دارند به اولوداغ روانه می شوند.

Bursa, bir ipek şehridir. بورسا یک شهر ابریشم می باشد. Pek çok ipek böceği yetiştirilir ve elde edilen ipeklerle pek güzel kumaşlar dokunur.

کرم ابریشم بسیاری پرورش داده می شود. پارچه های بسیار زیبایی با فرآورده های ابریشم بافته می شود.

Tarihi, İsa'dan önce başlar. تاریخ بورسا قبل از عیسی شروع می شود.

Uzun müddet Bizans'a bağlı kalmıştı.

مدت زیادی وابسته به بی زانس بود .

1326'da Osmanlılar burasını fethederek başkent yaptılar.

در سال ۱۳۲۶ پادشاه عثمانی این جا را فتح کرده و پایتخت کردند .

Osmanlıların ilk devirlerinde yapılan camiler,türbeler, medreseler,çeşmeler,kaplıcalar...

مسجدها و امام زاده ها ، مدرسه ها ، چشمه ها ، آب های گرم معدنی که در اوائل دوره عثمانی ها ساخته شده بوسا زینت می بخشد .

Bursa'yı Süsler.

Yeşil cami,Ulu Cami,Emir Sultan Camii...bunların en güzellerindedir.

از زیباترین اینها مسجد سلطان امیر ، مسجد بزرگ ، مسجد سبز می باشد .

Bursa'nin Çekirge semtinde pek çok kaplıca vardır.

آبهای معدنی گرم زیاد در قسمت چکیرگه (اسم محل) بوسا وجود دارد .

Kükürtlü,Çelikli ve Çeşitli madenli sıcak Suları pek şifalıdır.

آبهای گرم معدنی متفاوت با گوگرد و آهن کربن دار خیلی شفا بخش است .

Her yıl on binlerce kişi bu banyolara gider.

هر سال هزاران نفر به این آبهای گرم معدنی میروند .

Bursa,suyu bol bir şehirdir. بوسا یک شهر پر آب می باشد .

Her tarafı yemyeşildir. همه جای بوسا کاملاً سرسبز است .

Yemyeşil bir ovaya bakar. بوسا به یک جلگه سبز مایل می باشد .

Bunun için şehre çok kere "Yeşil Bursa"da denir.

بخاطر این سرسبز بودن باین شهر به دفعه ها بوسای سبز نیز گفته می شود .

Sebzesi,meyvesi pek boldur. سبزی و میوه اش خیلی زیاد می باشد .

Şeftalisi pek ünlüdür. هلو ی آن خیلی مشهور می باشد .

KONUŞTURMALAR:

مکالمات :

- جمعیت بورسا چقدر است؟
-Bursa'nin nüfusu ne kadardır?
- با کدام راهها به بورسا رفته می شود؟
-Bursa'ya hangi yollarla gidilir?
- بورسا با چه چیزهایش مشهور می باشد؟
-Bursa neleriyle ünlüdür?
- چرا به اولوداغ رفته می شود؟
-Uludağ'a niçin çıkılır?
- چطوری می روند؟
-Nasıl çıkılır?
- در اولوداغ چه چیزها موجود می باشد؟
-Uludağ da neler var?
- آیا در مملکت شما کوههای شبیه به کوه اولوداغ وجود دارد؟
-Sizin memleketinizde de böyle dağlar var mı?
- شرح دهید؟
Anlatınız.
- بورسا به کدام چرا؟
-Bursa'yi hangi sıfatla nitelerler? Niçin?
- آیا بورسا از نظر تاریخ ؟
-Tarih bakımından Bursa önemli bir şehir midir?
- پایتخت کدام دولت شده بود؟
-Hangi devletin başkenti olmuştur?
- در کدام قرن؟
Kaçıncı yüzyılda?
- بناهای یادگاری بورسا به کدام دوره مربوط است؟
-Ünlü anıtarı(abideleri)hangi devre aittir?
- چند تا از بناهای یادگاری بورسا را بگوئید؟
-Anıtlarından birkaçının adlarını söyleyiniz?
- آب گرم معدنی چیست؟
-Kaplıca ne demektir?
- بین آبهای گرم معدنی و آب معدنی چه فرقی وجود دارد؟
-Kaplıca ile maden Suyu arasında ne fark var?
- آیا در وطن شما آبهای گرم معدنی وجود دارد؟
-Sizin memleketinizde de kaplıcalar, maden Suları var midir? Ne yapılır?
- چه استفاده ای می شود؟
آیا در وطن شما آبهای گرم معدنی و آبهای معدنی وجود دارد؟

ALİŞTIRMALAR:

Şu sıfatları eklerle pekiştiriniz ve birer cümlede kullanınız:

Uzun, boş, bütün, kuru, açık, katı, dolu...

معنی	تلفظ	لغت
ملت	اولوس	Ulus
نجات دهنده	کورتارنجی	Kurtarıcı
تشکیل دهنده	کوروجو	Kurucu
فرمانده	کومتان	Komutan
پادشاه	پادشاه	Padisah
بی نظیر	اش سیز	Eşsiz
هوش	دها	Deha
منصب - مرتبه - مقام	موکی	Mevki
بالا	یوجه	Yüce
اصل	آستل	Asıl
بالا	اوستون	Üstün
بوجود آوردن - زائیدن	دوغ ماک	Doğmak
پدر بزرگ	دکه	Dede
پدر	بابا	Baba
کارمند	مَمور	Memur
کار	ایش	Iş
زمانیکه - درحالیکه	ای کن	Iken
وفات کردن	وفات ات مک	Vefat etmek
معاش	گچیم	Geçim
سختی	گوچ لوک	Güçlük
ماندن	کال ماک	Kalmak
روانه شدن	وریل مک	Verilmek
دبیرستان نظام	آس گری روش تی یه	Askeri rüştiye
متوسطه	اُرتا کول	Orta Okul
تیز - تند	کسکین	Keskin
هوش - استعداد	زکا	Zeka

معنی	تلفظ	لغت
جلب توجه کردن	دیكات چک مک	Dikkat Çekmek
علاقه	سوگی	Sevgi
وسط	آرا	Ara
فرق	فارک	Fark
آزادی	هوری بیت	Hürriyet
قهرمان	گاه راماں	Kahraman
وطن دوست	یورت سور	Yurtsever
حرب - جنگ	حارپ	Harp
فرماندهی	کورمای لئک	Kurmaylık
افسر ارتش (سروان)	یوزباشی	Yüzbaşı
ارتش	اردو	Ordu
کتابخانه	کی تاپ لئک	Kitaplık
بیرون	دئش	Dış
تزریق کردن	آشی لاماک	Aşılamak
ممنوع	پاساک	Yasak
پنهانی	گی زلیج	Gizlice
خواستن - پسندیدن	بنیم سمک	Benimsemek
طرز فکر	دوشونجه	Düşünce
کاملاً جدید	یپ ینی	Yepyeni
نجات دادن	کورتارماک	Kurtarmak
استبداد	استبدات	Istibdat
نابود شدن	یئکئل ماک	Yıkılmak
اعلان - آگهی	ای لان	İlan
تمام شدن	بیت مک	Bitmek
مصر	مئسئر	Mısır
دشمن	دوش مان	Düşman

معنی	تلفظ	لغت
برخورد کردن	چارپاش ماک	Çarpışmak
متحد شدن	بیرلش مک	Birleşmek
حمله کردن	سالدئرماک	Saldırmak
مادر	آنا	Ana
جبهه	جبهه	Cephe
نفر - خالص	زاتئن	Zatın
حس کردن	سزِمک	Sezmek
قید - پاکت نامه	زارف	Zarf
اسم	ای سیم	İsim
صفت	صفات	Sıfat
ضمیر	زامیر	Zamir
ثروتمند	زن گین	Zengin
مسن	یاشلی	Yaşlı
افسر	سوبای	Subay

ATATÜRK

I

Mustafa Kemal

آتاتورک

Atatürk, Türk ulusunun kurtarıcısı, Türkiye cumhuriyetini kurucusudur. . آتاتورک نجات دهندهٔ ملت ترک و بنیان‌گذار جمهوری ترکیه است. . Cihan Tarihinin en unlu büyüklerinden biridir.

یکی از بزرگان مشهور تاریخ جهان است .

Türk tarihinde pek çok fatihler, komutanlar, devlet adamları, padişahlar var.

خیلی زیاد فاتح‌ها و فرماندهان و دولتمردان و پادشاهان در تاریخ ترک وجود دارد . Atatürk, eşsiz dehasıyla bu ulular arasında en üstün mevkie yücelmiştir.

در میان بزرگان آتاتورک باهوش فوق‌العاده بی‌نظیر ببالاترین مقام ارتقاء یافته است .

Asıl adı Mustafa'dır. اسم اصلی او مصطفی می‌باشد .

Selanik'te doğmuştur (1881). در سلانیک متولد شده است. (۱۸۸۱)

Dedesı ilkokul öğretmeni idi. پدر بزرگش آموزگار ابتدائی بود .

Babası Ali Rıza Bey de küçük bir memur, sonraları küçük bir iş adamı idi.

پدرش آقای علی‌رضا یک کارمند کوچک بوده بعدها یک تاجر کوچک بود .

Mustafa, küçük yaşta iken babası vefat etti.

مصطفی موقعی که در سنین کوچک بود پدرش فوت کرد .

Geçim güçlüğü içinde kaldılar.

در سختی گذراندن معاش زندگی قرار گرفتند .

Bununla birlikte Mustafa okula verildi.

با وجود این مصطفی روانه مدرسه شد .

Askeri rüştiye(ortaokul)de iken keskin zekasıyla dikkati çekmeye başlamıştı.

زمانیکه در مدرسه نظام بود باتیزهوشی شروع به جلب توجه کرده بود.

Matematik dersindeki başarısını gören öğretmen,ona sevgisini söyle gösterdi:

معلمی که موفقیت او را در درس ریاضی مشاهده کرد علاقه خود را باو اینطور نشان داد.
"Oğlum Senin adın Mustafa,benim de Mustafa,bu böyle olmayacak.
اسم من مصطفی و پسر من اسم شما هم مصطفی، اینطور نخواهد شد.
Arada bir fark bulunmalı.

در میان یک فرقی بین اسم من و شما بایستی باشد.

Bundan sonra Senin adın Mustafa Kemal olsun".

بعد از این اسم شما مصطفی کمال باشد.

Kemal(Namik Kemal),büyük bir Türk şairinin,Hürriyet Kahramanı bir yurtseverin(vatanperverin)adıdır.

کمال نامیک اسم یک شاعر بزرگ ترک و یک قهرمان آزادی و وطن دوست می باشد.

Mustafa Kemal,Askeri okulları,Harbiyeyi,kurmaylık okulu-nu başarıyle bitirdi.

مصطفی کمال مدرسه نظام، دانشکده افسری، ستاد ارتش را با موفقیت به پایان رساند.

Kurmay yüzbaşı olarak orduya katıldı.

بصورت سروان ستاد بارتش وارد شد.

Okulda,ders kitaplarınınin dışında pek çok seyler.

در مدرسه خارج از کتابهای درسی خیلی چیزها مطالعه میکرد.

Okuyor,yazılarıyla arkadaşlarına hürriyet,vatan Sevgilerini aşıliyordu.
بانوشته هایش به دوستان آزادی و حب وطن را تعلیم می داد.
Namik Kemal'in yasak eserlerini de gizlice okuyor,

اثرهای کمال نامیک را بطور پنهانی مطالعه میکرد.

düşüncelerini benimsiyor,onlara yepyeni anlamlar katıyor canlılıklar kazandırmayı düşünüyordü.

طرز فکرهايش را می پسندید. به آنها مفهومی تازه ای میداد.

و برای کسب کردن موجودیت‌ها فکر میکرد .

Memleketi padişahların idaresinden kurtarmak, istibdadı yıkmak azminde idi.

در تصمیم نجات دادن مملکت از اداره کرد پادشان و برچیدن استبداد بود .

در سال ۱۹۰۸ دیکتاتوری نابود شد (برچیده شد). 1908 de istibdat yıkıldı. مشروطیت اعلان شد .

Fakat memleketin derdi bitmemişti. فقط در مملکت تمام نشده بود. İtalyanlar, Trablus'u, Bingazi, yi almak için harp açtılar.

ایتالیائی‌ها برای تصرف ترابلس و بین قاضی جنگ را شروع کردند .

Mustafa Kemal, Mısır yoluyla oraya gitti.

مصطفی کمال از راه مصر به آنجا رفت .

Düşmanla çarpışırken Balkan devletleri birleşerek Türkiye'ye Saldırdılar.

در حال برخورد با دشمن دولتهای بالکان متحده شده و به ترکیه حمله کردند .

Ana vatan tehlikeye düşmüştü. وطن مادری در خطر قرار گرفته بود .

Mustafa Kemal, İstanbul'a döndü ve cepheye gitti.

مصطفی کمال به استانبول برگشت و به جبهه رفت .

Mustafa Kemal'in büyük ünü (Söhreti) bundan sonra başlar.

شهرت بزرگ مصطفی کمال بعد از این شروع می شود .

KONUŞTURMALAR:

مکالمات :

-Mustafa Kemal, Türk ulusunun nesidir?

مصطفی کمال چه چیز ملت ترک است ؟

-Kaç tarihinde, nerede doğmuştur?

در کدام تاریخ و در کجا متولد شده بود ؟

-Babası ne iş yaparmış?

پدرش چه کاره بود ؟

-Dedesinin mesleği ne imiş?

شغل پدر بزرگش چه بود ؟

- Mustafa Kemal'in üstün zekası nerede belirmeye başladı?
در کجا هوش زیاد مصطفی کمال به مشخص شدن شروع کرد؟
- Mustafa Kemal,askeri okullardan hangi rütbe ile çıktı?
مصطفی کمال دبیرستان نظام را با کدام درجه پایان رساند؟
- Kimin eserlerini gizlice okuyordu?
اثرهای چه کسی را پنهانی مطالعه میکرد؟
- Mustafa Kemal,Bingazi'ye niçin gitti?
چرا مصطفی کمال به بین قاضی (اسم) رفت؟
- Niçin İstanbul'a döndü?
چرا به استانبول برگشت؟
- Sizin memleketinizde büyük işler başarmış bir zatın,bir kahramanın adını yazınız.
اسم یک قهرمان موفقیت‌های بزرگ در مملکت‌تان بدست آورده بنویسید.
Yaptıklarını birkaç cümle ile anlatınız.
عملکرد کارهای قهرمان را در چند جمله شرح دهید.

DİLBİLGİSİ :

فعل‌های پسوند :

Ek-fiiller:Türkçede fiillerden başka bir de ek-fiiller vardır.

در ترکی علاوه بر فعلها، فعل‌های پسوندی نیز وجود دارد.

1)IDI(-di):Kesin anlamlı geçmiş zaman(hikaye)

زمانی که مفهوم قطعی می‌دهد با ed

2)İMİŞ(-miş):Şüphe Sezdiren geçmiş zaman(rivayet).

imiş زمان گذشته که در آن شک و تردید وجود دارد.

3)İSE(-Se):Şart anlamlı ek-fiil.

ise مفهوم شرط – فعل پسوند.

4)Geniş zaman anlamlı ek-fiil.Söyle çekimlenir:

فعل پسوند در زمان گذشته اینطور صرف می‌شود.

I.Şahıs

II.Şahıs

III.Şahıs

Tekil: -im -sin -dir

Çoğul: -iz -sınız -dirler

Ek-fiiller ikişer görevlidir: فعل پسوند دو وظیفه دارد.

1) Isim Soylu kelimelerin (isim, sıfat, zamir, zarf...) Sonlarına gelir, onları yüklem yapar:

به آخر کلمه‌هایی که دارای ریشه صفت، فعل، ضمیر - قید می‌باشد آمده و فعل درست می‌کند

Çalışkan idim, genç idiniz, yaşlı idiler, öğrenci idik, zengin idin.. فعال بودم، جوان بودید، پیر بودند، دانش آموز بودیم، ثروتمند بودید.
Çalışkandım, gençtiniz, yaşlıydılar, öğrenciydik, zengindin.

(ترکیب نوشته شده)

Subay imiş (Subaymış), arkadaş iseniz (arkadaş sanız), oradayasan (orada isen)... سروان بوده، اگر دوست هستید اگر آنجا باشی.

Ben insanım, Siz çalışkansınız, o gençtir, insanız, gençsin.

من انسان هستم، شما فعال هستید، او جوان است انسان هستیم، جوان هستی.

2) Fiillerin Sonlarına gelerek bileşik zamanlı yapar:

فعل پسوند در آخر فعلها آمده و آنها را به زمان مرکب تبدیل می‌کند.

Hürriyet Sevgisi aşılıyordu, İstibdadı

عشق به آزادی را تعلیم می‌داد دیکتاتوری را نابود خواهد کرد.

yıkacaktı, yasak kitaplar okurmuş, gideceksiniz...

کتابهای ممنوع میخوانده، خواهید رفت.

-dir ek-fiili çok sık kullanılır:

-dir فعل پسوند استعمال خیلی زیادی دارد.

a) Isim Soylu yüklemlere kesin hüküm anlamı katar.

به فعلهایی که دارای ریشه اسم هستند مفهوم قطعی می‌دهد.

Atatürk, Türk ulusunun kurtarıcısıdır.

آتاتورک نجات دهنده ملت ترک است.

Türk devletinin kurucusudur. بنیانگذار دولت ترک می‌باشد.

Asıl adı Mustafa'dır.... اسم اصلی او مصطفی می‌باشد.....

b) -dir eki, fiillerin de sonlarına gelir, onlara kesinlik

انlamı katar: پسوند **دیر** به آخر فعلها آمده و به آنها مفهوم قطعی می دهد .
Atatürk, Selanik'te doğmuştur. Ali, şama gidecektir.

فعل، آتاتورک در سلانیک متولد شده است. علی به شام خواهد رفت .

ALİŞTIRMALAR:

a)-dir ek-fiili ile şu cümlelere Kesinlik anlamı katınız
Atatürk birçok devrimler(inkilaplar)yapmış.

Ali,uçakla Iran'a gitmiş.

Yakın yıllarda insanlar.

Yıldızlara da gidecek.

Haziran'da imtihanlar başlayacak.

b)Şu Satırlardaki Kelimelerden uygun bulduk-larınızı-dir ek-fiili ile yüklem yapınız ve cümleleri yeniden düzenleyiniz:

Adı Ali bu arkadaşın. İnsanlar kardeşi birbirinin.

Ayları haziran,temmuz,ağustos yaz.Öten güzel bir kuş
bulbul Soğuk hava bugün çok.

Güç,kolay değil bu alıştırmalar.

KURAL:-dir ek-fiili:

a)Kelimelerin Son hecelerine uyarak:

-dir,-dır,-dur,-dur olur:Birdir,vardır,uludur,ünlüdür.

b)Kelimelerin Son harfleri Sertse d'ler t olur:

Gençtir,yapacaktır,Sormuştur,uçtur...

معنی	تلفظ	لغت
سرهنګ دوم	یاربای	Yarbay
دفاع ملی	آتش میلی تر	Ateşmiliter
لشکر	تومن	Tümen
خونی	کان لی	Kanlı
فرمانده	کموتان	Komutan
انتخاب شدن	سچیل مک	Seçilmek
ریخته شدن	دکول مک	Dokulmek
رتبه	روت ب	Rütbe
ژنرالی	ګن رالئک (ګنرالئک)	Generallık
قسمتی از اردو	ګلردو	Kolordu
موفقیت	باشاری	Başarı
تعیین شدن	آتان ماک	atanmak
بی طاقت	تاکات سئز	Takatsız
شکست	ینیل گی	Yenilgi
علیه	عالیه	Aleyh
خاتمه دادن به جنگ	موتارک	Mütareke
احضار شدن	چاغئرل ماک	Çağırılmak
دیگر	آرتئک	Artık
بزانو زدن	چک مک	Çökmek
مستمره	سُورکه	Sömürge
اسیر	اسیر	Esir
تلخ	آجی	Acı
نجات	کورتولوش	Kurtuluş
فقیر	فاکیر	Fakir
مساحت - میدان	آلان	Alan
ویا	یاهوت	Yahut

معنی	تلفظ	لغت
وحشتناک	کُرکونچ	Korkunç
ناامید	اوموت سوز	Umutsuz
نیو	کووت	Kuvvet
نابود کردن	کئرماک	Kırmak
عزم - اراده	آزیم	azim
قابلیت	یت کی	Yetki
مغلوب شدن - شکست خوردن	ینیل مک	Yenilmek
جا - موقعیت	موزی	Mevzi
پیروز - مظفر	موزافر	Muzaffer
خفه کردن	برغ ماک	Boğmak
آغوش - سینه	باغر	Bağır
مجلس	مجلسیس	Meclis
سازمان دادن، تشکیلات دادن	تشکیلات لان ماک	Teşkilatlanmak
مجاهد	قاضی	Gazi
مارشال	مارشال	Marşal
عنوان - لقب	اون وان	Unvan
حمله	تا آرزو	Taaruz
محاصره شدن	کوشاتئل ماک	Kuşatılmak
فوری - برق آسا	ینئل دئرئم	Yıldırım
تعقیب	کوالاما	Kovalama
ظفر	زافر	Zafer
عقب کشیدن	چکیل مک	Çekilmek
مستقل	باغئم سئز	Bağımsız
عهد نامه	آنت لاشما	Antlaşma
صلح	سولح	Sulh

ATATÜRK

II

Gazi Mustafa Kemal

1914 Cihan Savaşı(harbi)başlarken Mustafa Kemal kurmay yarbaydı ve Sofya'da Ataşemiliter di.

در سال ۱۹۱۴ زمانیکه جنگ جهانی اول شروع می شد مصطفی کمال سرهنگ دوم ستاد ارتش بود و در صوفیه در دفاع ملی بود .

Memlekete döndü. به وطن برگشت .

Yeni bir tümen(firka)kurmaya memur edildi.

مامور تشکیل یک لشکر جدید شد .

Çanakkale Muharebeleri adıyla tarihe geçen kanlı savaşlarda Komutan Seçildi.

در جنگهای خونینی که در تاریخ به جنگ چاناک قلعه معروف است فرمانده انتخاب شد .

Uzun çarpışmalardan Sonra düşmanlar denize dökülmeye, çekilmeye mecbur kaldılar.

بعد از برخورد های طولانی دشمنان به دریا ریخته و به عقب نشینی مجبور ماندند .

Mustafa Kemal'in rutbesi generalliğe yükseldi.

درجه مصطفی کمال به ژنرالی ارتقاء یافت .

Kafkas cephesinde kolordu komutanı olarak Ruslarla çarpıştı.

در جبهه قفقاز فرمانده قسمتی از اردو شده و با روسها جنگید .

Başarılar kazandı.

موفقیت ها بدست آورد .

Filistin Cephesine ordu komutanı atandı(tayin edildi).

به جبهه فلسطین فرمانده ارتش تعیین شد .

Dört yıldan beri sürüp gelen harp,devleti takatsız düşürmüştü.

نزدیک به ۴ سال جنگ ادامه یافته دولت را در وضعیت سخت قرار داده بود .

Müttefiklerimiz yenilgiyi kabul edince harp aleyhimize bitti(1918).. متفقین ما با قبول شکست جنگ در سال (۱۹۱۸) بر علیه ما خاتمه یافت .. Mütareke imzalandıktan sonra düşmanların isteği ve hükümetin emriyle Mustafa Kemal İstanbul'a çağırıldı. مصطفی کمال با امر دولت و به خواست دشمنان پس از امضاء آتش بس به استانبول احضار شد .

Ordular dağıtıldı. لشگریان پراکنده شدند (پاشیده شدند) . Artık Türk Yurdunun her yeri galipler tarafından işgal ediliyordu. دیگر ترکیه از طرف غالبها اشغال می شد . Güney Doğu bölgelerini Fransızlar, birçok yerleri İngilizler, Antalya taraflarını da İtalyanlar işgal ettiler.

مناطق جنوب شرقی بوسیله فرانسویها، بسیاری جاها بوسیله انگلیسیها قسمت های آنتالیا هم تحت تصرف ایتالیاییها درآمدند .

Istanbul da işgal altına alındı.. استانبول هم تحت تصرف قرار گرفت .. Bu gidişle altı yüz yıllık Osmanlı İmparatorluğu çöküyor Türkiye sömürge(mustemleke) oluyor, Türk ulusu da esir toplumlara arasına karışılıyordu.

با این وضعیت امپراتوری شش صدساله عثمانی برچیده، و ترکیه مستمره می شد . ملت ترک هم تحت اسارت قرار می گرفت .

Yunanlıların İzmir'e asker çıkarıp doğuya ilerlemeleri, bunların hepsinden daha acı olmuştu.

از همه اینها دردناکتر وارد کردن لشکر از طرف یونانیها به ازمیر و پیشروی آنها بطرف شرق بود .

Mustafa Kemal 19 Mayıs 1919'da Samsun'a çıktı.

در ۱۹ مه سال ۱۹۱۹ مصطفی کمال به سامسون رفت .

Askerlikten istifa ederek milleti yeniden teşkilatlanmaya, kurtuluşa davet etti.

از نظامیگری استعفا داده و دوباره ملت را به سازماندهی و آزادی دعوت کرد .

O'nun liderliğinde Büyük Millet Meclisi toplandı, Kurtuluş Savaşı (Milli Mücadele) başladı.

در زمان رهبری او مجلس بزرگ ملی ترکیه تشکیل شد، جهاد ملی آغاز شد.

Dört yıl süren 1914-1918 Savaş memleketi fakir düşürmüştü.

جنگ چهار سال ادامه یافت از ۱۹۱۴-۱۹۱۸ ملت را به وضع فقیری انداخته بود.

Gençlerin pek çoğu Savaş alanlarında ya Şehit düşmüş, yahut Sakat olmuşlardı.

بسیاری از جوانها یا در میدانهای جنگ شهید شده یا علیل شده بودند.

Silah yoktu, para yoktu, yiyecek, giyecek, hiç bir şey yoktu.

سلاح نبود، پول نبود- پوشاک و خوراک هیچ چیز نبود.

Bununla birlikte millet canla, başla kurtuluş Savaşına atıldı.

با وجود این ملت با جان و دل به جهاد ملی (جنگ آزادی) وارد شدند. (ثبت نام کردند).

Korkunç günler, umutsuz aylar, zor yıllar geçti.

روزهای سخت، ماههای ناامید و سالهای سخت سپری شد.

1921 yazında Yunan Orduları Ankara'yi almak, Türklerin bütün kuvvetlerini kırmak, Anadolu'yu baştan başa elde etmek için büyük saldırıya (taarruza) başladı.

در تابستان سال ۱۹۲۱ ارتش یونان آنکارا را تصرف و با شکستن تمام نیروهای ترک و نیز

برای گرفتن سرتاسر آناتولی (آسیای صغیر) یک جمله بزرگ را شروع کردند

Tehlike çok büyük!... خطر خیلی بزرگ بود.

"Ankara, düşman eline geçerse Türklerin savaş azmi kırılır..." diyenler çoktu.

خیلی ها می گفتند، اگر آنکارا تحت تصرف دشمن قرار بگیرد عزم جنگها ترکها نابود می شود.

Düşman ilerliyordu!... دشمن پیشروی می کرد!.....

Bu pek çok tehlikeli günlerde yetkileri (Salahiyetleri)

genişletilen Başkumandan (Başkomutan) Mustafa Kemal cephe-

ye gitti, komutayı ele aldı.

در این روزهای بسیار خطرناک با قدرت بیشتر سر فرمانده کل مصطفی کمال به جبهه رفت و

فرماندهی را بدست گرفت .

22 gün ve gece çok şiddetli savaşlar oldu.

۲۲ روزو شب جنگ‌های شدیدی درگرفت .

Düşman,yenilerek ilk mevzilerine çekildi.

دشمنان مغلوب شده به محل‌های اول خود برگشتند .

Mustafa Kemal,Sakarya Meydan Muharebesini kazanmış muza-
ffer bir komutan olarak Ankara'ya döndü.

مصطفی کمال باکسب موفقیت درجبهه ساکاریا بعنوان یک فرمانده پیروز به آنکارا برگشت .

"Düşmanı Vatanın temiz bağrında boğacağız!...diyordu.

می‌گفت ، دشمن را در سینه پاک‌وطن نابود خواهیم کرد !.....

Büyük Millet Meclisi,Mustafa Kemal Paşanın rütbesini
mareşalliğe yükseltti ve kendisine"Gazi"ünvanını verdi.

مجلس بزرگ درجه مصطفی کمال را به مارشالی ارتقاء داده وبه او لقب مجاهد داد .

26 Ağustos 1922 Sabahı Şafak sökerken Türk ordusu taar-
uza geçti.

در صبح ۲۶ اوت ۱۹۲۲ با طلوع خورشید ارتش ترک یک حمله بزرگ را شروع کرد .

Akşama doğru düşman Dumlupınar'da kuşatılmıştı .

نزدیک شب دشمن در دوملو پینار محاصره شده بود .

Dört gün süren bu yıldırım savaşı sonunda düşman,korkunç
bir yenilgiye(maglubiyete)uğramış başkumandanları esir
düşmüştü.

در نتیجه ۴ روز جنگ برق‌آسا دشمن در وضعیت وحشتناک شکست خورده وسرفرمانده‌آنها
اسیر شده بود .

On günlük bir kovalama sonunda,9 Eylül 1922'de Türk ord-
usu Izmir'i kurtardı.

ارتش بزرگ در نتیجه قرار دادن دشمن بعداز ۱۰ روزه در ۱۹ یلول سال ۱۹۲۲ از میرا
نجات داد .

Bu zafer üzerine Fransızlar, İngilizler, İtalyanlar da işgal ettikleri yerlerden çekildiler.

بدنبال این پیروزی فرانسوی‌ها، انگلیسی‌ها، ایتالیایی‌ها از جاهای تحت تصرف کرده عقب کشیدند

Böylece Türk, esaretten kurtuldu.

بدین ترتیب ملت ترک از اسارت نجات یافت.

Yeniden bağımsız (mustakil) bir devlet kurdu.

دوباره یک دولت مستقل تشکیل داد.

Lozan sulh antlaşmasıyla bu bağımsızlık bütün devletlerce edildi.

این استقلال با عهدنامه صلح لوزان از طرف تمامی دولت‌ها مورد قبول واقع شد.

KONUŞTURMALAR:

مکالمات:

-Birinci cihan savaşı başlarken Mustafa Kemal nerede idi? Rütbesi ne idi?

مصطفی کمال زمانیکه جنگ جهانی اول شروع می‌شد در کجا بود. در چه رتبه‌ای بود؟

-İlkin hangi muharebelerde komutan seçildi?

در کدام جنگ‌ها اول فرمانده انتخاب شد؟

-Ne yaptı?

چه کار کرد؟

-Rütbesi ne oldu?

چه درجه‌ای بدست آورد؟

-Çanakkale'den sonra hangi cephelerde Savaştı?

بعد از جنگ چاناک قلعه در کدام جبهه‌ها دعوا کرد؟

-Birinci cihan harbi kaç yıl sürmüştü?

چند سال جنگ جهانی اول طول کشیده بود؟

-Nasıl bitti?

چطور خاتمه یافت؟

-Mütareke ne demektir?

آتش‌بس چیست؟

- Mütareke olunca Türk yurdu ne oldu?
پس از آتش بس چه اتفاقی برای ترکیه افتاد؟
- Fransızlar nereleri işgal ediyorlardı?
کجاها را فرانسوی‌ها تصرف میکردند؟
- İtalyanlar nereleri işgal etmişlerdi?
کجاها را ایتالیایی‌ها تصرف کرده بودند؟
- İstanbul ne olmuştü?
استانبول چه چیز شده بود؟
- İzmir'e kimler asker çıkardılar?
چه کسانی به ازمیر لشکرکشی کردند؟
- Mustafa Kemal Paşa, kaç tarihinde Anadolu'ya geçti?
در کدام تاریخ مصطفی کمال پاشا وارد آناتولی (آسیای صغیر) شد؟
- Ne başladı?
چه چیز شروع شد؟
- Sakarya savaşı kaç gün sürdü? Nasıl bitti?
جنگ ساکاریا چند روز طول کشید؟ چگونه خاتمه یافت؟
- Mustafa Kemal'e "Gazi" ünvanını kim verdi?
چه کسی لقب قاضی را به مصطفی کمال داد؟
- Son taarruz hangi tarihte başladı?
حمله آخر در کدام تاریخ شروع شد؟
- Düşman ordusu ne oldu?
چه اتفاقی برای ارتش دشمن افتاد؟
- Başkumandanları ne olmuştu?
چه اتفاقی برای سرفرمانده دشمن افتاده بود؟
- Kaç tarihinde İzmir geri alındı?
در کدام تاریخ ازمیر پس گرفته شد؟
- Hangi sulh antlaşmasıyla Türkiye bağımsızlığa kavuştu?
ترکیه با کدام عهدنامه استقلال را بدست آورد؟

DİLBİLGİSİ:

دستور زبان:

۴ زمان فعل پسوند صرف می شود: Ek-fiilin dört kipi çekimlenir:

1)-di'li geçmiş kipi,-şöyle çekimlenir:

۱- زمان گذشته با

I.Şahıs	II.Şahıs	III.Şahıs	
Tekil: idim(-dim)	idin(-din)	idi(-di)	
Çoğul: idik(-dik)	idiniz(-diniz)	idiler(-diler)	
Ben Zengin idim(zengindim),			ثروتمند بودم.
Sen genç idin(gençtin),			جوان بودید؟
O (kalem idi)Kalemdi.			آن قلم بود.
Biz öğrenci idik(öğrenciydik),			مادانشآموز بودیم.
Siz nereli idiniz(nereliydiniz)?			شما اهل کجا هستید؟
Onlar şamlı idiler(şamlıydılar)...			آنها اهل شام بودند؟

2)-miş'li geçmiş kipi,-şöyle çekimlenir:

Tekil: imişim(-mişim), imişsin(-mişsin), imiş(-miş).
 Çoğul: imişiz(-mişiz), imişsiniz(-mişsiniz), imişler(-mişler-
 er): ۲- ماضی مطلق اینطور صرف می شود:

Hasta imişim(hastaymışım), zeki imişsin,(zekiymişsin).
 Genç imişiz(gençmişiz), odada imişsiniz(odadaymışınız).

3)Şart kipi:ise(-se)-şöyle çekimlenir: ۳- زمان شرط

I.Şahıs	II.Şahıs	III.Şahıs	
Tekil: Isem(-sem),	isen(-sen)	ise(-se).	
Çoğul: Isek(-sek),	iseniz(-seniz),	iseler(-seler).	
öğrenci isem(öğrenciysem),	Kuvvetli isen(kuvvetliysen).		
Dost isek(dostsak),	hemşeri iseniz(hemşeriyseniz).		

4)Geniş zaman kipi.-şöyle çekimlenir:

۴- زمان حال ساده اینطور صرف می شود.

I.Şahıs	II.Şahıs	III.Şahıs	
Tekil: -im	-sin	-dir	مفرد
Çoğul: -iz	-siniz	-dirler.	جمع

Ben askerim, öğrenciyim. Biz insanız, vicdanlıyız.

O zekidir.

Siz gençsiniz, çalışkansınız. Sen nerelisin?

Onlar kimdir?

Ek-fiillerin imlası: املاء فعلهای پسوند دار:

1) Ek-fiiller, gerektiğince, ayrı yazılır, ayrı söylenebilir.

اگر لازم باشد فعلهای پسوند دار جدا نوشته و جدا نیز خواننده می شود.

2) Ek-fiiller bitişik yazılınca -Öteki ekler gibi kelimelere uyarlar.

فعلهای پسوند با متصل نوشته شدن مثل پسوندهای دیگر با همصدائی کلمات هماهنگ می شوند.

ALİŞTIRMALAR:

1) "Güzel" kelimesini ek-fiilin -di'li geçmiş kipinin III. tekil şahsıyla birleştiriniz.

Bir cümlede kullanınız.

2) "İyi" kelimesini ek-fiilin -di'li geçmiş kipinin II. çoğul şahsıyla birleştiriniz.

Bir cümlede kullanınız.

3) "Kuvvetli" kelimesini ek-fiilin -miş'li geçmiş kipiyle yüklem yapınız.

II. tekil şahsıyla bir cümle kurunuz.

4) "Orada" kelimesini ek-fiilin Şart kipiyle yüklem yapınız Şahıslara göre çekimleyiniz.

5) Ek-fiilin geniş zaman kipinin III. çoğul şahsıyla bir ismi yüklem yapınız.

Bir cümle kurunuz.

6) Bu yüklemi şahıslara göre çekimleyiniz.

معنی	تلفظ	لغت
حاکم	حاکیم	Hakim
شهرداری	بُلْدیه	Belediye
سناتور	سناتر	Senator
کلاه	شاپکا	Şapka
از نظر قیافه	کتلئکچا	Kılıkça
شبهت داشتن	بِن زِمک	Benzemek
تقویم	تاک ویم	Takvim
علاقمند شدن	ایل گی لن مک	İlgilenmek
نوبت - ردیف	سئرا	Sıra
مختصر	سادکَش تیرِم	Sadeleştirme
خلاصه	أز لَش تیرِم	Özleştirme
جریان	آکئم	Akım
موسسه به بنگاه	کوروم	Kurum
وظیفه	گُرو	Görev
ملاقات دادن	کاوش تورماک	Kavuşturmak
تجدید شدن - تازه کرده شدن	ینی لَش مک	Yenileşmek
جوان شدن	گنچ لَش مک	Gençleşmek
انقلاب	دوریم	Devrim
برداشتن - رد کردن	کال دئرماک	Kaldırmak
به تحصیل واداشتن	أکوت ماک	Okutmak
قانون	کانون	Kanun
تأمین شدن - برقرار شدن	ساغ لاماک	Sağlanmak
پرورش یافتن	پیتیش مک	Yetişmek
تک همسری	تک اولی لیک	Tekevlilik
مهندس	موهن دیس	Mühendis
قاضی	آووکات	Avukat

معنی	تلفظ	لغت
تا به آن روز	اُگونِ دِیین	O güne değin
منابع	کای ناکلار	Kaynaklar
تحقیق کردن	آراش تثرماک	Araştırmak
روشن گردانیدن	آی دئن لات ماک	Aydınlatmak
عمومی	گنل	Genel
هدف	آماچ	Amaç
کاپیتراسیون – سرمایه داری	کاپی تولاسین	Kapitülasyon
اقتصاد	اِکْنَمی	Ekonomi
زراعت	زیراآت	Ziraat
منظم کردن – مرتب کردن	دوزن لمک	Düzenlemek
شهرت	سی آدی	Soyadı
سرباز	آسگر	Asker
محافظت کردن	کروماک	Korumak
تحقق یافتن	گرچک لش مک	Gerçekleşmek
پیمان – قرارداد بین المللی	پاکت	Pakt
از یاد بردن – سبب فراموشی شدن	اونوت تورماک	Unutturmak
نزدیک گردانیدن	پاک لاش تثرماک	Yaklaştırmak
برادر کردن	کاردشات مک	Kardeşetmek
به همدیگر	بیربیرین	Birbirine
بی کس – یتیم	اک سوز	Öksüz
گم کردن	کایب ات مک	Kaybetmek
عذاب کشیدن – پیچیدن	کئوران ماک	Kıvrانmak
نشان دادن – پخش کردن	ساچ تثرماک	Saçtırmak
دل	گنول	Gönül
ملل متحد	بیرلش میشمیلت	Birleşmiş milletler
قرار	کارار	Karar

معنی	تلفظ	لغت
یادبود	آن ما	Anma
آگهی	بیل دیری	Bildirir
مشخص کردن	بلیرت مک	Belirtmek
دو برابر کردن	ای کی لش تیرمک	İKileştirmek
دو برابر شدن	کات مرلش مک	Katmerleşmek
حکایت	حی کایه	Hikaye
روایت	ری وایت	Rivayet

ATATÜRK

III

Büyük zaferi kazanarak milletini esirlikten, kurtaran Gazi Mustafa Kemal paşa, görevini (vazifesini) bitmiş saymadı.

قاضی مصطفی کمال پس از کسب پیروزی بزرگ و نجات ملت از اسارت وظیفه خود را تمام شده ندانست .

Düşmanlardan kurtulan milleti Batı uygarlığına (Garp medeniyetine) kavuşturmak istiyordu.

می خواست ملتی را که از دست دشمن ها نجات یافته با تمدن غرب آشنا کند .

Türk ulusunun yenileşip gençleşmesini istiyordu.

جوان شدن و تمدن شدن ملت ترک را می خواست .

Bunun için de devrimler (inkilaplar) düşünüyordu.

به همین دلیل به انقلابها فکر میکرد .

Hemen başladı:

فورا " انقلاب را شروع کرد .

Padişahlar idaresi kaldırıldı, Cumhuriyet kuruldu (29 Ekim-1923).

اراده کردن پادشاهان را منحل کرد ، جمهورییت تشکیل شد . در ۲۹ مهر سال ۱۹۲۳ میلادی .

Ondan sonra şu devrimler birbirinin ardından geldi.

بعد از آن این انقلابها بدنبال هم اتفاق افتاد .

Osmanlı devrinde medreseler vardı.

مدرسهها (مکتبها) در دوره عثمانی وجود داشت ؟

Ayrı şeyler okutulardı.

چیزهای دیگری تدریس می شد .

Bir kanunla medreseler kapandı, eğitim ve öğretim bir-liği Sağlandı.

بایک قانون مدرسهها بسته شد هماهنگی آموزش تعلیم و تربیت برقرار شد .

Türk Çocukları da Batılı kardeşleri gibi okuyup yetişeceklerdi. بچه‌های ترک هم مثل برادران و خواهران ترک خود، تحصیل کرده و پرورش خواهند یافت. Medeni Kanunla tek evlilik usulu yerleşti.

با قانون مدنی اصول تک همسری بجای چند همسری جایگزین شد.

Eşit haklara kavuşan kadın, seçimlere katılacak, seçecek ve seçilecekti.

زنی که دارای حقوق مساوی با مردان است در انتخابات شرکت خواهد کرد و انتخاب خواهد نمود و انتخاب خواهد شد.

Takvim ve saat değişimi de bir devrim oldu.

تعویض ساعت و تقویم هم یک انقلاب شد.

1928 de Latin esasından alınan yeni Türk Alfabeti kabul edildi.

در سال ۱۹۲۸ الفبای جدید ترکی که اساس آن از لاتین گرفته شده مورد قبول واقع شد. Atatürk bu harf devrimiyle çok yakından ilgileniyor, şehirlerde, kasabalarda, köylerde kara tahta başında halka dersler veriyordu.

آتاتürk با دگرگونی حرف‌های ترکی از نزدیک علاقمند می‌شد.

در سر تخته سیاه در شهرها و قصبه‌ها و دهات ب مردم درسها تدریس میکرد.

Sıra dil devrimine gelmişti. نوبت به دگرگونی زبان آمده بود.

"Osmanlıca" bir halk dili, ulus dili değildi.

زبان عثمانی زبان مردمی و زبان ملت نبود.

Onu ancak yüksek öğrenim görmüşler anlayabiliyordu.

زبان عثمانی را فقط کسانی که دارای تحصیلات عالیه داشتند می‌توانستند درک بکنند.

Onu ulusun, halkın dili yapmak için sadeleştirme, özleştirme akımı (cereyanı) başladı.

برای اینکه بتواند زبان ترکی را از زبان ملت و خلق بکند جریان خلاصه و ساده کردن آنرا شروع کرد.

Türk Dil Kurumu açıldı. موسسه زبان ترک گشایش یافت.

Böylece Türk diline de bağımsızlığını kazanma yolu bulun-

du. بدین ترتیب راه استقلال زبان ترکی نیز بوجود آمد.

Türk Tarih Kurumu, o güne değin (kadar) iyice bilinmeyen Türk tarihinin kaynaklarını araştırmak, Anadolu tarihini aydınlatmak, genel tarihe ışık tutmak amacıyla kuruldu.

تحقیق کردن منابع تاریخ ترک که تا به آن روز بخوبی مشخص نبوده و جهت روشنائی بخشیدن به تاریخ عمومی موسسه تاریخ ترک با هدفها تشکیل شد.

Kapitülasyonların kalkmasıyla serbestleyen Türk ekonomisine yeni yönler verildi.

با لغو کاپیتولاسیون به اقتصاد آزاد شده ترک روشهای جدیدی داده شد.

Fabrikalar açıldı, yollar yapıldı, ziraat ve iş hayatı düz-enlendi.

کارخانهها باز شد، راهها ساخته شد. زراعت و زندگی مردم نظم و ترتیب یافت.

1934 de Soyadları kanunu çıktı.

در سال ۱۹۳۴ قانون اسم گذاری فامیلی بوجود آمد.

Büyük Millet Meclisi ona "Atatürk" Soyadını verdi....

مجلس بزرگ ملت به مصطفی کمال نسبت آتاتورک را (پدر ترک) داد....

Atatürk, büyük meydan muharebeleri kazanmış eşsiz bir asker olmakla birlikte harbi sevmezdi.

آتاتورک با وجود اینکه یک سرباز بی نظیر و موفق در میدان جنگ بود حرب را دوست نداشت.

Insanlığı bu büyük felaketten Korumak için "Yurtta Sulh, cihanda Sulh" ülkü edinmişti.

آتاتورک برای نجات انسانیت از این فلاکت بزرگ آرزوی صلح در وطن و صلح در جهان را کرده بود.

Bunu gerçekleştirebilmek için komşu devletler arasında paktlar kuruyor, düşmanlıkları unutturarak ulusları birbirine yaklaştırmak, kardeş etmek istiyordu.

آتاتورک برای به حقایق رساندن صلح در میان دولتهای همسایه پیمان و قراردادهای بین المللی می بست با فراموشی دشمنی های خواست ملتها با هم دوست و برادر شوند.

- Niçin? چرا؟
- Kurduđu iki bilim(ilim)Kurumu hangileridir?
درموسسه علمی تشکیل داده کدامها می باشد؟
- "Atatürk"soyadını ne vakit aldı?
چه وقت آتاتورک این نسبت را بدست آورد؟
- Pek büyük bir komutan olan Atatürk,harbi sever miydi?
آیا آتاتورک بعنوان یک فرمانده خیلی بزرگ جنگ را دوست میداشت؟
- Harbi insanlık için ne sayardı? چه می شمرد؟
-Ondan kurtulmak için neyi ülkü edinmişti?
چه چیز را برای نجات از جنگ آرزو کرده بود؟
- Bu ülküsünü gerçekleştirmek için neler yapıyordu?
چه کارها برای به حقیقت رساندن این آرزویش انجام می داد؟
- Atatürk hangi tarihte vefat etti?
در کدام تاریخ آتاتورک وفات یافت؟
- Kaç yaşında idi? چند ساله بود؟
- Ölümünün 25.yılı dönümünde neler yapıldı?
در بیست و پنجمین سالگرد وفات او چه چیزها برگزار شد.
- Bu anma törenlerini yalnız Türkler mi yaptılar?
آیا فقط ترکها این مراسم یادبود را انجام دادند؟
- Niçin? چرا؟
- Siz bu anma törenini gördünüz mu?Nerede idiniz?
آیا شما این مراسم یادبود را دیدید؟ در کجا بودید؟

DILBİLGİSİ:

دستور زبان:

Bileşik Zamanlı fiiller:

زمان فعلهای مرکب

Ek-FIILLER:

فعلهای پسوند دار:

1)Isim Soylu kelimelere gelerek onları yüklem yapar(bunu-

önceki derslerde gördük).

۱- فعلهای پسوند دار به آخر کلماتی که دارای ریشه اسم می باشند آمده آنها را فعل می سازد .

2) Fiillere gelince onların zamanlarını ikileştirir:

۲- فعلهای پسوند دار. با آمدن به فعلها زمان آنها را مرکب می کند .

"Anlatacak" gelecek zaman kipidir:

خواهد فهماند - زمان آینده می باشد .

Öğretmen dersi anlatacak. معلم درس را شرح خواهد داد .

"Anlatacaktı" geçmiş zamanda: زمان آینده در گذشته .

Öğretmen ders anlatacaktı.

"Düşünüyor"şimdiki zaman kipidir:o düşünüyor.

فکر می کند . زمان حال ساده می باشد ، او فکر می کند .

"Düşünüyordu" geçmiş zamanda: فکر میکرد . در زمان گذشته .

Atatürk devrimler düşünüyordu. آتاتورک بانقلابها فکر می کرد .

"Sever"geniş zaman kipidir:0,milletini sever.

دوست میدارد . زمان حال ساده می باشد . او ملتش را دوست میدارد .

"Severdi" geçmiş zamanda: دوست میداشت ، زمان گذشته می باشد .

Atatürk bütün insanları severdi.

آتاتورک تمامی انسانها را دوست می داشت .

"Okumalı" gereklik kipi: Bu kitabı okumalı.

بایستی بخواند . زمان اجبار می باشد . او باید این کتاب را بخواند .

"Okumalı imiş" geçmiş zamanda: Bu kitabı okumalıymış.

بایستی خوانده ، زمان گذشته می باشد او بایستی این کتاب را خوانده .

"Okudu"-dil'li geçmiş kipi: Ali kitabı okudu.

خواند - زمان گذشته ساده - علی کتاب را خواند .

"Okudu ise,okuduysa" fiile şart anlamı da Katılmıştır.

اگر بخواند - وجه شرط می باشد . به فعل مفهوم شرط میدهد .

3) Idi ile birleşen fiillere hikaye denir:

۳- فعلهایی که با ترکیب می شود فعل حکایت خوانده می شود .

"Anlatacakti"Gelecek zamanın hikayesidir...

شرح خواهد داد . حکایت زمان آینده می باشد .

-di'li geçmiş fiillerindeki Şüpheyi giderir, kesinleştirir:

در زمان که با آن استعمال می شود ، حالت شک فعل از بین رفته و بصورت قطعی درمی آید .

"Ali Ankaraya gitmiş".Gittiğini görmedim.

Söylediler,şüpheliyim.Fakat:

علی به آنکارا رفته رفتنش را ندیدم – گفتند – شک دارم – فقط:

"Ali Ankaraya gitmişti."Gittiğinde şüphe yoktur.

علی به آنکارا رفته بود . شکی در رفتنش وجود ندارد .

4)imiş ile birleşen fiillere rivayet denir.

فعلیهائی که با imiş ترکیب می شوند فعل روایت گفته می شود .

a)Fiillere şüphe anlamı katar:Bilirmiş,istiyormuş,öğrenecekmiş...

به فعلها مفهوم شک و تردید می دهد . می خواسته ، یاد خواهد گرفت

b)-miş'li geçmiş kipinin rivayetinde şüphe anlamı katmerleşir,alay anlamı sezilir:Bilmişmiş Görmüşmüş!...

اگر می بیند بصورت دوباره تکرار شود شک زیاد در روایت وجود دارد .

ALİŞTIRMALAR:

1)Şu cümlelerin yüklemelerine hikaye anlamı parçaları gösteriniz:

Atatürk,milletleri kardeş etmek istiyordu.Harbi Sevmezdi. Türk çocukları da Batılı kardeşleri gibi okuyup yetişeceklerdi.

"Yurtta sulh,cihanda sulh"u ülkü edinmişti.

Bütün müslüman milletler gibi Türkler de birkaç kadınla evlenebilirlerdi.

2)Şu cümlelerin yüklemelerine hikaye anlamı katınız:

Atatürk,harf devrimiyle yakından ilgilenmiş...

Sıra dil devrimine gelmiş...

Atatürk,barışı gerçekleştirmek için komşu devletler arasında paktlar kuruyor...

Bu paktlar,barışı sağlayacak...

Atatürk harbi sevmez...

معنی	تلفظ	لغت
شفا پیدا کردن	شیفا بولماک	Şifa bulmak
خدمتکار	هیزمت کار	Hizmetkar
فلان	فی لان	Filan
کاروانسرا	کروان سارا	Kervansara
لکن	لاکین	Lakin
وارد شدن - پائین آمدن	این مک	Inmek
چطور	نی جه	Nice
چه کسی را	کیم سیی	Kimseyi
خوب کردن	ای بی ات مک	Iyietmek
آرزو	آرزو	Arzu
بی نهایت	گایت	Gayet
خوش سیما	گوزل یوزلو	Güzelyüzlü
خوش تیپ	موتناسیب آزالی	Mütenasipazalı
بخارا	بوهارا	Buhara
اطراف	جی وار	Civar
اهل بلخ	بلح لی	Belhli
باهوش فوق العاده	الاجان اوستو	Olağanüstü
در برگرفتن - شامل شدن	کاوراماک	Kavramak
طایفه سامانیان	سامان اغولاری	Samanoğulları
کتابخانه	کی تاپ لئک	Kitaplık
فرصت	فئرسات	Firsat
بسیاری	بیر چغو	Birçoğu
اروپا	آوروپا	Avrupa
ترجمه شدن	چوریل مک	Çevrilmek
گرفتن	توت ماک	Tutmak
حکمران	هوکوم دار	Hükümdar

معنی	تلفظ	لغت
فلان	فی لان	Filan
به طرف	دغرو	Doğru
توافق	آن لاش ما	Anlaşma
خسته	ییرگون	Yorgan
هنرهای زیبا	گوزل سانات لار	Güzel sanatlar
مناسب	آل وریش لی	Elverişli
برای - بخاطر	آتورو	Ötürü
معالجه کردن	تداوی ات مک	Tedavi etmek
مثبت	پزتیف	Pozitif
دیروزی	دون کو	Dünkü
جمعیت	نوفوس	Nüfus
بردن	گتورمک	Götürmek
ریش - بلند شدن	تتراشی گل مک	ƒıraşı gelmek
ضعیف شدن	ضایئف لاماک	Zayıflamak
حوالی	حاوالی	Havalı
محله	ماحال له	Mahalle
نبض	نابز	Nabz
غریب	قاریپ	Garip
حرکت	حارکت	Hareket
متمد - مورد اطمینان	موت مت	Mutemet
برگرداندن	دن دورمک	Döndürmek
دختر	کئز	Kız
دارو	ای لاچ	Ilaç
ازدواج کردن	اولن مک	Evlenmek

Ord.Prof.Süheyl Ünver'in bir konferansından .

Ibni Sina,980(hicri 370)yılında Orta Asyada,Buhara civarında.

Afşin'de doğmuştur.

ابن سینا در سال ۹۸۰ در اطراف بخارا در شهر افشین در آسیای صغیر متولد شده است .
Annesi Buharalı,babası Belhlidir.

مادرش اهل بخارا و پدرش بلخی بود .

Ibni Sina,olağanüstü zekasıyla zamanın akli(pozitif)bilimlerinin(ilimlerinin)hepsini kavramış,pek genç yaşında büyük bir bilgin olmuştu.

ابن سینا باهوش فوق العاده ، تمامی علمهای مثبت دوران را فهمیده و در سنین بسیار جوان دانشمند بزرگی شده بود .

Onaltı yaşındayken Buhara padişahı Samanoğullarından Nuh bin Mansur'u hastâliğından kurtardığı için Sarayın kitaplığına girip çalışmak fırsatını kazanmıştı.

زمانیکه ابن سینا در ۱۶ سالگی بود از طایفه سامانیان نوح بن منصور (پادشاه بخارا) را بخاطر نجات دادن از بیماری به کتابخانه کاخ وارد فرصت مطالعه کردن را بدست آورده بود .

Ibni Sina,Doğunun(Şarkın)en büyük bilgini,filozofu ve hekimidir.

ابن سینا یکی از بزرگترین دانشمند و فیلسوف و پزشک شرق می باشد .
Kitaplarından birçoğu Avrupa dillerine çevrilmiştir.

بسیاری از کتابهای او به زبانهای اروپائی ترجمه شده است .

XVIII yüzyıl Sonlarına kadar Batı(Garp)tıp öğreniminde önemli yer tutmuştur.

تا قرن ۱۸ در دانش پزشکی غرب جای مهمی بدست آورده است .

Ibni Sina'nin zekası, kudreti hakkında pek çok kitaplar yazılmıştır.

در مورد قدرت و هوش ابن سینا کتابهای بسیار زیادی نوشته شده است .
O'nu ilim ve fen adamları kadar halk da benimsemiş ve
hakkında doğru tarafi çok olan rivayetler Söylenmiştir.
مردم او را به اندازه آدمهای اهل فن و علم پسندیده و در مورد او روایتهائی که حقیقت
داشته گفته شده است

Bunlardan biri: یکی از روایتهای ابن سینا :

Gürgân Hukumdarı Kabus Veşmegir'in akrabasından bir genç
hastalandı. از فامیل قابوس و شمگیر حکمران گرگان یک جوان بیمار شد .
Hekimler iyi olması için çalıştılar, şifa bulmadı.

پزشکان برای خوب شدن او فعالیت اما شفا نیافت .

Kabus'un ona sevgisi çoktu. علاقه قابوس به او خیلی زیاد بود .

Hizmetkarlarından birisi: یکی از خدمهها :

"Fılan Kervansaraya genç ve lakin büyük bir hekim inmiştir-
ir. Nice kimseyi iyi etti" dedi.

گفت ، به فلان کاروانسرا یک پزشک بزرگ و جوان آمده است .

گفت - چطور! فلانی را خوب کرد .

Kabus'un arzusuyle Ibni Sina'yi hastaya götürdüler.

باخواست قابوس ابن سینا را پیش بیمار بردند .

Gayet güzel yüzlü ve mütenasip azalı bir genç yatıyordu.

یک جوان کاملاً "خوش تیپ و زیبا خوابیده بود .

Tıraşı gelmiş, zayıflamış... .. ضعیف شده .

Oturup nabzini tuttu.

نشسته و نبض او را گرفت .

Idrarını isteyip gördü:

ادرار او را خواسته و دید .

"Bana bütün Gürgân havalisini ve mahallelerini tanıyan
bir adam lazımdır".

بمن یک شخصی که تمام حوالی گرگان و محلههای آن را می داند لازم است .

Getirdiler. Hastanın nabzını eline alıp o adama:

"Gürgân'in civarını ve mahallelerini adlarıyla Söyle"dedi
 آن شخص را آوردند . نبض مریض را ابن سینا در دستش گرفته سپس به آن شخص گفت: اسامی
 محله‌ها و حوالی گرگان را بگو ."

شخص شروع به گفتن کرد . Adam, Söylemeğe başladı.

Bir Sokağın adını Söyleyince hastanın nabzi o garip hare-
 keti yine yaptı. موقع گفتن یک محله نبض بیمار آن حرکت عجیب را دوباره انجام داد.

Ebu Ali dedi ki: "Bu Sokaktaki bütün evleri bilen bir adam
 lazımdır." getirdiler.

ابوعلی سینا گفت ، یک شخصی که تمامی خانه‌های این کوچه را می‌داند لازم است .
 شخص را آوردند .

شخص اسم خانه‌ها را شروع به گفتن کرد . Evleri Söylemeğe başladı.

Bir eve gelince o hareket yine oldu.

با گفتن یک خانه آن حرکت دوباره شد .

Ebu Ali: "Şimdi bu evdekilerin adlarını iyice bilen bir
 adam lazım" dedi.

ابوعلی گفت "یک شخصی که بخوبی اسامی کسانی که در خانه زندگی می‌کند می‌داند لازم
 است ."

Öyle bir adam getirdiler. یک آدم که تمامی کسان خانه را بداند آوردند .

Isimleri Söylemeğe başladı. آن شخص به گفتن اسامی شروع کرد .

Bir isme gelince o hareket yine oldu.

با گفتن یک اسم آن حرکت دوباره شد .

O vakit Ibni Sina: "tamam!" dedi ve yüzünü kabus'un müteme-
 dine döndürüp:

آن موقع ابن سینا گفت کافی است .

سپس صورتش را به کسی که مورد اعتماد قابوس بود برگردانده:

"Bu genç filan mahallede, filan sokakta, filan evde, filan
 adlı bir kıza aşıktır. İlacı o kızla evlenmesidir" dedi.

"این جوان بیک دختر در فلان محله در فلان کوچه و فلان خانه عاشق است . گفت . درمانش

از دواج کردن با آن دختر است ."

Hasta, kulak Veriyordu. بیمار گوش میداد .

Hoca Ebu Ali Sina'nin sözlerini işitince Utancından başını yorganın içine çekti.

بیمار با شنیدن حرفهای استاد ابوعلی سینا از خجالت سرش را به زیر لحاف کشید .

Böylece İbni Sina'nin dediğinin doğruluğu anlaşıldı.

بدین ترتیب حقیقت گوئی ابن سینا دانسته شد .

KONUŞTURMALAR :

مکالمات :

-İbni Sina kaçınıcı yüzyılda doğmuştur? Nerelidir?

ابن سینا در کدام قرن متولد شده است؟ اهل کجا بود؟

-Bugünün anlayışına göre bilimler iki gruba ayrılır:

نسبت به طرز فهم امروزه علمها به دو گروه تقسیم می شوند .

1) Nörmatif bilimler: Güzel sanatlar, din bilimleri...

۱- هنرهای زیبا : علمهای مذهبی .

2) Pozitif bilimler: Biyoloji, fizik, kimya gibi...

۲- علمهای مثبت ، مانند زیست شناسی ، فیزیک ، شیمی

علمهایی که با آزمایش ارتباط دارند .

-İbni Sina'yi büyük bilgin yapan hangi bilimlerle uğraşmasıdır?

مشغول شدن با کدام علمها ابن سینا را دانشمند بزرگ کرده است؟

-İbni Sina'nin eserleri kaçınıcı yüzyıla kadar batı üniversitelerinde önemli yer tutmuştur?

اثرهای ابن سینا تا کدام قرن در دانشگاههای غرب اهمیت فراوان داشت؟

-İlk tedavi ettiği hükümdar kimdir?

اولین حکمران را که معالجه کرد چه کسی است؟

-Bu başarısından ötürü ne kazanmıştır?

از برای این موفقیت چه چیز ابن سینا کسب کرده است؟

-Nasıl insanlar hakkında rivayetler söylenir?

چطور در مورد انسانها روایتها گفته می شود؟

-Bu rivayetlerden birine göre İbni Sina kimi tedavi etmiştir? نسبت به یکی از این روایت‌ها ابن سینا چه کسی را معالجه کرده است؟

-Gencin hastalığını nasıl teşhis etmişti?

چطوری بیماری جوان را تشخیص داده بود؟

Bunu kısaca anlatınız.

بطور خلاصه شرح دهید:

DİLBİLGİSİ:

دستور زبان:

"Ebu Ali dedi ki bu sokaktaki bütün evleri bilen bir adam lazımdır".

Bu cümlede iki tane "ki" vardır. در جمله بالا ئی دو "که" وجود دارد.

1) Birincisinin anlatılabilir bir anlamı yoktur.

که اولی مفهومی ندارد می‌توان گفت.

Görevi, anlamca ilgili iki cümleyi bağlamaktır.

که ای که دو جمله را به هم دیگر ربط می‌دهد.

Bu görevdeki "ki"ler ayrı yazılır:

"که" - دو جمله را به هم ربط می‌دهد بطور جدا نوشته می‌شود.

"Herkes bilir ki çalışmayan kazanamaz".

هرکس می‌داند کسی که فعالیت نمی‌کند موفق نمی‌شود.

İki cümle birbirine bağlanmıştır. دو جمله به هم دیگر ربط شده است.

Bir örnek daha:

یک مثال دیگر:

Öyle sanıyorum ki imtahanlar Mayıs sonlarında olacaktır.

آنطور می‌فهمم (حدس می‌زنم) که امتحانات در آخر مه انجام خواهد شد.

2) İkinci "ki":

که دومی:

a) -de ekinden sonra gelmiştir. که دومی بعد از پسوند -de آمده است.

-deki'nin anlamı "-de olan, -de bulunan" dir.

پس مفهوم مالکیت یعنی در می‌باشد.

Sokaktaki (Sokakta bulunan) Kalabalık..... است که در کوچه است

Sizdeki(Sizde olan)kitabı görmek istiyorum.

کتابی که در خانه شماست من خواهم ببینم .

b) Bir de zaman adlarından sonra gelen "ki" vardır

که دیگری که بعد از اسمی زمان می آید .

Dünkü(dün olan) Kaza...

حوادث دیروزی .

Bügünkü(bügün olan, okunan) ders...

درس امروزی (درسی که مربوط به امروز است) .

Yarınki(yarın olacak, yapılacak) maç...

مسابقه فردا (مسابقه‌ای که فردا انجام خواهد شد) .

Bu "ki" lerle türemiş kelimeler birer sıfattır.

کلمه‌هایی که با که بالائی تشکیل می‌شوند یک صفت می‌باشند .

Bu sıfatlar isim gibi de kullanılırlar:

این صفت‌ها اسم نیز استعمال می‌شوند .

Sokaktakiler, Sizdekini, dünküler unutuldu.

Bügünkünü okuyalım...

3) Anlamı, görevi bunlara benzemeyen bir "ki" daha vardır:

که دیگری وجود دارد که از دو تا که بالائی طرز استعمال اش جدا می‌باشد .

İsim takımlarında tamlayanın sonuna gelir, tamlananın

yerini tutar:

در ترکیبات اضافی به آخر مضاف‌الیه آمده و جای مضاف را می‌گیرد .

"Ahmet'in kalemi Ali'nin kaleminden pahalıdır".

"قلم احمد گرانتر از قلم علی می‌باشد .

Cümlesi "Ahmet'in kalemi Ali'ninkinden pahalıdır".

Şeklinde söylenirse daha güzel olur, çünkü kelimeler

tekarlanmamış olur.

قلم احمد از مال علی گرانتر می‌باشد اگر به این شکل گفته بشود بهتر می‌شود زیرا کلمات

تکرار نمی‌شود .

İki örnek daha:

دو مثال دیگر:

Komşunun evi bizim evden yüksektir.

خانه همسایه از خانه ما بلندتر می باشد .

Komşunun evi bizimkinden yüksektir.

خانه همسایه از مال ما بلندتر می باشد .

Benim kitabım yok,Senin kitabın nerede?

کتاب من نیست کتاب شما در کجاست ؟

Benim kitabım yok,Seninki nerede?

کتاب من نیست مال شما کجاست ؟

Bu "ki"ler mal,mulk,aitlik anlamına gelir.

این که ها به مفهوم ، مال و ملک – مربوط بودن استعمال می شود .

ÖZET:Türkçede üç türlü "ki"vardır:

خلاصه: در ترکی سه نوع که وجود دارد .

1)İlgili cümleleri bağlar,ayrı yazılır.

۱- دو جمله را بهم ربط می دهد و جدا نوشته می شود .

2)Sonuna geldiği kelimeleri belirtme sıfatı yapar:

۲- به آخر کلماتی که می آید صفت مشخص را درست می کند .

a)Varlıkların yerlerini belirtir:Evdeki kitap...

جای هستی ها را مشخص می کند ، کتابی که در خانه

b)Varlıkların zamanını belirtir:Düñkü ders...

زمان هستی ها را مشخص می کند ، درس دیروزی

Bu "ki" bitişik yazılır.

این "که" وصل شده نوشته می شود .

3)İsim takımlarında tamlananın yerini tutan "ki" de bitişik yazılır.

۳- در ترکیبات اضافی جای مضاف را گرفته "که" هم وصل شده نوشته می شود .

ALİŞTİRMALAR:

1)Şu cümleleri "ki" lerle bağlayınız:

Siz de bilirsiniz...kazanmak için çalışmak lazımdır.

Türkçe kolay bir dildir İyice inandım.

Kapı açılmadı.İçeri girelim.

2)Şu kelimelere"-(de)ki"ekini takarak birer cümlede kullanınız:

Orhan,arkadaş,buyıl,üniversite,profesör,geçen gün,
sabah...

3)Aşağıdaki cümlelerde tekrarlanmış kelimeler var.Bunlardan birer tanesini atınız.

Yerlerine ne koymak lazım:

Ali'nin paltosu Hasan'in paltosundan uzundur.

Kırların havası şehirlerin havasından daha temizdir.

Londranın nüfusu parisin nüfusundan Çoktur.

Bizim fakülte sizin fakülteye yakındır.

Benim kitabım evde kalmış,sizin kitabınızdan faydalanabilir miyim?

معنی	تلفظ	لغت
جزیره	آرا	Ada
وحشی	واحشی	Vahşi
طرف - جهت	یُن	Yön
لخت	چئپلاک	Çıplak
دوره	دویر	Devir
ابتدائی	ایل کل	İlkel
تخمین زدن	تاحمین ات مک	Tahmin etmek
علامت	ای شارت	Işart
صدا کردن - خواندن	سسلن مک	Seslenmek
همسر	اش	Eş
محدود	سنئرلی	Sınırlı
جستجو کننده	آرائیجی	Arayıcı
طرز گفتن	دیش	Deyiş
احتیاج	ایح تی یاچ	Ihtiyaç
امروزی	بوگون کو	Bügünkü
جستجو کردن	آراماک	Aramak
پیدا کردن	بولماک	Bulmak
آینده	گل جک	Gelecek
کشف	کشیف	Keşif
ایجاد	ایجات	Icat
کمک کننده	یاردئم جی	Yardımcı
توافق	آن لاش ما	Anlaşma
مرکز	مركز	Merkez
دور مانده	اوزاک کالمش	Uzak kalmış
صحرا	چل	Çöl
متمدن	اوی گار	Uygar

معنی	تلفظ	لغت
کافی بودن	یتمک	Yetmek
بی کفایت - ناکافی	یتر سیز	Yetersiz
هم وطن	یورت تاش	Yurttaş
زبان مادری	آنادیلی	Anadili
دیگر	باشکا	Başka
حرف ندا	اون کم	Ünlem

DİL زبان

Eskiler:"insan,konuşan hayvandır." demişler.

گذشتگان گفته‌اند که انسان یک حیوان سخن‌گوست .

آیا این طرز گفته راجعاً می‌دانید ؟ ؟
Bu deyişi yerinde buluyor musunuz?
Insanı hayvanlardan ayıran fark akıldır,zekadır,düşüncedir.
فرق بین انسان و حیوان عقل و هوش و طرز فکر می‌باشد .

Insan zekidir. انسان باهوش است .

Ihtiyaç duydukça düşünür,kolaylıklar arar.

زمانیکه ضروری باشد فکر می‌کند و راههای آسان جستجو می‌کند .

Ihtiyacını giderecek yollar bulur.

برای رفع احتیاج راههای پیدا می‌کند .

Bugünkü uygarlıklar(medeniyetler)bu aramaların ve bulmalarının sonucudur.
تمدن امروزی نتیجه این جستجوها و کشفیات می‌باشد .

Gelecek ilerlemeler,keşifler,icatlar da böyle aramalardan doğacaktır.

پیشرفته‌ها و کشفها و ایجادهای آینده نیز از این جستجوها بوجود خواهد آمد .

Bu arayip bulmaların,uygarlıkların en büyük yardımcısı

زبان – بزرگترین کمک کننده تمدن در جستجوها و کشفیات می‌باشد .
"dil"dir.
Dil,anlaşma yoludur. زبان راه توافق است .

İlk insanlar,en eski çağlarda,hayvanlardan pek farklı

değildi. انسانهای اولیه در زمانهای قدیم از حیوانها زیاد فرقی نداشتند .

Bugün bile medeniyet merkezlerinden uzak kalmış yerlerde,
çöllerin ortalarında,uzak adalarda yaşayan vahşilerin de
hayvanlara benzeyen yönleri var:

امروزه نیز بین وحشی‌ها که در جاهای دور مانده وسط صحرا و جزیره‌های دور افتاده و دور
از مرکز تمدن زندگی می‌کند جهت‌های مشابهی با حیوان‌ها دارند لخت‌زندگی می‌کنند .

Çiplak gezerler, dillerindeki kelime sayısı birkaç yüzü aşmaz. تعداد کلمه در زبانشان بیش از چند صدتا تجاوز نمی‌کند.

Çok eski devirlerde, insanların daha ilkel (iptidai) olduklarını tahmin edebiliriz.

می‌توان در زمانهای بسیار قدیم ابتدائی بودن انسان را تخمین زد.

Konuşmanın bulunmadığı çağlarda insanlar işaretlerle anlaşılırdı.

در زمانهایی که صحبت کردن کشف نشده بود انسانها با اشارت باهمدیگر توافق میکردند.

Anlaşmaya yarayan işaretler şunlardı:

اشاره‌هایی که برای توافق بدرد می‌خورد عبارتند از:

۱- اشاره‌های چشم و صورت. 1) Yüz, göz işaretleri (mimikler).

2) El ve gövde işaretleri (jestler).

۲- اشارت‌های دست و بدن (تنه) (ژست‌ها).

۳- صداکردن‌ها: 3) Seslenmeler.

İlkel insan, eşine, yavrusuna, arkadaşına düşüncelerini, isteklerini bu işaretlerle anlatmıştır.

انسان‌های اولیه طرز فکرهایش و خواسته‌هایش را به همسر و فرزند و دوستانش با اشارت‌ها می‌فهمانده است.

0 yaşayışı göre anlatılacak şeyler az, düşünceler sınırlı olduğu için bu işaretlerle yüzyıllarca yetinilmiştir.

نسبت به طرز زیستن چیزهای فهماندی کم و بعلت محدود بودن طرز فکرها اشارت‌ها مدت صدها سال کافی شده است.

Fakat insan zekası arayıcıdır.. ولی هوش انسان جستجوکننده می‌باشد. Günler geçtikçe, görgüler artıyor, düşünceler genişliyordu.

با گذشت روزها آداب و معاشرت‌ها و طرز فکرها وسیع می‌شد.

İşaretlerle anlaşma güçlüğü baş gösterince yeni bir anlaşma yolu bulmak gerekti.

موقعی که بسختی نفاهم با اشاره پدیدار شد پیدا کردن یک راه جدید توافق ضروری شد.

Seslenmeler yavaş yavaş kelimeleşmeye başladı.

صداها کم کم به کلمه شدن شروع شد.

İlk kelimelerin:

کلمه‌های اولیه (ابتدائی)

a) Tabiat seslerinin taklidinden (onomatopelerden) doğduğu

düşünülebilir: — کلمه‌هایی که می‌توان از تقلید صداهاى طبیعت فکر کرد.

Gür, şak, havlamdik, miyav, boğürmek...

b) Ünlemlerin - bir acınının, bir sevincin, bir şaşmanın, bir

heyecanın etkisiyle kendiliğinden çıkıveren Sözlerin - de

ilk kelimelerden olma ihtimali düşünülebilir: of! ay! o! a! ..

— حرفهای ندا — که در اثر یک تاسف، تحسین — هیجان، و تعجب (از درون انسان خارج

می‌شود می‌توان احتمال بودن آنها را از کلمه‌های ابتدائی فکر کرد.

مانند: اف! آی!! آی!

Birçok dillerde bu ses-kelimelerle ünlemlerin - küçük fark-
larla - bulunuşu gözden kaçmıyor.

این صدا در بسیاری از زبانها — کلمات با شبه جمله‌ها — با فرقه‌های کوچک — مشاهده می‌شود.

Bu olay, birçok dillerin bir kaynaktan çıktığını, on binle-
rce yıl içinde ayrıldığını düşündürebilir.

در اثر اتفاق در طول هزاران سال می‌توان جدا شدن بسیاری از زبانها را از یک منشأ فکر
کرد.

Uygar ulusların (medenî milletlerin) dilleri zengin, ilkel
toplumların dilleri fakirdir, az kelimelidir, anlatım yolu
yetersizdir.

زبان ملت‌های متمدن غنی، زبان‌های اجتماعات اولیه فقیر می‌باشد با کلمات کم است راه
فهماندن بی‌کفایت است.

Her insan kendi dilini anasından, babasından, büyüklerinden
komşularından, yurttaşlarından öğrenir.

هر انسان زبان خود را از پدر و مادر و بزرگان و همسایگان و از هموطنانش یاد می‌گیرد.

Insanlar ilk kelimeleri annelerinden öğrendikleri için her insan, milletin diline "anadili" de der.

به زبان هر ملت انسانها بخاطر یادگیری کلمه‌های اولیه از مادرهایشان – زبان مادری نیز می‌گویند .

Aydın insanlar, anadillerinden başka diller de öğrenirler. انسانهای آگاه به غیر از زبان مدارس زبانهای دیگر نیز یاد می‌گیرند .

Her yabancı dil öğrenen insan, başka bir uygarlığın da kapısını açmış gibi olur.

هر انسان که زبان خارجی یاد می‌گیرد مثل اینست که در تمدن دیگر را بازمی‌کند .
Türkçe öğrenmekle Türklerin Sevgisini kazanacak, Türk uygarlığıyla yakından ilgileneceksiniz.

با یاد گرفتن زبان ترکی محبت ترکها را کسب خواهید کرد و از نزدیک با تمدن ترک علاقمند خواهید شد .

KONUŞTURMALAR:

مکالمات :

"Dille düşünce birbirinden ayrılmaz.

زبان و طرز فکر از همدیگر جدا نمی‌شود . می‌گویند .

Dilsiz düşünce, düşüncesiz dil olmaz". derler.

زبان بدون فکر و فکر بدون زبان نمی‌شود .

Bu, söyle de söylenebilir: "Kelimesiz düşünülemez".

اینطور نیز در این مورد می‌شود گفت : بدون کلمه نمی‌شود فکر کرد .

Siz kelimesiz düşünebiliyor musunuz?

آیا شما بدون کلمه می‌توانید فکر بکنید ؟

Deneyiniz ve anlatınız.

آزمایش کنید و شرح دهید ؟

-İlk insanlar nasıl anlaşırlardı?

چطور انسانهای اولیه همدیگر را دزک میکردند ؟

-İşaretler bugün de bir anlaşma aracı mıdır?

آیا امروز نیز اشارت‌ها یک واسطه توافق می‌باشد؟

-Dilini bilmediğiniz bir insana, az çok, bir şeyler anlatabilir misiniz? Nasıl?

به انسانی که زبانش را نمی‌دانید آیا میتوانید کم و بیش یک چیزهایی بفهمانید؟ چگونه؟

-İşaretler, kelimeler, cümleler kadar zengin anlamlı olabilir mi? آیا اشارت‌ها می‌تواند مثل جمله‌ها و کلمات مفهوم کافی داشته باشد؟

-İnsanlar, konuşma dilini bulmasalardı uygarlıklar bugünkü seviyede olur muydu? Niçin?

اگر انسانها صحبت کردن را پیدا نمی‌کردند، آیا تمدن امروزی در این سطح بود؟ چرا؟

-Yabancı dil öğrenimi olmasaydı başka ulusların buluşlarından, medeniyetlerinden faydalana bilir miydik?

اگر یادگیری زبانهای خارجی نبود آیا می‌توانستیم از کشفیات و تمدن ملت‌های دیگر استفاده کنیم .

-Öyle ise bilimin (ilmin) ilerlemesi için en kuvvetli araç (vasıta) nedir? اگر آنطور است قویترین واسطه برای پیشرفت علم چیست؟

-Sizin anadiliniz nedir? زبان مادری شما چیست؟

-Anadilinizden başka hangi dilleri biliyorsunuz?

به غیر از زبان مادری کدام زبانها را می‌دانید؟

DILBİLGİSİ :

دستور زبان :

"İnsan konuşan hayvandır". "انسان حیوان ناطق است ."

Cümlesi bir hüküm anlatmaktadır.. جمله "بالا مفهوم یک حکم را می‌رساند .. Cümlede hükmü kesinleştiren"-dir"ek-fiilidir.

— فعل پسوندی که مفهوم قطعی را به جمله می‌دهد .

İnsan akıllıdır. انسان با عقل است .

Ali çocuktur. علی بچه است (علی بچه می‌باشد) .

Hüseyin Bağdatlıdır.	حسین اهل بغداد است .
Dünya yuvarlaktır.	دنیا گرد است (دنیا گرد می باشد) .
Oda boştur.	اطاق خالی است .
Bu ev bizimdir.	این خانه مال ماست .
Elimdeki kalemdir.	چیزی که در دستم است قلم می باشد .
Arka daşım şam'a gitmiştir.	دوستم به شام رفته است .
Babama İstanbul'a gelecektir.	پدرم به استانبول خواهد آمد .
Onun adı Hasan'dır...	اسم او حسن می باشد .
KURAL. -"dir"ek-fiili.	قاعده: dîr پسوند بصورت فعل

a) Isimlerin, sıfatların, fiillerin, bütün kelimelerin Sonlarına gelir, onları yüklem yapar.

dîr به آخر اسمها و صفتها و تمامی کلمات آمده آنها را فعل می کند .

Bu yüklem keskin anlamlı hükümler anlatırlar.

فعلیهای که با dîr درست می شود مفهوم قطعی را به جمله می دهد .

b) "-dir"ek-fiili geniş zamanlıdır.

فعلی که بصورت پسوند است زمان حال ساده می باشد .

Üçüncü şahsa aittir.

Şöyle çekimlenir:

Şahıs	Tekil	Çoğul
III.	Ali Arap'tır	Onlar İranlıdırlar
II.	Sen Şamlısın	Siz Şamlısınız
I.	Ben Öğrenciyim	Biz Öğrenciyiz

c) "-dir"eki, Şert harflerle biten kelimelerden Sonra "-tir" olur.

پسوند dir بعد از کلماتی که با حرفهای خشن خاتمه یافته "tir" می شود .
حرفهای خشن عبارتند از: ç f h k p ş s t . Sert harfler şunlardır.

ALİŞTIRMALAR :

- 1)"Akıl,zeka,düşünce"kelimelerini kesin anlamlı birer yüklem yapınız.ve cümlelerde kullanınız.
- 2)"İlkel toplumların dilleri fakir..."Bu cümlede bir eksiklik var,tamlayınız.Anlam Kesin olsun.
- 3)"Gençtir"yüklemine şahıslara göre çekimleyiniz.
- 4)"Gençtir"kelimesinde ek-fiil neden"-tir"olmuştur?

معنی	تلفظ	لغت
حیات - محوطه	آولو	Avlu
امپراطور	ایمپاراتور	İmparator
مانع شدن	آن لِمک	Önlemek
مقدس	کوت سال	Kutsal
گوشه	کُشه	Köşe
زیارت کردن	زیارات مک	Ziyaret etmek
جدایی	آیثرتی	Ayırtı
مقایسه	الچوم	Ölçüm
تکیه کردن - اتکا کردن	دایان ماک	Dayanmak
افراط - افزونی	آشئرئلک	Aşırılık
بالا تربودن	اوستون لوک	Üstünlük
لجبار - کله شق	ایثات چی	İnatçı
شور - شیطان	یاراماز	Yaramaz
تشدید کردن	پکیش تیرمک	Pekiştirmek
بنای یادگاری	آنیت (آنیت)	Anıt
خیلی	های لی	Haylı
خراب شدن	یئکئل ماک	Yıkılmak
درست شدن	یاپئل ماک	Yapılmak
زلزله	دِپرم	Deprem
کلیسا	کلیسه	Kilise
چوب و تخته	آح شاپ	Ahşap
ساختمان	چاتی	Çatı
ساختمان	بینا	Bina
شورش کردن	آیاکلان ماک	Ayaklanmak
سوختن	یان ماک	Yanmak
باقی مانده	کالنتی	Kalıntı

معنی	تلفظ	لغت
عمق	دَرین لیک	Derinlik

AYASOFYA

Istanbul, anıtlar(abideler)şehridir.

استانبول شهر بناهای یادگاری است .

Bu anıtların en eskilerinden ve en ünlülerinden (meşhurlarından)biri de Ayasofya'dır.

آیا سوفیا یکی از مشهورترین و قدیمی ترین این بناهای یادگاری است .

Tarihi bir hayli eskidir. تاریخ آن خیلی قدیمی است .

Birkaç defa yıkılmış,yapılmıştır.

چندین دفعه خراب و ساخته شده است .

Birinci Ayasofya'nin Isa'dan Sonra 326'da yapıldığı kabul edilmektedir.

ساخت آیا سوفیای اول در سال ۳۲۶ بعد از عیسی مورد قبول واقع شده است .

Bu ilk bina bir depremde(zelzelede)yıkıldığı için onun yerine daha büyük bir tapınak yapılmıştı.

یک مسجد بزرگ دیگر بجای این بنای اولی که در اثر زلزله خراب شده بود ساخته شده .

Bizans Sarayının ve Doğunun(şarkın)en büyük kilisesi idi.

بزرگترین کلیسای کاخ بی زانس و شرق بود .

Ahşap çatılı idi.

ساختمان از چوب بود .

Bu bina da 404 tarihinde bir ayaklanma(ihtilal)Sırasında yanmıştır.

این بنا در اثر یک شورش در تاریخ ۴۰۴ سوخته شده است .

4/5 te yeniden yapılan bina da 532 ayaklanmasında yanmış ve yıkılmıştı.

این بنای دوباره ساخته شده (۴۱۵) با یک شورش خراب و سوخته شده بود (۵۳۲)

Kalıntıları(enkazi)Şimdiki Ayasofya'nin avlusunda 2,5-5,5 metre derinlikte bulunmuştur.

بقایای آن در عمق ۵/۵ و ۲/۵ متر در حیاط آیا سوفیای فعلی پیدا شده است .

Imparator II.Theodosios'un emriyle bügünkü bina 27.x.537 tarihinde büyük bir törenle açılmıştır.

بنای امروزی در تاریخ ۲۷/۱۰/۵۳۷ با امر نئودوزیس امپراتور دوم با یک مراسم بزرگ گشایش یافته است .

Boyu 80,9,eni 70,kubbesinin çapı 33 metredir.

طول مسجد ۸۰/۹ متر و عرض آن ۷۰ متر و شعاع طاق آن ۳۳ متر می باشد .

Dünyanın en büyük kilisesi,en büyük kubbesi idi.

بزرگترین کلیسا و بزرگترین طاق دنیا بود .

Iç duvarları,türlü çağlarda(devirlerde)çok değerli mozayiklerle süslenmiştir.

دیوارهای داخلی در دوره‌های مختلف با موزائیک‌های بسیار با ارزش آرایش یافته است .
29.V.1453 te Bizans(Istanbul),Türkler tarafından fethedildi.
در تاریخ ۲۹/۵/۱۴۵۳ استانبول از طرف ترکها فتح شد .

Fatih Sultan Mehmet'in emriyle Ayasofya kilisesi camiye (camie)çevirildi.

با دستور فاتح سلطان احمد کلیسای آيا سوفيا به مسجد تبدیل شد .

Fatih'ten Sonra caminin duvarlarında bazı çatlaklar görülmüş,dört tarafına birer minare eklenerek yıkılması önlenmiştir.

در دیوار مسجد بعضی شکست‌ها بعد از فاتح دیده شده که به چهار طرف آن مناره اضافه شده تا از خراب شدن آن جلوگیری شده است .

Ortodoksların en kutsal kilisesi olan Ayasofya,adı değişmeden,1935 tarihine kadar da Müslümanların kutsal camisi oldu.

آيا سوفيا یکی از مقدس‌ترین کلیسای ارتودوکس‌ها بدون تغییر نام تا تاریخ ۱۹۳۵ نیز مسجد مقدس مسلمانان شد .

1935 de müzeye çevrildi.

در تاریخ ۱۹۳۵ به موزه تبدیل شد .

Bügün dünyanın her köşesinden gelen turistler Ayasofya'yi ziyaret etmeden gitmezler.

سیاحانی که امروزه از تمامی نقاط دنیا به استانبول می آیند آیا سوفیا را زیارت نکرده برنمی گردند .

KONUŞTURMALAR:

-Ayasofya,Istanbul'un hangi semtindedir?

آیا سوفیا در کدام قسمت استانبول می باشد ؟

-Ayasofya'yi ziyaret ettiniz mi? آیا آیا سوفیا را دیدید ؟

-Dikkatinizi en çok neler çekti? چه چیزها باعث جلب توجه شما شد ؟

-Tarih boyunca kaç Ayasofya yapılmıştır?

چند آیا سوفیا در طول تاریخ ساخته شده است ؟

-İlk yapılanlar ne olmuştur?

چه اتفاقی برای بناهایی که اول ساخته شده اند افتاده است ؟

-Son yapılışından bugüne değin(kadar)kaç yıl geçmiştir?

از ساخت نهایی تا به امروز چند سال گذشته است ؟

-Bu kadar eski,bu kadar büyük bir tapınak tanıyor musunuz?

آیا یک مسجد به این اندازه قدیم و بزرگ می شناسید ؟

-Ayasofya,yalnız tarih bakımından mi değerlidir?Yoksa

sanat değeri de var mıdır?

آیا آیا سوفیا از نظر تاریخ با ارزش است ؟ تا اینکه از نظر ارزش هنری ؟

-Ayasofya'nin yüzölçümü ne kadardır?

اندازه بیرونی مسجد آیا سوفیا چقدر است ؟

-Memleketinizin en ünlü(meşhur)anıtı hangisidir?

مشهورترین بنای یادگاری وطن شما کدام است ؟

-Bu anıtı birkaç cümle ile anlatınız.

این بنای یادگاری را در چند جمله شرح دهید .

دستور زبان :

DILBİLGİSİ :

Yukarıdaki yazıda "eski, ünlü, büyük, "sıfatları" en"le kuvvetlendirilmiştir.

در متن بالایی صفت‌های بزرگ، قدیم، مشهور با "en" تشدید شده‌اند.

"Değerli" sıfatını da "çok" kelimesi pekiştiriyor.

کلمه "زیاد" را صفت "باارزش" تشدید می‌کند.

KURAL-Sıfatları pekiştiren (kuvvetlendiren) kelimelere "zarf" denir.

قاعده :

کلمه‌هایی که صفتها را تشدید می‌کند قید نامیده می‌شود.

GÜZEL: Çok güzel, pek güzel, pek çok güzel, daha güzel, en güzel...

زیبا	خیلی زیبا	خیلی زیبا	فوق العاده زیبا
	بسیار زیبا		زیباترین

Bu zarflar arasında anlam ayırtısı (farkı, nüans) vardır.

مفهوم جداگانه‌ای بین این قیده‌ها وجود دارد.

Bu ayırtı ölçümlemeye (mükayeseye) dayanır:

این جدا کردن مفهوم قیده‌ها به مقایسه بستگی دارد.

"Çok güzel, pek çalışkan, pek çok pahalı" sözlerinde ölçümleme ayırtısı yoktur.

در حرفه‌های خیلی گران، خیلی فعال، خیلی زیبا.

AŞIRILIK anlamı vardır.

مفهوم افراط وجود دارد.

"Daha güzel, daha eski, en ünlü, en pahalı..."

Sözlerinden "başkalarına göre" anlamı sezilmektedir.

کلمه‌های بسیار زیبا، خیلی قدیم، خیلی مشهور، خیلی گران... مفهومشان نسبت به

دیگران کاملاً "حدس زده می‌شود.

ÜSTÜNLÜK zarflarıdır.

و قید برتری است.

Bu zarfların çoğu fiilleri de pekiştirir:

بسیاری از این قیدها فعلها را هم تشدید می‌کند (از نظر معنی).

Çok Çalıştım,pek yorulduğum,biraz daha Çalışacağım...

خیلی فعالیت کردم ، خیلی خسته شدم ، مقدار دیگر نیز فعالیت خواهم کرد...

ALİŞTIRMALAR:

1)"Zengin,inatçı,terbiyeli,yaramaz..."

Sıfatlarını uygun birer zarfla pekiştiriniz ve birer cümlede kullanınız.

2)Ayasofya çok büyük bir mabettir.

" en " " "

Cümleleri arasındaki anlam ayırtısını belirtiniz.

3)"Üşüyorum,dikkat etmelisiniz,özledim,düşünmeyiniz, sabrediniz."fiillerini de uygun birer zarfla pekiştiriniz ve birer cümlede kullanınız.

معنی	تلفظ	لغت
مدرک - سند	بَلْگه	Belge
تصنیف کردن	تاصنیف رادیل مک	Tasnif edilmek
بایگانی - مخزن اسناد قدیمی آرشیو	آرشیو	Arşiv
دایره - آپارتمان	دایره	Daire
نوشته خطی	الیازماسی	El yazması
بهره بردن	فای دالان ماک	Faydalanmak
تحقیق کردن	این چک مک	Inceleme
میدان - زمینه	ساحا	Saha
خزینه	هازینه	Hazine
با ارزش	کئی مت لی	Kıymetli
خیره هندن	کاماش ماک	Kamaşmak
بی نظیر	راش سیز	Eşsiz
ظروف چینی	پُرسلن	Porselen
زنده	جان لی	Canlı
بدست آوردن - تسلط یافتن	ال گچیر مک	Elegeçirmek
برج	سور	Sur
زیاد	فازلا	Fazla
برخوردن - اصابت کردن	راستلاماک	Rastlamak
کانال	سوکمری	Su Kemerı
دوخته	دی کیلی	Dikili
عنوان سلاطین ترک - کاروانسرا	هان	Han
حمام	هامام	Hamam
بازار سرپوشیده	کاپالی چارشی	Kapalı çarşı
کاخ - ویلا	کُشک	Köşk
کاشی	چی نی	Çini
اضافه کردن	اکل مک	Ekleme

معنی	تلفظ	لغت
بشقاب	تاباک	Tabak
کاسه	چاناک	Çanak
گلدان	وازُ	Vazo
آنطور	أیله	Öyle
ظریف	زاریف	Zarif
بزرگ	دو	Dev
کارخانه	فابریکا	Fabrica
ظریفی	این جلیک	Incelik
اشیاء	اشیا	Eşya
باور کردن	این نان ماک	Inanmak
قسمت	کسٹم	Kısm
ارابه (ماشین)	آرابا	Araba
به رسم - به عادت (مثل اینکه)	آدِتا	Adeta
نقاشی	رسیم	Resim
خنجر	هان چر	Hancer
شمشیر بزرگ منحنی دار	پالا	Pala
شمشیر	کئلچ	Kılıç
نیزه	کارگی	Kargı
نیزه	مئزراک	Mızrak

"Her müze canlı bir tarihtir,uygarlıkların(medeniyetlerin)aynasıdır."derler.

می‌گویند ، هر موزه یک تاریخ زنده است و آینه تمدن‌ها می‌باشد .

Ben,bunu Türk müzelerini gezerken daha iyi anladım.

من این مطلب را به هنگام گردش موزه‌های ترک کاملاً " فهمیدم .

Istanbul'da küçük büyük bir hayli müze var...

در استانبول موزه‌های بزرگ و کوچک بسیاری وجود دارد ...

Hepsi de zengin.

همه موزه‌ها هم غنی می‌باشد .

Istanbul'un kendisi de bir müze gibi...

استانبول خودش نیز مثل یک موزه است ...

Denizi,manzaraları,iklimi,havası ve daha birçok üstün değerleri bakımından dünyanın en güzel şehirlerinden biri...

استانبول از نظر دریا ، مناظر ، آب‌وهوا و هوا و بسیاری از ارزشهای دیگری از زیباترین شهرهای دنیاست .

Istanbul'u ele geçiren her ulus,başkent yapmış.

هر ملتی که استانبول را تحت تصرف گرفته آنرا پایتخت کرده است .

Surlarla kuşatmış,saraylarla,tapınaklarla(mabetlerle) süslemiştir:

استانبول را با برجها محاصره کرده با کاخها و مسجدها آرایش است .

Önce,Doğu Roma İmparatorluğunun başkenti olmuştur(286-395).

ابتداءً پایتخت امپراطور روم شرقی شده است .

Bizans imparatorları da burada bin yıldan fazla oturmuşlardır.

پادشاهان بی‌زانس بیشتر از هزار سال در اینجا (استانبول) زندگی کرده‌اند .

Onun için o tarihlerde Şehrin adı Bizans'ti (395-1453).

به همین خاطر در آن تاریخها (۱۴۵۳ - ۳۹۵) اسم شهر بی‌زانس بود.

Bu arada 33 yıl kadar da Latinlerin başkenti olmuştu.

به اندازه ۳۳ سال هم در این مدت پایتخت لاتینی‌ها شده بود.

1453 de Bizans'ı fetheden Türkler, onu bir Türk-Müslüman Şehri yapmağa çalıştılar. Şehir, bu ulusların anıtlarıyla geniş bir müze halindedir.

ترکها در ۱۴۵۳ با فتح بی‌زانس سعی کردند آنرا یک شهر مسلمان ترک بسازند (درست کند) شهر با بناهای یادگاری این ملت بحالت یک موزه وسیع است.

Her adım başında bir anıta, bir uygarlık kalıntısına (medeniyet bakiyesine) rastlarsınız:

در هر قدم به یک بنا یادگاری و باقیمانده یک تمدن برخورد می‌کنید.

Surlar, su kemerleri, dikili taşlar, Çemberlitaş, tapınaklar (mabetler), medreseler, türbeler, hanlar, hamamlar, sebiller, kapalı çarşılar. her biri bir tarih...

برجها، کانالها، سنگ فرش، سنگهای گرد، معبدها، مدرسه‌ها، امامزاده‌ها، کاروانسراها حمام‌ها و سیل‌ها بازار سرپشته هر کدامش یک تاریخ می‌باشد...

Asıl büyük müzelerden, hiç olmazsa, görünmek istedim.

از موزه‌های بزرگ اصلی لااقل خواستم سومی را ببینم.

Bir gün Topkapı müzesine gittim. یک روز به موزه توپ‌کاپی رفتم.

Müze, mahalle genişliğinde büyük bir saray...

موزه به وسعت یک محله یک کاخ بزرگ...

Fatih, İstanbul'a ikinci saray olarak Çinili Köşkü yaptırmış, ondan sonra gelen Osmanlı Padişahları köşkler, saraylar, Pavyonlar eklemişler, bugünkü Topkapı sarayı denen saha meydana gelmiştir.

فاتح در استانبول دستور ساخت دومین کاخ از کاشی داده

بعد از فاتح پادشاهان عثمانی کاخها و سراپها، پavyونها اضافه کرده‌اند.

کاخ توپ‌کاپی که امروزه گفته می‌شود یک میدان بزرگ شده است.

Sarayın genişliği hakkında bir fikir vereyim:

یک فکری در مورد وسعت کاخ به شما بدهم .

17.yüzyılda bu saraylarda 50 bin kişinin oturduğu rivayet ediliyor. ۵۰ هزار نفر در این کاخها در قرن ۱۷ روایت می شده .

Şimdi bu saray bir müzedir. امروزه این کاخ یک موزه می باشد .

Hepsini gezip görmek için haftalar değil, aylar lazım...

برای گردش و دیدن همه اش هفته ها کم ماهها لازم ...

Çok değerli belgeleri (vesikaları) tasnif edilmekte olan arşiv dairesine uğrayamadım bile.

به قسمت بایگانی که مدارک با ارزش تصنیف شده نتوانستم نیز سری بزنم .

El yazması değerli kitapları dolu zengin kitaplığıı pek övdüler.

کتابخانه غنی که پر از کتابهای با ارزش نوشته دستی است خیلی تعریف کردند .

Onlardan faydalanmak için okuyup incelemek gerek...

برای بهره بردن از آنها (کتابها) خوانده و بایستی تحقیق کرد .

Hazine dairesinde kıymetli taşlarla süslü bin bir çeşit eşya göz kamaştırıcıdır.

هزار و یک نوع اشیاء که در قسمت خزانه با سنگهای با ارزش آرایش یافته چشم را خیره می کند .

Eşsiz çinilerle süslü Harem dairelerinde neler yok ki!..

در قسمت حرم که با کاشی های بی نظیر آرایش یافته چه چیزها که وجود ندارد ...

Çini dairesine geçtik. به قسمت کاشی رفتیم .

Eski Çin Porselenlerinden zengin koleksiyonlar var.

کلکسیون های غنی از چینی های قدیم کشور چین وجود دارد .

Tabaklar, çanaklar, vazolar öyle zarif, öyle Canlı ki bugünün dev fabrikalarından bu incelikte eşya çıkacağına insan inanmıyor.

بشقابها ، کاسه ها و گلدانها آنقدر ظریف و زنده که امروزه انسان تولید این اشیاء به این ظرافت در کارخانه های بزرگ را باور نمی کند ،

Bir kısma geçtik. به قسمت دیگر رفتیم .

Baştan başa araba dolu... سرتاسر پر از ماشین (ارابه) (کالسکه) .

Padişahların sehzedelerin,sultanların,saray kadınlarının bindikleri çeşitli arabalar...

کالسکه‌های مختلفی که پادشاهان ، شاهزادگان ، سلطانها ، زنان کاخ سوار می شدند .
Yüzyıllar boyunca deęişe güzelleşe adeta birer sanat eseri haline gelmiş arabalar...

تغییر و زیبایی کالسکه‌ها در طول صدها سال یک اثر هنری را بوجود آورده ...

Bunlardan başka,akla gelebilecek her şeye ait koleksiyonlar: به غیر از اینها کلکسیون‌هایی که در ارتباط به همه چیز فکر می‌تواند برسد :

El yazısı koleksiyonları,Minyatür,resim koleksiyonları, hancer,pała,kılıç,kargi,mızrak ve çeşitli silah koleksiyonları...

کلکسیونهای نوشته دستی ، مینیاتور ، کلکسیونهای نقاشی ، خنجر ، شمشیر ، نیزه ، انواع مختلف کلکسیونهای سلاح ...

Son yıllarda açılmış olan kutsal Emanetler(Emanat-i Mukaddese)dairesinde peygamberlere ait kutsal eşya bulunmaktadır.

در سالهای اخیر بخش امانتهای مقدس که اشیاء مقدس مربوط به پیامبران است گشایش یافته است .

Gelecek hafta içinde Arkeoloji müzesine gideceğim.

در هفته آینده به موزه باستان شناسی خواهیم رفت .

KONUŞTURMALAR:

مکالمات :

-Müzeler hangi bakımlardan önemlidir?

از کدام نظر موزه‌ها مهم می‌باشند؟

-Bir memlekete gelen turistler,her yerden önce,nereleri

سیاحانی که به یک مملکت می آیند قبل از هر جا کجاها را گردش می کنند؟ gezerler?
-Memleketlerde iki türlü zenginlik bulunur:

دو نوع ثروتمندی (ثروت ملی) در ممالک وجود دارد.

Para zenginliği. tarih zenginliği.

ثروتمندی مادی، ثروتمندی تاریخ (ارزش تاریخ)

Sizce bu iki zenginlikten hangisi daha önemlidir? Niçin?

به نظر شما کدام یک از این دو ثروتمندی مهم می باشد؟ چرا؟

-Para, fabrika, bina zenginliği sonradan elde edilebilir.

Tarih zenginliği yaratılabilir mi? Açıklayınız.

بعدا " می توان غنی بودن پول، کارخانه، و بنا را کسب کرد، آیا ارزشهای تاریخ آفریده می شود؟ شرح دهید.

-Memleketiniz bu iki zenginlikten hangisine sahiptir?

مملکت شما مالک کدام یک از این دو ثروت می باشد؟ شرح دهید.

-Memleketinizin önemli zenginlik kaynakları nelerdir?

منابع مهم ثروت مملکت شما چیست؟ شرح دهید.

-Doğduğunuz şehir nesiyle ünlüdür (meşhurdur)? Anlatınız.

شهری که در آن متولد شدید به چه چیزاش مشهور است. شرح دهید.

-Doğduğunuz şehrin anıtları hakkında bilgi veriniz.

اطلاعاتی در مورد بناهای یادگاری بدهید.

-Doğduğunuz şehirde zengin müzeler var midir? Ne müzeler-

î?... آیا موزه های غنی در شهری که متولد شدید وجود دارد؟ چه موزه ها؟

-İstanbul'da hangi anıtı daha değerli buldunuz?

کدام بنای یادگاری را بیشتر در استانبول با ارزش دانستید؟

-İstanbul'da müzelerden hangisine gittiniz?

به کدام موزه ها در استانبول رفتید؟

Neler gördünüz? Yazınız.

چه چیزها دیدید، بنویسید.

-İstanbul'a hakim olan her ulus onu niçin başkent yapmıştır?
چرا هرملتی که حاکم استانبول شده آنرا پایتخت کرده است؟

DILBİLGİSİ :

دستور زبان :

"Her müze canlı bir tarihtir." cümlesi bir hüküm anlatıyor. جمله هر موزه یک تاریخ زنده است یک حکمی را شرح می دهد .

Cümleye hüküm anlamını katan "-dir" ek-fiillidir.

د۱۳ - پسوند فعل که به جمله مفهوم قطعی میدهد .

"İstanbul'un kendisi de bir müze gibi..." cümlesinde yükleme hükmü katan "-dir" düşmüştür, fakat anlamda bir eksiklik olmamıştır.

خود استانبول نیز مثل یک موزه ... است (می باشد) در این جمله فعلی d۱۳ - که مفهوم قطعی به جمله می دهد حذف شده ولی در مفهوم کمبودی نشده است .

"Bir gün Topkapı müzesine gittim." cümlesinde özne olan "ben" kelimesi cümleden düşmüştür fakat anlamda bir eksiklik olmamıştır.

یک روز به موزه توپ کاپی رفتم در این جمله کلمه فاعل (من) حذف شده فقط در مفهوم کمبودی نشده است .

"Her adım başında bir anıta rastlar siziz." cümlesinde özne "siz" düşmüş, fakat anlamda bir eksiklik olmamıştır.

در هر قدم با یک بنای یادگاری روبرو می شود . در این جمله فاعل "شما" حذف شده فقط در مفهوم کمبودی نبوده است .

Benim dayım geldi yerine dayım geldi deriz, zamir düşer.

دایی من آمد ، بجای این می توان گفت دائم آمد ضمیر حذف می شود .

Senin evin nerede? yerine evin nerede? deriz, zamir düşer.

بجای خانه شما در کجاست می گوئیم خانه تان کجاست . ضمیر حذف می شود .

Bizim yurdumuz güzel yerine yurdumuz güzel deriz, zamir düşer.

بجای وطن ما زیباست می گوئیم وطنمان زیباست . ضمیر حذف می شود .

Sizin düşünceniz... yerine düşünceniz... deriz, zamir düşer

بجای طرز فکر شما می گوئیم طرز فکرتان . ضمیر حذف می شود .

Tamlayıcı Zamirler düşer, fakat anlamda bir eksiklik olm-

az. ضمیرهای کامل کننده حذف می شود ولی در مفهوم کمبودی نمی شود.

KURAL:

قاعده:

Anlamda bir eksiklik hıramadan kelimelerin düşmesi yanlış sayılmaz.. حذف کلمه هایی که در مفهوم کمبودی نگذارد غلط شمرده نمی شود.
Sözler Kısaldığı için faydalı Sayılır.

بخاطر کوتاه بودن حرفها مفید شمره می شود.

ALİŞTIRMALAR:

I.Su cümlelerden hangi kelimeler düşerse anlamada eksiklik olmaz.

Benim Kardeşim yarın Uçakla İstanbul'a geliyor.

Sen fakülteye yazılacak mısın?

Bir gün ben Topkapı müzesine gittim.

II.Yukarıdaki metinde,yüklemlere hukum anlamı katan ek-fiilleri düşmüş cümleleri gösteriniz.

III.Şu cümlelerde Kelimelerin yerleri yanlışdır düzeltiniz,yazınız:

Bir Şehri Saraylarla kuşatmak,surlarla süslemek...

Müzenin kendisi de İstanbul gibidir.

Vereyim hakkında bir fikir Sarayın.

Kardeşiniz Sizin geldi.Benim yarın gelecek babam.

Çarşamba gelir sonra salıdan

Sabah doğunca olur güneş.

Bilgisini artırır insanın görmek de gezip.

Çok öğrenir şey gezen çok.

Istanbul yazın Soğuk,kışın sıcak olur.

Açar Sonbaharda güller,ilkbaharda Sararır yapraklar.

Kazanırsam memlekete imtihani döneceğim.

Uçar Suda balık,havada yüzer kuş.

Ayna'sıdır uygarlıkların müzeler.

Hafta gelecek müzesine gideceğim arkeoloji.

معنی	تلفظ	لغت
تنگه - گلو	بُغاز	Boğaz
متفاوت	دی شیک	Değişik
طبیعی	تابی ای	Tabii
زیبایی	گوزلیک	Güzelik
بیشه - جنگل کوچک	کُرو	Koru
ساحل	یالی	Yalı
دریای مرمره	مارمارا	Marmara
وصل کردن	باغ لاماک	Bağlamak
دراز	اوزون لوک	Uzunluk
دارای تورفتگی	گیرین تی لی	Girintili
دارای فرورفتگی	چئکئن تی لی	Çıkıntılı
وسعت	گنیش لیک	Genişlik
تنگ	دار	Dar
طول	بُی	Boy
مجهز شدن	دُنان ماک	Donanmak
منظره	مان زارا	Manzara
مداوم	سئک سئک	Sık sık
ظهر	أی له	Öğle
وسایط نقلیه	تاشئت	Taşıt
چای	چای	Çay
ساحل - اطراف	کئیبی	Kıyı
ماست	یُغورت	Yoğurt
خنک شدن	سَرین لَمک	Serinlemek
غروب - گروه	گوروپ	Gurup
طلا	آل تئن	Altın
نور	اِئشین	Işın

معنی	تلفظ	لغت
آب طلا – طلائی	یال دیزلی	Yaldızlı
نگاه کردن – تماشا کردن	سیرات مک	Seyretmek
وسایط نقلیه خشکی	کارا تاشیت	Kara taşıt
پروپر	تیکلیم تیکلیم	Tıklım Tıklım
کازینو	کازینو	Gazino
پر شدن	دل ماک	Dolmak
خصوصی	ازل	Özel
قایق کوچک پارویی	سان دال	Sandal
بستن – پوشاندن	کاپات ماک	Kapatmak
شب	آک شام	Akşam
نوع – جور	تورلو	Türlü
هفته	هافتا	Hafta
خستگی	یرگون لوک	Yorgunluk
ول کردن – ترک کردن	بیراک ماک	Bırakmak
ماهی	بالیک	Balık
متنوع – متفاوت	چشیتلی	Çeşitli
شکار کردن	آولان ماک	Avlanmak
تازه	تازه	Taze
تکان خوردن – حرکت کردن	کیمیل داماک	Kımıldamak
باهم بازی کردن	ای ناش ماک	Oynaşmak
طنین انداختن	چین لاماک	Çınlamak

BOĞAZICI تنگه بسفر (داخل تنگه)
Istanbul Boğazı تنگه استانبول

Dünyada pek çok güzel yerler var.

در دنیا جاهای بسیار زیبا وجود دارد .

Değişik manzaralarıyla,tabii güzellikleriyle,koruları ve yalılarıyla,çiçek bahçeleriyle,tatlı havasıyla Boğazici eşsizdir denilebilir.

می توان گفت تنگه بسفر با هوای خوب ، باغچه های گل و با سواحل و بیشه ها و زیبایی های طبیعی و با مناظر متفاوت بی نظیر می باشد .

Boğaz,Avrupa ile Asyay'ı birbirinden ayırır.

تنگه ، اروپا و آسیا را از همدیگر جدا می کند .

Marmara ile karadeniz'i biribirine bağlar.

دریای مرمره و دریای سیاه را به همدیگر وصل می کند .

Uzunluğu 35 kilometre kadardır. .

طول تنگه به اندازه ۳۵ کیلومتر است .
Pek girintili ve çıkıntılıdır. .
خیلی فرورفتگی و برآمدگی دارد .
Genişliği her yerde bir değildir.

وسعت تنگه در همه جا مساوی نیست .

Kuzey(Şimal)ucunda,Karadeniz'e açılan kısımda,Rumeli

Feneri ile Anadolu feneri arası 3600 metredir.

مابین فانوس روملی و فانوس آناتولی قسمتی که در نوک شمال به دریای سیاه باز می شود
۳۶۰۰ متر می باشد .

Bazı yerlerde bu genişlik 1500 metreye,1000 metreye düşer.
این وسعت در بعضی از جاها (تنگه) از ۱۵۰۰ متر به ۱۰۰۰ متر تنزل می کند .

Boğazın en dar yeri Rumelihisarı ile Anadoluhisarı aras-
ıdır ve 698 metredir.

تنگترین جای تنگه مابین حصار روملی و حصار آناتولی است و ۶۹۸ متر می باشد .

Boğazın iki yakasında güzel kasabalar, köyler var.

قصبه‌های زیبا و دهات در دو طرف تنگه وجود دارد.

Boydan boya birbirinden güzel bahçeler, korular, hisarlar, saraylar, köşkler ve yalılarla donanmıştır.

سرتاسر تنگه با باغچه‌های زیبا یکی پس از دیگری، بیشه‌ها، حصارها، کاخها، ویلاها با سواحل مجهز شده است.

Manzara sık sık değişir.

مناظر تنگه مداوم تغییر می‌کند.

Her birinde ayrı bir güzellik görülür.

در هر کدام یک زیبایی بخصوصی مشاهده می‌شود.

Yazın öğle sonları Emirgan'a bir taşıt akını başlar.

Çay içmeye gidilir, geç saatlara kadar oturulur, hava alınır.

در تابستان عصرها ترافیک وسایط نقلیه به‌امیرگان (اسم منطقه) شروع می‌شود. برای خوردن چایی رفته می‌شود، تا دیر وقت در آنجا نشسته و از هوای آنجا استفاده می‌شود.

Emirgan'in tam karşısında, Asya kıyısında Kanlıca var.

در طرف آسیا درست در مقابل امیرگان منطقه کان‌لیجا وجود دارد.

Oraya da yoğurt yemeğe gidenler çok olur.

کسان زیادی هستند که برای خوردن ماست به کان‌لیجا می‌روند.

Beykoz'la Sarıyer, dünyanın en güzel içme sularıyla ünlüdür.

بی‌کوز و ساری‌یر با بهترین آبهای خوردنی دنیا معروف است.

Bebekle Tarabya, Boğaz'in en zengin semtleridir.

شروتمندترین منطقه تنگه بیک و ترابیا می‌باشد.

Sıcak yaz günlerinde serinlemek isteyenler, gurubu (güneşin batışını), gurubun altın ışınlarıyla yaldızlanan minareler şehri İstanbul'u Seyretmek isteyenler Çamlıca tepesine çıkarlar.

در روزهای گرم تابستان کسانی که می‌خواهند خنک شوند و می‌خواهند غروب را و منارهایی که با نور طلایی غروب طلایی شده و استانبول را تماشا کنند به تپه چاملجا می‌روند.

Sıcaktan bunalan birçok Istanbulular Boğaz'a akın eder.

بسیاری از اهالی استانبول که از گرما احساس ناراحتی می کنند به تنگه روانه می شوند .
Vapurlar, kara taşıtları tıklım tıklım olur.

کشتی ها و وسایط نقلیه پر و پر می شوند .

Kıyı gazinoları kır kahveleri, bahçeler, korular, ormanlar
insanla dolar.

کازینوهای ساحلی ، قهوه خانه های صحرا ، باغچه ها ، بیشه ، جنگلها با انسان پر می شود .
Özel motörlü, çok zarif ve güzel sandallar denizin yüzünü
kaplar.

قایق های خصوصی موتوری و قایق های پارویی زیبا و ظریف روی دریا را می پوشاند .
همه نوع از ورزش های روی آب
Su Sporlarının her türlüü...
Akşama kadar temiz ve serin hava alınır.

تا نزدیک شب از هوای تمیز و خنک استفاده می شود

به دریا رفته می شوند (منظور شنا کردن)
denize girilir.

Bir çalışma haftasının yorgunlukları bu temiz Sulara
bırakılır. خستگی تلاش یک هفته در این آبها از بین می رود .

Boğaz balıkları hem çeşitlidir, hem de çok lezzetlidir.
ماهیهای تنگه هم لذیذ و هم متنوع می باشد .

Bir çok gazinolarda hemen yeni avlanmış taze balık bulur.
در بسیاری از کازینوها ماهی تازه شکار شده پیدا می شود .

Boğazda meyve de boldur.

در تنگه میوه هم فراوان است .

DİLBİLGİSİ :

دستور زبان :

تناسب بودن فعل با فاعل : Özne ile yüklem in uygunluğu (tekrar):

I. İnsan olan çoğul öznelerin yüklem leri de çoğul olur:

فاعلهایی که مربوط به انسان می باشد جمع بوده و فعلشان نیز جمع می شود .

...Istanbul'u seyretmek isteyenler çamlıca tepesine çık-
arlar. کسانی که می خواهند استانبول را ببینند به تپه جاملجا می روند .

II.Cansız çoğul öznelerin yüklemeleri tekil olur:

فاعلهای بی جان که جمع می باشد فعل آنها مفرد می شود .

Bahçeler insanla dolar.Vapurlar tıklım tıklım olur.

باغچه ها با انسان پر می شود ، کشتی ها پر و پر می شود .

Hayvan olan çoğul öznelerin de yüklemeleri tekil olur.

فاعل در مورد حیوانها جمع بوده و فعلشان نیز مفرد می شود .

Ancak:

فقط:

I.Çoğul insan özneler bir toplum halinde düşünülür ve
düşündürülmek istenirse yüklem tekil olur:

۱ – اگر فاعل انسانها بصورت اجتماع فکر شود و فهمانده شود فعل مفرد می شود :

Sıcaktan bunalan Istanbulullular Boğaz'a akın eder.

استانبولی ها که از گرما احساس خفگی می کنند روانه تنگه می شوند .

Çocuklar bahçede oynuyor. بچه ها در باغچه بازی می کنند .

Öğrenciler yarım saat önce derse girmiş...

نیم ساعت قبل دانش آموزان وارد کلاس درس شده اند . . .

II.Cansız ve hayvan çoğul özneler,teker teker düşünülür
ve düşündürülmek istenirse yüklemeleri çoğul kullanılabilir:
لر:

۲ – فاعلهای جمع حیوان و بی جان تنها تنها فکر می شود اگر فهمانده شود فعلهایشان
می تواند جمع استعمال شود .

Yalılar Boğazın en eski süsleridir.

ساحلها قدیمی ترین زینت تنگه می باشند .

Gelincikler Hala Kıvıldamakta devam ediyorlar.

هنوز پیچکها به حرکت ادامه می دهند .

Bir çınarın üstünde serçeler oynaşıyorlardı.

در روی یک چنار گنجشکها باهم بازی می کردند .

III.Çoğul özne olan gövde örgenlerini ve eylem isimleri-

nin yüklem̄leri çođul olmaz, tekil kalır:

۳- فاعل اعضای بدن انسان جمع باشد فعل جمع نمی شود و مفرد باقی می ماند .

Elleri titriyor. Ayaklarınız üşüyor mu?

دستهایش می لرزد ، آیا پاهایتان سرد می شود ؟

Kulaklarım çınılıyor. Dişleri çekilecek.

گوشه ایم احساس صدا می کند . دندانهایش کشیده خواهد ...

Ödevlerimiz çođaldı...

وظایف ما زیاد شد .

ALİŞTIRMALAR:

1) Şu cümlelerdeki yanlışları düzeltiniz:

Boğaz, Avrupa ile Asya'yi ayırırlar.

Boğaz'da meyve boldurlar.

Kulakları işitmiyorlar.

Emeklerimiz boşa gittiler...

2) Şu cümlelerde boş bırakılan yerlere uygun kelimeler yazınız:

Istanbul.....ile.....birbirine bağlar ve.....

ile.....birbirinden ayırır.

Ben geçen gün çay içmek için.....gittim.

Arkadaşım da.....yemek için kanlıca'ya gitmiş.

Boğaz'in en.....yeri Fenerler arasıdır.

Boğaz'in en.....yeri de Hisarlar arasıdır ve.....
metredir.

Boğaz'a.....binerek gittim. Otobüsle de.....gidilir.

Çamlıca tepesine şöyle gidilir.....

Yıldız parkının içinde.....Sarayı vardır.

معنی	تلفظ	لغت
دور	اوزاک	Uzak
پوشیده	کاپالی	Kaplı
کاملاً " تمیز	ترتمیز	Tertemiz
خوش آیند	هشاگیدن	Hoşa giden
اشغال	ایشغال	İşgal
فراوانی	بللوک	Bolluk
راحت	راحت	Rahat
زندگی کردن	یاشاماک	Yaşamak
خوشحال	نشلی	Neşeli
حصیر	حاسیر	Hasır
پوشیده	آرتولو	Örtülü
کفش	آیاک کابی	Ayakkabı
در	کاپی	Kapı
مشتری	موشتری	Müşteri
کوتاه	آلچاک	Alçak
میز	ماسا	Masa
اطراف	اتراف	Etraf
زانو	دیز	Diz
زانو زدن	چک مک	Çökmek
راست	ساغ	Sağ
مچ دست	بیلک	Bilek
دستبند	بیلزیک	Bilezik
بو	ککو	Koku
ناراحت	راحت سیر	Rahatsız
بودایی	بودیست	Budist

Bir turist(seyyah)anlatıyor: یک توریست شرح می دهد .

Uzak Doğunun güzel ülkelerinden biri olan Tayland(Siyam) in başkenti Bangkok'tur.

بانکوک پایتخت تایلند یکی از ممالک زیبای خاور دور می باشد .

Özel bir mimarısı,altın kaplı tapınakları(mabetleri), sarayları vardır.

در تایلند کاخها و معابد پوشیده از طلا و معماری مخصوص وجود دارد .

Tertemiz Sokaklarıyla,kanallarıyla,güzel ve bol çiçekleriyle hoş giden bir şehir...

یک شهر خوش آیند با کوچه های تروتمیز و با کانالها و گل های فراوان و زیبا می باشد .

Taylant,tarih boyunca,hiçbir yabancı işğaline uğramamıştır. در طول تاریخ تایلند تحت اشغال هیچ خارجی در نیامده است .

Pek az harp etmiştir. خیلی کم جنگ کرده است .

Onun için Taylantlılar bolluk içindedir.

به همین علت تایلندی ها در فراوانی نعمت زندگی می کنند .

Rahat yaşarlar.Neşelidirler.Taylant,gülen insanlar ülkesidir.

راحت زندگی می کنند ، خوشحال هستند . تایلند مملکت انسانهای خنده روست .

Taylant'a her giden,bir kere olsun,yerli yemekler yenen bir lokantaya uğramalıdır.

هرکسی که به تایلند می رود برای یک بار هم باشد به رستورانی که غذاهای محلی در آن خورده می شود بایستی سری بزند .

Bu lokantalarda yerler hasırla örtülüdür.

جاها در این رستورانها با حصیر پوشیده شده است .

Ayakkabılar kapının önünde bırakılır.

کفشها در مقابل در گذاشته می شود (درآورده می شود).

Müsteriler, alçak masaların etrafında yere uzanır.

در این رستورانها مشتریها در اطراف میزهای کوتاه روی زمین می نشینند.

Koltuklarının altına yastıklar verilir.

و زیر بغل مشتریها متکاهایی داده می شود.

Genç ve güzel bir Taylantlı kız önünüzde diz çöker ve sağ bileğinize çiçeklerden yapılmış bir bilezik geçirir.

یک دختر زیبا و جوان تایلندی در مقابل شما زانو می زند.

دستبندی که از گلها ساخته شده به دست راست شما

Bunun sebebi şudur: علتش این است:

Elinizi ağzınıza götürdükçe güzel çiçek kokuları alacak, yemek kokularından rahatsız olmayacaksınız.

موقعی که دستتان را به دهانتان برمی دارید بوی خوب گلها را گرفته و از بوی غذاها ناراحت نخواهید شد.

Taylant yemekleri, bütün Uzak Doğu yemekleri gibi, bol

biberlidir. غذاهای تایلند مثل غذاهای خاور دور فلفل فراوان دارد.

Taylantlılar, Budist oldukları için, tekrar dünyaya gelme felsefesine inanıyorlar ve bu yüzden hiç bir canlı mahluk öldürmüyorlar.

تایلندیها بخاطر بودایی بودن فلسفه دوباره بازگشت به زندگی را باور می کنند از این رو هیچ موجود زنده را نمی کشتند.

Bir gün bir ahababımızın evinde otururken, yerde koca bir karafatma gördüm.

یک روز موقعی که در خانه یکی از فامیلیمان می نشستم یک سوسک سیاه خانگی بزرگ را روی زمین دیدم.

Çığlık Çığlığa hizmetçiyi Çağırdık ve böceği öldürmesini söyledik.

فریادکنان خدمتکار را صدا کردم و نابودی سوسک را گفتم.

Kadın geldi,büyük bir ihtimamla karafatmayı avucunun içine aldı,bahçeye bıraktı.

زن آمد . با دقت فراوان سوسک خانگی را داخل مشت خودش گرفت و به باغچه پرت کرد .
امان - چرا حشره را نمی کشی ؟ Aman,böceği niçin öldürmüyorsun?
diye sorduğum zaman Kadıncağız büyük bir safiyetle:

در حالیکه می پرسیدم زنک با خلوص بزرگ :

Nasıl öldüreyim,belki de bu karafatma benim büyük annemdir,demez mi?

چطور بکشم ، شاید این سوسک سیاه مادر بزرگ من باشد . اینطور نمی گوید ؟

Bangkok bir hayvanat bahçesi gibidir.

بانکوک مثل باغچه حیوانات می باشد .

Şehirden birkaç kilometre ileride bakir ormanlar başladığı için,kaplan,ayı,panter,fil gibi vahşi hayvanlar bulunur.

بخاطر شروع جنگلها در چند کیلومتر آنطرف شهر حیوانات وحشی مثل شیر، خرس، یوزپلنگ، فیل، دیده می شود .

Şehrin içinde ise,dünyanın en güzel kuşlarına, bülbüllerine rastlanır. با زیباترین پرندگان و بلبلها در داخل شهر روبرو می شوید .
Her ağaç bir bulbul yuvasıdır. هر درخت لانه یک بلبل می باشد .

Sabahın erken saatlarında bülbül sesi ve yüzlerce mabedin damına asılmış altındançanların, rüzgârın fısıltısıyla çıkardığı ses,sonsuz zevk verir.

در ساعت های صبح زود صدای بلبل و صدای بوجود آمده در اثر وزش باد در ناقوس های طلایی آویزان شده، زیر بام صدها معبد شادی فراوانی می بخشد .

Kısacası Taylant,güzelliğın,zarafetin,nezaketin ve iyiliğın el ele vermiş olduđu bir memlekettir.

بطور خلاصه تایلند مملکتی که شامل زیباییها، ظرافت، نزاکت و خوبیها می باشد .

KONUŞTURMALAR:

مکالمات:

-Taylant hangi kıtanın neresindedir?

تایلند در کدام قاره و در کجا می باشد .

-Başkenti hangi şehirdir?

کدام شهر پایتخت تایلند می باشد؟

-Zengin bir ülke midir?Nereden anlıyorsunuz?

آیا یک مملکت غنی است؟ از کجا می فهمید؟

-Zengin oluşunun sebepleri nelerdir?

علل ثروتمند بودنش چیست؟

-Böcekleri öldürürler mi?Niçin?

آیا حشرات را می کشند؟ چرا؟

-Bu inançta olan insanlar gördünüz mu?

آیا انسانهایی با این عقیده دیدید؟

-Taylantlılar nasıl insanlardır?

تایلندی ها چه جور انسانهایی هستند؟

-Nasıl yemek yerler?

چطور غذا می خورند؟

-Yemekte kollara neler takılır?Niçin?

در غذا به دستهایشان چی حلقه می شود؟ چرا؟

-Mabetlerin çanları nedendir?

ناقوس معبدها از چیست؟

-Turistin son hükmü nedir?

منظور نهایی توریست چه می باشد؟

DİLBİLGİSİ:

دستور زبان:

Türkçede fiiller iki türdür: فعلها در ترکی دوجور می باشد:

1)Olumlu fiiller:Işın olduğunu,olacağını bildirir.

۱- فعلهای مثبت، بودن و شدن کار را مشخص می کند.

2)Olumsuz fiiller:Işın olmadığını,olmayacağını bildirir.

۲- فعلهای منفی: نشدن و نبودن کار را مشخص می کند.

Türkçede bütün fiiller olumludur: تمام فعلها در ترکی مثبت می باشند.

Yerde bir karafatma gördüm...öldürmesini söyledik....

در زمین یک سوسک سیاه خانگی دیدم و کشتن آنرا خواستم...

Fiiller-me ekiyle olumsuzlaşır: فعلها با پسوند me - منفی می شود.

Görmedim,Söylemedik,anlamamış... ندیدم ، نگفتم ، نفهمیده...

KURAL: قاعده:

1)-me eki fiillerin kök veya gövdelerinin sonlarına

gelir. پسوند me - به آخر ریشه فعلها می آید.

2)Kalınlardan sonra-ma olur. بعد از حرفها با تلفظ کلفت ma می شود.

Geldi-gelmedi,yazmış-yazmamış... آمد ، نیامد ، نوشته ، ننوشته...

Görecek-görmeyecek,köşacak-köşmayacak.

خواهید دید ، نخواهید دید ، خواهید دوید ، نخواهید دوید.

3)-me,-ma'dan sonra yor gelirse,-ses uyumuna göre-,-mi,

-mı,-mu,-mü olur:

اگر بعد از me- و ma yor بیاید نسبت به همصدایی به mi و mi و mu و mü می شود.

Biliyor-Bilmiyor,açıyor-açmıyor.

می داند ، نمی داند ، باز می کند ، باز نمی کند.

Görüyor-görmüyor,okuyor-okumuyor.

می بیند ، نمی بیند ، می خواند ، نمی خواند.

ALİŞTIRMALAR:

1)Şu fiillerin olumsuzlarını yazınız:

Yurudu,aramış,dinliyor,gösterecek,gideyim,versinler,iste.

2)Şu fiillerin olumlularını yazınız:

Korkmadı,koşmamış,açmıyor,bilmesin,olmayacak...

3)Şu cümlelerin fiillerini olumsuzlaştırınız:

Biz yakında Bangkok'a gideceğiz.Siz Taylant'i gördünüz

mu?Bana haritada Taylant'i gösteriniz.Taylantlıların

inançlarını beğeniyor musunuz?

معنی	تلفظ	لغت
نان	اِکِ مِک	Emek
شغل	مِسلِک	Meslek
مقصد - راه - یمن	اوغور	Uğur
محروم	ماهروم	Mahrum
فیلسوف	فیلوزف	Filozof
مخترع	موجیت	Mucit
بشریت	بشریت	Beşeriyet
نفر	کِی شی	Kişi
بت	پوت	Put
پرستیدن	ناپ ماک	Tapmak
آتش	آتِش	Ateş
دفعه	کِز	Kez
توبه	توبه	Tövbe

Her meslek faydalıdır. هر شغل مفید است .

Her emek uğurludur. هر کار برای مقصود و هدفی می باشد .

Çalışan mahrum kalmaz. کسی که فعالیت می کند محروم نمی ماند .

Türkler:"çalışan kazanır"derler:

ترکها می گویند ، کسی که فعالیت می کند موفق می شود .

Bir meslek sahibi olanlar günlerini boş geçirmez.

کسانی که صاحب یک شغل می باشند روزهایشان را بیهوده نمی گذرانند .

Kendisine,ailesine,yakınlarına da faydalı olur.

به خودشان و به خانواده و نزدیکان خود نیز مفید واقع می شوند .

Yalnız bununla da kalmaz. تنها به این اکتفا نمی شود کرد .

Verilen emekten memleket de,millet de faydalanır.

از کارکرد انسان در یک مملکت ملت نیز سود می برد .

Insanlar bir vücudun organları gibidir.

انسانها مثل اعضای یک بدن می باشند .

Hangi milletten olursa olsun hayırlı bir çalışmadan

bütün insanlık da faydalar görür.

از هر ملتی که هستید باشید یک تلاش با خیر برای تمامی انسانیت فایده دارد .

Bu yüzdendir ki büyük bilginler,fen adamları,filozoflar,

mucitler,kaşifler kendi ailelerinin,kendi milletlerinin

olduğu kadar beşeriyetin,bütün insanlığın da şerefli ev-

ladı sayılır:

به این علت است که دانشمندان و آدمهای فن ، فیلسوفها ، مخترعین ، کاشفین نه تنها

به خانواده های خود بلکه به تمامی انسانها و بشریت فرزند با ارزش شمرده می شوند .

Ibnî Sina,Mevlana,Pastör,Edison ve benzerleri ulu kişiler yalnız kendileri için,kendi milletleri için değil,

bütün insanlık için çalışmışlardır.

ابن سینا، مولانا، پاستور، ادیسون، اشخاص بزرگ شبیه اینها تنها به خود و ملت خود تلاش نکرده‌اند بلکه به تمامی انسانیت نیز فعالیت کرده‌اند.

Mevlana bütün insanları kardeşlik yoluna söyle çağırıyor:

مولانا تمامی انسانها را به راه برادری اینطور صدا می‌کند.

"Geliniz, geliniz, Putlara tapan da, ateşe tapan da olsanız
bin kez tövbesini bozan da olsanız bana geliniz."

بیایید، بیایید، اگر آتش پرست و بت پرست هم باشید اگر هزار بار هم توبه را بشکنید
بطرف من بیایید (یعنی با من هم فکر باشید).

KONUŞTURMALAR:

-Meslek Sahibi olanlar kimlere faydalı olurlar?

کسانی که دارای شغل می‌باشند برای چه کسانی فایده دارند؟

-Bir meslekte ilerleyenlerden kimler de faydalanır?

کسی که در یک شغل پیشرفت می‌کند چه کسانی بهره می‌برند؟

-Kimlerin çalışmalarından bütün insanlık fayda görür?

از تلاش چه کسانی تمام انسانیت فایده می‌برد؟

-Kimler bütün insanlığın şerefli evladı sayılır?

چه کسانی فرزند با ارزش انسانیت شمرده می‌شوند؟

-Dersimizde kaç ulu kişinin adı geçmektedir?

در درس از اسم چند شخص بزرگ صحبت می‌شود؟

-Mevlana kaçınıcı yüzyılda nerede olmuştur?

مولانا در کدام قرن و در کجا وفات یافته است؟

-Pastör hangi ülkede yetişmiştir?

پاستور در کدام مملکت پرورش یافته است؟

-Edison hangi memlekette doğmuştur?

در کدام مملکت ادیسون متولد شده است؟

-Sizin memleketinizde yetişmiş unlu bilginlerden üç büyüğün adını söyleyiniz.

سه دانشمند بزرگ و مشهور مملکت خود را بگویید .

-Bunlar hangi bilimlerde ün salmışlardır?

اینها در کدام علمها شهرت بدست آورده‌اند؟

-Siz de bu ululardan olmak istemez misiniz?

آیا شما هم می‌خواهید از دانشمندان بزرگ باشید؟

-Böyle olmak için ne yapmak lazımdır?

برای اینکه دانشمند باشید چه کار باید انجام داد؟

-Mevlana'nın, din farkı gözetmeksiniz, bütün insanları davet etmesini bir büyüklük sayıyor musunuz?

آیا مولانا دعوت کردن تمامی انسانها را بدون در نظر گرفتن عقاید مذهبی یک بزرگی می‌شمارید؟

-"Insan oğulları bir vücudun uzuvları gibidir" diyen büyük filozofun adını biliyor musunuz?

آیا اسم فیلسوفی را که می‌گوید (انسانها مثل اعضاء یک بدن می‌باشد) می‌دانید؟

-Uzak ülkelerde Savaş(harp), kıtlık, salgın hastalık

gibi öldürücü, acıklı bir hal olsa siz de acır mısınız?

آیا در ممالک دور، جنگ، قحطی، بیماری مسری‌کننده و یک وضعیت تلخی باشد ناراحت می‌شوید؟

DİLBİLGİSİ :

دستور زبان

Sıfatlar:

صفت‌ها:

Varlıkları niteleyen veya belirten kelimelere sıfat denir.

کلمه‌هایی که چطور بودن هستی‌ها و مشخص کردن آنرا بیان می‌کند صفت نامیده می‌شود.

Sıfatlar,görevleri bakımından,iki türdür.

صفت‌ها از نظر استعمالشان دو نوع می‌باشند .

I.Niteleme sıfatları: ۱ – صفت‌های موصولی :

Güzel hava,tatlı söz,çalışkan adam,büyük şehir,şerefli evlat...

انسان فعال حرف شیرین هوای زیبا فرزند با ارزش شهر بزرگ
Takımlarını ikinci kelimeleri isimdir.

دومین کلمه‌های ترکیبات اسم می‌باشد .

Birinci kelimeler bu isimleri nitelemektedir.

کلمه‌هایی اولی این اسمها را وصف می‌کند .

II.Belirtme sıfatları. صفت‌های مشخص (معین) .

Varlıkların yerlerini veya sayılarını çeşitli yönlerden,
belirten kelimelerdir.

کلمه‌هایی که جا و شمارش هستی‌ها را از جهت‌های متفاوت مشخص می‌کند صفت معین
نامیده می‌شود .

1)İşaret Sıfatları:Bu kitap,Su kalem,0 arkadaş

۱ – صفت‌های اشاره ، این کتاب ، این قلم و آن دوست .

2)Sayı Sıfatları: ۲ – صفت‌های شمارش:

On Sekiz öğrenci,dört yüz on yıl,beşinci ay,yedişer lira.
۱۸ دانش آموز ، چهارصد و ده سال ، ماه پنجم ، ۷ لیره .

3)Belgesiz Sıfatlar:Her insan,birçok kitap,birkaç gün...

۳ – صفت‌های مبهم ، هر انسان ، مقداری زیادی کتاب چند روز ...

4)Soru Sıfatları:Hangi arkadaş,kaç lira?..

۴ – صفت‌های پرسشی : کدام دوست ؟ چند لیره ؟

KURAL: قاعده:

1)Asıl sayıların belirttiği isimler-gene1 olarak-çoğull-
anmaz: اسامی صفت‌های شمارش بطور عمومی جمع بسته نمی‌شود :

On sekiz öğrenciler,dört yüz yıllar...denmez.

هیچده دانش آموزان ، چهارصد سالها گفته نمی‌شود ...

Yalnız, bir isim değeriinde olan takımların çoğullandıđı görülıür:

دسته‌هایی که فقط در ارزش یک اسم باشد جمع شدنشان دیده می‌شود (جمع بسته می‌شود)
 کنفرانس سه نفر از بزرگان...
 Úç Büyükler toplantısı...

2)"Her"ın belirttiđi isimler çoğullanmaz:

اسم‌هایی که با "هر" مشخص می‌شود جمع بسته نمی‌شود .

Her insanlar...denmez...
 هر انسانها گفته نمی‌شود

3)"Birkaç"ın belirttiđi isimler de çoğullanmamalıdır.

اسم‌هایی که با "مقداری" مشخص می‌شود جمع بسته نمی‌شوند .

ALİŞTIRMALAR:

"Büyük bilginler, fen adamları, bütún insanlık, her meslek, insanlıđın şerefli evladı..." takımlarından:

a) Hangileri sıfat takımlarıdır? Siz de bunlara benzer birer sıfat takımı yazınız.

b) Hangisi isim takımıdır? Siz de buna benzer bir isim takımı yazınız.

c) Hangisinde hem isim, hem de sıfat takımı bir-leşmiştir?

معنی	تلفظ	لغت
مسابقه دادن	یاریش‌ماک	Yarışmak
شرکت کردن	کاتیئل‌ماک	Katılmak
بخصوص	کهله	Hele
غده - پیاز	سُغان	Soğan
دامنه کوه - پشت	سیرت	Sırt
گران	پاهالی	Pahalı
نرخ	نارک	Nark
سخت	زُر	Zor
تفریح	ای‌لن‌جه	Eğlence
حلوا - شیرین	حلوا	Helva
طرح	پلان	Plan
بفکر فرو رفته	دال‌گین	Dalgın
خط کشیدن	چیزمک	Çizmek
میل - خواست	ای‌راد	Irade
فرمودن - فرمان دادن	بویورماک	Buyurmak
شخص	بلی	Belli
روش - عادت	گُلنک	Gelenek
گناه	سوچ	Suç
درک کردن - ملتفت شدن	کس‌تیرمک	Kestirmek
مغلوب کردن - غالب شدن	بین‌مک	Yenmek
صدای خش‌خش	گیجیرتی	Gıcirtti
پس‌گردن	آن‌سه	Ense
جلاد	جلات	Cellat
ساطور - خط	ساتیر	Satır
کمند - تسمه روغنی که برای بدار آویختن بکار	کمنت	Kement

معنی	تلفظ	لغت
برده می شود		
اینک – بفرمایید	یشت	Işte
اهل و عیال	چلوک چجوک	Çoluk çocuk
گردشی کردن	دُلاش ماک	Dolaşmak
هنوز	حالا	Hala
بدست آوردن – پایین انداختن	دوشورمک	Düşürmek
بد	فنا	Fena
سطر	میصرا	Mısra
حک کردن	کازدیرماک	Kazdırmak
پاشیده شدن	سرپیل مک	Serpilmek
علاقمند شدن به چیزی – پیچیدن	سارماک	Sarmak
ینی چری – سرباز دوره عثمانی	ینی چری	Yeniçeri

On Sekizinci yüzyılın başları...

Üçüncü Sultan Ahmet, İstanbul'u güzel eserlerle Süslemek istiyor.

در اوایل قرن هیجدهم سلطان احمد سوم میخواست استانبول را با اثرهای زیبا آرایش بدهد.

Kehtane'de (kağithane'de), Boğazici'nin birçok yerlerinde (yazlık, Harem taraflarında kışlık köşkler yaptırıyor.

در سعدآباد (کهتانه) و در بسیاری از جاهای تنگه بسفر و در طرفهای حرم خانههای تابستانی و ویلاها درست می کند.

Vezirler de boş durmuyorlar, halk da bu güzellik yarışmasına katılmış gibidir.

وزرا هم بیکار نمی مانند. مثل اینست که مردم هم می خواهند در این مسابقه زیبایی شرکت بکنند.

Her tarafta güzel evler, köşkler yapılıyor.

در هر طرف خانهها و ویلاهای زیبا ساخته می شود.

Hele bahçeler!...

... بخصوص باغچهها...

Herkesi bir çiçek merakı sarmış...

هرکس به یک گل علاقه نشان داده...

En beğenilen çiçek lale...

... مورد پسندیده ترین گل لاله...

Yüzlerce çeşidi üretilmiş...

... صدها نوع آن تولید شده...

Bazi Cinsleri öyle pahalı ki!...

Lale soğanları pek pahalıya satıldığı için devlet, nark koymak Zorunda kalıyor.

بسیاری از گونههای لاله بقدری گران است که دولت مجبور شده بعلت فروش پیازهای لاله به قیمت گران نرخ تعیین بکند.

Yazlar, Sadabat'ta (kehtanedeki köşklere) bin bir eğlence ile geçer. تابستانها در سعدآباد با هزار و یک تفریح می‌گذرد.

Kışlar, Üsküdar semtinin Marmaraya bakan sırtlarında...

Bu sırtları süsleyen köşklere helva sohbetleri yapıldı.

در دامنه منطقه اسکودار (قسمت آسیایی استانبول) که مایل به دریای مرمره است در زمستانها صحبت‌های شیرین در ویلاهای این دامنه ردوبدل می‌شود.

Bu Zevk ve safa devrinden bugüne yalnız bir tek çeşme kalmıştır.

از ذوق و سلیقه و صفای آن دوره تا به امروز فقط یک چشمه باقی مانده است.

Devrinin Zevklerini, inceliklerini ve güzellik anlayışını canlandıran bir çeşme!...

یک چشمه که زیبایی‌ها و ظرافت و ذوقهای دوره‌اش را زنده می‌کند...

Sultan Ahmet, Topkapı sarayını kuşatan surların Ayasofya'ya açılan kapısı önünde bir çeşme yaptırmak istiyor.

کاخ توپ‌کاپی که با برجها احاطه شده دارای دری است که در مقابل آيا سوفيا می‌باشد و در آنجا سلطان احمد می‌خواهد یک چشمه بنا کند.

Hem Çeşme, hem sebil... (آب دادن در راه رضای خدا) روزها طرحش را فکر می‌کند. Planını günlerce düşünüyor.

Padişahı dalgın görenler, sebebini sormaya cesaret edemiyorlar.

کسانی که پادشاه را بفکر فرو رفته می‌بینند پرسیدن علت آنرا جسارت نمی‌کنند.

Çiziyor, bozuyor, tekrar çiziyor...

طرح می‌کشد، خراب می‌کند، دوباره طرح می‌کشد.

Bir sabah padişahı neşe içinde görüyorlar.

یک صبح پادشاه را در شادی می‌بینند.

Başarı, dalgınlığı dağıtmıştır.

موفقیت حواس پرتی او را از بین برده است.

Ferman ediyor.Mimar başı çağırıldı.

دستور می دهد . سر معمار فرا خوانده شد .

Yer belli,plan hazır...

جا مشخص و طرح حاضر...

Kısa zamanda bitirilmesi irade buyuruldu.

در مدت کوتاه تمام شدنش را فرمان داد .

Ne o?...Padişahın Zihni gene meşgul.

چه چیز آن ؟ ذهن پادشاه دوباره مشغول .

Elde kağıt,kalem...

در دست کاغذ و قلم ...

Bu Sefer Çizmiyor,yazıyor ve hemen bozuyor...

این بار طرح نمی کشد ، می نویسد و فوراً پاک می کند ...

Padişah eğlenceyi değil,yeme,içmeyi de düşünmüyor.

پادشاه ب فکر خوردن و نوشیدن و تفریح هم نیست .

Yazıyor,karalıyor...

می نویسد ، خط می کشد ...

Kimse soramaz ki!...Geceler de uyumuyor.

هیچکس سؤال نمی کند . شبها هم نمی خوابد .

Sarayda herkes merak içinde...

هرکس در کاخ در نگرانی ...

Endişenin pek çok arttığı bir gece yarısından sonra

çıkan ferman herkesi şaşırtmıştır:

دستوری که در نیمه شب بر اثر اندیشه خوب صادر می شود همه را متعجب می کند .

-Seyyit Vehbi'yi çağırın!...

سید وحیبی را صدا کنید ...

Sebebini bilen yok.

کسی علتش را نمی داند .

Şairin evine atlılar uçar gibi gittiler!...

به خانه شاعر سوارکاران بسرعت رفتند ...

Derin uykulara dalmış mahallede nal sesleri heyecanlar

uyandırdı.

صدا های نعل اسب در محله های که به خوابهای عمیق فرو رفته هیجانها بوجود آورد .

Asıl telaş ve heyecan,devrin büyük şairi Seyyit Vehbi'nin

evinde...

تلاش و هیجان اصلی در خانه شاعر بزرگ دوره سیدوحیبی ...

Uykudan uyandırılıp irade tebliğ edilince zavallı şair titremeye başlıyor.

از خواب بیدار کرده و با فرمان صادره شده بیچاره شاعر شروع به لرزیدن می‌کند.
چطور نلرزد؟
Nasıl titremesin?...

Gece yarısından sonra saraydan çağırılmak!...Hiç de hayra yorulmaz.
بعد از نیمه شب از کاخ احضار شدن هیچ هم خوب تفسیر نمی‌شود.

Geleneğe göre,böyle çağırılanların çoğu idam olunur.

اکثر کسانی که نسبت به عادت آن زمان اینطور احضار می‌شدند اعدام می‌شدند.
Şair,hiç bir suçu olmadığını biliyor,fakat
شاعر نبودن گناهش را می‌داد.

Çağırılmanın sebebini bilemediği,kestiremediği için
korkusunu bir türlü yenemiyor.

بخاطر اینکه شاعر علت احضار شدن خود را ندانسته و درک نکرده نمی‌تواند بر ترس
خود غلبه کند.

Mahalle de matem içinde.
محله هم در ناراحتی

Kimse korkusundan bir şey soramıyor.

هیچکس از ترسش سئوالی نمی‌کند.

Atlılar,şairi alıp ayrıldılar.
سوارکاران شاعر را برداشته و رفتند.

Biraz Sonra Topkapı Sarayının demir kapıları gıcırtilarla
açıldı.
کمی بعد درب آهنی کاخ توپ‌کاپی با خش و خش باز شد.

Kapıdan girerken şair,ensesinde celladın Satırını veya
boynunda yağlı kemendi duyar gibi oldu.

شاعر بمحض ورود از در در پس گردن خود مثل اینکه ساطور و کمند روغنی جلاد را احساس
می‌کند.

Bu kapıdan bir daha çıkacak mı?...

آیا از این در بیرون خواهم رفت؟

Çoluk çocuğuna bir daha kavuşacak mı idi?...

آیا به پیش‌زن و بچه‌ام برخواهم گشت؟

Kim bilir?...

چه کسی میداند؟

İşte görmediği, düşünmediği kadar süslü bir kapı açıldı.

اینک یک درب تزئین یافته که تابحال ندیده و فکر نکرده باز شد .

Şair içeri girdi. شاعر وارد شد .

Padişah, o gece yarısından Sonra ayakta dolaşiyor.

بعد از آن نیمه شب پادشاه سرپا گردش می کند .

Elinde kağıt, kalem Var. Döndü.

در دست پادشاه کاغذ و قلم وجود دارد ، برگشت .

Şair, yerlere kadar eğilerek hürmetle Selamladı. Hâlâ

titriyordu. شاعر با احترام خم شده و سلام کرد . هنوز می لرزید .

-Hoş geldin üstat! خوش آمدید استاد .

Titreme dürmüş, içini bir kurtuluş ışığı aydınlatmıştı.

شاعر احساس آرامش کرده و وجودش را نور رهایی روشن کرده بود .

-Sizi bu gece vakti rahatsız ettik.

این وقت شب شما را ناراحت کردیم .

Bir çesme yaptırıyorum.

می خواهم یک چشمه درست بکنم .

Şair hâlâ getirilişinin sebebini iyice kestirememekle

birlikte içine bir haylı emniyet gelmiş, cesareti artmıştı.

شاعر هنوز علت آوردنش را بخوبی درک نکرده با وجود این احساس آرامش کرده و جرات

او زیاد شده بود .

-Bir tarih düşünmek istedim: خواستم یک اثر تاریخی درست بکنم .

Besmeleyle iç suyu Han Ahmede eyle dua

با بسم الله بخور آبرا و دعا کن به خان احمد .

misraını yazdım.

سطر را نوشتم .

Misra fena değil, ama dört eksigi var.

سطر بد نیست فقط چهار کمبود دارد .

Günlerdir uğraşıyorum.

روزهاست که مشغول می باشم .

Tamamlanmak bilmiyor. Ne yapalım?

چکار بکنیم ؟ تمام نمی شود .

Ne dersin üstat?

استاد چه می گویی ؟

Şairin içine serin sular serpilmişti. شاعر احساس آرامش می کند .

Ölüm korkusundan sonra gelen bu padişah iltifatı onun ruhunu güneş aydınlığıyla doldurmuştu.

لطف پادشاه پس از رفع نگرانی شاعر از مرگ روح او را با نور خورشید پر کرده بود .
بدون تلف کردن ثانیهای :

Saniye geçirmeden:
Aç besmeleyle iç suyu Han Ahmede eyle dua.

با بسم الله شروع کن و بنوش آبرا و دعا کن به احمد خان .

dedi.Misra,bir kelimenin eklenmesiyle tamam olmuştu.

گفت سطر با اضافه شدن کلمه () کامل شده بود .

Padişahın keyfi sonsuzdu. لذت پادشاه بی نهایت بود .

Şaire pek çok iltifat etti. لطف زیادی در حق شاعر کرد .

Bol ihsanlarla evine gönderdi.

شاعر را با بخش های فراوان به خانه خودش فرستاد .

Bu misraı,sultan Ahmet kendi eliyle yazıyor.

سلطان احمد این سطر را با دست خود می نویسد .

Güzel yazı mermere kazdırılıyor. نوشته زیبا به مرمر حک می شود .

Şimdi o çeşmenin Ayasofya'ya bakan cephesindedir.

حالا نوشته روی چشمه در سمت روبروی آيا سوفيا می باشد .

Seyyit Vehbi'ye gelince: با مراجعه به سید وحبیبی :

Hemen o gece bir kaside yazmaya başlıyor.

آن شب فوراً " سید وحبیبی هم شروع به نوشتن قصیده می کند .

Uzun kaside,anıtın dört tarafına kazılmıştır.Şu beyitle

bitmektedir: با این بیت تمام شده است .

Tarihi Sultan Ahmedin cari zeban.. تاریخش از زبان خود سلطان احمد .

Aç besmeleyle iç suyu Han Ahmede eyle dua.

با بسم الله شروع کن و بنوش آبرا و دعا کن به خان احمد .

Istanbul'un sayısız anıtlarından biri olan bu çeşmeyi

turistler sık sık ziyaret ederler.

این چشمه را توریست ها که یکی از بناهای یادگاری بی شمار استانبول می باشد مداوم زیارت

می کنند .

KONUŞTURMALAR:

مکالمات:

-Istanbul, on sekizinci yüzyılın başlarında nasıl bir devir geçirmiştir?

استانبول در اوایل قرن هیجدهم چطور یک دوره گذرانده است؟

-O devir hangi çiçeğin adıyla anılmaktadır?

با اسم کدام گل آن دوره بخاطر آورده می شود؟

Niçin?

چرا؟

-Hükümetler nelere nark koyardı?

به چه چیزها دولت‌ها نرخ می گذاشتند؟

Bir çiçeğe nark konması neyi gösterir?

قیمت‌گذاری روی گل چه چیز را نشان می دهد؟

-O devirde yapılan köşkler bir yeniçeri ayaklanmasında (isyanında) yıkılmıştır.

ویلاهای ساخت آن دوره در اثر یک شورش دوران عثمانی خراب شده است.

Yıkılmayan eser hangisidir?

اثری که خراب نشده کدام است؟

-Bu eser, Istanbul'un neresindedir?

این اثر در کجای استانبول می باشد؟

-Padişahın yazdığı misraın eksigi ne imiş?

کمبود سطر نوشته نده پادشاه چه بود؟

-Onu kim tamlamış? Hangi kelime ile?

چه کسی آنرا (سطر را) کامل کرده؟ با کدام کلمه؟

-Şairin adı nedir?

اسم شاعر چیست؟

-Şair niçin pek çok korkuyordu?

چرا شاعر خیلی می ترسید؟

-Netice ne oldu?

نتیجه چه شد؟

-Çeşme ile sebil arasında fark var mıdır?

آیا فرقی بین چشمه و سبیل وجود دارد؟

-Bu çeşmeler sebiller niçin yapılırdı?

به چه دلیل این چشمه‌ها و سبیل‌ها ساخته می شد؟

-Sizin memleketinizde de çeşmeler,sebiller var mıdır?

آیا در مملکت شما چشمه‌ها و سبیل‌ها وجود دارد؟

-Bu Çeşmeyi gidip gördünüz mu? آیا باین چشمه رفته و دیدید؟

En güzel bulduğunuz tarafını anlatınız.

زیباترین بخش که در آن پیدا کردید شرح دهید .

DILBİLGİSİ :

دستور زبان :

Hikayenin birkaç yerinde cümlelerin sonuna üç nokta (...) konmuştur. در آخر بسیاری از جمله‌های این حکایت سه نقطه گذاشته شده است .

Bu işaret,cümlenin sonundan bir ek-fiilin veya birkaç kelimenin düşüğünü hatırlatmaya yarar.

این اشارت (نقطه‌ها) برای بخاطر آوردن حذف چند کلمه در آخر و یا حذف فعل بصورت پسوند بدرد می‌خورد .

Anlamda bir eksiklik oluyorsa kelime düşürülebilir mi?

آیا می‌توان کلمه را اگر در مفهوم کمبودی بود داشته باشد حذف کرد؟

Öyle ise hangi kelimelerin düşmesinde sakınca(mahzur)

yoktur. اگر کلمه حذف شود در حذف کدام کلمه‌ها مانع وجود ندارد .

ALİŞTIRMALAR :

a)Şu cümlelerden düşmüş ek-fiilleri yerlerine getiriniz:
En beğenilen çiçek lale...On sekizinci yüzyılın başları..
yer belli,plan hazır...

b)Şu cümlelerin sonlarına da üçer nokta konmuştur.Yarıda kesildikleri anlaşılıyor.Üç noktaların yerlerine uygun kelimeler yazınız:

Hele bahçeler...Lalelerin bazı cinsleri öyle pahalı ki...

Ne olduğunu kimse Soramaz ki...

Eklediğiniz Kelimeler anlatımı(ifadeyi)kuvvetlendirdi mi?

معنی	تلفظ	لغت
اطلاعات بدست آوردن	بیلگی ادینمک	Bilgi edinmek
وسیع	گنیش	Geniş
چه کسی	کیم	Kim
چه چیز	نه	Ne
چرا	نی چین	Niçin
چطور	ناسیل	Nasıl
در کجا	نَردِه	Nerede
به کجا	نَرَّی	Nereye
از کجا	نَرَّکَن	Nereden
کجا را	نَرَّی	Nereyi
کدام	هانگی	Hangi
چند	کاچ	Kaç

SORU سئوال

Bir şey öğrenmek, daha geniş bilgi edinmek, bir şüpheyi gidermek için sorulara baş vururuz.

برای یاد گرفتن یک چیز و بدست آوردن اطلاعات بیشتر و از بین بردن شک به سئوالات
سر می زنیم .

Türkçede Soru iki yolla sorulur:

در ترکی سئوال به دو طریق پرسیده می شود .

- I. "mi?" ekiyle ۱ – با پسوند
- II. Soru kelimeleriyle. Bunlarda aşağıda sıralanmıştır: ۲ – با کلمات سئوالی (در پایین اینها ردیف شده اند)

1) Kim? İnsanları Sormak için kullanılır:

۱ – چه کسی؟ برای سئوال کردن انسانها استفاده می شود .

- | | |
|---------------------------|----------------------------|
| Kim geldi? | چه کسی آمد؟ |
| Kimi arıyorsunuz? | چه کسی را جستجو می کنید؟ |
| Kim söylemiş? | چه کسی گفته؟ |
| Kimden duydunuz? | از چه کسی شنیدید؟ |
| Arkadaşınız kimdir? | دوستان کیست؟ |
| Kimlerle geziye çıktınız? | با چه کسانی به گردش رفتید؟ |

2) Ne? Insandan başka varlıkları sormak için kullanılır?

۲ – چه (چه چیز)؟ برای پرسیدن هستی ها به غیر از انسان استفاده می شود .

- | | |
|-------------------------------------|-----------------------------|
| Orhan size ne söyledi? | (اسم) ارهان به شما چی گفت . |
| Pazardan neler aldınız? | چه چیز از بازار خریدید؟ |
| Meyvelerden en çok neyi seversiniz? | |

از میوه ها بیشتر چه چیز را دوست می دارید؟

- | | |
|-------------------------------|---------------------------|
| Türkiye'ye ne zaman geldiniz? | کی به ترکیه آمدید؟ |
| Ne düşünüyorsunuz? | (چه چیز) چی فکر می کنید . |

Neye güldünüz? چه چیز را دیدید؟

3) Niçin (ne için)? چرا (به چه دلیل)؟

Bir şeyin sebebini sormaya yarar:

چرا برای پرسیدن علت یک چیز بدرد می خورد .

Dün okula niçin gelmediniz? چرا دیروز به مدرسه نیامدید؟

Ali'yi niçin arıyorsunuz? چرا علی را جستجو میکنید؟

Memlekete bu yıl gitmediniz. Niçin?...
امسال به وطن خودتان نرفتید . چرا؟

4) Nasıl? Bir işin, bir olayın, bir eylemin ne şekilde, ne biçimde yapıldığını sormak için kullanılır:

۴ - چطور،

علامت سئوالی چطور برای پرسیدن یک کار، یک حادثه و یک عمل، که بچه شکلی

وضعیتی انجام می شود بکار می رود .

Sevim, kapıyı nasıl açtı? سویم (اسم) در را چطور باز کرد؟

Dünkü tören nasıl bitti? چطوری مراسم دیروزی پایان یافت؟

Bu cümleyi nasıl anladınız? چطوری این جمله را درک کردید؟

Nasıl anlatacaksınız? چطور شرح خواهید داد؟

Orhan nasıl konuşur? اورهان (اسم) چطوری صحبت می کند؟

5) Nerede, nereye, nereden, nereyi?...
۵ - در کجا، به کجا، از کجا، کجا را؟

Yerle ilgili şeyleri öğrenmek istediğimiz zaman sorarız:

چیزهایی را که می خواهیم در رابطه با مکان یاد بگیریم سؤال میکنیم :

Nerede oturuyorsunuz? در کجا زندگی می کنید؟

Kalem nereye düştü? قلم به کجا افتاد؟

Bu uçak nereden geliyor? این هواپیما از کجا می آید؟

Dün nereleeri gezdiniz? دیروز کجاها را گشتید؟

6) Hangi? Kişilerden, şeylerden birisini belirtmek için

sorulur:

۶ - کدام؟ برای مشخص کردن اشیا و اشخاص پرسیده می شود :

Hangi arkadaşınızı daha çok seversiniz?

بیشتر کدام دوستان را دوست می‌دارید؟

Yarın sınava hangi saatta gireceksiniz?

در کدام ساعت فردا به امتحان خواهید رفت؟

Bu kalemi hangi dükkandan aldınız? Rağretid? ?

Hangi fakólteye gireceksiniz? ?

Bu defterlerden hangisini beğendiniz?

کدامیک از این دفترها را پسندید؟

7) Kaç? Miktarları sormak için kullanılır:

۷ – چند – چه مقدار؟ برای پرسیدن مقدار استعمال می‌شود.

Memlekete kaç ay sonra gideceksiniz?

بعد از چند ماه به وطن خواهید رفت؟

Kaç kitabınız var?

چند کتاب دارید؟

Kaç liaya aldınız?

به چند لیبره خریدید؟

Kaçıncı katta oturuyorsunuz?

در چندمین طبقه زندگی می‌کنید؟

Bu odada kaç arkadaş var?... ?

چند دوست در این اتاق وجود دارد؟

ALİŞTİRMALAR:

Aşağıdaki cümlelerde italik harflerle yazılmış kelimeleri atınız. Yerlerine onları buldurmaya, belirtmeye yarayan

Sorular koyunuz. Bu soruları satırların sonlarına yazınız:

Öğrenciler sınıfta oturuyorlardı.

Kapı yavaş yavaş açıldı.

İçeriye Orhan girdi.

Elinde beş kitap vardı.

Kitapları masaya koydu ve şöyle konuştu:

Şu kitabı bulup almak pek zormuş.

İki tane de defter almak lazım?

Ali bu sabah memleketten mektup aldı?

Bu ayın on ikisinde kardeři İstanbul'a gelecek.

Arkadařları tıp fakóltesine yazılacaklar.

Kardeři Diř Hekimliđi fakóltesine girmek istiyormuř.

Fakólteden dönerken řebekesini düřürmüř.

Her yeri dikkatle aramıř.

Bu olaya gülenler oldu.Sordum:-...gülüyorsunuz?cevap vermediler.

معنی	تلفظ	لغت
مروارید	این جی	Inci
زرگر – طلافروش	کویوم جو	Kuyumcu
رفتن – مراجعه کردن	دُغرول ماک	Doğrulamak
غالباً "	گالیا	Galiba

Horozun biri bir gün inci bulur,

یگ روز یک خروس مروارید پیدا می کند .

Alıp onu kuyumcuya doğrulur.

آنرا پیش زرگر می برد .

Kuyumcu,ne istediğini sorar. .

او می گوید که : غالباً " این جواهر .

Ali da bunu,bana biraz darı ver,

این جواهر را بگیر و بمن کمی ارزن بده .

o,benim daha çok işime yarar."

ارزن بیشتر بدرد من می خورد .

Bir cahile bir kitap miras kalır:

یک کتاب برای یک نادان به ارث می ماند .

Cahil de hemen,bu kitabı alır,

نادان فوراً " این کتاب را می گیرد .

Yol üstündeki kitapçıya uğrar.

به کتابفروش سر راه سر می زند .

Der ki:"Bu kitabı vereyim sana,

می گوید که : این کتاب را بتو بدهم .

Yerine sen üç beş kuruş ver bana

بجای این کتاب بمن ۳ و ۵ کوروش بده .

O,benim daha çok isime yarar."

آن بیشتر بدرد من می خورد (یا برای من چند کوروش بیشتر ارزش دارد)

La fontaine den orhan veli kanık.

KONUŞTURMALAR :

مکالمات :

-Orhan Veli Kanik,bu şiiri yazmış mıdır,çevirmiş midir?

آیا این شعر را اورهان ولی کاییک نوشته یا ترجمه کرده است ؟

-Kimden çeviridir(tercümedir)?

ترجمه از چه کسی می باشد ؟

-Asıl şair hangi millettendir?

شاعر اصلی (اولی) از کدام ملت می باشد؟

-Kaçınıcı yüzyılda yaşamıştır?

در قرن چندم زیسته است؟

-Birinci kitada neden bahsediliyor?

در قطعه اول از چه چیز بحث می شود؟

-Horoz ne bulmuştur?

خروس چه چیز پیدا کرده بود؟

-Bulduğunu kime götürmüştür?

چیزی که خروس پیدا کرده بود پیش چه کسی برد؟

-Ondan ne istemiştir?

از آن شخص چه خواسته بود؟

-Değerini bilseydi böyle yapar mıydı?

خروس اگر ارزش مروارید را می دانست اینطور عمل می کرد؟

-Kime bir kitap kalmış?

به چه کسی یک کتاب به ارث مانده؟

-Kitabı kime götürmüştü?

کتاب را پیش چه کسی برده؟

-Ona karşılık ne istemiş?

در مقابل کتاب چه چیز خواسته؟

-Manzumede cahil, neye benzetilmiştir?

جاهل (نادان) در شعر شبیه به چه چیز شده است؟

-Bu manzumeden bir ibret dersi aldınız mı? Anlatınız?

از این شعر یک درس عبرت گرفتید؟

شرح دهید؟

DİLBİLGİSİ :

دستور زبان :

Fiillerde anlam kayması:

نارسایی مفهوم در فعلها:

Bu manzumede fiillerin çoğu geniş zaman kipidir:

اکثر فعلها در این شعر زمان حال ساده (مضارع اخباری) می باشد.

Bulur, doğrulur, sorar, der, yer, kalır, alır, uğrar, yarar,

پیدا می کند، مستقیم می رود، سؤال می کند، می گوید، می خورد، باقی می ماند، می گیرد،

سرمی زند، بدرد می خورد،

1) Geniş zaman kiplerinin eki-r'dir.

۱ - پسوند زمان حال ساده (مضارع اخباری) حرف "ر" می باشد.

a) Sesli harfle biten gövdelere-r gelir:

به ریشه فعلها که به حرف صدادار ختم می شوند می آید.

Der, yarar, uğrar...

می گوید، بدرد می خورد، سر می زند.

b) Sessiz harfle biten gövdelerde-r'den

önce-uyarına göre-a e ı i u ü seslerinden.

ریشه فعلها که به حرف بی صدا ختم می شوند بعد از نسبت به همصدایی یکی از حروف با صدا ü, ur, ir, ır, ar, er می آید.

biri gelir: Sorar, içer, kalır, gelir, bulur, görür...

می پرسد، می نوشد، باقی می ماند، می آید، پیدا می کند، می بیند...

2) Geniş zaman kipleri "her zaman" anlamlıdır:

۲ - زمان حال ساده به مفهوم همیشگی می باشد.

Insan doğar, yaşar, olur. انسان بوجود می آورد، زندگی میکند، می میرد.

-Ne zaman?

کی؟

-Her zaman.

همیشه؟

DIKKAT! -Bu manzumedeki geniş zaman kiplerine de: "ne zaman?" Sorusunu katalım.

دقت -

به مفهوم زمان حال ساده (مضارع اخباری) این شعر هم علامت سئوالی کی را اضافه کنیم.

Cevap "her zaman" olur mu?

آیا جواب به مفهوم همیشه میشود

-Horoz inci bulur.

خروس مروارید پیدا می کند.

-Kuyumcu sorar.

زرگر می پرسد.

-Miras kalır?

ارث می ماند؟

-Kitapçıya uğrar...

به کتابفروش سر می زند...

-Ne zaman?

کی؟

-Her zaman değil, eskiden, geçmişte.

همیشه نیست، در گذشته، در قدیم.

-Horozun inci bulduğunu gören var mı?

آیا کسی پیدا کردن مروارید خروس را دیده؟

Horoz inciye kuyumcuya götürür mü?

آیا خروس مروارید را به زرگر می برد؟

Konuşur mu?

صحبت می کند؟

-Hayır!...

خیر!...

Bu manzume, bir masal benzeridir. این شعر شبیه به یک حکایت می باشد. Fiillerini-mis'li geçmiş yaparsak anlamca daha uygun olur:

اگر فعلها را به ماضی نقلی (گذشته با) عمل کنیم مفهوم بیشتر متناسب می شود:

"Horoz inci bulmuş, kuyumcuya götürmüş..."

خروس مروارید پیدا کرده، به زرگر برده...

Şair, (çeviriyi yaparken) bu manzumede geniş zaman kiplerini-miş'li geçmiş kipi yerinde kullanmıştır.

شاعر در این شعر زمان حال ساده را بجای ماضی نقلی استعمال کرده است.

Bu, bir anlam kaymasıdır. این نارسایی (لغزش) در مفهوم می باشد.

Fiillerde anlam kayması en çok buyurmalarda (emirlerde)

qörülür. بیشتر مفهوم نارسایی در فعلها در زمانهای امری دیده می شود.

Daha nazik, daha kibar, daha saygılı konuşmak için türlü fiiller kullanılır.

بیشتر برای با احترام و با شخصیت صحبت کردن فعلهای مختلف استعمال می شود.

-Bir kalem ver, diyeceğimiz yerde şunları da söyleriz:

بجای اینکه بگویم یک قلم بده - اینها را نیز می گویم.

-Bir kalem verin.

یک قلم بدهید.

-Bir kalem veriniz.

یک قلم بدهید.

-Bir kalem verir misiniz,

آیا یک قلم می دهید.

-Bir kalem verebilir misiniz.

آیا می توانید یک قلم بدهید.

-Bir kalem veremez misiniz?

آیا یک قلم نمی دهید؟

-Kaleminizi alabilir miyim?

آیا می توانم قلمتان را بگیرم؟

-Lütfen kaleminizi verir misiniz? آیا لطفاً قلمتان را می‌دهید؟

ALİŞTIRMALAR:

1)Manzumede her kıtanın Sonunda tekrarlanan misraın fiilini de-miş'li geçmiş kipine çeviriniz.

Uymuyor Niçin?

2)Beşinci misraın iki fiilini daha nazik,daha saygılı söyleyin.Saygıyı derece derece artırın.

3)Birinci ve ikinci misralardaki fiillerin hangisi basit, hangisi türemiştir?Buna benzer üç türemiş fiil bulunuz.

4)Üçüncü misraın fiilini şahıslara göre çekimleyiniz:

5)... "Bu kitabı vereyim sana,

Yerine sen üç beş kuruş ver bana."

misralarında cümleler devriktir.Düzgün cümleye çeviriniz.

معنی	تلفظ	لغت
زمین	یر	Yer
جاذبه	چکیم	Çekim
ستاره	بیل دیز	Yıldız
تحقیق کردن	این جلمک	Incelelemek
بررسی کردن	آراش تیرماک	Araştırmak
تاثیر	اتکی	Etki
جسم	جی سیم	Cisim
وزن	کوتله	Kütle
ضرب کردن	چارپماک	Çarpmak
مستقیم	دغرو	Doğru
رابطه	اران	Oran
مسافت	مسافه	Mesafe
توان دوم - مربع	کاره	Kare
عکس	ترس	Ters
کشیدن	چک مک	Çekmek
صلاحیت دار - اختیاردار	یتکی	Yetki
نجوم - ستاره شناسی	آسترونمی	Astronomi
فلسفه	فلسفه	Felsefe
مساحت - سطح - زمینه	آلان	Alan
مثل اینکه	دییه	Diye
دائما"	دایما	Daima
شرح دادن - توضیح دادن	آچیک لاماک	Açıklamak
جمله کوچک	جوم لجیک	Cümlecik
مستقل	باغیم سز	Bağımsız
قبلی	آن جول	Öncül

Büyük İngiliz bilgini Niyton (Newton 1642-1727) uzun zamandan beri yıldızların hareketlerini merakla inceliyordu.

نیوتن یکی از دانشمندان بزرگ انگلیسی حرکت‌های ستارگان از مدت زمان طولانی تحقیق می‌کرد.

Bir gün bunları düşününce düşünce bir bahçeye girmiş, bir elma ağacının altında oturmuştu.

یک روز فکرکنان (درباره ستارگان) وارد یک باغچه شده و زیر درخت سیب نشسته بود.

Birden önüne bir elma düştü. یک‌دفعه یک سیب در مقابل او افتاد.

Nivton, bu düşüşün sebepleri üzerinde durdu.

نیوتن از برای علت افتادن سیب تحقیق کرد.

Düşündü, düşündü... Elmayı çeken bir kuvvet olmalı idi.

فکر کرد، فکر کرد... یک نیرو بایستی سیب را جذب کند.

Bu kuvvet, yerden başka nede bulunabilirdi?

این نیرو به غیر از زمین در کجا می‌تواند وجود داشته باشد؟

Saatlar, günler geçtikçe düşünceler, araştırmalar derinleşiyor, genişliyordu.

با گذشت ساعتها و روزها طرز فکرها و تحقیقات عمیق و وسیع می‌شد.

Yer Çekimi, yer çekiminin kuvvetini, bu çekimin yer yüzünde bulunan bütün varlıklar ve insanlar üzerindeki etkisini düşündü.

نیروی جاذبه، کشش جاذبه زمین، تاثیر جاذبه زمین را روی تمام هستی‌ها و انسانها فکر کرد.

Bu çekim en yüksek dağların tepelerinde de kendini gösteriyordu.

این جاذبه خودش را در بلندترین تپه‌های کوهها نیز نشان می‌داد.

Bir gün şöyle düşündü:

یک روز اینطور فکر کرد.

"Bu çekim belki Aya kadar da uzamaktadır.

شاید این جاذبه تا کره ماه هم ادامه داشته باشد.

Güneş de öbür yıldızları çekmiş olabilir..."

خورشید هم میتواند سایر ستارگان را جذب کند.

Bu düşünceler onu artık bırakmadılar.

او را دیگر این طرز فکرها رها نکردند.

O, deneyler yapıyor, düşüncelerinin doğruluğunu ispat etmek istiyordu.

نیوتن آزمایشات انجام می داد و می خواست حقیقت بودن طرز فکرهایش را ثابت کند.

Nihayet çekim kanununu buldu: سرانجام قانون جاذبه را کشف کرد.

"Bütün cisimler, birbirlerini kütlelerinin çarpımıyla doğru orantılı, mesafenin karesiyle ters orantılı olarak çekerler".

تمامی جسمها و با حاصلضرب جرمشان نسبت مستقیم و با مجذور فاصله نسبت عکس دارند
همدیگر را می کشند.

Bu kanun ona fezada yıldızların yürüyüşlerini hesaplamak yetkisini de kazandırdı.

با پیدا کردن قانون جاذبه، نیوتن قابلیت حساب کردن حرکتهای ستارگان در فضا را بدست آورد.

Bu keşifler, O'nun matematikte, fizikte, astronomide büyük bir bilgin olduğunu gösteriyordu.

این کشفیات، دانشمند بودن نیوتن را در ریاضیات و فیزیک، نجوم (ستاره شناسی) نشان می داد.

Nivton, felsefe alanında da ün kazanmıştı.

نیوتن در فلسفه نیز شهرت کسب کرده بود.

Bir gün Nivton'a: یک روز به نیوتن:

-Bunları nasıl keşfettiniz? diye sorulunca:

در حال پرسیدن - اینها را چطور کشف کردید؟

-Daima düşündüm,cevabını verdi.

جواب داد . مداوم فکر کردم (مطالعه کردم)

KONUŞTURMALAR:

مکالمات :

-Bilgin Kime derler?

به چه کسی دانشمند می گویند؟

-Nivton hangi yüzyıllarda yaşamıştır?

در کدام قرن نیوتن زندگی کرده است؟

-Nivton hangi millettendir?

نیوتن از کدام ملت است؟

-"Bilginler,bir ulusun değil,bütün insanlığın evladıdır"

Sözünü doğru buluyor musunuz?Niçin?

دانشمندان اولاد یک ملت نیستند ، اولاد تمامی انسانها می باشند ، آیا این گفته را بجا می دانید؟ چرا؟

-Nivton neleri merakla inceliyordu?

نیوتن چه چیزها را با علاقه تحقیق می کرد؟

-Her merakla inceleyen,mutlaka bir şey bulabilir mi?

هرکسی که با علاقه تحقیق کند مطلقاً یک چیز می تواند کشف کند؟

-Buluşlar iki türlü olur:

کشفیات دو نوع هستند .

a)Keşifler,

– کشفیات

b)icatlar.

– ایجادها (اختراعات)

Aralarındaki farkı söyleyebilir misiniz?Açıklayalım:

آیا فرق بین و را می توانید بگویید؟ شرح دهیم :

a)Keşif:Var olan,fakat bilinmeyen,tanınmayan bir Şeyi

bilinir,tanınır duruma getirme bulma,Kutupların Keşfi...

کشف: چیزی که وجود دارد فقط شناخته نشده و بخواهیم آنرا به وضعیت دریاوریم و

بشناسیم: کشف قطبها ...

b) İcat: Yeni bir varlık ortaya çıkarma, bulma, yaratma:

اختراع: یک چیز جدید بوجود آوردن، پیدا کردن، آفریدن.

Televizyon XX.yüzyılda icat edilmiştir.

صد سال است که تلویزیون اختراع شده است.

-Nivton'un buluşları keşif mi sayılır, icat mi? Niçin?

آیا پیدا کردن کارهای نیوتن کشف شمرده می شود یا اختراع؟ چرا؟

-Yer çekimi nasıl bulundu? Çطور قانون جاذبه کشف شد؟

-Boşlukta (fezada) yıldızlar nasıl dururlar?

چطور در فضا ستارگان می مانند؟

-Bilimde (ilimde) varsayım (faraziyel), kuram (nazirye) ve kanun terimleri var.

در علم فرضیه، نظریه و اصطلاحات قانون وجود دارد.

Bunları ayırt edebilir misiniz?

اینها (فرضیه، نظریه، اصطلاحات قانون) را می توانید مجزا کنید؟

-Nivton'nun düşüncelerinden hangileri kuram niteliğindedir? کدام یک از طرز فکرهای نیوتن در وصف نظریه است؟

-"Nivton, deneyler yapıyor, düşüncelerini ispat etmek istiyordu" diyoruz.

می گوییم، نیوتن، آزمایشات انجام می داد و می خواست طرز فکرهایش را ثابت کند.

Bu çalışmalar birer varsayım mı sayılmalıdır?

آیا این فعالیتها یک فرضیه بایستی شمره شود؟

-Çekim kanununu söyleyiniz. قانون جاذبه را بگویید.

-Çekimin insanlar üzerindeki etkilerini anlatınız.

تاثیر جاذبه زمین را روی انسانها شرح دهید.

-Nivton hangi bilimlerde ün kazanmıştır?

نیوتن در کدام علمها شهرت کسب کرده است؟

-Bu bilgileri sayesinde neyi de hesaplamıştır?

نیوتن چه چیز را در سایه دانش حساب کرده است.

-"Bunları nasıl buldunuz?" Sorusuna Nivton nasıl cevap

"اینها را چطور کشف کردید"؟ به این سؤال نیوتن چطور جواب می‌دهد؟
-Bu cevap herkese güzel bir ders olabilir mi?

آیا این جواب برای همه می‌تواند یک درس عبرت باشد؟

در ترکی ضرب‌المثلی وجود دارد: -Türkçede bir atalar sözü vardır.
"Arayan bulur"...Bu sözle Nivton'un cevabı arasında ayrılık var mıdır?

"کسی که جستجو می‌کند بدست می‌آورد"...

آیا بین این حرف و جواب نیوتن فرقی وجود دارد؟

DİLBİLGİSİ:

دستور زبان:

a)...bir bahçeye girmiş(ti),bir elma ağacının altında oturmuştu. ...
وارد یک باغچه شده بود، زیر یک درخت سیب نشسته بود...

b)...deneyler yapıyor(du),düşüncelerinin doğruluğunu ispat etmek istiyordu.

آزمایشات انجام می‌داد ثابت کردن درستی طرز فکرهاش را می‌خواست.

c)Vaktimi boş geçirmiyor(dum),gece gündüz çalışıyordum.

بیهوده وقت خودم را تلف نمی‌کردم، شب و روز فعالیت می‌کردم.

C)Yeni şeyler bulmak için çok düşünmeli(Siniz)ve durmadan aramalısınız...

برای پیدا کردن چیزهای جدید خیلی باید فعالیت بکنید و بدون وقفه بایستی جستجو کنید.

Cümlelerinde ikişer bağımsız cümlecik var.

در جمله‌ها دو جمله مستقل بصورت جمله کوچک وجود دارد.

Bu cümleciklerin yüklemeleri eşittir.

فعل این جمله‌های کوچک مساوی می‌باشد.

Onun için birinci cümleciklerin yüklemelerinde parantez () içine alınmış ekler kullanılmasa daha iyi olur.

بخاطر آن پسوندهای فعلهای داخل پرانتز در جمله‌های کوچک اولی اگر استعمال نشود بهتر می‌شود .

KURAL :

قاعده :

Virgüllerle veya "ve" bağlacıyla birbirlerine bağlanmış cümleciklerin eşit yüklemelerinden öncekiler, Sonraki yüklemelerin eklerini almış sayılır.

جمله‌های کوچک با ویرگول (،) یا حرف ربط (و) پسوند فعلهای بعد ر که دارای فعلهای مساوی در جمله‌های کوچک می‌باشند در آخر جمله به خود می‌گیرند .

ALİŞTIRMALAR :

1) Aşağıdaki bağımsız cümleciklerin yüklemelerinde fazla saydığınız ekleri çiziniz.

o gün hava birden soğumuştı, gece her taraf karla ortulmuştu. Birlikte okuyorduk, yazıyorduk ve derslerimizi hazırlıyorduk. Yarın Üniversiteye gideceksiniz, derslere başlayacaksınız.

Nevton gibiler daima anılacaktır ve asla unutulmayacaktır.

2) Şu cümlede tekrarlanmış kelimelerden birisi atılamaz mı?

Bilgi ışığa benzer, bilgisizlik karanlığa benzer.

Ali, dün uçakla şam'dan geldi, Hasan da trenle Bağdat'tan geldi.

معنی	تلفظ	لغت
فرمانده	کومان دان	Kumandan
هنرمند	سانات چی	Sanatçı
هوش فوق العاده	داهیل	Dahil
شهرت	شهرت	Şöhret
نجار	ماران گز	Marangoz
نامزد (برای وکالت شغل)	آدای	Aday
مدرسه وابسته به کاخ	ان درون	Enderun
کاردانی	ایش بیرلی	Işbirliği
رودخانه	نهیر	Nehir
پل	کپرو	Köprü
دریاچه	گل	Göl
نوعی کشتی جنگی که هم با بادبان و هم با پارو رانده می شود .	کادیرگا	Kadırga
سرآمد - در درجه اول	باشلی جا	Başlıca
مخزن	ماه زن	Mahzen
متعددی	گچیش لی	Geçişli
لازم	گچیش سیز	Geçişsiz
مفعول	نسنه	Neşne
عنصر	ایسه	Öge

KOCA SINAN
Mimar Sinan

سینان بزرگ
معمار سینان

Büyük bilginlerin,büyük sanatçıların,büyük kumandanların,
büyük devlet adamların,kısaca:
büyük insanların,dahilerin nasıl yetiştiklerini öğrenmek-
te faydalar vardır.

بطور خلاصه یادگرفتن زندگی اشخاص که دارای بیوغ بوده و دانشمندان و هنرمندان و فرماندهان و دولتمردان و انسانهای بزرگ مفید می باشد .

Süleymaniye,Selimiye gibi şaheserler yaratan pek çok güz-
el eserleriyle Istanbul'u ve Türkiye'yi süsleyen Sinan da
uluslar(milletler)arası Şöhreti olan büyük bir Türk mima-
ridir.

سینان با اثرهای خلق کننده مثل سلیمانیه ، سلیمه که شاهکارهای بسیار زیبای آن استانبول
و ترکیه را آرایش داده دارای شهرت بزرگ بین ملتها و یک معمار بزرگ ترک می باشد .

Sinan,Kayseri iline bağlı Ağırnas Köyünde doğmuştur(1490-
1588) .

سینان از طایفه کای سری و در ده آغورناس (۱۴۹۰ – ۱۵۹۸) متولد شده است .

Dedesı marangoz Yusuf Ađadır . پدر بزرگش آقای یوسف نجار می باشد .
Babasının adı Abdülmennan'dır . اسم پدرش عبدالمنان می باشد .

Çocukluğunda,gençliğinde dedesiyle birlikte Anadolu'yu
gezmiş,birçok Selçuk eserlerinin tamirinde bulunmuştu.

سینان در کودکی و جوانی با پدر بزرگش آتاتولی را گشته و در تعمیر بسیاری از آثار سلجوقی
بوده است (را درست کرده است) .

1512...Osmanlı Padişahı Yavuz Sultan Selim emir verdi:

در سال ۱۵۱۲ سلطان سلیم یا ویز پادشاه عثمانی دستور داد :

Asker toplanacak.

سرباز جمع خواهد شد .

Kayseriden toplanan askerlerin katibi Abdulmennan'di.

عبدالمنان نویسندهٔ سربازان جمع شده از کای سری بود.

-23 yaşlarında uyanık, gürbüz bir genç olan Sinan da asker adayı olarak babasıyla birlikte yola çıkmıştı.

– سینان در سنین ۲۳ سالگی یک جوان هوشیار و قوی که در سربازی ثبت نام کرده با پدرش باهم افتاده بود.

Istanbul'a gelince Enderuna(saraya bağlı okula) alındı.

موقعیکه به استانبول آمد وارد مدرسه کاخ شد (یعنی در مدرسهٔ کاخ تحصیل کرد).

Orada marangoz olmayı istemişti. در آنجا نجار شدن را خواسته بود.

Yedi yıl sonra orduya girdi. بعد از هفت سال وارد ارتش شد (سینان).

Zekasıyla, iş bilirliliğiyle, çalışkanlığıyla dikkati çekiyordu. باهوش، کاردانی، فعال بودنش باعث جلب توجه می شد.

Nehirler üzerinde köprüler kurarak ordunun geçmesini

kolaylaştırıyordu. با تاسیس پلها روی رودخانهها عبور ارتش را آسان می کرد.

Van Gölünde yaptığı üç kadirga başarılı oldu.

وسيله‌ای که روی دریاچهٔ وان درست کرد موفقیت آمیز شد.

1543'ten Sonra ordudan ayrılarak büyük eserler yapmaya

başladı. بعد از (۱۵۴۳) جدا شدن از ارتش به ساختن آثار بزرگ شروع کرد.

Eserlerinin çokluğu akıllara hayret verecek derecedir.

بسیاری از آثارش در درجه است که عقلها را به حیرت و خواهد داشت.

Eserlerinin başlıcaları şunlardır: سرآمد آثارش اینها است:

81 cami, 51 mescit, 55 medrese, 26 darulkura(okuma yurdu),

۲۶ خوابگاه ۵۵ مدرسه ۵۱ مسجد ۸۱ مسجد

18 imaret, 3 darussifa(hastane), 7 büyük köprü, 6 su kemeri

۶ کانال آب هفت پل بزرگ، سه بیمارستان ۱۸ عمارت

18 Kervansaray, 6 mahzen, 3 Saray, 25 hamam, 17 türbe birçok

هفده امام زاده ۲۵ حمام سه کاخ شش انبار زیرزمینی ۱۸ کاروانسرا

da sebil, ve çeşme...Eserlerinin toplamı(yekunu)365'tir.

جمع آثارش ۳۶۵ می باشد. چشمه مقداری هم سبیل

En büyük üç eserinden Şehzade camiini yaparken 58,Süleymaniye'yi yaparken 67,Edirne'de Selimiye'yi yaparken de 84 yaşında idi.

سینان موقع ساختن سه تا از بزرگترین اثرش مسجد شاهزاده ۵۸ ساله و سلیمانیه ۶۷ ساله و در موقع ساختن سلیمیه در ادیرنه (اسم شهر) ۸۴ ساله بود.

Sinan,Batının(Garbin)en büyük sanatçısı Mikelanj(Michel-Ange 1475-1564)ile çağdaştır(muasirdir).

سینان با میکلائز بزرگترین هنرمند غرب هم زمان می باشد.

Mikelanj 89,Sinan 98 yıl yaşamıştır.

میکلائز ۸۹ و سینان ۹۸ سال زندگی کرده است.

Sinan'ın mezarı,çok sevdiği Süleymaniye'nin avlusunun dış köşesindedir.

قبر سینان در گوشه بیرونی حیاط سلیمانیه که خیلی دوست می داشت قرار دارد.

Büyük eserinin altına Konmuş imzayı andırır.

در زیر اثر بزرگ امضایش یادآور او می باشد.

KONUŞTURMALAR :

مکالمات :

-Kimlerin nasıl yetiştiklerini öğrenmekte faydalar vardır.

یاد گرفتن (زندگی) تعلیم یافته اشخاص چه فایده دارد.

-Sizce,bu öğrenmenin en büyük faydası nedir?

بنظر شما بزرگترین فایده این یادگیری چیست.

-Sinan,nerede doğmuştur?

سینان در کجا متولد شده است؟

-Babasının,dedesinin adları nedir? اسامی پدر و پدربزرگش چه بود؟

-Kimin yanında çıraklık etmiştir?

در پیش چه کسی شاگردی کرده است؟

-Hangi eserlerin tamirinde bulunmuştur?

در تعمیر کدام اثرها بوده است؟

- "bir eseri tamir etmek"ne demektir?

منظور از تعمیر کردن یک اثر چه می باشد؟

-Sinan'in yetişmesinde bu çıraklığın da faydası olmuş

آیا این شاگردی در پرورش یافتن سینان فایده داشته است؟

-Babasının görevi(Vazifesi)ne idi?

کار پدرش چه بود؟

-Istanbul'a gelince nereye yerleşti?

با آمدن به استانبول در کجا مقیم شد؟

-Okulda kaç yıl kaldı?

چند سال در مدرسه ماند؟

-Okulda ne öğrenmişti?

چه چیز در مدرسه یاد گرفته بود؟

-Orduya girdikten sonra ilk yaptığı şeyler nelerdir?

اولین چیزهایی که بعد از وارد شدن به ارتش ساخت چه چیزها است؟

-Ordudan ayrıldığı zaman kaç yaşında idi?

بعد از ترک ارتش چند ساله بود؟

-Ordudan niçin ayrıldı?

چرا ارتش را ترک کرد؟

-Istanbul'a geldikten kaç yıl sonra ordudan ayrıldı?

چند سال بعد از ورود به استانبول ارتش را ترک کرد؟

-Sinan'in eserlerinden birkaçını söyleyiniz.

چندتایی از اثرهای سینان را نام ببرید.

-Bu kadar çok eser yapmış başka bir büyük mimar tanıyor

آیا یک معمار بزرگ دیگر که اینهمه اثر ساخته می شناسید؟

-Sinan,Batının hangi büyük dahisiyle çağdaştır?

سینان با کدام نابغه غرب معاصر می باشد؟

-Mikelanj, hangi yüzyılda yetişmiş, nasıl eserler vermiştir?

میکلانژ در کدام قرن پرورش یافته، چگونه آثار داده است؟

-Memleketinizdeki büyük mimarı eserlerden üç tanesinin

adını söyleyiniz. در مملکت خود نام سه تا از آثار معماری بزرگ را بگویید.

-Bu eserleri yapan mimarların adlarını Söyleyiniz.

اسامی معمارهایی که این آثار را ساخته اند نام ببرید.

-Bu çeşit güzel eserler,memleketlere ne bakımdan değer katarlar? این آثار مختلف زیبا به مملکت از چه نظر ارزش می دهند؟

-Mimarı,bir güzel sanattır.Güzel sanatlardan sayılacak daha neler vardır?

معماری یک هنر زیباست . از هنرهای زیبا شمرده دیگر چه چیزها وجود دارد .

Klasik anlayışa göre güzel sanatlar beştir:

هنرهای زیبا نسبت به درک کلاسیک ۵ تا می باشد :

Resim,mimarlık,heykeltıraşlık,müzik,Şiir ve edebiyat.

و ادبیات شعر موزیک هیکل تراشی معماری نقاشی

-Siz bu güzel sanatlardan hangisini daha çok seviyorsunuz?Niçin? شما کدامیک از این هنرهای زیبا را بیشتر دوست میدارید؟ چرا؟

-Süleymaniye'yi gördünüz mü?Beğendiğiniz taraflarından ikisini anlatınız.

آیا سلیمانیه را دیدید؟ قسمتی را که پسندید

DILBİLGİSİ:

دستور زبان :

Türkçede kelimeler yapı bakımından üç türdür.

در ترکی کلمه‌ها از نظر ساختمان سه نوع می باشند .

- 1)Basit kelimeler, ۱- کلمه‌های ساده (آسان) .
- 2)Türemiş kelimeler, ۲- کلمه‌های بوجود آمده .
- 3)Bileşik kelimeler. ۳- کلمه‌های مرکب .

1)Basit kelimeler.-Türeme ve bileşme yollarıyla var olmamış asıl kelimeler,kök kelimeler:

۱- کلمه‌های ساده، کلمه‌هایی اصلی که بطریق ترکیب یا با پسوندها بدست نیامده - ریشه کلمه‌هاست

Su,taş,baba,iyi,kara,ben,ata,söz,kuş,yol,kelebek,oku,gel, otur... بنشین و بیا و بخوان پروانه و راه پرنده و حرف و پدر و من و سیاه و خوب و پدر و سنگ و آب

2) Türemiş kelimeler.-Ekle yapılmış kelimeler

۲- کلمه‌های بوجود آمده - کلمه‌هایی که با پسوند ساخته شده است .

Sucu, taşlı, iyilik, benlik, parasız, anlatmak, bilgin, kırık, keskin, sözcü, yürüyüş...
 فهماندن بی پول مال من خوبی سنگی کسی که به منازل آب میدهد طرز راه رفتن شکسته دانش

Türemiş kelimeler pek çeşitlidir.

کلمه‌های بوجود آمده خیلی متفاوت میباشند .

Bu derste bir örnek incelenecektir:

در این درس یک مثال بررسی خواهد شد .

Iyilik, kötülük. بدی خوبی

Bu iki kelime de-lik ekiyle türemiştir.

این دو کلمه با پسوند **lik** بوجود آمده است .

-lik ekinin görevleri. مفهوم (وظیفه) پسوند **lik**

1) Isimlerin sonlarına gelir: به آخر اسمها می‌آید .

a) Yer adı yapar: مفهوم اسامی جا می‌سازد .

kömürlük, odunluk, tuzluk, şekerlik...

جا شکر، نمکدان، جاهیزمی، جای ذغال گذاشتن .

b) Bazı isimlerden sıfatlar yapar:

(لیک) از بعضی از اسمها صفت درست می‌کند .

Yazlık elbise, kışlık palto, günlük olaylar, kıralık oda...

حوادث روزانه پالتو زمستانی لباس تابستانی اطاق اجاره‌ای

2) Sıfatların ve sıfat gibi kullanılan isimlerin sonlarına gelir, soyut (mucerret) isimler yapar:

۲- پسوند **lik** به آخر صفتها و اسامی که شبیه صفت استعمال شده می‌آید اسامی مجرد می‌سازد :

Iyilik, kötülük, öğretmenlik, öğrencilik, arkadaşlık, dostluk, gençlik... دوستی، شاگردی، معلمی، بدی، خوبی، جوانی، دوستی.

Türkçede fiiller-nesne alıp almadıklarına göre-ikiye ayr-

ılır: فعل، در ترکی از نظر اینکه مفعول می‌گیرند یا نه بدو دسته تقسیم میشوند .

1)Geçişli(muteaddi)fiiller(nesne alan fiiller)

۱- افعال متعددی

2)Geçişsiz(lazım)fiiller(nesne almayan fiiller).

۲- افعال لازم

NESNE-

مفعول

Cümlede öznenin(failin)yaptığı işten etkilenen kelimedir.

مفعول کلمه‌ای که در جمله تحت تاثیر کار فاعل قرار می‌گیرد .

"Orhan camı kırdı."

اورهان شیشه را شکست .

"Cam"kelimesi cümlede nesnedir.

شیشه مفعول جمله می‌باشد .

"Kırdı"fiili de geçişlidir.

شکست فعل متعددی می‌باشد .

Bir fiilin geçişli olup olmadığını bulmak için "neyi,kimi?"

Kelimelerinden biriyle sormak yeter.Cevap alınabiliyorsa

fiil geçişlidir:

اگر جواب داشته باشد فعل متعددی است .

Açıyor:

باز می‌کند .

-Neyi açıyor?

چه چیز را باز می‌کند؟

-Kapıyı açıyor,kitabı açıyor...

در را باز می‌کند ، کتاب را باز می‌کند .

Öğreneceğim:

یاد خواهم گرفت؟

-Neyi öğreneceğim?

چه چیز را یادخواهم گرفت؟

-Dersi öğreneceğim,Türkçeyi öğreneceğim.

درس را یاد خواهم گرفت ، ترکی را یاد خواهم گرفت .

Dinledim:

گوش دادم .

-Kimi dinledim?-öğretmeni...

چه کسی را گوش دادم ، معلم را ...

-Neyi dinledim?-Radyoyu...

چه چیز را گوش دادم ، رادیو را ...

"Neyi,Kimi"Sorularına cevap alınamıyorsa fiil geçişsizdir:

اگر به سئوالات (چه چیز را و چه کسی را) جواب داده نشود . فعل لازم است .

Geldi,uyuyor,düşecek...

فکر خواهد ... و می‌خواهد و آمد

-Neyi geldi,neyi uyuyor,neyi düşecek?...denemez.

چه چیز را آمد ، چه چیز را می خوابد ، چه چیز فکر خواهد گفته نمی شود .

KURAL.

قاعده:

Geçişli fiillerin cümlelerinde nesne de-özne gibi,yüklem gibi-ana öğelerden biridir.

در افعال متعددی مفعول هم مانند فعل ، فاعل یکی از اعضای اصلی می باشد .

Nesne bulunmazsa,geçişli fiillerin cümleleri eksik olur.

اگر در جمله های افعال متعددی مفعول نباشد جمله ناقص می شود .

ALİŞTIRMALAR:

1)Aşağıdaki kelimelerden-lik ekiyle birer kelime türetiniz:

Güzel,kum,düşman,çocuk,yaşlı,göz,kitap,ben...

2)Bunları birer cümlede kullanınız.

3)Kelime çeşitlerini Söyleyiniz.

4)Okuyacağım,gitti,görüyorlar,yazmış,yatıyorsunuz, isitmediniz mi?

Koşamazsınız,istemeliyiz,korkuyorum,ağlamış...

fiillerinden hangileri geçişli,hangileri geçişsizdir?

5)Bu fiillerin her biriyle bir cümle kurunuz.

Nesnelerin altlarını çiziniz.

معنی	تلفظ	لغت
بر خوردن - اصابت کردن	راست گل مک	Rastgelmek
بدوی	بدوی	Bedevi
چادر	چادیر	Çadır
سیاه	سیاه	Siyah
پوست	دری	Deri
کهنه - غده - پارچه	بز	Bez
لباس بلند زنانه و یا مردانه	ان تاری	Entarı
لباس بلند که در سر و آستین بریدگی دارد	ماشلاح	Maşlah
نوعی شال منگوله دار	آگل	Age1
نوعی کلاه	کفیه	Kefye
مشین - چرم	مشین	Meşin
کف	تابان	Taban
چرم سخت ته کفش	کسله	Kösele
یافتن	آرمک	Örmek
ثروت	سروت	Servet
دستبند	بیلزیک	Bilezik
مس	باکیر	Bakır
نقره	گوموش	Gümüş
تیره	کیو	Koyu
تیز	سیوری	Sivri
سری	سری	Seri
قصاص	کئساس	Kısas
بدوی	اوربانی	Urbanı
کیف - لذت	کیف	Keyf
خون بها	دییت	Diyet

معنی	تلفظ	لغت
مونت	دی شی	Dişi
شتر سفید تندرو	هجین	Hecin
کنیزی	جاری یلیک	Cariyelik
بدبخت	بدباحت	Bedbaht
عودت	آودت	Avdet
عروسی	دویون	Düğün
بختیار	باه تی یار	Bahtıyar
پدر زن	کایین پدر	Kayın peder
داماد	گووی	Güvey
نخ قند	سیجیم	Sicim
کاکل	کاکول	Kakül
گردن	گردان	Gerdan
آویزان شدن	آسیل ماک	Asılmak
زن	کادغن	Kadın
مرکب	مورگب	Mürekkep
باشکوه و جلال	موتان تان	Mutantan
دسته - گروه	موکیپ	Mevkip
موضوع - عنوان	کنو	Konu
لغزش	کای ما	Kayma
نوجوان	ییت	Yiğit
تمبل	تمبل	Tembel

Çölde rasgeldiğiniz bedeviye evinin nerede olduğunu
 در بیابان در موقع روبرو شدن با بدوی کجا بودن خانه‌اش را سؤال کنید .
 Size ya mail bir taşı,yahut eski siyah çadırları gösterir.
 به شما یک سنگ مایل و یا چادرهای سیاه را نشان می‌دهند .

"...Bazılarının derileri üstünde bezden bir entarı,siyah
 maşlah,başlarında agel ve kefyeye,ayaklarında yalnız tabanı
 kaplayan ve ince meşin bir halka ile başparmaklara bağlı
 köseleler vardır."

در روی بدن بعضی‌ها از پارچه یک لباس بلند و سیاه در سرشان شلمه و کلاه و در پاهایشان
 که کف پا را می‌پوشاند و یک حلقه چرم ظریف که انگشتان شست را می‌پوشاند وجود دارد .
 Bu mahdut eşya,herkesin servetine göre,en fena örme bezden
 en en güzel ipek kumaşlara kadar değişir.
 این اشیاء محدود سبب به ثروت اشخاص از بدترین پارچه بافته شده تا زیباترین پارچه‌های
 ابریشم تغییر می‌کند .

Kadınların esvap ve süsleri siyah entarı,başa sarılan
 siyah bez,boyunlara,kollara,ayaklara geçen bilezikler ile
 bakir ve gümüş halkalardan ibarettir.

آرایش زنان لباسهای بلند و جامه سیاه ، پارچه‌های سیاه که به سر پوشیده میشود و دستنبده
 از حلقه‌های نقره و مس که به گردن‌ها و دست‌ها و پاها می‌بندند . عبادت می‌باشد .

Bedevi koyu esmer,Zayıf,uzun ve seyrek Sakallı,açık alınlı,
 sivri başlı,seri nazarlı bir adamdır.

بدوی یک آدمی که با مشخصات گندم‌گونه ، ضعیف ، دراز ، با ریش کم پست ، با پیشانی بزرگ
 با سرتیز و با نگاه مرموز می‌باشد .

Her kabilenin bir şeyhi var. هر قبیله یک شیخ دارد .

Bu şeyh asıl, cesur, cömerttir. . این شیخ اصیل و جسور و سخاوتمند است. .
Şeyhlerin yanında bir kadı, bir de kısas memuru bulunur.

در میان شیخها نیز یک قاضی و یک مامور قصاص وجود دارد.

Şeyhler, urbanı kendi keyfleri için ve kendi adetlerine göre idare ediyorlar...

شیخها زندگی بدوی را نسبت به خواست خود و رسومشان اداره می کنند.

Şeyhlerin verdiği cezalar için garıp hikayeler işittim:

حکایت های عجیب در مورد جزا دادن شیخها شنیدم:

...Katiller ya diyet veriyor, yahut öldürülüyor.

قاتلها یا خون بها می دهند و یا کشته می شوند.

Diyet kırk adı deve, bir beyaz dişi hecin, izdivaç edilebilir bir kızıdan ibarettir.

خون بها عبارت است از یک دختر که بسن ازدواج رسیده و شتر تندرو مونث سفید و چهل شتر معمولی.

Bu kız, ölen adamın en yakın erkek akrabasının çadırına götürülür ve bir erkek çocuk doğuruncaya kadar bu yabancı adama cariyelik eder.

این دختر به چادر نزدیکترین فامیل مرد مقتول برده می شود و برای این شخص بیگانه تا زاییدن یک فرزند پسر کنیزی می کند.

Doğurduğu çocuk, sağ koltuğuna bir kılıç sıkıştırıldı. .
Vakit sağ elinde tutabilecek yaşa gelir gelmez, katilin bedbaht kızı, Şeyhler meclisinin huzuruna çıkar ve efendisine:

بچه بدنیا آمده تا زمانی که بتواند یک شمشیر را در زیر بغل و در دست راست بگیرد دختر بدبخت قاتل به حضور مجلس شیخها وارد می شود و به سرورش:

-Bu Çocuk kimindir?

این بچه مال چه کسی است؟

-Yemin ederim ki benimdir!

Cevabını verirse çocuğu babasına bırakıp kendisi erkekle

alakasını keser ve ailesinin yanına avdet eder.

قسم می خورم بچه مال من است اگر جوابش را بدهد بچه را به پدرش داده و خودش رابطه اش را مرد قطع می کند و به پیش خانوادهاش عودت می کند .

Vaktiyle bir bedevi düğünüyle bedevi ziyafetinde bulunan dostlarımdan biri bana gördüklerini yazmıştı:

یکی از دوستانم که در موقع اش در مهمانی عروسی یک بدوی شرکت کرده چیزهایی را که دیده نوشته بود .

"Çölün, amcazadesi olmayan kızları, şehir kızlarından bile bahtiyardır.

اگر در بیابان دخترانی که عموزاده نداشته باشند از دختران شهر نیز خوشبخت می باشند .
Kabilelerinin konduğu yerlerde gönlüne hoş gelen her hangi bir gençle evlenebilir.

دخترها می توانند قبیله اش به هر جا که کوچ می کند با جوان دلخواهش ازدواج بکنند .
Fakat her kız için amcazadeye varmak mecburiyeti vardır.

ولی برای هر دختر ازدواج با عموزاده مجبوری می باشد .
Hatta bu amcazadenin birkaç zevcesi olsa bile..."
حتی عموزاده اش چند زوجه هم داشته باشد .

Ben, askerimden yardım görmüş bir kabilede nikah ve düğüne davet edilmiştim.

من در عروسی و عقد یک قبیله که توسط سرباز هم کمک رسانده دعوت شده بودم .
Nikah günü delikanlı ile kız karşı karşıya birer taş üstüne oturdu.

در روز عقد . نوجوان یا دختر روبروی هم در روی یک سنگ نشستند .

Erkek dedi ki: پسر گفت که :

-Ben bir taş üstündeyim, Sen de bir taş üstündesin! Allahın ve Peygamberin emrettiği gibi beni kendine erkek diye kabul eder misin?
من روی یک سنگ نشسته ام و تو نیز روی یک سنگ نشسته ای .
به امر خدا و پیامبر مرا به همسری خود قبول می کنی .

-Kız cevap verdi: دختر جواب داد:

-Ben bir taş üstündeyim, Sen de bir taş üstündesin! Seni kendime erkek diye kabul ediyorum.

من روی یک سنگ هستم و تو نیز روی یک سنگ دیگر، ترا بعنوان همسر خود قبول می‌کنم.
Bu sözleri üç kere tekrar ettiler.

این حرفها را سه مرتبه تکرار کردند.

Sonra kayın peder elindeki çöpü damadına verdi ve damadı bu çöpü ağızla kefyesi arasına koydu.

بعد پدر زن چوب (کوچک) را که در دست دارد به دامادش می‌دهد و داماد آن چوب را بین شلمه و کلاه خود می‌گذارد.

Çölde nişan alamtı işte bu çöptür.

اکنون علامت (نامزدی) در بیابان این چوب (کوچک) می‌باشد.

Damat demek istiyor ki: داماد می‌خواهد بگوید که:

-Kızınız bir çöp de olsa başımın üstündedir.

اگر دختر شما به اندازه یک چوب هم باشد بالای سرم می‌باشد.

Güvey bir aba, bir entarı, demir halhal, Saça takmak için bir sicime dizili boncuk, bir çift bilezik, kakülden gerdana kadar burnu örterek asılmak üzere gümüş İngiliz paraları dikilmiş bir bez parçası hediye etti.

داماد، یک عبا، یک جامه بلند، خلخال آهنی، منجقی برای بستن موکه به نخ ردیف شده و یک جفت دستبند پولهایبی انگلیسی نقره‌ای که روی تکه پارچه دوخته شده و از کاکل تا گردن و دماغ را می‌پوشاند هدیده کرد.

Sonra gelin, ta küçükten beri böyle bir gün için ayırıp sakladığı cins hecininin burnuna kendi saçından ördüğü halkayı taktı ve kadınlardan mürekkep, mutantan bir mekip önünde güveğinin çadırına girdi.

بعد عروس از مان کوچکی بخاطر این چنین روزی حلقه مویی را که از موهای خودش بافته و به بینی گونه شتر تندرو که بزرگش کرده وصل و مرکب از زنان و باشکوه و جلال موکب به چادر داماد وارد شد.

ATEŞ ve GÜNEŞ (Falih Rifki Atay.)

KONUŞTURMALAR:

مکالمات:

- Bu yazının konusu nedir? موضوع این نوشته چیست؟
- "Bedevi"ne demektir? بدوی چیست؟
- Bedeviler nerelerde otururlar? بدویها در کجا زندگی می کنند؟
- Nasıl giyinirler? چگونه لباس می پوشند؟
- Zengin bedevilerin giyinişleri farklı mıdır? آیا طرز لباس پوشیدن بدویهای ثروتمند متفاوت است؟
- Bu yazıya göre bedevi nasıl bir insandır? نسبت به این نوشته بدوی چه جور انسان است؟
- Her kabilenin nesi vardır? Nasıl insanlardır? هر قبيله چه چیز دارد؟ چه جور انسانها می باشند؟
- Bedevi mahkemeleri şehir mahkemelerine benzer mi? آیا محاکمه های بدوی شبیه به محاکمه های شهر می باشد؟
- Adam öldürenlerin cezası nedir? جزای قاتلین چیست؟
- Diyet ne demektir? خون بها چیست؟
- Diyet olarak neler vermek adettir? بعنوان خون بها دادن چه چیزها مرسوم است؟
- Diyet olarak verilen kız ne vakit cariyelikten kurtulur? دختری که خون بها داده می شود کی از کنیزی رها می شود؟
- Cariye ne demektir? به چه کسی کنیز گفته می شود؟
- Büyük uygar (medenî) memleketlerde cariyelik var mıdır? آیا امروزه در ممالک متمدن کنیزی وجود دارد؟
- Bedevi kızları kimlerle evlenmek zorundadır? دختران بدوی با چه کسانی مجبور به ازدواج می باشند.

- Böyle yakın akraba ile evlenmenin mahzuru var mıdır?
آیا ازدواج با فامیل نزدیک مخطور دارد؟
- Amcasının oğlu olmayan bedevi kızları nasıl evlenir?
دختران بدوی که پسرعمو ندارند چطور ازدواج می‌کنند؟
- Nikah töreninde erkekler kız nerelerde otururlar?
در مراسم عقد پسر و دختر در کجا می‌نشینند؟
- Neler söylerler? چه چیزها می‌گویند؟
- Nişan nasıl olur? نامزدی چطوری بزرگوار می‌شود؟
- Erkeğin hediyeleri neler olur? هدایای مرد چیست؟
- Kızın hediyeleri? هدایای دختر چیست؟

DILBİLGİSİ :

دستور زبان :

I-Sıfatlar ve sıfat takımları: ۱- صفت‌ها و ترکیبات وصفی :

1)İhtiyar Fagfur, eski kitap, rüyasız uyku,

۱- خواب بدون رویا، کتاب قدیم، امپراطور پیر.

nihayetsiz bahçe, yeni hikmetler, korkunç felaket,

فلاکت وحشتناک، حکمت‌های جدید، باغچه بی‌انتها.

uğursuz yağmur, çalgın halk, çalışkan millet...

ملت فعال، مردم دیوانه، باران بدیومن.

Bu söz gruplarında ikinci kelimeler isimdir.

گروههای دوم کلمات اسم می‌باشد.

Birinci kelimeler onları niteleyen (nasıl olduklarını gösteren) birer tamlayıcıdır.

هریک از کلمات ولی وصف و کامل کننده (دومی) است.

İsimleri niteleyerek tamlayan kelimeler birer niteleme sıfatıdır.

کلماتی که اسم‌ها را وصف می‌کند یک صفت وصفی می‌باشد.

Bir sıfatla bir isimden meydana gelen söz grubuna sıfat takımı (Sıfat tamlaması) denir.

به یک صفت که با یک حرف از گروه اسم تشکیل می شود ترکیبات وصفی گفته می شود .

2) Isimlerin yerlerini veya Sayılarını belirten kelimelere de belirtme sıfatı denir:

۲ - کلمه هایی که محل و تعداد اسمها را مشخص می کند صفت مشخص گفته می شود .

Bu yağmur, bir damla, yirmi gün, bütün halk, birkaç kişi...

تمامی مردم ، بیست روز ، یک قطره ، این باران ، چند شخص ...

Sıfatın en kısa tanımı (tarifı) şudur: تعریف کوتاه صفت عبارت است: Sıfat, varlıkları niteleyen veya belirten kelimedir.

صفت کلمه ایست که چگونگی هستی ها (اسم) را بیان می کند .

3) Bu yazıda su söz grupları dikkatı çekiyor:

در این نوشته گروه حرفها جلب توجه می کند .

Gayet ihtiyar, gayet korkunç, en çalışkan...

خیلی فعال ، بی نهایت وحشتناک ، بی نهایت پیر .

Bu kelimelerden ikincileri niteleme sıfatıdır

در این کلمات (خیلی فعال ، بی نهایت وحشتناک ، بی نهایت پیر) دومی صفت وصفی می باشد .

Birinciler, onların anlamlarını kuvvetlendiriyor.

کلمات اولی مفهوم کلمات دومی را شدت می دهند .

"Gayet" kelimesinin yerine "çok, pek..." kelimeleri kullanılabilir:

بجای کلمات (بی نهایت) می توان از کلمات (خیلی ، زیاد) هم استفاده کرد .

"En çalışkan" yerine biraz farkla "daha çalışkan" da denebilir.

بجای خیلی فعال با کمی فرق می توان بسیار فعال هم گفت .

Niteleme sıfatlarını kuvvetlendirmek için kullanılan pek çok, gayet, en, daha... kelimeleri birer zarftır.

کلمه های (خیلی و زیاد ، بی نهایت و خیلی - بسیار) که برای تشدید کردن صفت وصفی بکار می رود قید می باشد .

Pek güzel bir çiçek, çok faydalı ders, gayet zengin adam,
درس بسیار با فایده، گل بسیار زیبا، کتاب بسیار گران، سردترین روز،
en soğuk gün, daha pahalı kitap... آدمی بی نهایت ثروتمند.

II-Anlam kayması ve Ek-fiiller - نارسایی مفهوم، فعلهای پسوند.

1) Anlam Kayması: - نارسایی مفهوم.

"Katiller ya diyet veriyor, yahut öldürülüyor" cümlesindeki fiiller-iyor ekiyle şekillenmiştir.

فعلها با پسوند iyor در جمله قاتلین یا خون بها می دهند و یا کشته می شوند تشکیل شده است.

-iyor şimdiki zaman kipinin ekidir.

(iyor) پسوند زمان حال ساده می باشد.

Bu kip, işle anlatışın birlikte olduğunu anlatır ve şöyle çekimlenir:

این زمان توام بودن کار با طرز فهماندن را توضیح می دهد و اینطور صرف میشود.

Ben para veriyorum biz kitap okuyoruz.

Sen kalem alıyorsun siz ders alıyorsunuz.

Bedevi diyet veriyor Onlar diyet veriyorlar.

"Bedevi diyet veriyor, yahut öldürülüyor"

"بدوی خون بها می دهد و یا کشته می شود."

-Ne zaman? کی؟

-Adet olduğu için her zaman. به رسم همیشه.

Bu örnek gösterir ki Türkçede kimi kez (bazan, bazı kere)

bir kip, başka bir kipin yerinde kullanılır:

یک مثال نشان می دهد که یک زمان بجای زمان دیگر بعضی وقتها در ترکی استعمال می شود.

Ali yarın Halebe gidiyor=gidecek.

Bu dil olayına anlam kayması denir.

2) Ek-fiiller (tekrar):

Ben bir taşın üstündeyim,

Sen bir taşın üstundesin,

Kızın başimin üstündedir,

Biz üniversitedeyiz.

Siz evdesiniz,

Onlar ayaktadırlar.

Bir örnek daha:

Ben gencim

Sen Süriyelisin,

O, Ali'dir,

Biz insanız,

Siz evdesiniz,

Onlar öğrencidirler.

Bu cümlelerin yüklemeleri-fiil görevli

kelimeleri-Şu ekleri almışlardır:

Şahıs	tekil	Çoğul
I.	-im	-iz
II	-sin	-sınız
III	-dir	-dirler

Bütün isim soylu kelimeler-isimler,sıfatlar,zamirler...

-bu eklerle hüküm bildiren birer yüklem olur.

تمامی کلمات از ریشه اسم ، اسمها ، صفتها ، ضمیرها که با پسوندها

حکم را مشخص می کند یک فعل می شوند .

Bunlara "ek-fiil" denir.

به اینها فعل پسوند گفته می شود .

ALİŞTIRMALAR:

1)Şu isimleri birer sıfatla niteleyiniz ve birer cümlede kullanınız:

Oda, kapı, defter, öğrenci, adam...

2) Şu isimleri birer sıfatla belirtiniz:

Lira, ders, sokak, tahta, kürsü...

3) Şu takımlardaki sıfatları birer zarfla pekiştiriniz (kuvvetlendiriniz):

Sevgili arkadaşım, yaramaz çocuk, şık elbise, ileri millet, geniş cadde, akıllı, Fagfur, temiz su, deli adam...

4), a) Bir masaldan:

...Öksüz çocuk, ormanda giderken önüne bir peri çıkar. Çocuk yolu sorar, peri ona açır, ona bir tilsim verir...

Bu cümlelerin fiilleri hangi zaman kipidir?

Hangi zaman kiplerinin yerinde kullanılmıştır?

b) "Bu çocuk her yıl birinci oluyor." cümlesinin fiilini daha uygun bir kiple değiştiriniz.

c) "Bu sorulara cevap hazırlayacaksınız."

Cümlesinde anlamı bozmadan yüklemnin kipini değiştiriniz.

Daha başka bir kip de olamaz mı?

5) a) Aşağıdaki satırlarda noktalarla gösterilen yerlere gereken ekleri yazarak hüküm anlamlarını tamlayınız:

Şahıs	Tekil	Çoğul
I.	Ben Şamliyim	Biz genç...
II.	Sen zeki....	Siz yaşlı...
III.	O Korkak....	onlar kardeş...

b) Noktalarla boş bırakılan yerlere uygun kelimeler, ekler yazınız:

I.kuvvetli....tembel değil...
II.yiğit.....zengin.....
III.Ahmet.....burada mı....

معنی	تلفظ	لغت
مهمانی	زی یافت	Ziyafet
مولود - ولادت	مولیت	Mevlit
سفره	سُفرا	Sofra
ردیف شدن	دی زیل مک	Dizilmek
کاسه بزرگ	کین	Teğen
با آب پیخته شده	هاشلان مش	Haşlanmış
خرد کردن	دُغراماک	Doğramak
تا کردن (آستینها)	سیواماک	Sıvamak
مشت	آواوچ	Avuç
جای گرفتن	سیفاک	Siğmak
سخت	گوچ	Güç
غریب	گاریپ	Garip
سخاوتمند - دست و دل باز	جمرت	Cömert
قسمت	پازچا	Parça
گوشت	ات	Et
مواد غذایی	گیدا	Gıda
خرما	هورما	Hurma
شتر	دو	Deve
گوسفند	کیون	Koyun
بز	کچی	Keçi
شیر	سوت	Süt
سلاح	سی لاج	Silah
وسیله	واسیتا	Vasıta
قبیله	کابیله	Kabile
حمل کردن	تاشیماک	Taşımak
کشیده	چُکیک	Çekik

معنی	تلفظ	لغت
شکم	کارین	Karın
شن	کوم	Kum
اثر - ردیا	ایز	Iz
مهمانسرا	کناک	Konak
پاک کردن - مسح کردن (وضو) مسح ات مک		Mesetmek
شک	شوپه	Şüphe
سرانجام	نی هایت	Nihayet
قبیله	کابیله	Kabile
غیبگویی	کاهین لیک	Kahinlik
رفته رفته - بتدریج	گیت گیت	Gitgite
بچه	اوشاک	Uşak
عاشق	آشئک	Aşık
آن دیگری	اتکی	Öteki
حامله	گبه	Gebe
زرنگ	کورناز	Kurnaz
کمیماگر	کیمیاجی	Kimyacı

Bir gün Ziyafetlerinde bulundum.

یک روز در مهمانی بدوی‌ها شرکت کردم .

Güyâ bu, Mevlit daveti idi. مثل اینکه این مهمانی دعوت ولادت بود. Güneş hafifledikten sonra Sofra etrafına dizildik.

بعد از غروب خورشید در اطراف سفره نشستیم .

Her Sekiz kişinin önüne geniş yemek leğenleri koydular.

در مقابل هر هشت نفر کاسه‌های بزرگ غذاخوری گذاشتند .

Bu leğenlere haşlanmış et ve ekmeğ doğranmıştı.

گوشت پخته شده و نان خرد شده در این کاسه‌ها گذاشته بودند .

Herkes elini dirseğine kadar sıvadı ve en küçüğü bir avuca güç sığan lokmalarla bu garip yemeği yedi.

هرکس دست‌اش را تا آرنج تازده و با لقمه‌هایی که کوچکترین آن بسختی در مشت جا میگرفت این غذای عجیب را خورد .

Sofrada oturmağa hakkı olmayanlar geride ve ayak üstünde bir müddet bekleştiler, sonra davet sahibi:

کسانی که حق نشستن در سفره را ندارند مدتی سرپا منتظر می‌مانند و بعد صاحب دعوت :

-Al Cömertlerden!

بگیر از سخاوتمندان .

Diyerek her birinin ağzına avucundaki et parçasını verdi

میزبان (در حال گفتن بگیر از سخاوتمندان) از تکه گوشتی که در داخل دستش بود به به‌دهان هریک گذاشت .

Yemekten Sonra şeyhe:

بعد از خوردن غذا به‌شیخ:

-Mevlit ne zaman? dedim.

گفتم ، ولادت کی می‌باشد؟

-Mevlit bundan ibarettir.

ولادت از این عبارت است .

Yemeklerimizi yedik ve Peygamberimize gönderdik cevabını verdi. . جوابش را داد ، غذاهايمان را خورديم و به پيامبرانمان دعا كرديم .
Zengin bedeviler pirinç yiyor. . بدویها ثروتمند برنج می خورند .
Birçoğunun gıdası hurma, deve, koyun ve keçi sütünden ibarettir. . غذای یک عده از بدویها عبرات است از ، خرما ، شتر ، گوسفند و شیر بز .
...asıl bedeviler silahsız ve devesiz yaşayamaz.

بدویهای اصیل بدون شتر و سلاح نمی توانند زندگی کنند .

Çölde yük götüren vasıta develer, insan taşıyan vasıta hecinlerdir.

شترها وسیله حمل بار و شترهای تندرو وسیله حمل انسان در بیابان می باشند .

Kabileleri gazveden gazveye koşturan hecinlerin develerden farki ince, uzun boyunları ile, ince bacakları, çekik karınları küçük başları ve parlak tüyleridir.

فرق شترهای تندرو دهنده با شترهای معمولی که قبیلهها در جنگ استفاده می کنند (در جهاد) گردنهای دراز و ظریف و پاهای ظریف ، شکمهای کشیده . سرهای کوچک و موهای براق می باشد .

Bir hecin sekiz saatta yüz kilometre yol gider.

یک شتر تندرو در هشت ساعت صد کیلومتر راه می رود .

...Hecinler iki üç gün su içmeyebilirler.

شترهای تندرو می توانند دو سه روز آب نخورند .

Başlarını ufuklara dikip uzak tehlikeleri vaktinde Sezer ve Sahibine haber verirler.

شترهای تندرو سرشان را به آسمان گرفته و بموقع خطرهای دور را احساس می کنند و به صاحبانشان خبر می دهند .

Kum çöllerinde İz'in büyük şiirini duymuştum...

شعر بزرگ ردپا را در کویرها شنیده بودم ...

Izlerin yerliler için daha başka kıymetleri vardır.

ردپا برای محلیها ارزش دیگری دارد .

Akşam üstü kervanlar konaklara geldikten sonra, Şeyh,

bedevilerine bir daire gösterir ve bu

شیخ یک دایره به بدویهایش نزدیک شب بعد از اینکه کاروانها به مهمانسراها آمدند نشان می دهد .

dairenin dışında ne kadar iz varsa hepsini onlara eller-iyle meshettirir ve artık rahat uyur.

هرمقدار ردپا در خارج دایره باشد همه ردپاها را با دستهایش پاک می کند و دیگر راحت می خوابد .

Çünkü bu daireden çıkan Şüpheli bir misafiri, izinin arkaşından gidip Çölün nihayetinde bulmak gayet kolaydır زیرا هر مسافر که با تردید از این دایره خارج می شود با تعقیب ردپایش پیدا کردن آن در آخر بیابان بی نهایت آسان می باشد .

Her bedevi daha çocukken kendi ayağının izini görür ve tanır... . . . می شناسد
Kendi sürülerini izlerinden bilenler az değildir.

کسانی که ردپای گله های خودشان را می دانند کم نیستند .

Bazan geçtikleri yerlerde sürü izleri görenler, oradan geçip giden kabilenin ismini bile haber veriyorlar.

بعضی وقت از جاهایی که عبور می کنند کسانی که ردپای گله ها را می بیند اسم قبیله عبور کننده را نیز خبر می دهند .

Bu iz kahinliği gitgite inanılmaz bir şekle girmiştir.

رفته رفته غیبگویی ردپا به یک حالت باورنشده درآمده است .

Bir gün bir dostumun bedevi uşağı iki izi gösterip:

یک روز بچه ای یکی از دوستان بدوایم دو ردپا را نشان داده :

-Şu bir aşık kızın, öteki bir gebe kadının izidir! demiş..

این ردپای یک دختر عاشق و آن دیگری ردپای یک زن حامله می باشد . گفته . . .

ATEŞ ve GÜNEŞ (Falih Rifki Atay.)

KONUŞTURMALAR :

- "Çölde Hayat" yazısının birinci parçasını okudunuz mu?
آیا قسمت اول مقاله زندگی در بیابان را خواندید؟
- Bu yazıda kimlerden bahsediliyordu?
در این مقاله از چه کسانی بحث می شد؟
- Mevlit davetlerinde nasıl yemek yeniyor?
در دعوت‌های ولادت غذا چگونه خورده می شود؟
- İstanbul'da mevlit törenlerinde bulundunuz mu? Nerede?
آیا در استانبول در مراسم ولادت بودید؟ در کجا؟
- Bedeviler en çok nelerle beslenirler?
بدویه‌ها با چه چیزها اکثراً تغذیه می شوند؟
- Bedevi nesiz yaşayamaz?
بدوی بدون چه چیز نمی تواند زندگی کند؟
- Deve ile hecinin farkı nedir?
تفاوت بین شتر و شتر تندرو چیست؟
- Hecin nasıl bir hayvandır?
شتر تندرو چگونه حیوانی است؟
- Bedevilerin izcilikte maharetleri nasılmış?
در ردیابی مهارت بدویها چگونه بوده؟
- Bedeviler geceleri ne yaparlar? Niçin?
شبها بدویها چه کار می کنند؟ چرا؟
- Bedevi izciler, izlerden nasıl hükümler, nasıl bilgiler çıkarırlarmış?
ردیابهای بدوی از ردپاها چه منظرها و اطلاعات بدست می آوردند؟
- Bedevilerin mevlit yemeği ne imiş?
خوراک روز ولادت بدویها چه بوده؟
- Bedeviler nasıl yemek yerlarmış?
بدویهها چگونه غذا می خوردند؟
- Çölde yük ne ile taşınır?
در صحرا بار با چه چیز حمل می شود؟
- Bir hecin Saatta kaç kilometre yol alır?
یک شتر تندرو در ساعت چند کیلومتر راه می رود؟

-Hecınler ne kadar zaman su içmeyebilirler?

چه مدت شترهای تندرو می‌توانند آب نخورند؟

DILBILGISI:

دستور زبان:

Ek-fiiller(tekrrar):

فعلهای پسوند (تکرار):

"Bu,mevlit daveti idi."cümlesinde"idi"

kelimesi, isim soylu"davet"i yüklem yapmıştır.Bunun gibi:

Onun babası zengin idi(zengindi),

Benim dedem zengin imiş(zenginmiş)...

Cümlelerinde de"idi, imiş(-di,-miş)"parcaları"zengin"

kelimesini yüklem yapımıdır.

-Ne vakit? diye sorulunca cevap şu olur:

-Eskiden, geçmiş zamanda.

Demek ikisinde de geçmiş zaman anlamı vardır.

"zengin idi"ben gördüm, iyice bilirim, şüphem yok...

"zengin imiş"ben görmedim, işittim.

Bu hükümde Şüphe vardır.

Bu yüklemeler Şahıslara göre çekimlenir:

Şahıs Tekil

I. Ben evde idim(evdeydim)

II. Sen öğrenci idin(öğrenciydin)

III. O bir kitap idi(kitaptı)

Çoğul

I. Biz zengin idik(zengindik)

II. Siz nereli idiniz(nereliydiniz?)

III. Onlar Ürdünlü idiler(Ürdünlüydüler).

"İmiş"kelimesi de böyledir:

Tekil	Çoğul
I. Ben orada imişim (oradaymışım)	Biz zengin imişiz (zenginmişiz)
II. Sen çalışkan imişsin (çalışkanmışsın)	Siz zeki imişsiniz... (zekiymişsiniz)
III. O, okulda değil imiş (değilmiş)	Nerede imişler (neredeymişler)?

KURAL:

قاعده:

1) "idi, imiş, ise" kelimeleri, isim soylu bütün kelimelerin sonlarına gelince onları birer yüklem yapar.

کلمات *idi, imiş, ise* به آخر تمامی کلمات از ریشه اسم آمده و فعل درست می‌کند.

2) "idi, imiş, ise" Sonlarına geldikleri kelimelere şöyle bitişerler:

a) Kelime sessiz harfle bitiyorsa başlardaki "i"ler düşer, "-di, -miş, -se" parçaları birer ek gibi kelimelerin son hecelerine uyararak değiştirirler:

Zengindi, korkaktı, çoktu, üzündü, rahatmış, çocukmuş, güzelmiş
dünmüş, çiçekse, ağaçsa...

b) Sesli harfle biten kelimelere bitişirken "idi, imiş, ise" nin başlarındaki "i"ler "y" olur:

Öğrenciydi, hastaymış, oradaysa, dördüncüymüş...

ALİŞTIRMALAR:

1) Şu kelimeleri bitiştirerek yazınız:

beraber idik,dost idiniz...

Güzel idi,Sevimli idi,genç idi,çalışkan idiniz,Bahçede idim,çocuk idim,değim idim,birinci idik,arkadaşım idin,Ahmet imiş,yaşlı imiş,yorgun imişler,küçük imişim,Süriyede imişsiz,bizimle imişsiniz...

Sinemada ise,Köylü iseler,evde isen,yerli iseniz,Orhan ise...

2)Noktalı yerlere uygun kelimeler yazarak cümleler kurunuz

Şahıs	Kesin	Şüpheli
III.	...terbiyeli..	..Kurnaz...
II.	...doktor...	...Kimyacı...
I.	...öğretmen...	...yargıç...

Bunların çoğullarını da yazınız.

معنی	تلفظ	لغت
بمحض اینکه - مثل اینکه	سان کی	Sanki
ترمز	فزن	Fren
توقف	دوراک	Durak
گیج کننده	باش دن دورو جو	Baş döndürücü
سرعت	سورات	Sûrat
آرام	ساکین	Sakin
عجله	آجل	Acele
خوش آمدن	هش لان ماک	Hoşlanmak
مغازه	ماغازا	Mağaza
فروشنده	ساتیجی	Satıcı
بلیط فروش	بیلت چی	Biletci
راننده	شفر	Şoför
راحتی	راحاتلیک	Rahatlık
نزاکت	نزاکت	Nezaket
حرف	لاف	İlaf
معلومات	مالومات	Malumat
اگر نزدیک باشد	یاکین سا	Yakınsa
سرپایینی	اینیش	İniş
سربالایی	یکوش	Yokuş
سیر شدن	دی ماک	Doymak
ناز کردن - شبیه بودن	اکشاماک	Okşamak
تسلی دادن - ساکت کردن	آون دورماک	Avundurmak
آرام کردن - ساکت کردن	دین دیرمک	Dindirmek
نژاد	یرک	İrk
منسوب	منصوب	Mensup
اصیل	آسئل	Asıl

معنی	تلفظ	لغت
حقیقی	هاکیکی	Hakiki
متاسفانه	مالسف	Maalesef
حیرت	هایرت	Hayret
اجازه	موساإاده	Müsaade
زیتون	زیتین	Zeytin
برگ	یاپراک	Yaprak
خمیر باز شده که در داخل آن سبزی، پنیر و گوشت چرخ کرده گذاشته و در فر می‌پزند.	بُسرک	Börek
کباب برگ	شیش‌کباب	Şiş kebab
بلغور	بول‌گور	Bulgur
پلو	پیلاو	Pilav
باقلاوا	باک‌لاوا	Baklava
کمپوت	هشاف	Hoşaf
علی‌رغم – برخلاف	راغ‌من	Rağmen
دلمه	دُلما	Dolma
روغن	یاغ	Yağ
ساختمان	چائی	Çatı
معلوم	ات‌کن	Etken
مجهول	ادیل‌گن	Edilgen
فاعل	أزنه	Özne
انجام شدن	کئلتن‌ماک	Kılmak
مصادف شدن	راست‌لان‌ماک	Rastlanmak

...San Francisco'ya gelir gelmez sanki hayat birdenbire frenlenir,duraklar,New York'un baş döndürücü süratlı hayatı burada yoktur.

وقتی که به سانفرانسیسکو وارد می شوید مثل اینکه زندگی یکدفعه متوقف می کند و در اینجا زندگی سریع و گیج کننده نیویورک نیست .

Otomobiller bile yavaş gitmektedir.

اتوموبیلها هم یواش حرکت می کنند .

Insanları güler yüzlü,Sakindir,aceleden hoşlanmazlar.

انسانهایش خنده رو و آرام می باشند ، از عجله خوششان نمی آیند .

Mağazalardaki Satıcılar,otobüs biletçileri,şoförler rahatlık ve büyük nezaket havası içerisinde vazife görür.

فروشنندگان مغازه ها و بلیط فروشان اتوبوس، رانندگان در یک حالت آرامش و احترام انجام وظیفه می کنند .

Yol sorduğunuz zaman San Francisco'lu durur,lafınız dinler,istediğiniz malumatı verir ve hatta,New York'ta rastlayamayacağınız bir işi yapar:

موقعی که راه را سؤال می کنید اهل سانفرانسیسکو می ایستد و حرفتان را گوش می دهد . معلومات خواست شما را می دهد و حتی کاری را که در نیویورک برای شما انجام نخواهند داد . انجام می دهد .

Yakınsa,sizi gideceğiniz yere kadar götürür.

اگر راه نزدیک باشد شما را تا جایی که می خواهید بروید می برد .

San Francisco,Istanbul ve Roma gibi yedi tepe üzerine kurulmuştur.

سانفرانسیسکو مثل رم و استانبول روی هفت تپه بنا شده است .

Masmavi denizi,Sahilleri,limanı,ağaçlık tepeleri,inişleri yokuşları ile Istanbul'u andırır.

با دریای کاملاً "آبی" ، ساحلهایش ، اسکله ، تپه‌های درختچه و سربالایی و سرپایینی‌هایش استانبول را بخاطر می‌آورد ، بخصوص شب .

Hele gece,işıklarıyle liman,Bogaz'a hasret bir insanın göz zevkini doyasıya okşar,avundurur,hasretini dindirir.

با روشناهای اسکله‌ایش(سانفرانسیسکو) حسرت ذوق دید یک انسان را تا سیر شدن به تنگه نوازش می‌دهد و تسلی می‌دهد و حسرتش را آرام می‌بخشد .

San Francisco'nun en kayda değer tarafı,içerisinde yaşayan çeşitli ırka mensup insanlardır.

بالاترین قسمت با ارزش سانفرانسیسکو انسانهای منصوب به‌تراد مختلفی که در آن زندگی میکنند .

Şehrin tam göbeğinde kurulmuş olan çin mahallesi,Çin'in dışında Çin asıllı kimselerin büyük bir topluluk halinde yaşadıkları bir yerdir.

درست در مرکز شهر محله چینی‌ها بوجود آمده مکانی است که چینی‌های اصیل که در خارج از چین بصورت اجتماعات زندگی می‌کنند .

Adetleri,dükkanları,otelleri,sinemalarıyle burası bamb-aşka bir alem.

اینجا یک دنیای کاملاً " دیگر ، با عادت‌ها و دکانها و هتلها و سینماهایشان یک شهر حقیقی چین میباشد .

Çin mahallesinden Sonra İtalyan Kısmı gelir.

بعد از محله چین قسمت ایتالیایی نشین‌ها می‌باشد .

Dünyanın dört bir tarafından gelmiş insanlara San Francisco'da rastlamak mümkündür,

در سانفرانسیسکو روبرو شدن به‌انسانها که از چهار نقطه کرهءزمین آمده‌اند امکان‌پذیر است .

Baklavanın en güzeli burada yapılmaktadır.

بهترین نوع باقلوا در اینجا (سانفرانسیسکو) ساخته می‌شود (درست می‌شود) .

Dünyaca ün Salmış "Omer Hayyam" lokantasında en lezzetli Türk yemekleri yenir.

در رستوران عمرخيام که در تمام دنيا شهرت يافته لذيذترين غذاهاى ترک خورده مى شود .

Lokantaya ilk gittigim akşam şöyle bir hadise geçti:

یک حادشه اينطوری برای اولین شیی که به رستوران رفتم گذشت .

Bir masaya oturduktan sonra garsondan "beğendi" istedim.

پس از نشستن در یک میز از گارسون " خواستم .

Adam hayretle yüzüme baktı ve: . شخص با حیرت به صورتم نگاه کرد و .

-Maalesef yok, fakat siz bu yemeği nereden biliyorsunuz?

diye büyük bir hayretle sordu.

متاسفانه نیست . با یک حیرت بزرگ پرسید ولی شما این غذا را از کجا می دانید .

Türk olduğumu söylediğim zaman adamın yüzü güldü ve

fasih bir türkçe ile:

موقعیکه ترک بودم را گفتم صورت شخص خندید و با یک ترکی رسا : |

-Ben de Türküm, Harputluyum, Elli sene evvel buraya

geldim. . من هم ترک هستم ، اهل هارپوت می باشم . پنجاه سال قبل به اینجا آمدم .

Müsaade edin de ben siz e yemekleri seçeyim, ikram edey-

im, dedi. . گفت ، اجازه بدهید من غذاها را برای شما انتخاب و تقدیم بکنم .

Bundan sonra zeytin yağlı yaprak dolması, börek, şiş keb-

abı, bulgur pilavı, baklava, hoşaf birbiri ardı sıra masa-

ya kondu kalktı.

سپس دلمه ، برگ مواز روغن زیتون ، بورک ، شیشلیک (کیاب برگ) ، پلو بلغور ، باقلوا ،

کمپوت یکی پس از دیگری سرو و پس از خوردن از روی میز به نوبت پشت سرهم برداشته

شد .

Amerika'nin pek çok görülmeye değer şehri vardır.

در آمریکا شهرهای زیادی که به دیدنش می ارزد وجود دارد .

Bunların arasında muhakkak ki San Francisco en basta

در میان این شهرها بدون شک که سانفرانسیسکو سرآمد آنها می باشد .

Amerika'nin doğuya açılmış bir kapısı olan bu şehirde turist eğlendirecek birçok gazino, lokanta, bar ve eğlence yeri olmasına rağmen, San Francisco'yu San Francisco yapan, insan yapısı tarafı değil, tabii güzellikleridir. این شهر آمریکا که با شرق روبرو می باشد، تفریحات توریستی کازینوهای زیاد، رستوران، بار، و علی رغم جای تفریحی مشهور بودن سانفرانسیسکو زیبایی های طبیعی آن است نه زیبایی های ساخت دست انسان.

HAYAT, 36-1963 (Sara Korel'in yazısından)

KONUŞTURMALAR:

مکالمات:

-San Francisco hangi kıtadadır ve hangi denizin kıyısında-
ndadır? سانفرانسیسکو در کدام قاره و در ساحل کدام دریاها می باشد؟

-San Francisco'da hayat öbür Amerika şehirlerdekine
benzer mi? Nasıldır? -San Francisco'da hayat öbür Amerika şehirlerdekine
benzer mi? Nasıldır?

آیا زندگی در سانفرانسیسکو با شهرهای دیگر آمریکا شباهت دارد؟ چگونه می باشد؟

-Bu farkın neden ileri geldiğini tahmin edersiniz?

فارق زندگی سانفرانسیسکو با شهرهای دیگر آمریکا را از چه چیز تخمین می زنید؟

-Insanları nasıldır? Böyle oldukları için beğeniyor mus-
unuz? انسانها چگونه می باشند؟ اینطور شدن انسانها را (آرام) می پسندید؟

-Yabancılara karşı davranışları nasıldır?

نسبت به خارجی ها چه رفتاری دارند؟

-San Francisco hangi şehirlere benzer?

سانفرانسیسکو به کدام شهرها شباهت دارد؟

-Yazar, bu şehri hangi bakımlardan İstanbul'a benzetmek-
tedir? نویسنده از کدام نظر این شهر را به استانبول شبیه دانسته است؟

-Şehir, insanları bakımından başkalarına benzer mi? Niçin?

آیا انسانهای شهر با دیگر شهرها مقایسه می شود؟ چرا؟

-Şehrin merkezinde oturanlar hangi ırktandırlar?

کسانی که در مرکز شهر زندگی می کنند از کدام نژاد می باشند؟

-Çinlilerin yaşayışları nasıl? زندگی چینی ها چگونه بوده؟

-Omer Hayyam kimdir? عمر خیام چه کسی است؟

-Omer Hayyam lokantasında nasıl yemekler bulunur?

چه جور غذاها در رستوران عمر خیام پیدا می شود؟

-Yazar bu lokantada hangi yemeği istemiş?

کدام غذا را نویسنده در این رستوران تقاضا کرده؟

-Bu yemek neden yapılmıştır? این غذا از چه چیز تهیه می شود؟

-Garson nereli imiş? گارسون اهل کجا بوده؟

-Yazar'a neler ikram etmiş? گارسون به نویسنده چه چیزها تقدیم کرده؟

-San Francisco'yu güzel gösteren, insan yapısı mıdır?

Tabiat güzelliği midir?

چیزی که سانفرانسیسکو را زیبا نشان می دهد آیا ساخته دست بشر است یا زیبایی طبیعت آن؟

DİLBİLGİSİ:

دستور زبان:

Fiiller öznelerine göre iki çatıya ayrılır:

افعال از نظر فاعل به دو دسته تقسیم می شوند.

۱- افعال معلوم, (etken, malum, aktif), Öznesi işi yapan fiiller

۲) Öznesi işten etkilenen fiiller (edilgen, meçhul, pasif).

۲- افعال مجهول

"Çocuk camı kırdı". ("kırdı" etken fiildir.)

بچه شیشه را شکست. (فعل معلوم است).

"Cam kırıldı". ("kırıldı" edilgen fiildir.)

شیشه شکسته شد. (فعل مجهول است).

Birinci cümlede özne(çocuk)kırmak işini yapandır.

در این جمله بچه (فاعل) عمل شکستن را انجام داده است.

İkinci cümlede özne(cam)kırmak işinden etkilenendir.

در جمله دوم فاعل (شیشه) شکسته شده است.

Türkçede bütün fiiller etken çatılıdır:Yazmak,görüyor,
okumuş,bildi,

در ترکی تمام فعلها معلوم می باشد: نوشتن، می بیند، خوانده، دانست.

Edilgen fiiller etkenlerden eklerle yapılır:

فعلهای مجهول با پسوندها از فعلهای معلوم ساخته می شود.

Yazılmak,görülüyor,okunmuş,bilindi...

ثبت نام کردن، دیده می شود، خوانده شده، مشخص شد.

Edilgenlik eki ikidir: پسوند مجهول دو تا می باشد.

1)Etken fiillerin sonuna uyarına göre-il,-ıl,-ul,-ül,

۱ - به آخر فعلهای معلوم نسبت به همصدایی il,ıl,ul,ül می آید. gelir:

Kes+il+mek,yaz+ıl+di,unt+ul+muş,gör+ül+meli...

بایستی دیده شد، فراموش شده، و نوشته شد.

2)Etken fiilin sonu: ۲ - به آخر فعل معلوم.

a) Sesli ise "n" gelir: (a) - اگر با صدا باشد حرف "n" می آید.

Söyle+n+di,oku+n+muş,öğre+n+iyor...

یاد می گیرد و خوانده شده و گفته شد.

b)"I" ile biten fiillere de-in gelir:

(b) - به افعالی که به ا ختم می شوند پسوند -in می آید.

Bil+in+di,sil+in+ecek,kıl+ın+mış,bul+un+uyor...

پیدا می شود، و عمل شده و پاک خواهد شد و مشخص شد.

ALİŞTIRMALAR:

1)Yukarıdaki metinde geçen şu fiil soylu kelimelerin

hangileri etken, hangileri edilgendir:

Açılmış, andırır, kurulmuş, okşar, gelir, rastlamak, yapılmak, satılmak, geçti, baktı, seçeyim, kondu.

a) Edilgenlerin altlarını çiziniz.

b) Edilgenlerin etkenlerini yazınız.

2) Metindeki öbür fiil soylu kelimeleri de siz yazınız:

a) Etkenleri edilgenleştiriniz.

b) Hangileri -il ekile edilgenlesiyor, hangileri (i)-n'le?

معنی	تلفظ	لغت
آزادی	حورییت	Hürriyet
نابودی	ایزمیهلال	Izmihlal
ترقی	تراکی	Terakki
بی پایان	نی هایت سیز	Nihayetsiz
تصور	تاساور	Tasavvur
زندگی	حایات	Hayat
مطلق	موتلاک	Mutlak
فن	فن	Fen
منطق	مان تیک	Mantık
حقیر	هاکیر	Hakir
مسکین	میسکین	Miskin
ذلیل	زلیل	Zelil
مناسب	اوی گون	Uygun
توصیه کرده	تاوسریات مک	Tavsiye etmek
برعکس - همچنین	بیل آکیس	Bilakis
عزت	ایزت	Izzet
از نظر من	بن جه	Bence
نابود کردن	کیرماک	Kırmak
روش	تارز	Tarz
پیروزی	زافر	Zafer
موفق شدن	موافاک الماک	Muvaffak olmak
معلم	موآلیم	Muallim
محترم	موهترم	Muhterem
عنصر	اون سور	Unsur
مغز	دیماغ	Dimağ
معروض - عرضه شده	مآروز	Maruz

معنی	تلفظ	لغت
مدنی	مدنی	Medeni
حرص - پستی	آچ گز لولوک	Açgözlülük
کین	کین	Kin
حسد	حاست	Haset
متقابل	کارشی لیکلی	Karşılıklı
امنیت	امنیت	Emniyet
سلامت	سلامت	Selamet
ناراحتی	راحت سیزلیک	Rahatsızlık
مطابق - عینا"	تئپ کی	Tipki
اعضاء	آزا	Aza
صاحب - مالک	مالیک	Malik
حقیقت	حاکیکات	Hakikat
ترسیدن	گُرک ماک	Korkmak
فکر	فیکیر	Fikir
جبر	جبیر	Cebir
شدت	شیدت	Şiddet
توپ	تپ	Top
تفنگ	توفک	Tüfek
اصلا"	آسلا	Asla
نابود کردن - کشتن	آلدورمک	Öldürmek
مطبوعات	باسئن	Basın

ATATÜRK DIYOR KI : آتاتورک می گوید که :

Hürriyet olmayan bir memleketde ölüm ve izmihlal vardır.
در مملکتی که آزادی نباشد مرگ و نابودی وجود دارد .

Her terakkinin ve kurtuluşun anası hürriyettir.

آزادی ما در هر ترقی و نجات می باشد .

Nihayetsiz bir hürriyet tasavvur olunamaz,

آزادی بی پایان تصور نمی شود .

hakların en büyüğü olan hayat hakkı bile mutlak değildir.
بزرگترین حقها که حق زیستن است مطلق نمی باشد .

Bir dinin tabii olması için akla, fenne, ilme ve mantığa
uygun olması lazımdır.

بخاطر طبیعی بودن یک دین ، لازم است که به عقل و فن و علم و منطق سازگار باشد

Bizim dinimiz, milletimize hakir, miskin ve zelil olmayı

tavsiye etmez.. دین ما به ملتمان ، حقیر ، مسکین و ذلیل بودن را توصیه نمی کند .

Bilakis Allah da, Peygamber de insanların ve milletlerin
izzet ve şerefini muhafaza etmelerini emrediyor.

همچنین خداوند و پیامبران نیز حفظ عزت و شرف ملتها و انسانها را دستور می دهند .

Medeniyet öyle kuvvetli bir işiktir ki ona bigâne olan-
ları yakar, mahveder.

تمدن یک روشنایی قوی است کسانی که با آن بیگانه باشند می سوزاند و نابود می کند .

Medeni olmıyan insanlar, medeni olanların ayakları altı-
nda kalmaya mahkumdurlar.

کسانی که متمدن نیستند زیر پای انسانهای متمدن محکوم به ماندن می باشند .

Bence diktator, başkalarını iradesine ram edendir.

از نظر من دیکتاتور کسی است که دیگران را تحت سلطه قرار می دهد .

Ben, kalpleri kırarak değil, kalpleri kazanarak hükmetmek

isterim. من با رنجاندن قلبها نیت با کسب کردن قلبها می خواهم حکومت بکنم. Ben icap ettiđi zaman,en büyük hediyem olmak üzere Türk Milletine canımı vereceđim.

من اگر لازم باشد جانم را بعنوان بزرگترین هدیه به ملت ترک خواهم داد. Herkesin kendine göre bir zevki var.

هرکس برای خودش علاقه ای دارد.

Adam yetiştiren insan da çiçek yetiştirendeki hislerle hareket etmelidir.

کسی که انسان را تعلیم می دهد بایستی با احساساتی که گل را پرورش می دهد رفتار بکند. Ancak bu tarzda düşünen ve çalışan adamlardır ki,memleketlerine ve milletlerine ve bunların istikbaline faydalı olabilirler.

فقط انسانهایی با این طرز فکر و تلاش هستند که می توانند به آئنده و به مملکت و ملت خود مفید باشند.

Zafer"zafer benimdir"diyebilenin,muvaffakiyet"muvaflak olacađım"diye başlayanın ve"muvaflak oldum"diyebilenindir.

کسی که می تواند بگوید ، "پیروزی از آن من است " و کسی که شروع می کند بگوید موفق خواهم شد . و می تواند بگوید که موفق شدم .

Dünyanın her tarafında muallimler,insan topluluğunun en fedakar ve muhterem unsurlarıdır.

در همه جای دنیا معلمها فداکارترین عناصر محترم اجتماعات می باشند.

Mektep,genç dimađlara,insanlıđa hurmeti,millet ve memlekete muhabbeti,istiklal şerefini öğretir.

مدرسه ، به مغزهای جوان ، حرمت به انسانیت و محبت به مملکت و ملت و ارزش استقلال را یاد می دهد .

Harp zaruri ve hayatı olmalıdır,Milletin hayatı tehlikeye maruz kalmadıkça harp cinayettir.

حرب بایستی ضروری و حیاتی باشد ، زمانیکه زندگی ملت در خطر تعرض قرار نگیرد

جنگ یک جنایت می باشد .

Türkler bütün medeni milletlerin dostudurlar.

ترکها دوست تمامی ملت‌های (ملل) متمدن می باشند .

Dünya vatandaşları haset, açgözlülük ve kinden uzaklaşacak şekilde terbiye edilmelidir.

تمامی ملل دنیا باید دور از حسد و طمع و کین ترتیب شوند .

Karşılıklı emniyet ve selamet, bütün dünya milletlerinin temenni eylemesi lazım olan bir Saadet esasıdır.

پایه خوشبختی تمامی ملل دنیا امنیت و سلامتی متقابل می باشد .

"Dünyanın filan yerinde bir rahatsızlık varsa bana ne?"

demeyiniz. اگر در یک جای دنیا ناراحتی باشد "بمن مربوط نیست نگویید" .

Böyle bir rahatsızlık varsa, tıpkı kendi azamızda olmuş gibi, onunla alakadar olmalıyız.

اگر اینطور ناراحتی باشد عینا " با آن مثل اینکه در اعضای خودمان بوده بایستی علاقمند شد .

Sanatsız kalan bir milletin hayat damarlarından biri kopmuş demektir.

ملت بدون صنعت مانند اینست که یکی از رگ‌های حیاتی آن قطع می باشد .

Bir millet sanattan ve sanatkardan mahrumsa tam bir hayata malik olamaz.

اگر یک ملت از صنعت و هنرمندان محروم باشد نمی تواند مالک زندگی خود باشد .

Hakikati konuşmaktan korkmayınız. از گفتن حقیقت نهراسید .

Fikirler, cebir ve şiddetle, top ve tüfekte asla öldürülmez. فکرها با جبر و شدت و توپ و تفنگ اصلا " نابود نمی شود .

KONUŞTURMALAR:

-Hürriyet ne demektir? Nasıl tanımlarsınız (tarif edersiniz) -

niz)? به چه چیز آزادی گفته می شود؟ چطور تعریف می کنید؟

-Sonsuz hürriyet olabilir mi?Niçin?

آیا آزادی بی پایان می تواند باشد؟ چرا؟

-Basın hürriyeti ne demektir? آزادی مطبوعات چیست؟

-Bes din ismi söyleyiniz. اسم پنج مذهب را بگویید.

-Bir dinin tabi-i olması neye bağlıdır?

طبیعی شدن یک مذهب به چه چیز ارتباط دارد (وابسته می باشد)؟

-Islam dini neleri istemez?Neleri emreder?

چه چیزها را دین اسلام نمی خواهد؟ چه چیزها را دستور می دهد؟

-Atatürk,medeniyeti neye benzetiyor?Bu işik kimleri

yakar,kimleri yakmaz?

آتاتورک تمدن را شبیه چه چیز می داند؟ این روشنایی چه کسی را می سوزاند و چه کسانی

را نمی سوزاند؟

-Ayaklar altında kalmamak için ne yapmak lazımdır?

برای اینکه انسان نابود نشود بایستی چه کار انجام بدهد؟

-Diktatör kime derler?Diktatörle önder(lider)arasındaki

farklar belirtiniz.

دیکتاتور به چه کسی گفته می شود؟ فرق رهبر با دیکتاتور را مشخص کنید.

-Gerekirse vatanınıza,milletinize neyinizi verebilirsiniz-

niz? اگر لازم باشد چه چیزتان را می توانید به ملت و وطنتان بدهید؟

-Nelerden hoşlanırsınız?Zevklerinizden ikisini yazınız.

از چه چیزها خوشتان می آید. دوتا از چیزهایی که علاقه دارید بنویسید.

-"Zafer"ne demektir.Zaferi kimler kazanır?

پیروزی به چه چیز گفته می شود. چه کسانی موفقیت را کسب می کنند؟

-Muallimler(öğretmenler)hakkındaki düşünceye siz de

katılıyor musunuz?

آیا شما هم با معلمان همفکر هستید؟

-Mektepler(okullar)gençlere neler kazandırır?

مدارس به جوانان چه چیز یاد می دهد؟

- Harp(şavas)ne vakit bir cinayet olmaktan çıkar?
کی یک جنگ جنایت شمرده نمی شود؟
- Siz de bütün milletleri dost tanır mısınız?
آیا تمامی ملتها را شما دوست می شناسید؟
- Dünya vatandaşları nasıl terbiye edilmelidir?
هموطنان دنیا چطوری بایستی ترتیب داشته باشند؟
- Dünya milletlerinin temenni edeceği Saadet nelerdir?
سعادت‌تی که ملت‌های دنیا آرزو خواهند کرد چه چیزها می باشد؟
- Başka ülkelerde olan sıkıntılar bizi ilgilendirmeli midir?
آیا بایستی ناراحتی‌های ممالک دیگر ما را علاقمند بکند؟
- Sanat milletlerin nesine benzer?
صنعت به چه چیز ملل شبیه می باشد؟
- Hangi milletler tam bir hayata sahip olamaz?
کدام ملل نمی توانند دارای یک زندگی واقعی داشته باشند.
- Gerçekleri söylemekten korkalım mı? ?
آیا از گفتن حقایق بترسیم؟
- Top,tüfed,cebir,şiddet neyi öldüremez?
چه چیز را توپ و تفند، جبر و زور و شدت از بین نمی برد؟
- Ulusal(milli)büyüklerinizin seçme sözlerinden üçünü yazınız.
سه تا از سخنان انتخابی بزرگان ملی‌تان را بنویسید.

DİLBİLGİSİ:

دستور زبان:

Geniş zaman Kipinin kullanılışı:

طرز استعمال زمان حال ساده (مضارع اخباری):

Türkçede dokuz fiil kipi vardır.Bunlar iki kümeye ayrılır:
در ترکی ۹ زمان فعل وجود دارد. اینها به دو دسته تقسیم می شوند:

I.Haber Kipleri.

زمانهای خبری:

Eylemin(işin,oluşun,kükümün...)olduğunu haber veren kip-

ler.

Bu kiplerde zaman kavramı pek belirgindir.

Onun için adları da zamanlarına bağlanmıştır.

در این زمانها درک زمان کاملاً " مشخص می‌باشد و به همین علت هم اسمشان از زمانشان مشخص می‌باشد .

Haber kipleri şunlardır: زمانهای خبری عبارتند از:

-di'li geçmiş zaman kipi, -miş'li geçmiş zaman kipi,

şimdiki zaman kipi, gelecek zaman kipi,

ماضی نقلی (با miş), زمان گذشته ساده (با di) . زمان آینده، زمان حال ساده .

-miş'li geçmiş zaman kipi, şimdiki zaman kipi, gelecek zaman kipi, geniş zaman kipi.

II. Dilek Kipleri. زمانهای شرطی .

Bu kiplerde bir geniş zaman kavramı sezilmekte ise de eylemin (işin, oluşun, hükmün...) yapılmasını dilemek anlamı daha belirgindir.

اگر در این زمانها مفهوم زمان حال ساده حس بشود مفهوم انجام فعل کاملاً " مشخص می‌شود .

Onun için adları da anlamlarına bağlanmıştır.

به همین جهت اسمشان به مفهومشان نام گذاری شده است .

Dilek Kipleri şunlardır: زمانهای شرطی عبارتند از:

Gereklik kipi, istek kipi, dilek-şart kipi, emir kipi...

وجه امر، وجه آرزو - شرط، وجه آرزو، وجه اجباری .

ÖZET:

خلاصه:

Türkçede dokuz fiil kipi vardır. در ترکی ۹ زمان فعل وجود دارد :

Bunlar ikiye ayrılır: اینها به دو دسته تقسیم می‌شوند :

I. Zaman kavramı belirgin olanlar: Haber Kipleri,

در آنهايي که درک زمان فعل مشخص می‌باشد و زمانهای خبری .

II. Dilek anlamı belirgin olanlar: Dilek Kipleri.

در آنهايي که مفهوم آرز مشخص می‌باشد : زمانهای آرزو .

I. HABER KIPLERİ: — زمانهای خبری.

1) -dil'li geçmiş zaman kipi.

۱- زمان گذشته ساده (گذشته با -di).

2) -miş'li geçmiş zaman kipi,

۲- ماضی نقلی و یا گذشته با (-miş)

3) Şimdiki zaman kipi,

۳- زمان حال ساده (استمراری).

4) Gelecek zaman kipi

۴- زمان آینده.

5) Geniş zaman kipi,

۵- زمان حال ساده (مضارع اخباری).

II. DILEK KIPLERİ: — زمانهای شرطی:

6) Gereklik kipi,

۶- وجه اجباری

7) İstek kipi,

۷- وجه آرزو.

8) Dilek-Şart kipi,

۸- وجه شرطی - آرزو.

9) Emir kipi,

۹- وجه امری.

Bu dokuz kipin içinde genel hükümleri kesinlikle anlatmaya en elverişli olan, geniş zaman kipidir.

زمان مضارع اخباری در میان این نه زمان مفیدترین مفهوم قطعی را می‌رساند.

Onun için: به همین خاطر:

a) Yasaların maddelerinde genellikle bu kip kullanılır.

(بطور عمومی این زمان در مواد قانونها استعمال می‌شود.

b) Yasa niteliğinde olan atasözlerinin yüklemeleri de

çoğunlukla geniş zaman kipidir.

- (اکثرا " فعلهایی که در وصف ضرب‌المثل‌های اساسی است زمان حال ساده می‌باشد .
 c) Genel hükümleri anlatan geniş ve derin anlamlı Sözlerin de yüklemeleri daha çok, geniş zaman kipi olur.
 (اکثرا " فعلها در حکم‌های عمومی که مفهوم عمیق و وسیع دارند زمان حال ساده می‌باشند .

ALİŞTIRMALAR:

Atatürk'un demeç(beyanat)ve söylev(nutuk)lerinden derlenen cümlelerin yüklemelerini birer birer inceleyim.

Bunların içinde ancak beşi geniş zaman kipi değildir.

a) Birincisini geniş zaman kipine çeviriniz.

Anlamda bir değişiklik oluyor mu? Bu, bir anlam kayması sayılmaz mı.

b) Geniş zaman kipi olmayan ikinci yüklemi bulunuz, niçin böyle kullanıldığının açıklayınız.

c) Geniş zaman kipi olmayan üçüncü, dördüncü ve beşinci yüklemeleri bulunuz. Hangi kipler dendirler? Kesinlik bakımından bir eksiklikleri var mıdır?

معنی	تلفظ	لغت
احترام	سای گی	Saygı
دسته - بسته	دمت	Demet
تقدیم کردن - عرضه داشتن	سون ماک	Sunmak
گمان کردن - تصور کردن	سان ماک	Sanmak
حقیقت	دوغرو	Doğru
خشن	سرت	Sert
وسواس	تی تیز	Titiz
دل‌تنگ شدن	او زو لمک	Üzülme
گل	چامور	Çamur
پاشیدن	سچراماک	Sıçramak
گفته - اصطلاح	دیییم	Deyim
لغت	سزلوک	Sözlük
تراشیدن - پاک کردن ته‌ظرف	سئیئرماک	Sıyırmak
پاشیدن	پوس کورمک	Püskürmek

Tatlı bir ilkbahar sabahı. در یک صبح بهاری خوب .

Fatih Sultan Mehmet,beyaz atına binmiş,

فاتح سلطان محمد سوار به اسب سفید شده

Ordusunun önünde,Istanbul'a ilk defa giriyor.

اولین دفعه در مقابل ارتش خود وارد استانبول می شود .

Sağında,Solunda hocaları:

استاد هایش در چپ و راست او:

Ak Şemsettin,Molla Hüsrev,Molla Gurâni.

در پیش او، شمس الدین سفید، ملا خسرو، ملا قرآنی .

Şehir halkı caddelerin iki yanına yığılmış heyecanla

Türk ordusunu karşılıyor.

مردم شهر به دو طرف خیابان جمع شده و با هیجان ارتش ترک را استقبال می کنند .

Bu sırada halkın arasından birçok kimseler,ellerindeki

çiçek demetlerini padişaha sunmak için ortaya atılıyorlar.

اشخاصی که دسته های گل را در دست هایشان داشتند در میان مردم برای تقدیم کردن

به پادشاه به وسط می آمدند .

Hepside,ak Sakalıyla,ağır dürüşüyle Ak Şemsettin'i Padiş-
ah sanarak çiçekleri ona vermeye çalışıyor.

همه مردم، با متانت و ریش سفید، شمس الدین سفید را پادشاه فرض کرده و تلاش

می کردند که دسته های گل را به او بدهند .

Ak Şemsettin,atını geri geri çekiyor,göz ucuyle padisahı
göstererek:

شمس الدین سفید اسبش را عقب عقب می کشد، با زیر چشم پادشاه را نشان داده:

-Sultan Mehmet odur,çiçekleri ona veriniz!demek istiyor.

می خواهد بگوید که سلطان محمد اوست و گلها را به او بدهید .

Fatih de, çiçeklerle kendisine doğru yürüyenlere.

آنهایی که با گل بطرف فاتح می آمدند . فاتح هم شمس الدین سفید را نشان داده :
 می گفت ، بروید و دوباره به او بدهید .
 Ak Şemsettini göstererek:
 -Gidiniz, gene ona veriniz, diyor, Sultan Mehmet benim,
 ama o benim hocamdır!...

سلطان محمد من هستم اما او استاد من می باشد ! ...

II

Yavuz'la Bilgin

دانشمند با یاوز

Yavuz Sultan Selim, Misir'a doğru ilerliyordu.

سلطان سلیم یاوز بطرف مصر پیشروی می کرد .

Yanında o devrin bilginlerinden Kemalpaşazade ile

Nişancı Mehmet paşa vardı.

-ر پیش سلطان سلیم از دانشمندان آن دوره کمال پاشازاده با محمد نشان جی پاشا بود .

Gece fazla yağmur yağdığı için ortalık çamur içinde idi.

بعلت بارندگی زیاد در شب همه جا (محوطه) در گل و لای بود .

Yanıdakiler hükümdara çamur sıçramasını, diye atlarının

yürüyüşüne dikkat ediyorlardı.

اطرافیان به حرکت اسبهایشان دقت می کردند که گل ولای به طرف حکم دار (حکمران) پاشیده
 نشود .

Biraz sonra, hükümdarın buyruğu üzerine, gruba birkaç

delikanlı katıldı.

کمی بعد چند جوان به فرمان حکمران در گروه شرکت کردند .

Yavuz, Kemalpaşazade'ye dönerek:

یاوز پس از برگرداندن صورت خود به کمال پاشازاده ، گفت :

-Bu çocuklara bakınız!dedi ve onların yararlıklarını anlatmaya başladı.

به این بچه‌ها نگاه کنید! در مورد بدرد بخور بودن بچه‌ها شروع به صحبت کرد.

Kemalpaşazade o yana döndü. کمال پاشازاده به آنطرف برگشت.

Fakat tam bu sırada,atının ayağından sıçrayan çamurla Hükümdarın elbisesi berbat oldu.

ولی درست در این موقع گل پاشیده شده از زیر پای اسب لباس حکمران را خراب کرد (کتیف کرد).

Yavuz,titiz ve sert bir insandı. یاوز یک مرد وسواس و خشن بود.

Bununla beraber,hiçbir şey olmamış gibi,Konuşmasına devam etti.

با وجود این، مثل اینکه چیزی اتفاق نیافته به صحبت خود ادامه داد.

Kemalpaşazade de özür dilemeye hazırlandı.

کمال پاشازاده هم خودش را برای عذر خواستن آماده کرد.

Yavuz,atını ona doğru yaklaştırdı:

(اسم) یاوز اسب خود را بطرف او نزدیک کرد.

-Üzülmeiniz,dedi. گفت، ناراحت نباشید.

Sizin gibi bir bilgin'in atının ayağından sıçrayan, bizim üstümüzde süs olur.

گلی که از زیر پای اسب دانشمندی مثل شما بر روی ما پاشیده شود برتن ما زینت می‌باشد.

(F.F.Tulbentci.)

KONUŞTURMALAR:

-Fatih,kaçıncı yüzyılda yaşamıştır? فاتح در کدام قرن زیسته است؟

-Bu hikayede anlatılan olay hangi önemli günde geçmiştir?

حوادث این حکایت در کدام روز مهم اتفاق افتاده است؟

-Halk,yollara niçin dökülmüştü? چرا مردم به راهها آمده بودند؟

- Urtaya atılanlar ne yapmak istiyorlardı?
کسانی که به وسط می آمدند چه چیز می خواستند انجام دهند؟
- Çiçekleri ilkin kime uzatıyorlar?Niçin?
گلها را اول به چه کسی تقدیم می کردند؟ چرا؟
- Ak Şemsettin,çiçekleri alıyor mu?Ne yapıyor?
آیا شمس الدین سفید گلها را می گرفت؟ یا چه کار انجام می داد؟
- Padişahın cevabı ne oluyor?
جواب پادشاه چه می شد؟
- Bu hareketi nasıl buluyorsunuz?
این رفتار را چطوری حس می کنید؟
- Yavuz Sultan Selim nereye gidiyor?
یاوز سلطان سلیم به کجا می رفت؟
- Yanında Kimler vardır?
در اطراف او چه کسانی بودند؟
- Yavuz nasıl bir insandı?
یاوز چه جور انسانی بود؟
- O gece ne olmuştu?Yerler nasıldı?
آن شب چه شده بود؟ زمینها چطوری بود؟
- Kemalpaşazade kimdir?
کمال پاشازاده چه کسی است؟
- Ne oldu?Yavuz ne dedi?
چه شد؟ یاوز چه گفت؟

DİLBİLGİSİ :**دستور زبان :****Deyimler.****اصطلاحات :**

Dillerde kelimelerin birçoğu çeşitli anlamlarda kullanılırlar. بسیاری از کلمات در زبانها با مفهوم های مختلفی استعمال می شود.

Bu kullanışlardan birkaçı: چندان از استعمال کلمات :

1)Sözlük anlamı.-Kelimelerin,sözlüklerde(luğatlerde)

۱ - مفهوم فرهنگ لغت : مفهوم نوشته کلمات در لغت . yazılı anlamı.

2)Mecaz anlamı.-Kelimenin kendi sözlük anlamından sıyrılarak başka bir kelime yerinde kullanılması.

۲ - مفهوم مجازی : استفاده مفهوم کلمه به غیر از مفهوم اصلی لغوی خود .

3) Terim anlamı.-Bir bilim ve sanat kavramını anlatan kelimeye terim denir.

۳ - مفهوم اصطلاحی: کلمه‌ای که برای درک مفهوم صنعت (هنر) و علم باشد اصطلاح نامیده می‌شود.

Bu üç anlamı bir kelimedeki görelim ve örnek olarak kök kelimesini ele alalım.

این سه مفهوم را در یک کلمه در نظر بگیریم. برای مثال از کلمه ریشه استفاده بکنیم.

1) Sözlük anlamı: "Bitkileri toprağa bağlayan, topraktaki besin maddelerini emmeye yarayan kısım:

۱ - مفهوم لغوی: ریشه قسمتی از گیاه را با خاک ارتباط داده و برای جذب مواد غذایی خاک بدر می‌خورد.

Her bitkinin bir kökü vardır. Köksüz bitki olur mu?

هر گیاه یک ریشه دارد. آیا گیاه بدون ریشه وجود دارد؟

2) Mecaz anlamı: Soy sop, temel, esas:

۲ - مفهوم مجازی: ریشه بمعنی اصل و نسب و پایه، اساس.

0 ailenin kökü belli değildir.

ریشه (اصل و نسب) آن خانواده معلوم نیست.

3) Terim anlamı:

۳ - مفهوم اصطلاحی:

a) Dilbilgisinde: Bütün ekleri atıldıktan sonra geriye kalan asıl kelime:

- بعد از حذف پسوندها کلمه‌ای که در آخر باقی می‌ماند یعنی کلمه اصلی در دستور زبان ریشه می‌باشد.

"Gözlükçü" kelimesinin kökü "göz"dür.

ریشه کلمه عینک فروش چشم می‌باشد.

"Başlatmak" mastarının kökü de "baş"tır.

ریشه کلمه وادار به شروع کردن "سر" می‌باشد.

b) Kimyada: Bilesimlerde basit cisim gibi iş gören madde.

- در شیمی: در ترکیبات ماده‌ای که کار جسم ساده را انجام می‌دهد.

c) Matematikte: Herhangi bir kuvvete yükseltilen bir sayının

aslı: – در ریاضیات یک عدد حقیقی را به هر توان رساندن :

2 Sayısı 8 sayısının üçüncü kuvveten köküdür.

عدد ۲ ریشه سوم عدد ۸ می باشد .

Bir de gruplaşmış birçok sözler vardır ki anlamları kendilerini kuran kelimelerden daha başka olur.

یکی هم حرفهای گروه شده وجود دارد که مفهوم آنها به غیر از مفهوم اصلی خود کلمه می باشد .

Bunlara Türkçede DEYİM adı verilir.

در ترکی به اینها اصطلاح می گویند .

Birkaç deyim örneği:

چند مثال از اصطلاح :

Ele avuca sığmaz:Çok yaramaz,çok hareketli.

به سه مفهوم ، خیلی شیطان (شلوغ) .

Yüz suyu dökmek:Onurunu sarsacak derecede yalvarmak.

التماس کردن در حد بی شخصیتی .

Ateş püskürmek:Pek öfkelenmek.

خیلی عصبانی شدن .

Eli uzun:Hırsız.

دزد

Yuzu ak,alın açık:Namuslu,sucu,ayıbı yok.

باشرف .

Ana baba günü:Mahşer gibi sıkıntılı,tehlikeli ve kalabalık bir zaman.

روز قیامت .

Konuşurken pek çok deyim kullanırız.

در موقع صحبت کردن از اصطلاح بسیاری استفاده می کنیم .

Deyimler dillerin çok değerli anlatım araçlarıdır.

درک بسیاری از زبانها بوسیله اصطلاحات می باشد .

İyi sözlükler bunların anlamlarını-birinci kelimelerinin açıklamalarında-verirler.

در لغت نامه کامل معنی اصطلاحات در تشریح کلمات اولی گنجانده شده است .

ALİŞTIRMALAR:

1)Şu deyimlerin anlamlarını bulunuz ve karşılıklarına yazınız:

Baş kaldırmak:

Bir dediğini iki etmemek:

Laf atmak:

Baş göz etmek:

Eteği düşük:

2)Aşağıdaki deyimleri birer cümlede kullanınız:

Eli bayraklı,ocağına incir dikmek,öne sürmek,yüz göz olmak,sağlam ayakkabı değil...

رنگها

معنی	تلفظ	لغت
رنگ	رنگ	Renk
چه رنگ	نه رنگ	Ne Renk(-tir)?
آبی	ماوی	Mavi
آبی روشن	آچئک ماوی	açık mavi
آبی تیره	گیوماوی	Koyu mavi
آبی آسمانی	گگ ماوی سی	Gök mavisi
آبی یخی	بوز ماوی سی	Buz mavisi
نیلی - رنگ لاجورد .	لاجیورت	Lacivert
بنفش	مُر	Mor
صورتی	پن به	Pembe
کبود روشن - رنگ بنفش	افلاطون	Eflatun
زرد	ساری	Sarı
زرد رنگ	ساری شئن	Sarışın
نارنجی کم رنگ	کاون ای چی	Kavun içi
نارنجی	تورون جو	Turuncu
پرتقالی	ارانژ	Oranj
سیاه	کارا	Kara
سیاه	سی یاه	Siyah
سفید	آک	Ak
سفید	بیاز	Beyaz
سیاهگونه	أسمر	Esmer
سبز	یشیل	Yeşil
کرمی کم رنگ	بژ	Bej
خاکستری	کول رنگی	Kulrengi
خاکستری	گری	Gri

معنی	تلفظ	لغت
خاکستری	کورشونی	Kurşunı
گندمی	بوغدای رنگی	Buğdayrengi
بلوطی	کستانه رنگی	Kestane rengi
قهوه‌ای	کاه‌و رنگی	Kahve rengi
کرمی	کرم رنگی	Krem rengi

ترکی	Sayılar	اعداد تلفظ	فارسی
0	Sıfır	سِفِیر	۰ صفر
1	Bir	بیر	۱ یک
2	iki	ایکی	۲ دو
3	Üç	اوج	۳ سه
4	Dört	دُرت	۴ چهار
5	Beş	بِش	۵ پنج
6	Altı	آلتی	۶ شش
7	Yedi	یدی	۷ هفت
8	Sekiz	سِکیز	۸ هشت
9	Dokuz	دُکوز	۹ نه
10	On	آن	۱۰ ده
20	Yirmi	یرمی	۲۰ بیست
30	Otuz	آتوز	۳۰ سی
40	Kırk	کِرک	۴۰ چهل
50	Elİi	الی	۵۰ پنجاه
60	Altmış	آلتمش	۶۰ شصت
70	Yetmiş	یتمیش	۷۰ هفتاد
80	Seksen	سِکسن	۸۰ هشتاد
90	Doksan	دُکسان	۹۰ نود
100	Yüz	یوز	۱۰۰ صد
200	İki yüz	ایکی یوز	۲۰۰ دویست
300	Üç yüz	اوج یوز	۳۰۰ سیصد
400	Dört yüz	دُرت یوز	۴۰۰ چهارصد

	لغت	تلفظ	معنی
500	Beş yúz	بش یوز	۵۰۰ پانصد
600	Altı yúz	آلتی یوز	۶۰۰ ششصد
700	Yedi yúz	یدی یوز	۷۰۰ هفتصد
800	Sekiz yúz	سکیز یوز	۸۰۰ هشتصد
900	Dokuz yúz	دکوز یوز	۹۰۰ نهصد
1000	bin	بین	۱۰۰۰ هزار
2000	ikibin	ایکی بین	۲۰۰۰ دوهزار
1000,000	Milyon	میلیون	۱۰ ^۶ میلیون

اسامی ماہہا Aylarin Adlari

تلفظ

1.Ocak	(مطابق ۱۰ دی تا ۱ بہمن)	اوجاق
2.Şubat	(مطابق ۱۱ بہمن تا ۱۸ اسفند)	شوبات
3.Mart	(مطابق ۱۹ اسفند تا ۱۱ فروردین)	مارت
4.Nisan	(مطابق ۱۲ فروردین تا ۱۰ اردیہبشت)	نیسان
5.Mayıs	(مطابق ۱۱ اردیہبشت تا ۱۰ خرداد)	ماہیش
6.Haziran	(مطابق ۱۱ خرداد تا ۹ تیر ماہ)	حازیران
7.Temmuz	(مطابق ۱۰ تیر تا ۹ مرداد)	تموز
8.Ağustos	(مطابق ۱۰ مرداد تا ۹ شہریور)	آگوستوس
9.Eylül	(مطابق ۱۰ شہریور تا ۸ مہر)	ایلول
10.Ekim	(مطابق ۹ مہر تا ۹ آبان)	اکیم
11.Kasım	(مطابق ۱۰ آبان تا ۹ آذر)	کاسیم
12.Aralık	(مطابق ۱۰ آذر تا ۱۰ دی ماہ)	آرالیک

لغت	(Haftanın günleri)	اسامی روزهای هفته	معنی
		تلفظ	
Pazar		پازار	یکشنبه
Pazartesi		پازارتسی	دوشنبه
Salı		سالی	سه‌شنبه
Çarşamba		چارشامبا	چهارشنبه
Perşemba		پرشمبا	پنجشنبه
Cuma		جوما	جمعه
Cumartesi		جومارتسی	شنبه

خلاصه دستور زبان ترکی

حرف مثبت زمان حال ساده:

از مصدر Almak حرف صرف می شود.

(مفرد)

(جمع)

<u>Tekil</u>	<u>Çoğul</u>
Alırım	Alırsınız
Alırsın	Alırsınız
Alır	Alırlar

صرف منفی زمان حال ساده: منفی (olumsuz): (ma)

<u>Tekil</u>	<u>Çoğul</u>
Al-ma-m	Alma-y-ı-z
Almaz-sın	Almaz-sınız
Almaz	Almazlar

صرف سئوالی زمان حال ساده: سئوالی (soru): با (mi)

<u>Tekil</u>	<u>Çoğul</u>
Alır-mı-y-ım?	Alırmı-y-ı-z?
Alır-mı-sın?	Alırmı-sınız?
Alırmı?	Alırlarmı?

صرف سئوالی و منفی زمان حال ساده: سئوالی منفی (olumsuz soru)

<u>Tekil</u>	<u>Çoğul</u>
Almam mı?	Almazmıyız?
Almaz mısın?	Almazmısınız?
Almaz mı?	Almazlarmı?

صرف زمان گذشته ساده: (geçmiş zaman) گذشته با (di) مثبت (olumlu) از مصدر okumak صرف می شود.

<u>Tekil</u>	<u>Coğul</u>
Oku-du-m	Oku-du-k

Oku-du-n

Oku-du-nuz

Oku-du

Oku-du-lar

صرف منفی زمان گذشته ساده با -di :

TekilÇoğul

Oku-ma-dım

Oku-ma-dık

Oku-ma-dın

Oku-ma-dınız

Oku-ma-dı

Oku-ma-dılar

حذف سئوالی زمان گذشته ساده با -mu :

TekilÇoğul

Oku-dum-mu?

Oku-duk-mu?

Oku-dun-mu?

Oku-dunuz-mu?

Oku-du-mu?

Oku-du-larmu(mi)?

صرف سئوالی و منفی زمان گذشته ساده :

TekilÇoğul

Oku-ma-dım mı?

Oku-madık mı?

Oku-ma-dın mı?

Oku-madınız mı?

Oku-madı mı?

Oku-madılar mı?

صرف مثبت زمان گذشته یا ماضی سبی (geçmişkipi) گذشته با -muş :

از مصدر görmek صرف می شود .

TekilÇoğul

görmüşüm

görmüşüz

görmüş-sün

görmüş-ünüz

görmüş

görmüş-ler

صرف منفی زمان ماضی نقلی :

TekilÇoğul

görmemişim

görmemişiz

görmemişsin

görmemişsiniz

görmemiş

görmemişler

صرف سئوالی زمان ماضی نقلی :

Tekil

Çoğul

görmüşmi-y-im?

görmüşmi-y-iz?

görmüşmisin?

görmüşmisisiniz?

görmüşmi?

görmüşlermi?

حذف سئوالی و منفی زمان ماضی نقلی :

Tekil

Çoğul

görmemişmi-y-im?

görmemiş-mi-y-iz?

görmemişmisin?

görmemişmisisiniz?

görmemişimi?

görmemişlermi?

صرف مثبت زمان آینده: (Gelecek Zaman)

استعمال می شود. با مصدر

که علامت آن acak – بعد از حروف a, I, o, u

Tekil

Çoğul

yazmak صرف می شود.

yaz-acağ-ım

yazacağ-ız

yaz-acak-sın

yazacak-sınız

yaz-acak

yazacak-lar

صرف منفی زمان آینده :

Tekil

Çoğul

yaz-mı-y-acağım

yazmı-y-acağ-ız

yazmı-y-acaksın

yazmı-y-acaksınız

yazmı-y-acak

yazmı-y-acak-lar

صرف سئوالی زمان آینده :

Tekil

Çoğul

yazacak mı-y-ım?

yazacak mıyız?

yazacak mısın?

yazacak mısınız?

yazacak mı?

Tekil

yazmıyacak mıyım?

yazmıyacak mısın?

yazmıyacak mı?

Tekil

geleceğim

geleceksin

gelecek

Tekil

gel-mi-y-eceğim

gelmi-y-eceksin

gelmi-y-ecek

Tekil

gel-ecekmiyim?

gelecek misin?

gelecekmi?

Tekil

gelmi-y-ecekmiyim?

gelmiyecekmisin?

yazacaklarmı?

Çoğul

yazmıyacak mıyız?

yazmıyacak mısınız?

yazmıyacaklarmı?

صرف مثبت زمان آینده: (Gelecek zaman)

بعد از حرفهای ü, ö, i, e (-ecek) آورده می شود

مثال از مصدر (gelmek) صرف می شود.

Çoğul

geleceğiz

gelecek-siniz

gelecekler

صرف منفی زمان آینده:

Çoğul

gelmi-y-eceğiz

gelmiyeceksiniz

gelmiyecekler

صرف سئوالی زمان آینده:

Çoğul

gelecekmiyiz?

gelecekmisiniz?

geleceklermi?

صرف سئوالی و منفی زمان آینده:

Çoğul

gelmiy-ecek miyiz?

gelmiyecekmisiniz?

gelmiyecek mi?

gelmiyeceklermi?

پسوند "درحالیکه" (-iken)-ken)

پسوند غیرقابل تغییر - کن - ken - که بصورت مستقل ایکن نوشته می شود مفهوم در حالیکه می دهد ، هر دو شکل بعد از پایه زمان بسیط بکثرت مورد استعمال قرار می گیرد .

Pazara gider iken(giderken)Aliyi gördüm:

درحالیکه به بازار می رفتم علی را دیدم .

پسوند ار - آر - er, ar - که بعد از حروف باصدا بصورت شر - شار - Şar/-Şer - درمی آیند معنی "بهریک" می دهند :

Arkadaşlara Birer elma verdim

بهریک از دوستان یک سیب دادم .

Onlara altışar Rial verdim.

به هریک از آنها شش ریال دادم .

زمان حال استمراری(Simdiki Zaman) از مصدر okumak

حذف فعل بصورت مثبت :

Tekil

Çoğul

oku-yor-um

oku-yor-uz

oku-yor-sun

oku-yor-sunuz

oku-yor

oku-yor-lar

منفی

Tekil

Çoğul

oku-mu-yor-um

oku-mu-yor-uz

oku-mu-yor-sun

oku-mu-yor-sunuz

oku-mu-yor

oku-mu-yor-lar

سئوالی

Tekil

Çoğul

oku-yor-mu-yum?

oku-yor-mu-y-uz?

oku-yor-mu-sun?

oku-yor-mu?

oku-yor-mu-sunuz?

oku-yor-lar mı?

سئوالی و منفی

Tekil

Çoğul

oku-mu-yor-mu-y-um?

oku-mu-yor-mu-y-uz?

oku-mu-yor-mu-sun?

oku-mu-yor-mu-sunuz?

oku-mu-yor-mu?

oku-mu-yor-lar mı?

زمان ماضی بعید :

Tekil

Çoğul

gitmiştim

gitmiştik

gitmiştin

gitmiştiniz

gitmişti

gitmiştiler(gitmişlerdi)

منفی :

Tekil

Çoğul

gitme-miştim

gitmemiştik

gitmemiştin

gitmemiştiniz

gitmemiшти

gitmemişlerdi

سئوالی :

Tekil

Çoğul

gitmiştimmi?

gitmiştikmi?

gitmiştinmi?

gitmiştinizmi?

gitmiştimmi?

gitmişlerdimi?

(gitmiştilermi?)

سئوالی و منفی :

Tekil

Çoğul

git-me-miştim mi?

gitmemiştik mi?

gitme-miştinmi? gitmemiştinizmi?
 gitme-mişti mi? gitmiştilermi?
 یک نوع دیگر ماضی بعید وجود دارد که بدو طریق با گذشته
 ساخته می شود ولی خیلی کم استعمال دارد .

gittiyDim(gitti iDim) رفته بودم
 gittiyDin(gitti iDin) رفته بودی
 gittiyDi (gitti iDi) رفته بود
 gittiyDik(gitti iDik) رفته بودیم
 gittiyDiniz(gitti iDiniz) رفته بودید
 gittiyDiler(gitti iDiler) رفته بودند

نوع دیگر:

gittimDi(gittim iDi) رفته بودم
 gittinDi(gittin iDi) رفته بودی
 gittiyDi(gitti iDi) رفته بود
 gittikti(gittik iDi) رفته بودیم
 gittiNiZDi(gittiniz iDi) رفته بودید
 gittilerDi(gittiler iDi) رفته بودند

زمان گذشته استمراری .

Tekil

Çoğul

geliyordum
 geliyordun
 geliyordu

geliyorduk
 geliyordunuz
 geliyordular
 (geliyorlardı)

منفی

Tekil

Çoğul

gelmiyordum
 gelmiyordun

gelmiyorduk
 gelmiyordunuz

gelmiyordu

gelmiyorlardı

سئوالی

TekilÇoğul

geliyormuydum?

geliyormuyduk?

geliyormuydun?

geliyormuydunuz?

geliyormuydu?

geliyor dularmı?

سئوالی و منفی

TekilÇoğul

gelmiyormuydum?

gelmiyormuyduk?

gelmiyormuydun?

gelmiyormuydunuz?

gelmiyormuydu?

gelmiyordularmı?

فعل امر (Emir Kipi) مثبت: از مصدر okumak

TekilÇoğul

oku

oku-y-un(-uz)

oku-sun

oku-sunlar

منفی:

TekilÇoğul

okuma

oku-ma-y-ın(-ız)

oku-masın

oku-ma-sın-lar

سئوالی و منفی:

TekilÇoğul

oku-ma-sın-mı?

oku-ma-sın-larmı?

yeterli lik Fiili: قادر به انجام دادن کاری بودن :

صرف این فعل در زمان حال ساده بصورت مثبت و منفی

yeterlilik(-e bilmek) bileşik Fiiliyle geniş zaman:

gel-mek: gel-e-bilmek gel-e-me-mek

gel-e-bilirim gel-e-me-m

git-mek: gid-e-bil-mek gide-me-mek

gid-e-bil-ir-im gide-me-m

gir-mek: gir-e-bil-mek gir-e-me-mek

gir-e-bil-ir-im gir-e-me-m

oku-mak: oku-y-a-bilmek oku-y-a-ma-mak

oku-ya-bilir-im oku-y-a-ma-m

Demek: di-y-e-bil-mek diy-e-me-mek

di-ye-bilirim diye-mem

این فعل در حالت احتمالی چیزی نیز استعمال می شود : مثال :

Bu duvar yıkılabilir.

این دیوار ممکن است که خراب شود .

این فعل بصورت کسب اجازه محترمانه نیز استعمال دارد مثال :

Sigara-içebilir miyim?

می توانم سیگار بکشم ؟

وجه شرطی و آرزو Şart Dilek از مصدر gelmek با

tekil

çoğul

gelsem

gelsek

gelsen

gelseniz

gelse

gelseler

منفی :

Tekil	Çoğul
_____	_____
gelme-sem	gelmesek
gelmesen	gelmeseniz
gelmese	gelmeseler

سئوالی :

Tekil	Çoğul
_____	_____
gelsem mi?	gelsek mi?
gelsen mi?	gelsenizmi?
gelse mi?	gelseler mi?

سئوالی و منفی :

Tekil	Çoğul
_____	_____
gelmesemmi?	gelmesek mi?
gelmesen mi?	gelmesenizmi?
gelmese mi?	gelmeseler mi?

وجه آرزویا Dilek با a/el استعمال دارد .

علامت منفی همیشه بعد از ریشه فعل می آید و آنرا منفی می کند علامت سئوالی در این زمان بعد از ضمائر شخصی آمده و آنرا سئوالی می کند .

Tekil	Çoğul
_____	_____
geleyim	gelelim
gelesin	gelesiniz
gele	geleler

بعضی از عبارات شرطی که استعمال زیاد دارند عبارتند از:

ise	اگر باشد - اما - اگر	ایسه
Ne ise	بهرحال	نه ایسه

Nerede ise	ن زده ای س	زود
Öyleyse (öyle ise)	اگر چنان است - در آن صورت ای لسه ای سه	
Zannedersem	زان ادر سم	حدس می زسم
Herne isterse	هر نه ای س تر سه	هر چه دلش خواست
Ne olursa olsun	بگذار هراتفاقی می افتد بیفتد نه الورسا السون	
		صرف زمان آینده در گذشته:

Tekil

Çoğul

yazacaktım

yazacaktık

yazacaktın

yazacaktınız

yazacaktı

yazacaktılar

صرف منفی:

Tekil

Çoğul

yazmıyacaktım

yazmıyacaktık

yazmıyacaktın

yazmıyacaktınız

yazmıyacaktı

yazmıyacaktılar

صرف سئوالی:

Tekil

Çoğul

yazacaktım mı?

yazacaktık mı?

yazacaktın mı?

yazacaktınız mı?

yazacaktı mı?

yazacaktılar mı?

صرف سئوالی و منفی:

Tekil

Çoğul

yazmıyacaktım mı?

yazmıyacaktık mı?

yazmıyacaktın mı?

yazmıyacaktınız mı?

yazmıyacaktı mı?

yazmıyacaktılar mı?

وجه اجبار kipi علامت آن mali-meli که با همصدایی تغییر میکند. از

Tekil	Çoğul
öğrenmeliyim	öğrenmeliyiz
öğrenmelisin	öğrenmelisiniz
öğrenmeli	öğrenmeliler

منفی

Tekil	Çoğul
öğrenmemeliyim	öğrenmemeliyiz
öğrenmelisin	öğrenmemelisiniz
öğrenmemeli	öğrenmemeliler

ادات اجبار و یا وجه الزامی با کلمات (gerek) معنی باید و لازم (Lazım) مفهوم اجبار را می‌رساند mali – و meli – نیز مفهوم اجبار را می‌رساند.

iyi düşünmek gerek . . . بایستی خوب فکر کرد.

iyi düşün-mem Lazım . . . لازم است خوب فکر کنم.

پسوندهای Maden – و (-Meden) بدون اینکه، قبل از اینکه معنی می‌دهد.

Size sormadan kitabınızı almıştım.

بدون اینکه از شما بپرسم کتابتان را برداشته بودم.

پسوند (-Dikten/Sonra)

(بعد از اینکه – از زمانیکه) پسوندی است که به آخر فعل می‌دهد و مفهوم‌های فوق را

می‌دهد. پسوندهای زیر نیز دارای مفهوم فوق می‌باشند.

-Eli, -EliBer, -elidenberi (مفهوم (از زمانیکه)

مثال:

Buraya geldim geleli... . . . از وقتیکه به اینجا آمدم . . .

مثال دیگر:

Oraya vardınız varalı... . . . از زمانیکه آنجا وارد شده‌اید.

پسوند "Siz"

پسوند SİZ سیز معنی بدون می‌دهد.

مثال: Sonsuz سون سوز یعنی بی‌نهایت

Parasız پاراسیز " بی پول

Sessiz سس سیز " بی صدا

KARDEŞİM var(dır)

کلمه var بمعنی وجود دارد مثال:

من برادر دارم .

Bende parayok

کلمه yok (وجود ندارد) مثال:

در من پول نیست .

پسوند ici

حرکت و کنشی را نشان می دهد که قبل از فعل اصلی انجام یافته است فاعل آن با فعل اصلی ممکن است فرق داشته باشد .

Bahar gelince çiçekler açar. با آمدن بهار گلها باز می شود .

پسوند -inceye kadar - معنی تا می دهد . مثال:

Postacı gelinceye kadar bekledik تا آمدن پستیچی منتظر شدیم .

پسوند Dikçe

این پسوند معنی (هروقت که ... در زمانیکه ... می باشد) .

insan yaşadıkça bilgisi artar.

با گذشت عمر معلومات انسان زیاد می شود .

پسوند Mektense

مفهوم بجای اینکه ... بهتر است ... را می دهد .

Sinemaya gitmektense burada olurup konuşalım

بجای اینکه به سینما برویم بهتر است در اینجا بنشینیم و صحبت بکنیم .

پسوند çe,cü,cu,cı,çi,ci اقدام مکرر بکاری و یا اشتغال بحرفه ای - انتساب

بمسلكی را نشان می دهد :

Kapı در

Kapıcı دربان

Kitap کتاب

Kitapçı کتابفروش

yol راه

yołcu مسافر

Milliyet ملیت

Milliyet-çi ملی گرا

پسونده EREK -

حرکت و کنشی را نشان می‌دهد که همراه فعل اصلی و یا کمی قبل از آن انجام می‌یابد. با وجود اینکه نمی‌خواست رفت.

istemiyerek gitti.

istanbula ilk defa olarak 1971 de gittim.

برای اولین دفعه در سال ۱۹۷۱ به استانبول رفتم.

پسونده İCİ (Y) -

با افزودن این پسوند بریشه افعال عادت و یا اشتغال بحرکت و کنش را نشان می‌دهد.

Dinlemek شنونده گوش دادن - شنیدن Dinleyici

Okumak خواننده خواندن Okuyucu

Sayın dinleyiciler مثال: شنندگان محترم

پسونده مثل اینکه (Cesine -)

معمولا " با وجوه وصفی بکار می‌رود.

Vakayı Kendi gözleriyle görmüşcesine anlattı.

وقایع را مثل اینکه خودش دیده شرح داد.

پسونده ESİ -

این پسوند در ترکی باستانی بسر ریشه فعل آمده و معنی زمان آئنده می‌داد فعلا " فقط

در لعن و نفرین و بعضا همراه (- جه / - جا CA / - CE) بکار می‌رود:

Kor olası(CA)! چشمانش کورباد

پسونده - داش (DAŞ -)

این پسوند معنی پیشوند فارسی (هم -) را می‌دهد:

yoldaş (همراه - رفیق) یولداش

kardeş (برادر - خواهر) کاردش

ARKADAŞ (دوست) آرکاداش

پسوندهای فعل ساز

پسوندهای زیر بسر کلماتی غیر از فعل آمده و فعل می سازد .

göz	چشم	göz-lemek	منتظر بودن	(LEMEK)	۱ - لِمک
				(-LAMAK)	
Ev	خانه	Ev-LENMEK	ازدواج کردن	(-LENMEK)	۲ -
				(-LANMAK)	
Bir	یک	Bir-LEŞMEK	متحد شدن	(-LEŞMEK)	۳ -
				(-LAŞMAK)	
KALIN	ضخیم	KALIN-LAŞMAK	شدن ضخیم	(-E)LEMEK	۴ -
Doğru	راست	Doğrulemek	راست شدن		
Çok	زیاد	Çoğ-almak	زیاد شدن		

پسوندهای ملکی و تغییرات آنها در جدول

				بعد از حروف	
O U	Ü Ö	I A	I E		
-(Y)UM	-(Y)ÜM	-(Y)IM	-(Y)IM	من هستم	
-SUN	-SÜN	-SIN	-SİN	تو هستی	
-DUR	-DÜR	-DIR	-DİR	او هست	
				بعد از حرف	
U O	Ü Ö	i A	I E		
-(Y)UZ	-(Y)ÜZ	-(Y)IZ	-(Y)iZ	ما هستیم	
-SUNUZ	-SÜNÜZ	-SINIZ	-SiNiS	شما هستید	
-DUR(LAR)	-DÜR(LER)	-DIR(LAR)	-DiR(LER)	آنها هستند	

۶ - ضمائر شخصی

ضمائر شخصی عبارتند از:

تلفظ	معنی	لغت
بَن	من	BEN
سَن	تو	SEN
اُو	او، آن	O
بی‌ز	ما	BiZ
سِیز	شما	SiZ
اُونلار	ایشان	ONLAR

حالت تاثیر یا مفعول مستقیم:

تلفظ	معنی	لغت
بَنی	مرا	BENi
سَنی	ترا	SENi
اُو	او را	ONU
بی‌زی	ما را	BiZi
سِیزی	شما را	SiZi
اُونلاری	آنها را	ONLARI

حالت اضافه =

تلفظ	معنی	لغت
بَنیم	مال من	BENim
سَنین	مال تو	SENin
اُون	مال او	ONUN
بی‌زیم	مال ما	BiZim
سِیزین	مال شما	SiZin
اُونلارین	مال آنها	ONLARIN

حالت گرایش یا مفعول غیرمستقیم :

لغت	معنی	تلفظ
BANA	بمن	بانا
SANA	بتو	سانا
ONA	باو	آنا
BİZE	بما	بیزه
SİZE	بشما	سیز
ONLARA	بآنها	اونلارا

حالت انفکاک			حالت موجودیت		
BENDEN	از من	بندن	BENDE	در من	بندّه
SENDEN	از تو	سندن	SENDE	در تو	سندّه
ONDAN	از او	آندان	ONDA	در او	آندا
BİZDEN	از ما	بیزدن	BİZDE	در ما	بیزدّه
SİZDEN	از شما	سیزدن	SİZDE	در شما	سیزدّه
ONLARDAN	از آنها	اونلاردان	ONLARDA	در آنها	اونلاردّا

تغییرات dir در جدول

Son hecede	a,ı	e,i	o,u	ö,ü
Son harf yumuşak	-dır	-dir	-dur	-dür
Son harf,sert	-tır	-tir	-tur	-tür

ترجمہ کتاب :
Türkçe Öğreniyorum



۲۵۰۰ روپياں